اطلاعات

چهارشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۵ – ۵ رجب ۱۴۳۷ – ۱۳ آوریل ۲۰۱۶ – سال نودم – شماره ۲۶۴۱۴ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – استان های تهران و البرز ۵۰۰ تومان – سایر استان ها ۳۰۰ تومان

وزیر علوم: مرکز تحقیقات بین المللی مغز و اعصاب راه‌اندازی می‌شود

* دکتر فرهادی وزیر علوم: این مرکز تحقیقاتی در زمینه مهندسی پزشکی، علوم زیستی و طبیعی فعالیت می‌کند
* پروفسور سمیعی: ما می‌خواهیم بهترین مغزها را در حوزه علوم اعصاب تربیت کنیم

صفحه ۳

«فتحی زیدان» مسئول امنیتی جنبش فتح فلسطین در لبنان ترور شد

* این مسئول امنیتی جنبش فتح در انفجار خودرو بمبگذاری شده در اردوگاه عین الحلوه لبنان کشته شد
* مردم ایرلند خرید کالاهای اسرائیلی را تحریم کردند

صفحه ۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخست‌وزیر ایتالیا:

نگاه ایران به ایتالیا مثبت است

مشکل رفت‌وآمدهای اروپایی‌ها محسوس نبودن نتایج مذاکرات است

* نگاه ما در همکاری با ایتالیا، نگاهی متفاوت و مثبت است و امیدواریم این سفر نیز در جهت تقویت همین دیدگاه باشد
* رفتار ایتالیا در دوران اِعمال تحریمهای تحمیلی علیه ایران منطقی‌تر از برخی کشورهای غربی بود
* جمهوری اسلامی از پیشرفت روابط با ایتالیا در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در بخش همکاریهای اقتصادی استقبال می‌کند
* بعضی دولتها و شرکتهای اروپایی در رفت‌وآمد به ایران و مذاکره هستند اما محصول این مذاکرات تاکنون محسوس نبوده است
* آمریکا در اجرای تعهدات خود در مذاکرات هسته‌ای آنچنان که باید، عمل نمی‌کند و طرفهای مقابل را از همکاری با ایران می‌ترساند
* تعدادی از کشورهای اروپایی از بعضی گروههای خشن تروریستی تا مدتها حمایت می‌کردند و امروز موج خطرناک و فراگیر تروریسم به اروپا نیز رسیده است
* اخبار مستند و دقیقی از کمکهای آمریکا به داعش و برخی گروههای تروریستی دیگر وجود دارد
* نخست وزیر ایتالیا: با توافق هسته ای باید تحریمها علیه ایران برداشته شود و ما مصمم هستیم بر طبق قولی که داده‌ایم، عمل کنیم
* ریشه‌کنی داعش برای ما در اولویت قرار دارد و خرسندیم که در این زمینه نظرات مشترکی با ایران داریم

صفحه ۲





ایران و ایتالیا ۶ یادداشت تفاهم و موافقتنامه همکاری امضا کردند

* یادداشت تفاهم‌ها در زمینه‌های فرهنگی و گردشگری، صنعتی، انرژی، فرودگاهی صنایع خودروسازی و... است
* رئیس جمهوری امضای ۳۶ سند همکاری میان ایران و ایتالیا در سه ماه اخیر را بیانگر اراده مستحکم دو کشور برای توسعه همکاری‌ها و روابط خواند
* سفر نخست وزیر ایتالیا به تهران، آغاز حرکت و توسعه روابط تهران-رم در زمینه‌های مختلف است
* «متئو رنتزی» نخست وزیر ایتالیا: رم می‌تواند راهگشای دور جدید روابط ایران با اتحادیه اروپا باشد
* بدون حضور ایران برقراری صلح و ثبات در منطقه امکان ندارد

صفحه ۲

در مراسم اختتامیه هفته هنر انقلاب اسلامی در حوزه هنری

مجید مجیدی چهره سال هنر انقلاب شد

* تندیس چهره سال هنر انقلاب به دلیل ساخت و اکران موفق فیلم تاریخی محمدرسول‌الله (ص) با مضمون دینی و نمایش موفق آن در جهان اسلام به مجید مجیدی تعلق گرفت
* مجید مجیدی: من خود را شایسته این تجلیل نمی دانم و معتقدم هنرمندان واقعی در این عرصه شهدا بودند
* رضا میرکریمی: من به رفاقت با مجید مجیدی افتخار می کنم

صفحه ۳

آغاز رزمایش پیامبر اعظم (ص) در جنوب شرق کشور

* در اجرای این رزمایش سه روزه، تیپ‌ها و لشکرهای مختلف وابسته به نیروی زمینی سپاه سازماندهی شده‌اند

صفحه ۱۳

محک

خوش بود گر محک تجربه آید بمیان

ابوالقاسم قاسم‌زاده

دور دیگری از مذاکره صلح در ژنو!

صفحه ۲

یادداشت

زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم آیت‌الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی

دکتر مهدی محقّق

صفحه ۳

یادداشت

ضرورت ایجاد مراکز تحقیق و توسعه

دکتر فتح‌الله مضطرزاده

صفحه ۴



گزارش

چالش‌های جامعه‌شناسی در ایران

صفحه ۵

ایران شناسی

ارزش والای شاهنامه

دکتر محمد امین ریاحی

صفحه ۶



اقتصادی

رونق صادرات غیرنفتی نیازمند تحول اساسی

صفحه ۷





ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

محک
خوش بود گر محک تجربه آید میان
ابوالقاسم قاسم‌زاده

دور دیگری از مذاکره صلح در ژنو!

استفان دی میستورا، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل برای حل سیاسی بحران سوریه بعد از دیدار با بشار اسد در دمشق اعلام کرد که امروز دور دیگری از گفتگوهای دو طرف سوری، (دولت و مخالفین) در ژنو انجام می‌پذیرد. از بحران و جنگ سوریه بیش از ۵ سال گذشته است و در سال ششم با توافق مسکو ـ واشنگتن مذاکره برای صلح در دستور کار قرار گرفته است. ابتدا آتش‌بسی شکننده اعلام شد و از آغاز به‌طور رسمی دو گروه داعش و النصره سازمان‌های تروریستی خوانده شده‌اند که به‌جای مذاکره کردن با آنها باید نابود گردند. اما در همین مرحله که همه کشورها اعلام می‌کنند بحران سوریه راه‌حل نظامی ندارد، همچنان حمایت مالی و تسلیحاتی از داعش و النصره ادامه دارد. دولت ترکیه همچنان مسیر فروش نفت از سوی داعش را مسدود نکرده است و دولتِ سعودی، بر خلاف نظر رسمی آمریکا که سقوط فوری بشار اسد را فعلا از دستور کار خارج کرده و وزرای خارجه دو کشور روسیه و آمریکا آینده سیاسی و دولت سوریه را منوط به رأی مردم این کشور دانسته‌اند، همچنان فوریت سقوط بشار اسد از طریق نظامی را خواهان است. ریاض هر گونه گفتگو با دولت بشار اسد را رد می‌کند. بحران سوریه دیگر بحران محدود داخلی نیست که فراتر از کشورهای منطقه و همسایگان آن از ترکیه، عراق، اردن و لبنان با ظهور و بروز بحران آوارگان مشکل عمده کشورهای اروپایی نیز شده است.

بسیاری از محافل سیاسی بر این باورند که هرگونه تحول مثبت در خاورمیانه به پایان بخشیدن به بیش از پنج سال جنگ ویرانگر در سوریه اتصال پیدا کرده است. جنگی که هنوز آمار دقیق و رسمی از کشته‌شدگان، مجروحین و آوارگان آن در دسترس نیست و سازمان ملل بیش از ۴۰۰ هزار نفر کشته و دو برابر این عدد مجروح و معلول جنگی و نزدیک به ۷میلیون نفر آواره جنگی را تخمین می‌زند. این جنگ بسیاری از ساختارهای اصلی کشور را ویران و از سوریه کشوری جنگ‌زده ساخته است.

در این مرحله بشاراسد هم از نظر سیاسی و هم از جایگاه میدانی جنگ، دست برتر دارد. از نظر سیاسی آمادگی خود را برای شرکت در مذاکره سیاسی و پذیرش آتش‌بس از طریق سازمان ملل اعلام کرده است. در حالیکه همزمان می‌خواهد انتخابات پارلمانی را در کشور انجام دهد، تا با تشکیل مجلس جدید سوریه قانون اساسی جدید تدوین گردد. در صحنه بین‌المللی اغلب دولت‌ها، بخصوص در اروپا دریافته‌اند فعلا بشار اسد آلترناتیو یا جایگزین مورد قبول ندارد. حتی بعد از توافق مذاکره سیاسی بدون بشار اسد، سوریه وارد هرج و مرج جدید همانگونه که امروز کشور لیبی دچار آن شده است، خواهد شد. بحران دیگری که هیچ قدرتی قادر به کنترل آن نخواهد بود.

اما از نظر نظامی، ارتش سوریه و نیروهای مردمی آن موفق شده‌اند تا از رخوت یکسال گذشته عبور کنند و مرحله به مرحله مناطق تحت اشغال گروههای تروریستی و معارضین مسلح را آزاد سازند. عقب‌نشینی و شکست گروه‌های مسلح، بخصوص دو تشکل تروریستی عمده داعش و النصره در صحنه جنگ، اخبار روز رسانه‌ها از سوریه شده است. جالب توجه اینست که موفقیت‌های میدانی و نظامی در سوریه را رسانه‌های غربی، بخصوص اروپایی، گزارش نمایش قدرت از سوی بشار اسد معرفی و تبلیغ می‌کنند! تحلیلگران سیاسی در کشورهای غربی نوشته‌اند، حمایت نظامی ـ سیاسی روسیه و ایران از بشار اسد موفق شده است تا دستیابی به هرگونه راه حل سیاسی بحران سوریه با پذیرش بشار اسد را پذیرفتنی کند. در چنین ارزیابی از بحران سوریه، دو قدرت تعیین‌کننده روسیه و آمریکا توافق کرده‌اند تا هر چه سریعتر آتش‌بس فراگیر چنان در سوریه اجرا گردد که هر دو طرف به مذاکره مستقیم بیایند و از مسیر آتش‌بس به راه حل سیاسی برای پایان بخشیدن به بحرانی که وارد سال ششم شده است و سراسر خاورمیانه را به آشفتگی کشیده دست پیدا کنند. فاجعه انسانی آوارگان جنگی سوریه موضوع روز دولت‌های اروپایی و دستور کار فوری اتحادیه اروپا شده است. ورود تروریسم آشکار در چند کشور اروپایی زنگ خطر را برای غرب (اروپا و آمریکا) به صدا در آورده است و تهدید امنیتی موضوع روز در غرب شده است. سرویس‌های امنیتی در آمریکا و اتحادیه اروپا هشدار داده‌اند که داعش موفق شده است ارتش پنهان تروریستی را در کشورهای غرب سازماندهی کند. مسئولین امنیتی اتحادیه اروپا بعد از انفجارها و عملیات انتحاری در فرانسه و بلژیک خبر از ۵۰۰۰ نفر از جوانان اروپایی دادند که به عضویت داعش درآمده‌اند!

با نگاه به جریان گسترده بحران در سراسر خاورمیانه است که اوباما رئیس جمهوری آمریکا در سخنرانی خود گفت، حتی اگر بحران جنگ در سوریه پایان یابد، خاورمیانه همچنان تا ۵ سال آینده گرفتار شبکه‌های بزرگ تروریسم باقی خواهد ماند.

کشورهای خاورمیانه سه شاخص ویرانگر پیدا کرده‌اند.
۱ـ اغلب دولت‌های مستقر دچار فساد پیچیده و گسترده‌اند
۲ـ اغلب این دولت‌ها، وجاهت مردمی ندارند
۳ـ مردم با دولت‌های خود تنافر دارند و دولت‌ها در کشورهای مسلمان یا با یکدیگر تضاد منافع و یا چنان تنافر تهدیدآمیز پیدا کرده‌اند که سهم بزرگی از ثروت ملی خود را در مسابقه خرید تسلیحاتی هزینه می‌کنند در حالی که فقرزدگی جامعه در این کشورها آشکار و فراگیر شده است.

دور دیگر از مذاکره سیاسی برای پایان بخشیدن به بحران سوریه اگرچه گام لنگان لنگان برای نجات سوریه خوانده می‌شود، اما در نگاه به خاورمیانه بحران‌زده، هنوز روزنه دستیابی به صلح و ثبات دیده نمی‌شود.

رهبر معظم انقلاب: نگاه ایران به ایتالیا مثبت است

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر دیروز در دیدار آقای «متئو رنتزی» نخست‌وزیر ایتالیا با اشاره به روابط خوب دو کشور در گذشته و استقبال از افزایش همکاریها، مشکل و ضعف رفت‌وآمدهای اخیر هیئت‌های اروپایی به ایران را محسوس نبودن نتایج عملی مذاکرات خواندند و خاطرنشان کردند: حضرت آیت الله خامنه‌ای رفتار ایتالیا را در دوران اِعمال تحریمهای تحمیلی علیه ایران، مَنطقی‌تر از برخی کشورهای غربی برشمردند و گفتند: جمهوری اسلامی از پیشرفت روابط با ایتالیا در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در بخش همکاریهای اقتصادی استقبال می‌کند.

رهبر انقلاب، مسئله مهم در رفت‌وآمد و مذاکرات خارجی را عملیاتی و اجرایی شدن توافقات خواندند و خاطرنشان کردند: بعضی دولتها و شرکتهای اروپایی در رفت‌وآمد به ایران و مذاکره هستند اما محصول این مذاکرات تاکنون محسوس نبوده است!

رهبر انقلاب افزودند: عده‌ای تقصیر این مسئله را به گردن امریکاییها می‌اندازند که با توجه به سابقه و رفتار آنها این ارزیابی قابل قبول به نظر می‌رسد، همچنان که اکنون نیز در اجرای تعهدات خود در مذاکرات هسته‌ای آنچنان که باید، عمل نمی‌کنند و با اظهارات و اقداماتشان، طرفهای مقابل را از همکاری با ایران می‌ترسانند.

رهبر انقلاب، با اشاره به اولین سفر اروپایی آقای روحانی رئیس‌جمهور کشورمان به ایتالیا، نگاه ایران به ایتالیا را نگاهی مثبت و خوش‌بینانه خواندند و افزودند: البته ما این نگاه مثبت را به برخی کشورهای اروپایی نداریم، زیرا نگاه آنها فقط به امریکاست تا طبق دیکته او عمل کنند.

ایشان مبارزه با تروریسم را موضوع دیگری در همکاریهای دو کشور دانستند و گفتند: تعدادی از کشورهای اروپایی از بعضی گروههای خشن تروریستی تا مدتها حمایت می‌کردند و امروز موج خطرناک و فراگیر تروریسم به اروپا نیز رسیده‌است. حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای کمکهای مالی و تسلیحاتی امریکا به گروههای تروریستی را از موانع حل مسئله تروریسم برشمردند و افزودند: اخبار مستند و دقیقی از کمکهای امریکا به داعش و برخی گروههای تروریستی دیگر وجود دارد و همین حالا هم که ائتلاف ضد داعش تشکیل داده‌اند، برخی دستگاههای امریکایی به‌شکل دیگری در حال کمک به داعش هستند.

رهبر انقلاب با تأیید اظهارات نخست‌وزیر ایتالیا در خصوص «مبارزه فرهنگی با تروریسم در کنار مبارزه نظامی و مالی» خاطرنشان کردند: دستگاههای عظیم تبلیغاتی در دنیا که تحت سلطه سیاستمداران غربی هستند، به بهانه اقدامات عده‌ای شرور و تروریست، اسلام ستیزی به راه می‌اندازند و توطئه‌های پشت پرده سیاسی، کار را در مبارزه فرهنگی مشکل می‌کند.

در این دیدار که آقای روحانی رئیس جمهور نیز حضور داشت، آقای «متئو رنتزی» نخست وزیر ایتالیا گفت: در ملاقاتهای امروز درباره مسائل مهمی به‌ویژه موضوعات اقتصادی صحبت کردیم و باید سازوکارهای اقتصادی و مالی را اصلاح و تقویت کنیم.

آقای رنتزی گفت: اراده ایتالیا کاملاً در جهت احترام به توافقات قرار دارد و بر همین اساس معتقدیم که با توافق هسته ای باید تحریمها علیه ایران برداشته شود و ما نیز نگران نبوده و مصمم هستیم که بر طبق قولی که داده‌ایم، عمل کنیم.

آقای رنتزی در ادامه با اشاره به گسترش دامنه تروریسم به اروپا، راه مقابله با آن را ریشه‌کنی نظامی سازمانهای تروریستی و قطع منابع مالی آنان در فروش نفت و آثار باستانی خواند و گفت: ریشه‌کنی داعش برای ما در اولویت قرار دارد و خرسندیم که در این زمینه نظرات مشترکی با ایران داریم.

نخست وزیر ایتالیا با ابراز تاسف از تخریب وجهه اسلام به بهانه تروریسم، گفت: امروز وقتی اقدامی تروریستی در اروپا انجام می‌شود، بعضی مسئولین به‌جای محکوم کردن تروریزم، اسلام را محکوم می کنند و مثلاً نامزد انتخابات ریاست جمهوری امریکا در تبلیغات خود ادعا می‌کند مقصر مسئله تروریسم، اسلام است! آقای رنتزی، کار فرهنگی را بخش دیگری از مبارزه با تروریزم دانست و افزود: ما باید نشان دهیم که ادیان در پی صلح، گفت‌وگو و همزیستی مسالمت‌آمیز بشر هستند و اقتدار و نقش جنابعالی به‌عنوان رهبر عالی جهان اسلام در ترویج این نگاه، بسیار حائز اهمیت است.

ایران و ایتالیا ۶ یادداشت تفاهم و موافقتنامه همکاری امضا کردند

ایران و ایتالیا، با امضای شش یادداشت تفاهم و موافقتنامه همکاری، راه را برای گسترش بیش از پیش روابط تهران – رم در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هموارتر کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری،اسناد همکاری بین تهران و رم را دیروز مقام‌های ارشد بخش‌های خصوصی و دولتی دو کشور و در حضور حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی‌ایران و «متئو رنتزی» نخست وزیر ایتالیادرتهران امضا کردند.

یادداشت تفاهم در زمینه همکاری در حوزه فعالیت‌های فرهنگی و گردشگری، تفاهمنامه همکاری صنعتی در زمینه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، چارچوب همکاری میان راه آهن ایران و ایتالیا، یادداشت تفاهم همکاری میان شرکت صادرات گاز ایران و شرکت انی ایتالیا، یادداشت تفاهم میان شرکت فرودگاه‌های ایران و ایتالیا درزمینه توسعه فرودگاه مهرآباد تهران، یادداشت تفاهم همکاری در زمینه تولید انواع مفتول،میله و تسمه مورد نیاز صنایع خودروسازی و تفاهمنامه همکاری‌های نمایشگاهی، اسنادی بود که میان تهران – رم امضا شد.

رئیس جمهوری امضای ۳۶ سند همکاری میان ایران و ایتالیا طی سه ماه اخیر را بیانگر اراده مستحکم دو کشور برای توسعه همکاری‌ها و روابط خواند و تاکید کرد: سفر نخست وزیرایتالیا به تهران آغاز مهمی‌برای حرکت و توسعه روابط تهران – رم در زمینه‌های مختلف اقتصادی، علمی، فناوری، گردشگری و همچنین هماهنگی و رایزنی در مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی در جمع خبرنگاران، اظهارداشت: ایران برای روابط خود با ایتالیا اهمیت زیادی قائل است و مواضع رم در دوران سخت تحریم‌ها هم متعادل در مقایسه با برخی دیگر از کشورها بود.

رئیس جمهوری خاطر نشان کرد: اگر چه ایتالیا در مذاکرات ۵+۱ حضور نداشت اما با انتخاب خانم موگرینی، سهم و نقش خود را در موفقیت این مذاکرات ایفا کرد.

دکترروحانی با اشاره به انتخاب ایتالیا به عنوان اولین مقصد سفر اروپایی خود پس از اجرایی شدن برجام و پایان تحریم‌ها، گفت: سفر من به رم و سفر نخست وزیر ایتالیا به تهران طی سه ماه گذشته، بیانگراین پیام روشن است که دو دولت برای توسعه روابط در زمینه‌های مختلف اراده مستحکمی‌دارند.

رئیس جمهوری با اشاره به این که در زمینه روابط بانکی و بیمه صادراتی گام‌های خوبی برداشته و ارتباطات برقرار شده است، تصریح کرد:هنوزدراین زمینه‌ها نیازمند اقدامات سریعتری برای حل و فصل برخی جزئیات هستیم؛ چرا که گرچه تحریم‌های بانکی برداشته شده و همکاری‌های بانکی آغاز شده است اما برای زدودن جو روانی به جا مانده از دوران تحریم در این زمینه، نیازمند تلاش مضاعفی هستیم.

دکترروحانی گفت: دو طرف در مذاکرات، بر اراده خود برای مبارزه با تروریسم و کمک‌های نوعدوستانه به ویژه به مردم آسیب‌دیده و آواره یمن و سوریه تاکید کردند.

گفته‌های نخست وزیر ایتالیا

"متئو رنتزی" نخست وزیر ایتالیا هم دراین نشست مشترک مطبوعاتی با بیان این که همواره روابطی مبتنی بر دوستی بی شائبه میان ملت‌ها و دولت‌های دو کشور جریان داشته است، گفت: دوره جدید روابط ایران و ایتالیا فرازی تاریخی از روابط دو کشور است.

وی روابط دو کشور را عمیق و دوستانه خواند و افزود: سابقه مثبت روابط دو کشور مبنای بسیار موثری برای ارتقای هر چه بیشتر سطح تعاملات و همکاری‌های دو طرف در عرصه‌های مختلف است.

نخست وزیر ایتالیا در ادامه با اشاره به این که توافق هسته ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ بر محوراعتماد متقابل شکل گرفت، اظهارداشت:



وجود و افزایش این اعتماد متقابل، بستر مناسبی برای گسترش و تثبیت روابط اقتصادی و همکاری‌ها در سطوح مختلف است.

رنتزی با تاکید براین که ارتباطات اقتصادی و بازرگانی با ایران باید در اسرع وقت شکل گیرد، تصریح کرد: بنا نهادن پایه‌های استوار در روابط اقتصادی نیازمند نقش آفرینی بانک‌ها و موسسات مالی و بیمه است و امروز نمایندگان بانک‌ها و موسسات مالی و بیمه بزرگ ایتالیا در سفر به تهران همراه ما هستند تا این مقدمات را فراهم کنند.

وی خاطرنشان کرد که علاوه بر نمایندگان موسسات بانکی و اعتباری، نمایندگان عالی بخش‌های ترابری، راه‌آهن، بخش‌های فرودگاهی، دریایی و علمی‌و فناوری ایتالیا هم به تهران سفر کرده اند تا مقدمات گسترش عملی همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های مذکور را فراهم کنند.

نخست وزیر ایتالیا گفت: یکی از فرازهای روابط دو کشور دیدگاه‌های نزدیک به هم در زمینه حقوق بشر و صیانت از آن است. ما در این زمینه دیدگاه دکتر روحانی را دنبال می‌کنیم که اعتقاد دارند دین برای ایجاد و گسترش صلح و آرامش میان بشریت شکل گرفته و تلاش ما هم مبتنی بر گسترش این دیدگاه و گفتمان است.

رنتزی با اشاره به این که متاسفانه افراد زیادی حتی در کشورهای اروپایی هستند که معتقدند، مفهوم اسلام دست یازیدن به افراط و خشونت گرایی است، اضافه کرد: باید با چنین دیدگاهی مبارزه کرد و با دکترروحانی کاملا موافقم که یکی از ابزارهای کارآمد مبارزه با این دیدگاه اقدامات فرهنگی است.

وی با ابرازامیدواری نسبت به این که در نشست بعدی گروه هفت که در کشورش برگزار می‌شود بیشتر به این موضوع پرداخته شود، اظهار داشت: از سوی دیگر تلاش خواهیم کرد تمامی‌بخش‌های باقی مانده از تحریم‌های ایران را برطرف و فضای سالمتری برای ارتقای سطح روابط اقتصادی ایجاد کنیم و همچنین راه‌های گسترش و تعمیق ارزش‌های فرهنگی و اسلامی‌برآمده از دیدگاه‌های معتقد بر پرهیزاز افراط گرایی را مورد بررسی قرار دهیم.

نشست مشترک هیات‌های عالیرتبه

رئیس جمهوری دیروزدر نشست مشترک هیأت‌های عالیرتبه ایران و ایتالیاهم با اشاره به روابط دوستانه، تاریخی و عمیق ایران و ایتالیا، بر ضرورت توسعه و تحکیم همه جانبه مناسبات میان دو کشورتأکید کرد و گفت: تهران هیچ مانعی درمسیر گسترش همه جانبه روابط میان دو کشور نمی‌بیند.

روحانی سفر بالاترین مقام اجرایی ایتالیا به ایران را گامی‌مهم در توسعه مناسبات دو کشور برشمرد و خاطرنشان کرد: امروز زمینه‌های لازم برای تحرک بیشتر در روابط تهران – رم فراهم شده است که باید با بهره گیری از ظرفیت‌های موجود، در راستای تعمیق و تحکیم روابط و همکاری‌های دو کشور تلاش کنیم.

و ی توافق هسته‌ای ایران و۵+۱ راموفقیتی برای همه کشورهایی خواند که معتقدند راه حل مسائل و مشکلات بین‌المللی گفتگو است اظهار داشت: باید دستاورد این توافق را به خوبی حفظ کنیم تا مسیر گفتگو به عنوان الگوی راه‌حل مشکلات بین‌المللی برای همگان مد نظر باشد.

رئیس جمهوری با تاکید بر ضرورت انجام دقیق و بهنگام تعهدات برجام از سوی طرف مقابل ایران، از حسن نیت و حمایت‌های ایتالیا برای پیشرفت گفتگوهای هسته‌ای با ۵+۱ تقدیر کرد و افزود: ایران معتقد است سلاح‌های کشتار جمعی به ضرر بشریت است و باید به طور کامل از جهان محو شود.

همان گونه که ایران همواره عاری بودن منطقه از سلاح‌های کشتار جمعی را ضرورت صلح و امنیت منطقه ای دانسته است. وی با اشاره به اهمیت مبارزه با تروریسم در جهان، آن را خطری بزرگ برای همه کشورهای دنیا برشمرد و گفت: باید این را بپذیریم که کشته شدن یک انسان با هر ملیتی و درهرکجای از جهان، ناگواراست.

دکترروحانی با اشاره به تصویب قطعنامه پیشنهادی ایران در سازمان ملل متحد مبنی بر جهان عاری از خشونت و افراطی گری، گفت: ما باید با اراده‌ای واحد در مسیر مبارزه با افراطی گری و تروریسم در جهان مصمم باشیم و جمهوری اسلامی‌ایران آماده همکاری و مشارکت با همه کشورها برای اجرایی کردن این قطعنامه در سطح جهان است که در این راستا همکاری مشترک ایران و ایتالیا می‌تواند مقدمه و آغازی برای همکاری با سایر کشورهای اتحادیه اروپا دراین مسیر باشد.

رئیس جمهوری با اشاره به ضرورت همفکری و ایجاد جلسات مشترک میان اندیشمندان و علمای اسلام و مسیحیت برای مخالفت با تروریسم، گفت: اندیشمندان ادیان الهی با همفکری و اتحاد، باید اعلام کنند که اسلام و مسیحیت و سایر ادیان آسمانی با تروریسم به هر شکلی در جهان مخالف هستند

دکتر روحانی همچنین با اشاره به شرایط فاجعه بار زندگی مردم در کشورهایی که دچار تروریسم و نا امنی هستند، خاطر نشان کرد: ایران و ایتالیا باید مشترکا برای نجات انسان‌ها از کشتار و خشونت، قحطی، آوارگی و گرسنگی تلاش کنند. "متئو رنتزی" نخست وزیر ایتالیا هم دراین نشست ضمن تشکر از استقبال و میهمان‌نوازی جمهوری اسلامی‌ایران ازهیأت عالیرتبه ایتالیایی، خاطرنشان کرد: پیوند بسیار تاریخی و عمیقی میان دو ملت و دو کشور وجود دارد و ما می‌توانیم در زمینه‌های گوناگون همکاری‌های خوبی با یکدیگر داشته باشیم که دراین راستا ایتالیا از هیچ تلاشی برای به انجام رسیدن توافقات میان دو کشور فروگذار نخواهد کرد.

نخست وزیرایتالیا با اشاره به ضرورت برقراری هرچه سریعتر و بیشترارتباطات بانکی و بیمه‌ای در مسیر توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی ایران با ایتالیا و اتحادیه اروپا، گفت: ایتالیا می‌تواند راهگشای دور جدید روابط ایران با اتحادیه اروپا باشد و دراین زمینه تلاش خواهد کرد تا نقش خود را به خوبی ایفا کند.

رنتزی با اشاره به این که ایران پیشرفته‌ترین کشوردرمنطقه از لحاظ قدرت فرهنگی، علمی‌و دانشگاهی است؛ بر ضرورت توسعه مناسبات همه جانبه دو کشور تأکید کرد.

نخست وزیر ایتالیا با بیان این که امروز ایران با ثبات‌ترین کشور در منطقه به شمار می‌رود، افزود: بدون حضور جمهوری اسلامی‌ایران برقراری صلح و ثبات در منطقه امکان ندارد و این ضرورت وجود دارد که ایران با توجه به قدرت تمدنی و منطقه ای خود در مذاکرات بین‌المللی حضور داشته باشد.

رنتزی همچنین با اشاره به نقش فزاینده ایران در تحولات بین‌المللی بر تلاش همه جانبه ایتالیا برای تسریع دراجرای تعهدات طرف اروپایی در برجام تأکید کرد و گفت: با هر روز تاخیردراجرای دقیق برجام و آغازهمکاری‌ها، کشورهای اروپایی بیش از همه ضرر خواهند کرد. نخست وزیر ایتالیا همچنین با اشاره به ضرورت مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری و جلوگیری از القاء شعارها و تبلیغات ضد اسلام و ادیان آسمانی خاطرنشان کرد: ما باید با تکیه بر ارزش‌های انسانی و فرهنگ‌های کهن خود بتوانیم بر این مشکلات فائق آییم.

دکتر حسن روحانی دیروز در مجموعه فرهنگی–تاریخی سعدآباد به طور رسمی‌از نخست وزیر ایتالیا استقبال کرد. نخست وزیر ایتالیا را در سفر به تهران یک هیات ۲۵۰ نفره سیاسی و اقتصادی همراهی می‌کنند.

سفررئیس جمهوری به استانبول

معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتررئیس جمهوری اعلام کرد که حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس جمهوری عصرامروز برای شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی، راهی شهر استانبول در ترکیه می‌شود.

مشارکت رهبر معظم انقلاب در کمک به تأمین مسکن محرومان

همزمان با ایام سالروز صدور فرمان امام خمینی رحمه‌الله مبنی بر افتتاح حساب ۱۰۰ برای کمک به مسکن محرومین و تشکیل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی‌مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال برای واریز به حساب ۱۰۰ امام متعلق به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌اهداء کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی‌در سال ۱۳۶۸ در پیامی‌تأکید کرده بودند: لازم است حساب ۱۰۰ که شرف انتساب به اسم مبارک حضرت امام قدس سره را داشته است و منشأ خیرات و برکات برای مردم فقیر و محروم بوده، همچنان باقی باشد و مردم مؤمن و با گذشت، به وسیله آن برای مسکن محرومین انفاق کنند.

یادگار گرامی امام: افرادمتمکن به هموطنان نیازمند کمک کنند

یادگارگرامی‌امام با اشاره به رابطه دیرینه مساجد و حجره‌های بازار، گفت: امید است در روزهای سختی متمکنین جامعه بیش ازهرزمان دیگر دستگیرهموطنان خود باشند و با درخواست سود کمتر، چنان که بسیاری از پیشینیان ایشان چنین بوده‌اند، برکت را از خدای متعال طلب کنند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی در صفحه اینستاگرام خود نوشت:

«هفته گذشته توفیق شد و بعد از شرکت در فاتحه مرحوم آیت‌الله خوانساری که در مسجد امام خمینی برقراربود، برای دقایقی در بازار تهران هم صحبت فروشندگان و مشتریان محترم بودم. فضای گرم و صمیمانه‌ای بود، مردم عزیز مهربانی‌ها کردند و برخی از عزیزان هم محبت کردند و انگشترهایی را به من هدیه دادند. روز نوشتن دعای شرف شمس بود و بازار این امرگرم و پر رونق بود.

از قدیم ارتباط مساجد و حجره‌های بازار معروف است و بی شک یکی از ارکان توسعه دین و معنویت در جامعه بازاریان دیندار و خیرین دیانت مدار بوده‌اند.

جزئیات ویژه برنامه‌های سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)

دبیرستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی(ره) با اشاره به این که ۱۴ خرداد ماه امسال همزمان با سالروزارتحال امام مصادف با ماه مبارک رمضان است، اظهارداشت: باید مراسم بزرگداشت امام را تا سه سال در ماه رمضان برگزار کنیم.

به گزارش جماران، محمدعلی انصاری دیروز در نخستین جلسه ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی(ره) در سال ۹۵ درباره مراسم امسال گفت: بیست و هفتمین سالگرد امام خمینی(ره) امسال روز جمعه است. معمول مراسم سال‌های گذشته این بود که وقتی این مراسم روز جمعه برگزار می‌شد، با نماز جمعه همراه بود و تجربه نسبتا موفقی هم در این زمینه داشتیم و می‌توانیم نماز جمعه را در این مراسم برگزار کنیم.

وی ادامه داد: در این زمینه نظر مقام معظم رهبری را جویا شدیم که ایشان توصیه فرمودند نماز جمعه به رویه خودش برگزار شود.

طبیعتا ما هم سعی می‌کنیم که مراسم را با همان سبک و سیاق برگزار کنیم. تصورمن این است که توصیه مقام معظم رهبری لطف به کارگزاران ستاد بزرگداشت امام خمینی(ره) بوده است.

به این دلیل که خستگی مسافران و زائران ممکن است بیشتر شود و دیگراین که میهمانان غیر مسلمان ممکن است در صورت برگزاری نماز جمعه به مشکل برخورد کنند.

وی با تاکید براین که همه برنامه‌های امسال در حرم امام برگزار خواهد شد، افزود: افتتاح حرم امام خمینی(ره) بسیاری از مشکلات سال‌های گذشته را به حداقل رسانده است.

دبیر ستاد مرکزی بزرگداشت امام همچنین با اشاره به حضور مقام معظم رهبری در حرم بنیانگذار جمهوری اسلامی‌در دهه فجرگفت: درمراسم ۱۴ خرداد مقام معظم رهبری به دلیل حضور در جایگاه سخنرانی فرصت بازدید از قسمت‌های مختلف حرم را پیدا نکردند، اما در دهه فجر که به حرم امام خمینی(ره) آمدند، با بازدید از بخش‌های مختلف حرم بر این نکته تأکید کردند که بنای جدید حرم در شأن بنیانگذارانقلاب اسلامی‌و همچنین مردم ایران و به زیبایی احداث شده است. استقبال ایشان از بنای جدید بیانگراین موضوع بود که حرم امام همان چیزی است که ما انتظارش را داشتیم.

رویدادهای تلخ وشیرین سال۹۴

دبیر ستاد مرکزی بزرگداشت امام اظهارداشت: در سال گذشته چند حادثه مهم برای مردم ایران اتفاق افتاد که برخی از آن‌ها تلخ و ناگوار و برخی دیگر بسیار شیرین و گوارا بود. تصور می‌کنم حادثه تلخی که سال‌ها، بلکه قرن‌ها از ذهن مردم مسلمان کشورمان کنار نمی‌رود، شهادت مظلومانه و بسیار تاسف برانگیز صدها تن از زائران عزیز خانه خدا بود و در میان زائران شهید شده در بیت الله الحرام، جمعی از مسئولان و یکی از اعضای ستاد بزرگداشت امام، مرحوم رکن آبادی بود.

انصاری یادآور شد: حادثه تلخ دیگری که هنوز ادامه دارد و باید آن را مصیبتی برای جهان اسلام دانست، نفوذ تفکرافراط گرایی در دنیای اسلام است که در خلال آن، نوعی جریانات خشن دوراز تفکر و تعقل برافکارشان سایه افکنده به نحوی که تحت نام اسلام جنایاتی را مرتکب می‌شوند که شدت آن‌ها به اندازه‌ای است که جنایت بزرگترین جنایتکاران هم به فراموشی سپرده می‌شود.

وی به حوادث شیرین برای ملت ایران اشاره کرد و گفت: از جمله حوادث شیرینی که در سال ۹۴ برای ملت ایران رقم خورد، می‌توان به پیشرفت برنامه ای اشاره کرد که سال‌ها ذهن مسئولان و همچنین مقام معظم رهبری را به خود مشغول کرده بود و آن موضوع هسته ای و قضیه برجام بود.

رئیس ستاد بزرگداشت حضرت امام اظهارداشت: به سرانجام رسیدن موضوع هسته ای درحقیقت از الطاف الهی بود که سال گذشته نصیب ملت ایران شد.

انصاری ادامه داد: واقعیت این است که به سرانجام رسیدن برجام، خطر بزرگی را از سر ملت ایران گذراند اما باید توجه داشته باشیم که در این مسیراز منافع و خط قرمزهای خود به درستی دفاع کنیم.

وی با اشاره به دومین رویداد مهم سال ۹۴، اظهارداشت: مساله مهم دومی‌که در سال ۹۴ روی داد، برگزاری دو انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی بود.

در آغاز سال گذشته مقام معظم رهبری اعلام کردند که امسال سال همدلی و همزبانی دولت و ملت است و انصافا براساس چنین نامگذاری، ثمرات آن را در خلال فعالیت‌های بزرگ و ارزشمندی که انجام شد، مشاهده کردیم.

وی خاطرنشان کرد: انتخابات سال ۹۴ مردم ایران و دوستداران آن را در عرصه‌های بین‌المللی خوشحال کرد. تصور می‌کنم چیزی که در این انتخابات فراموش شد، نکته ظریف رهبری بود که تاکید کردند همه افراد حتی افراد مخالف هم دراین انتخابات شرکت کنند؛ اما دراین راستا،عده ای برخلاف این گفته عمل کردند و امکان برگزاری این انتخابات با شور بیشتری هم وجود داشت.

دبیرستاد مرکزی بزرگداشت امام تأکید کرد: تا کنون در هیچ نقطه ای از دنیا سابقه نداشته است که دراین سطح، از مخالفان درخواست شود که رأی بدهند. نفس این حرکت و این پیام این است که در این نظام و این دنیا باید آرای مخالف را بپذیریم.

وی با اشاره به شعاری که مقام معظم رهبری برای سال ۹۵ بیان کردند، گفت: نباید با این مطلب برخورد شعاری داشته باشیم.

اگر مقام معظم رهبری فرمودند که باید اقتصاد مقاومتی شکل بگیرد، در پایان سال کسی نباید بگوید که هیچ اثری از اقتصاد مقاومتی نمی‌بینند.

برای این که اگر رویه شعار داشته باشیم و تا سال آینده فقط روی تابلوها آن را ببینیم، سال آینده این مطلب فراموش می‌شود.

تمدید تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران به بهانه حقوق بشر

شورای اتحادیه اروپا روز دوشنبه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد این شورا تصمیم گرفته است تحریم‌های حقوق بشری خود علیه ۸۲ فرد حقیقی و یک فرد حقوقی ایرانی را تمدید کند.

به گزارش ایسنا، در متن این بیانیه آمده است: شورای اتحادیه اروپا در روز ۱۱ آوریل ۲۰۱۶ تصمیم گرفت اقدامات محدود کننده خود را در زمینه حقوق بشر تا روز ۱۳ آوریل ۲۰۱۷ تمدید کند.

در ادامه این بیانیه آمده است: این تصمیم در نشریه رسمی‌اتحادیه اروپا در روز ۱۲ آوریل ۲۰۱۶ منتشر خواهد شد.

بروکسل از سال ۲۰۱۱، با متهم کردن برخی اشخاص و سازمان‌های ایرانی به نقض حقوق بشر، تحریم‌هایی را به این بهانه علیه آنها وضع کرده است.

این اتحادیه در مهرماه سال گذشته در پی اجرایی شدن توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ که در وین حاصل شد، تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را لغو کرد.

نوبخت: تغییری در کابینه رخ نخواهد داد

سخنگوی دولت با رد برخی شایعات مبنی بر تغییر فانی وزیر آموزش و پرورش، گفت: دولت بنایی بر تغییر در وزارتخانه‌ها ندارد.

دکترمحمدباقر نوبخت در گفتگو با خانه ملت، در باره برخی زمزمه‌ها مبنی بر تغییر وزیر آموزش و پرورش، گفت: هر سال چنین گمانه زنی‌هایی مطرح می‌شود و امر تازه ای نیست با این حال دولت تصمیمی‌بر تغییر در رأس وزارت آموزش و پرورش ندارد.

سخنگوی دولت افزود: فانی از فرهنگیان با تجربه است که تمامی‌مراحل کار فرهنگی را در مقاطع مختلف سپری کرده است و یکی از باتجربه ترین وزرای آموزش و پرورش پس از انقلاب به شمار می‌رود.

وی تاکید کرد: دولت بنایی بر تغییر در این وزارتخانه و حتی وزارتخانه‌های دیگر ندارد.

رأی مجلس به حذف یارانه نقدی ۳ دهک افراد پردرآمد

مجلس با حذف یارانه نقدی ۳ دهک بالای جامعه و۶ گروه درآمدی که در پیشنهاد کمیسیون تلفیق مشخص شده بود،موافقت کرد.

به گزارش ایسنا، نمایندگان در جلسه علنی دیروز مجلس علیرغم مخالفت دولت با حذف یارانه نقدی سه دهک بالای جامعه، با ۱۲۵ رای موافق، یارانه ۳ دهک بالای جامعه و ۶ گروه درآمدی مشخص شده در متن پیشنهاد کمیسیون تلفیق را حذف کردند.

بر اساس مصوبه مجلس و طبق تبصره ۱۴ لایحه بودجه ۹۵ کل کشور دولت موظف است امسال یارانه نقدی سرپرست خانوار ۳ دهک بالای جامعه و ۶ گروه درآمدی مشخص شده در بودجه در متن پیشنهاد کمیسیون تلفیق را حذف کند و هر گونه پرداخت یارانه از ابتدای تیر ۹۵ به این گروه‌ها تصرف در اموال عمومی‌است و جرم تلقی می‌شود.

بر این اساس، یارانه تمامی‌تجار و صاحبان مشاغل آزاد که درآمد سالانه آنها حداقل ۳۵۰ میلیون ریال معادل رقمی‌حدود ۳ میلیون تومان در ماه باشد، نمایندگان مجلس، قضات،اعضای هیات علمی‌دانشگاه‌هاو موسسات آموزشی و پژوهشی و دولتی و غیر دولتی، پزشکان و دندانپزشکان، تمامی‌کارکنان دولت و قوای سه‌گانه و موسسات عمومی‌و موسسات عمومی‌غیر دولتی و تمامی‌کارکنان نیروهای مسلح و بازنشستگان کشوری و لشکری و حقوق بگیران و مستمری بگیران مشمول تامین اجتماعی و تمامی‌دریافت کنندگان حقوق و مستمری بگیران دولتی و غیر دولتی که درآمد سالانه آنها بیش از ۳۵۰ میلیون ریال باشد، تمامی‌مدیران و اعضای هیات مدیره و بازرسان شرکت‌های دولتی و غیر دولتی و وابسته به دولت و نهادهای عمومی‌غیر دولتی و مدیران و اعضای هیات مدیره و روسا و معاونان مناطق و شعب بانک‌ها و بیمه‌ها و موسسات مالی و اعتباری و کارکنان اشخاص حقوقی دولتی و غیر دولتی که دریافتی سالانه آنها بیش از ۳۵۰ میلیون ریال باشد، تمامی‌ایرانیان مقیم خارج از کشور،تمامی‌اشخاصی که در ۳ دهک بالای درآمدی کشور هستند و در این موارد نشدند، قطع خواهد شد.

همچنین بر اساس بندالحاقی این تبصره،دریافت یارانه توسط افرادی که به موجب این بخش از قانون استحقاق دریافت یارانه ندارند مستوجب جریمه نقدی به میزان دو برابر مبلغ دریافتی است.

نمایندگان در ادامه رسیدگی به بخش درآمدی لایحه بودجه تصویب کردند دولت امسال باید نسبت به ثبت‌نام افرادی که موفق به ثبت‌نام برای دریافت یارانه نشده‌اند، اقدام کند.

بر این اساس، دولت موظف است پس از ثبت‌نام نسبت به پرداخت یارانه آنان اقدام کندو ثبت‌نام در فرمانداری‌ها انجام خواهد شد.

دیدگاه دولت

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کل کشور در جلسه علنی دیروزمجلس اظهار داشت: حذف یارانه نقدی ۳ دهک بالای جامعه شامل ۲۴ میلیون نفر نیست و مجلس آمار درستی ارائه نکردو با حذف این افراد، ۲۴ میلیون نفر از دریافت یارانه حذف نمی‌شوند.

دکتر محمد باقرنوبخت افزود: با توجه به این که دولت در مرحله اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها قرار دارد،این پیشنهاد گرچه در هدایت منابع حاصل از اجرای قانون به سمت تولید و اشتغال است، اما قابلیت اجرا ندارد و آماری که دولت در اختیار دارد، عددی بسیار کمتر از ۲۴ میلیون نفری است که این پیشنهاد آنها را از دریافت یارانه محروم کرده است.

نوبخت با اشاره به آمار ارائه شده از سوی مراکز آماری و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، گفت: تمامی‌مواردی که وزارت مرتبط با هدفمندی یارانه‌ها در حذف یارانه‌ها اقدام کرد و حدود ۳ میلیون نفر از افرادی که در چارچوب قانون بودجه سال ۹۴ از دریافت یارانه محروم شدند، جزو همین دهک‌هایی است که مجلس به آنها در این پیشنهاد پرداخت و آنچه که از این مجموعه باقی می‌ماند از آنچه که با عنوان تجار و صاحبان مشاغل آزاد بیان شد با توجه به آمارهای سازمان امور مالیاتی،این افراد در حدود ۳۸ هزار و ۵۰۰ نفر هستند و درباره پزشکان و نمایندگان مجلس فارغ از این که آیا هر کسی که پزشک باشد درآمد بالایی دارد مجموع ۱۵ هزار و ۸۰۰ نفر را در آمارهای خود داریم و با توجه به محاسبات وزارت تعاون عمده کسانی که حقوقشان بالای ۳۵ میلیون تومان در سال است، عددی حدود ۲ میلیون و ۶۹۴ هزار نفر هستند و تمامی‌ایرانیان مقیم خارج هم حدود ۲۳ هزار و ۷۰۰ نفرند. همچنین تمامی‌کسانی که از روش‌های دیگر درآمد آنها محاسبه شده است،حدود ۴ میلیون و ۲۸۳ هزار نفر ند و با محاسبه همه این آمار مجموعا ۷ میلیون ۵۶ هزار و ۵۲ نفر شامل دهک‌های نامبرده در پیشنهاد مجلس می‌شوند. لذا این که بیان می‌شود ۲۴ میلیون نفر با این پیشنهاد از دریافت یارانه محروم می‌شوند، عدد درستی نیست.

وی تاکید کرد: دولت مصمم است به افرادی که دریافت یارانه نقدی در زندگی آنها موثر است، یارانه پرداخت کند و این تصمیم مجلس برای این اقشارنگرانی‌هایی ایجاد می‌کند، ضمن این که بحث دیگری که در این باره وجود دارد این است که ما با حذف این موارد پیشنهادی مجلس چه مقدار منابع مالی می‌توانیم به دست بیاوریم و مصادیق پیشنهادی نمایندگان قابل اجرا است یا خیر. ضمن این که بحثی وجود دارد که این پیشنهادها مطابق با اهداف قانون است یا نه و آ نچه که اکنون در مصوبه کمیسیون تلفیق آمد، تمامی‌اهداف دولت در موضوع هدفمندی را که بر اساس قانون است پشتیبانی نمی‌کند و من از نمایندگان می‌خواهم که به این پیشنهاد رای موافق ندهند و با همه احترام به نیت اعضای کمیسیون تلفیق در اصلاح هدفمندی یارانه‌ها تقاضا می‌کنم مخالفت مجلس با این موضوع با رای نمایندگان محقق شود.

دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس در ادامه صحبت‌های نوبخت، خاطر نشان کرد: یکی از مشکلاتی که کمیسیون تلفیق داشت این بود که در دو سال گذشته اجازه دادیم دولت خانوارهایی که نیازمند نیستند را حذف کند. اما دولت این کار را انجام نداد. ضمن این که دولت هر ماه با پرداخت یارانه مشکل دارد و کمیسیون تلفیق با کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به پیشنهادی این چنین رسیدند که نوبخت در پاسخ به این صحبت رئیس مجلس، گفت: دولت به مصوبه مجلس در سال گذشته در زمینه حذف یارانه‌ها عمل و بر اساس آن مصوبه در سال قبل دولت بیش از ۳ میلیون نفر را از دریافت یارانه محروم کرد.

همچنین‌پورابراهیمی‌سخنگوی‌کمیسیون‌تلفیق‌بودجه در ادامه این گفتگوها در دفاع از پیشنهاد کمیسیون، گفت: دولت روز پرداخت یارانه را روز عزای خود می‌داند و ما با این پیشنهاد خواستیم که به دولت برای حل این مشکل کمک کنیم. و ضمن این که لازم است دولت در آمار خود بازنگری انجام دهد و برخی ارقام ادعا شده از سوی رئیس سازمان برنامه با عدد واقعی تفاوت دارد و قطعا برای حل این مشکل لازم است نظام جامع اطلاعات اقتصادی خانوارها شکل گیرد که پیشنهاد آن هم به دولت ارائه شده است.

وی تصریح کرد: آنچه که در این قانون آمد، حذف ۳ دهک بالای جامعه و علاوه بر آن ۶ گروه درآمدی است و هیچ گاه این پیشنهاد به این معنا نیست که این ۶ دهک شامل ۲۴ میلیون نفر می‌شود، بلکه این ۶ گروه اضافه بر ۳ دهک بالای جامعه از دریافت یارانه محروم خواهند شد.

ارجاع مصوبه مجلس درباره قیمت سوخت به کمیسیون‌تلفیق

با اخطار بذرپاش، مصوبه مجلس درباره قیمت سوخت و واگذاری کارت هوشمند سوخت به دلیل ابهاماتی که در آن وجود دارد به کمیسیون تلفیق ارجاع شد.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران وی در اخطاری این مسأله را مطرح کرد که به دلیل شلوغی صحن در جلسه صبح دیروز، مصوبه‌ای دا شتیم که ابهامات زیادی در آن وجود دارد. با این مصوبه نیمی‌از بنزین با قیمت بالای دو هزار تومان فروخته می‌شود؛ در شلوغی صبح حواسمان نبود که این طرح ابهامات زیادی دارد، ما با این مصوبه داریم حامل‌های انرژی را گران می‌کنیم.

بذرپاش افزود: در بند اول آمده که همه انواع سوخت تک نرخی می‌شود. اما در بند پایینی قیمت‌های مختلفی برای سوخت تعیین کرده‌ایم. همچنین در این مصوبه آمده اگر مصرف سوخت از مصرف پایه بالاتر برود قیمت آن گران می‌شود، این در حالی است که میزان مصرف پایه را مشخص نکرده‌ایم.

نماینده مردم تهران همچنین گفت: در بند دیگری از این مصوبه آمده اگر بالای ۱۸۰ لیتر سوخت مصرف شود قیمت تمام شده اخذ خواهد شد اما قیمت تمام شده را چه کسی حساب می‌کند؟ به علاوه تاکسی‌ها و وسایل حمل و نقل عمومی‌که معلوم است بیشتر از این مقدار مصرف می‌کنند، پس در این صورت قیمت کرایه‌ها بسیار بالا می‌رود.

او تاکید کرد: در سال اقتصاد مقاومتی نباید چنین مصوباتی تصویب کنیم. به علاوه در ذهن می‌آید که ما اقتصاد مقاومتی را جور دیگری تفسیر می‌کنیم.

در ادامه علی لاریجانی رئیس مجلس با تائید اینکه ابهاماتی در این مصوبه وجود دارد گفت: برخی ابهامات ممکن است درست باشد. اگر ابهام وجود داشته باشد مشکلاتی برای مردم ایجاد می‌شود. به عنوان مثال نرخ پایه مشخص نیست.

لاریجانی در ادامه ارجاع این مصوبه به کمیسیون تلفیق را به رای گذاشت که با رای مثبت اکثریت نمایندگان حاضر این مصوبه به کمیسیون تلفیق ارجاع شد تا بندهایی که ابهام دارند مورد بررسی مجدد قرار گیرند.

نمایندگان مجلس صبح دیروزدر ادامه رسیدگی به لایحه بودجه ۹۵ تصویب کردندکه متوسط مقدار مصرف ماهانه بنزین برای یک بار و بر اساس هر یک از وسایل نقلیه با تعداد سیلندرهای ۱ تا ۶ به عنوان پله نخست تعیین شود و پلکان‌های بعدی به مقدار ۴۰ لیتر به پله ماقبل اضافه می‌شود.

برای هر لیتر مصرف مازاد در پله نخست نسبت به مقدار مصرف پایه ۵۰۰۰ ریال و در پله‌های دوم و سوم به ترتیب ۷۵۰۰ و ۱۰ هزار ریال با مازاد مصرف ۱۸۰ لیتر در ماه، قیمت تمام شده بنزین از مصرف کننده به عنوان عوارض موضوع بند ۴ فوق دریافت شود.

نمایندگان به پیشنهاد احمد توکلی، دولت را مکلف کردند حداکثر ۴ ماه پس از تصویب این قانون، تمامی‌وسایل نقلیه سبک و سنگین اعم از بنزینی، گازوییلی و دوگانه‌سوز را که کارت هوشمند سوخت ندارند،به این کارت مجهز کنند و از آن تاریخ، عرضه هرگونه سوخت به تمامی‌وسایل نقلیه صرفاً با استفاده از کارت و بر اساس احکامی‌مجاز باشد.

در جریان رسیدگی مجلس به پیشنهاد تداوم کارت هوشمند سوخت و افزایش پلکانی نرخ بنزین، گازوییل و گاز مصرفی خودروها، معاون رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با این پیشنهاد مخالفت کرد.

دژپسند در مخالفت با این پیشنهاد، با بیان این که پیشنهاد دکتر توکلی تبعیض قیمتی را احیاء می‌کند، گفت: این پیشنهاد موجب چند نرخی شدن قیمت بنزین، گازوییل و گاز مصرفی خودروها می‌شود که با توجه به شناور بودن قیمت نفت، دولت را برای اجرا دچار مشکل می‌کند.

وی این پیشنهاد را در مغایرت با اهداف اولیه هدفمندسازی یارانه‌ها دانست و افزود: با تصویب و اجرا شدن این پیشنهاد علاوه بر آثار تورمی‌و قیمتی موجب ایجاد تورم جدید در سراسر کشور می‌شود. ضمن آن که مسافر و کالا که از بنزین به عنوان یک نهاده کالایی استفاده نمی‌کنند هم متضرر می‌شوند. به بیان دیگراین پیشنهاد موجب ایجاد مشکل برای طیف وسیعی از مردم می‌شود.

ایرج ندیمی‌هم در مخالفت با پیشنهاد توکلی، گفت: خودمان را با دنیا مقایسه می‌کنیم اما به جامعیت تصمیمات کشورهای توسعه یافته توجهی نداریم.

نماینده مردم لاهیجان در مجلس نهم این پیشنهاد را دخالت در کار قوه مجریه دانست.

با این وجود نمایندگان پس از شنیدن نظرات دولت و مخالفت کمیسیون برنامه و بودجه با نظر دولت، به پیشنهاد احمد توکلی رأی مثبت دادند.

نمایندگان مجلس در مصوبه دیگر خود تصمیم‌گیری در باره اجرایی شدن اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم، احکام قوانین مالیاتی رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور و همچنین الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت را به دلیل ابهامات برای تصمیم‌گیری مجدد به کمیسیون تلفیق بودجه ۹۵ ارجاع دادند.

افزایش ۵۰ بودجه دفاعی

همچنین بانک مرکزی موظف است براساس مصوبه مجلس، تمامی‌وجه ارزی مسترد شده ناشی از طرح دعاوی در مراجع بین‌المللی و کشورهای خارجی مربوط به قراردادهای نظامی‌قبل و بعد از انقلاب را به ردیف‌های مشخص درآمدی واریز کند.

با تصویب مجلس و بر اساس تبصره الحاقی دو لایحه بودجه، بانک مرکزی موظف است تمامی‌بودجه ارزی مسترد شده از طرح دعاوی در مراجع بین‌المللی و کشورهای خارجی مربوط به قراردادهای نظامی‌قبل و بعد از پیروزی انقلاب تا سقف ۵۰ هزار میلیارد ریال را به ردیف‌های درآمدی جداول مشخص شده در قانون (مرتبط با بودجه دفاعی کشور) واریز و به مصرف برساند.

نمایندگان همچنین مصوب کردند در صورت تسویه حساب جریمه‌های رانندگی توسط مالکان خودرو تا آذر ۹۵،جریمه دیرکرد پرداخت قبوض تا پایان سال ۹۴ بخشیده شود.

همچنین براساس تبصره۳لایحه بودجه،دولت مکلف است معادل بدهی حسابرسی‌شده شرکت‌های خدمات هوایی کشور به دولت و شرکت‌های زیرمجموعه دولت را با مطالبات از این شرکت به استثنای بدهی مالیاتی تا سقط ۱۰ هزار میلیارد ریال تهاتر کند.

بر این اساس، شرکت‌های هواپیمایی که به ازای خرید سوخت از وزارت نفت یا سایر خدمات از دولت و شرکت‌های دولتی به آنها بدهکار شده‌اند، این بدهی را با طلب خود از دولت تا سقف مشخص مالیاتی تهاتر و آن را پرداخت نمی‌کنند.

پرداخت مالیات پیمانکار

نمایندگان در ادامه، دستگاه‌های اجرایی را مکلف کردند تا مالیات متعلق به پیمانکار را پرداخت کنند.

مجلس مصوب کرد دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و قراردادهای پیمانکاری مکلف هستند مالیات متعلق به پیمانکار را پرداخت کنند،در غیر این صورت حسب درخواست مؤدی (پیمانکار) اصل مالیات و جریمه‌های متعلق از طریق عملیات اجرایی از کارفرما وصول و به حساب‌های تعیین شده سازمان امور مالیاتی کشور واریز خواهد شد.

همچنین جریمه استنکاف کارفرما، معادل ۱۰ درصد مالیات پرداخت نشده محاسبه و مطالبه خواهد شد. تاخیر در پرداخت مالیات‌های موضوع این تبصره در موارد مقرر موجب تعلق جریمه به میزان ۲ درصد در ماه نسبت به مالیات پرداخت نشده از زمان انتظار مهلت تسلیم اظهارنامه یا سررسید پرداخت مالیات، هر کدام که مقدم باشند، خواهد بود.

نمایندگان در مصوبه‌ای به دولت اجازه دادند نسبت به فروش اموال غیرمنقول در اختیار وزارت راه و شهرسازی تا سقف ۵۰ هزار میلیارد ریال در امسال اقدام کند.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در جریان رسیدگی به این تبصره اظهار داشت: یکی از مواردی که مجلس برای توسعه کشور می‌تواند به آن عمل کند سیاست‌های برنامه ششم و اقتصاد مقاومتی است.

نوبخت افزود: آنچه در بودجه ۹۵ تهیه شد در چارچوب برنامه ششمی‌است که اکنون در دستور کار مجلس قرار دارد. از آنجا که بانک‌ها به دلیل کفایت نکردن سرمایه،شاخص‌های نامناسبی را ارائه می‌کنند و نمی‌توانند تسهیلات لازم را ارائه کنند، یکی از بخش‌هایی که می‌تواند به توسعه کشور کمک کند،مسکن است؛ به همین دلیل در لایحه دولت پیشنهاد شد آنچه اموال منقول و غیرمنقول مازاد بر نیاز است، به فروش برسد و سرمایه‌گذاری شود. بنابراین برای این که بتوانیم بانک مسکن را تجهیز کنیم تا تسهیلات کافی ارائه دهد، نیاز است بتوانیم سرمایه این بانک را تقویت کنیم.

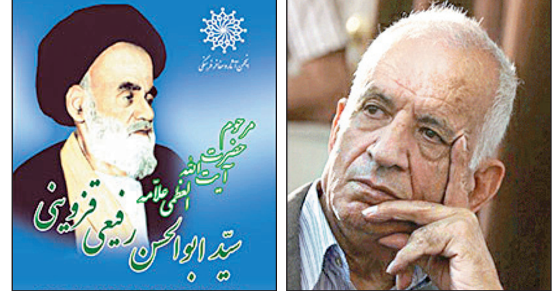
بر اساس این گزارش،با توجه به سخنان نوبخت و پیشنهاد وی برای بازگشت به لایحه دولت، نمایندگان مجلس در تبصره ۱۸ مصوبه کمیسیون تلفیق اصلاحیه انجام دادند و رقم مورد نظر را تعیین کردند.

نمایندگان همچنین به پیشنهاد منصور حقیقت‌پور نماینده مردم اردبیل، بند الحاقیه‌ای را به تبصره ۱۲ اضافه کردند که بر اساس آن دولت موظف است کمک هزینه مسکن کارکنان نیروهای مسلح را به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز کند،بنابراین دولت موظف است کمک هزینه مسکن کارکنان نیروهای مسلح (نظامی‌و انتظامی) ساکن در خانه‌های سازمانی را پس از کسر از دریافتی آنان به حساب مخصوصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند.

یادداشت

زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم آیت‌الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی

دکتر مهدی محقّق
رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به مناسبت گذشت چهل و دو سال از درگذشت فقیه فیلسوفان، فیلسوف فقیهان و مدرّس برجسته مرحوم مغفور حضرت آیت‌الله العظمی علامّه سید ابوالحسن رفیعی قزوینی -اعلی‌الله مقامه- مجلس یادبودی را با حضور علما، استادان، فرهیختگان و دوستداران علم و دانش برگزار می‌کند.

این مراسم شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ از ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه تا ۱۹ و ۳۰ دقیقه در تالار اجتماعات شهید مطهری انجمن واقع در خیابان ولی‌عصر(عج)، پل امیر بهادر، خیابان سرلشکر علی‌اکبر بشیری، شماره ۷۱ برگزار خواهد شد.

دکتر مهدی محقّق رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی درباره زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم آیت‌الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی برای یادنامه آیت الله قزوینی که در مراسم بزرگداشت توزیع خواهد شد، پیشگفتاری نوشته اند که متن آن را می خوانید:

به نام خداوند جان و خرد

به نام خداوند گردان‌سپهر　　فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر

جای بسی خوشوقتی است که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی یکصد و پنجاهمین مراسم بزرگداشت خود را ویژهٔ تکریم و تعظیم اوستاد اوستادان، فیلسوف فقیهان و فقیه فیلسوفان مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی قرار داده است. هر چند تنگی جا و تراکم جمعیت مانع از آن است که نسل جدید بتوانند در این مراسم شرکت کنند و نیز به جهت تراکم کتاب‌های کتابخانه ـ جنب سالن مراسم ـ هر آن بیم آن می‌رود که ریزشی رخ دهد و شادی آن مجلس را ـ خدای ناکرده ـ به غم تبدیل نماید و این بیت از بحتری مصداق پیدا کند:

لَـو تـراهُ علمتَ أنّ اللّيالی　　جَعَلَت فيه مأتماً بعدَ عُرس

در هر حال این موجب خرسندی است که شاگردان بلاًفصل این استاد بزرگ، در مجلس بزرگداشت او شرکت دارند و هر یک از آقایان آیات عظام سید رضی شیرازی، سید حسن سعادت مصطفوی، دکتر ابوالحسن طبرستانی، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و استاد غلامحسین رضانژاد به ذکر محامد و مناقب این استاد بزرگ می‌پردازند. من توفیق حضور در محضر درس استاد را نداشتم زیرا در همان زمان‌ها دروس فلسفه را نزد مرحومان: میرزا مهدی آشتیانی و سید محمدکاظم عصّار تهرانی و شیخ محمدتقی آملی و میرزا ابوالحسن شعرانی و میرزا مهدی الهی قمشه‌ای (رضوان‌الله تعالی علیهم اجمعین) می‌خواندم. فقط یک بار با پروفسور «توشی هیکو ایزوتسو» و پروفسور «هرمان لندلت» خدمت ایشان رسیدم و مکالمات و مفاوضات این استادان بزرگ را ترجمه می‌کردم و خود بنده در برخی از مطالب شرکت می‌جستم. در همان زمان کوتاه مرحوم رفیعی را مصداق این مصراع یافتم: هُوَ البحرُ مِنای النّواحی أتیتَهُ. خداوند بزرگ باران‌های رحمت خود را بر او فرو ریزاند و او را در بهشت‌های برین خود جای دهد. بمنّه و کرمه.

مرحوم رفیعی قزوینی از اساتید فلسفه و وارثین حکمت متعالیه در زمان ما بود. او نه تنها تسلّط به حکمت مشّاء ابن‌سینا و فارابی و حکمت اشراق شیخ مقتول داشت بلکه به آراء حکیمان حکمت متعالیه همچون میرداماد استرآبادی و ملاصدرای شیرازی و فیض کاشانی و عبدالرزاق کاشانی و حاج ملّاهادی سبزواری چیرگی زائدالوصفی داشت و بر اندیشه‌های استادان خود همچون میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا ابراهیم زنجانی مسلط بودَ. ناگفته نماند که نگارنده دو استاد بزرگ قزوینی دیگر را درک کرده بود یکی مرحوم حاج شیخ‌هاشم قزوینی که درس رسائل و مکاسب او را در مشهد در ایام معدودات استفاده کردهام و مقاله کوتاهی هم برای بزرگداشت‌نامهٔ آن مرحوم تقدیم داشتم و دیگری حاج شیخ مجتبی قزوینی که روزهای پنج‌شنبه در درس اخلاق او ـ که در مدرسهٔ ابدال‌خان مشهد ارائه می‌فرمود ـ حاضر می‌شدم و در همین چند ماه پیش در مجلس بزرگداشت او که در قزوین تشکیل شده بود، سخنرانی ایراد کردم. خداوند همهٔ این بزرگان را غریق رحمت خود بگرداند.

در پایان باید یادآور شد که این بزرگان حکمت متعالیه و جانشینان آنان شناعت تکفیر فلسفه و فیلسوفان را زدودَند و آن را با جامه‌ای نو به نام «حکمت» بر دوستداران دانش عرضه کردند که خاتم آنان حاج ملاهادی سبزواری در شرح منظومه خود گوید:

نَظَمتُها فی الحکمه الّتی سَمَتفی الذّکرِ بالخیرِ الکَثیر سُمّیت

که اشاره به آیه شریفه دارد:

یوتی الحکمه مَن یَشاءُ و مَن یوتَ الحکمه فقد أوتیَ خیراً کثیراً

علت اختصار این پیش‌گفتار این بود که اینجانب هفته اول سال ۱۳۹۵ را در بیمارستان مهر بستری بودم و در هفته دوم هم دوران نقاهت را می‌گذراندم وگرنه حق آن بود که بیش از این وجیزه، مطلب دربارهٔ آن استاد بی‌بدیل و فیلسوف بزرگ می‌نوشتم ـ چنان چه دربارهٔ استادان دیگر هم نوشته‌ام که در کتاب مفاخرنامه از انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل تهران، در سال ۱۳۹۳، چاپ شده است.

در پایان لازم می‌دانم از زحمات آقایان شهاب‌الدّین شهرابی فراهانی و احمد آقاعلیخانی که در گردآوری این مجموعه کوشش نموده‌اند، قدردانی و تشکر کنم.

فروردین‌ماه ۱۳۹۵

روابط فرهنگی ایران و هند گسترش می‌یابد



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صبح دیروز با «سائوراب کومار» سفیر هند دیدار کرد.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «علی جنتی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این دیدار با تاکید بر روابط دیرینه و گسترده دو کشور گفت: با توجه به فضای جدیدی که در حوزه روابط بین‌المللی ایران پس از رفع تحریم‌ها ایجاد شده است، امیدوارم بیش از پیش بتوانیم روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را با کشور هند گسترش دهیم.

وی افزود: کشور هند برای جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است و گسترش روابط سیاسی، تجاری و علمی و فرهنگی با هند از جمله اولویت‌های ایران در روابط بین‌المللی‌اش محسوب می‌شود.

جنتی با اشاره به سفر ۲۰ سال گذشته خود به کشور هند ادامه داد: در این سفر با استادان زبان فارسی در دهلی ملاقات‌هایی داشتم و از کتابخانه آرشیو این کشور در حیدرآباد بازدید داشتم که در آن گنجینه بسیار عظیمی از آثار زبان و ادبیات فارسی را در مشاهده کردم.

جنتی با تاکید بر اجرای برنامه‌های مبادلات فرهنگی میان دو کشور افزود: یکی از اقدامات ضروری این است که برنامه‌های جدید مبادلات فرهنگی میان دو کشور تنظیم و به امضای وزرای دو کشور برسد.

وی گفت: با توجه به اینکه در خرداد ماه سال جاری سمینار بررسی روابط فرهنگی ایران و هند در تهران برگزار می‌شود، این آمادگی را داریم تا در این زمینه همکاری‌های لازم را داشته باشیم تا سمینار هر چه پربارتر برگزار شود. جنتی بر همکاریهای مشترک در حوزههای سینمایی،موسیقایی،هنرهای تجسمی و برگزاری هفتههای فرهنگی هند در تهران و هفته‌های فرهنگی ایران در دهلی تاکید کرد.

در این دیدار «سائوراب کومار» سفیر کشور هندوستان با تاکید بر گسترش زبان و ادبیات فارسی گفت: ایران و هندوستان دارای اشتراکات بسیاری در زبان و واژه‌های لغوی خود هستند و ما نیز در حال حاضر در حال تلاش برای تشکیل کرسی‌های زبان هندی در دانشگاه تهران هستیم.

وی افزود: همکاری بین کتابخانه‌های دو کشور نیز از جمله ضروریات است و ما دارای بسیاری از آثار و کتب تاریخی به صورت دستنوشته هستیم که نیاز به ترمیم دارند که می‌توان آنها را به صورت مشترک چاپ کرده و در کتابخانه‌ها در دسترس علاقه‌مندان قرار داد.

مجید مجیدی چهره سال هنر انقلاب شد



عکس از سعید نیک نژاد

سرویس فرهنگی هنری :مجید مجیدی سینماگر انقلاب اسلامی و خالق فیلم «محمد رسول الله(ص)» به عنوان چهره سال هنر انقلاب اسلامی در سال ۹۴ برگزیده شد.

به گزارش خبرنگار ما تندیس چهره سال هنر انقلاب به سبب ساخت و اکران موفق فیلم تاریخی «محمد رسول الله(ص)» (پرفروش‌ترین فیلم سال ۹۴) با مضمون دینی و نمایش‌های موفق جهانی این فیلم به ویژه در جهان اسلام، به «مجید مجیدی» تعلق گرفت.

۶ نامزد نهایی دریافت این عنوان در سال ۹۴، به ترتیب حروف الفبا جواد افشار، پرویز پرستویی، عبدالحمید قدیریان، مجید مجیدی،هادی محمدیان و خانم بهناز ضرابی‌زاده بودند که این انتخاب براساس رای حدود ۶۰ نفر از نخبگان و خبرگان هنری صورت گرفت.

سال گذشته، مرتضی سرهنگی به عنوان چهره سال هنر انقلاب اسلامی برگزیده شده بود.

مجید مجیدی متولد ۱۳۳۸تهران است. وی فعالیت هنری خود را با بازی در نمایش‌های صحنه‌ای آغاز کرد و سپس به «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» پیوست و به بازی در نمایش و نویسندگی و کارگردانی فیلم کوتاه پرداخت. نویسندگی و کارگردانی فیلم کوتاه «انفجار» نخستین تجربه اوست، که با دوربین ۱۶میلی‌متری فیلمبرداری شد و فیلم «بدوک» اولین فیلم بلند در مقام کارگردانی است. او علاوه بر بازی در فیلم‌های انقلاب و دفاع مقدس (همچون تیرباران و تا مرز دیدار) فیلم‌های ارزنده‌ای چون بدوک، پدر، بچه‌های آسمان، رنگ خدا، باران، بید مجنون، آواز گنجشک‌ها و محمدرسول‌الله(ص) را کارگردانی کرده است. در کارنامه مجیدی موفقیت‌های بسیاری در جشنواره‌های داخلی و خارجی به چشم می‌خورد.

از جمله مهم‌ترین موفقیت‌های جهانی مجیدی نیز می‌توان به نامزدی در اسکار برای فیلم «بچه‌های آسمان»، نامزدی جایزه طلایی ستلایت برای فیلم «باران»، دریافت تقدیرنامه برای فیلم «پدر» از چهاردهمین جشنواره فیلم لندن و نامزدی خرس طلایی جشنواره بین‌المللی فیلم برلین برای فیلم «آواز گنجشگ‌ها» اشاره کرد.

محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری در این مراسم گفت: هفته هنر انقلاب در سالروز شهادت شهید اهل قلم، مرتضی آوینی برگزار شد. این فرصت را مغتنم بشماریم و در باب آثار انقلابی تأملی بکنیم.

ادب و هنر پیش از انقلاب فاصله بسیاری با جامعه متدین داشت. بعد از انقلاب تمام زمینه‌ها تحت تاثیر انقلاب، دگرگون شد اما در بحث ادب و هنر، فضا به کل تاسیسی و ایجادی بود. خوشبختانه امروز با افتخار می توانیم از مکتب ادبی–هنری انقلاب نام ببریم که ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر مکاتب متمایز می‌کند.

وی اظهار داشت: خوشبختانه امروزه در حوزه دانشگاه‌ها، درباره این مکتب پژوهش و تحقیق می‌شود. این گستردگی نه تنها در بین ایرانیان بلکه در میان خارجیان هم وجود دارد. از ویژگی‌های سال ۹۴ این است که میزان پایان‌نامه‌های منتشر شده در حوزه ادبیات هنر انقلاب تدوین شده بود. هرچند آمار دقیقی ندارم و براساس صحبت‌های استاد منوچهر اکبری عرض می‌کنم؛ ۳۰۰ پایان نامه با موضوع اشعار شاعران حوزه انقلاب منتشر شده است. حالا در حوزه‌های سینما و تئاتر اگر بخواهیم نگاهی بیندازیم، که قطعا آمار بیشتر می‌شود. خیلی‌ها معتقدند که در حوزه هنر انقلاب ما دچار بحران مخاطب هستیم؛ بنده این عرض را قبول ندارم. خوشبختانه آثار دینی–انقلابی با استقبالی کم‌نظیر مواجه شده است. بنده به امور حوزه هنری اشراف دارم و باید بگویم سال گذشته، میزان فروش آثار سوره مهر، به یازده میلیارد تومان رسید که نسبت به سال گذشته رشد دو برابری داشتیم. این در شرایطی است که بسیاری از انتشاراتیها کارشان بی‌رونق بوده است.

در بخش سینما هم فیلم ارزشمند «محمد رسول‌الله» ساخته شد که مخاطب بسیاری را به سالن سینما کشاند و رکورد فروش را شکست. این شرایط رشد و بالندگی به دو شرط محقق می‌شود. اول اینکه اثر هنری بتواند از حیثیت خودش دفاع کند و دوم عرضه و معرفی اثر به مخاطب است.

رئیس حوزه هنری در ادامه اظهار داشت: یکی دیگر از ویژگی‌های سال ۹۴، حضور هنرمندان جوان در سپهر هنر جامعه بود. یادی کنیم از احمدی سخا، هنرمندی که در تجسمی کار می‌کرد و طراحی پوستر و تابلو با معرفی دستاوردهای انقلابی بود. یادی هم بکنیم از شهید سیاح طاهری که با همکاری جمعی از سینماگران طی یک عمل مبتکرانه فیلم‌های برجسته دفاع مقدس را به مناطق محروم می‌برد و نشان مردم می‌داد و آنها را با فیلم‌هایی اینچنین ارزشمند آشنا می‌کرد. همچنین معرفی کتاب‌های خواندنی در حوزه دفاع مقدس از دیگر زحمات‌شان بود. در روزهای آخر امسال هم اتفاق مهم دیگری افتاد که جامعه هنری را دلشکسته کرد و آن هم از دست دادن هنرمند فقید فرج‌الله سلحشور بود. حضور مردم در تشییع پیکرش و مراسم‌های تجلیل‌اش بی‌نظیر بود. این حجم از استقبال نه تنها در ایران بلکه در کشورهای همسایه هم اتفاق افتاد. روحشان شاد. موفقیت‌ها و دستاوردهای دیگری هم در سال گذشته داشتیم که به خاطر کمی وقت از گفتن‌شان صرف‌نظر می‌کنیم.

در ادامه سید رضا میرکریمی کارگردان سینما درباره مجید مجیدی گفت: اگر طبق نظر عده‌ای هنرمند انقلابی را ستیزه‌جو و پرخاشگر بدانیم یا طلبکار و مدعی و یا کسی که به عقاید دیگران احترام نمی‌گذارد و از صلح و مدارا سختی نمی‌گوید پس مجیدی هنرمند انقلابی نیست.

من همه نامزدهای منتخب این مراسم را کسانی می‌دانم که فاقد خصوصیات ذکر شده هستند و این نامزدها هنرمندانی هستند که انسان‌ها از دست و زبانشان در امان هستند و بیش از دیگران سعی در یاری رساندن به مردم دارند. او سپس خطاب به مجیدی گفت: به رفاقت با تو افتخار می‌کنم.

مجید مجیدی هم در این مراسم گفت: من خود را شایسته این تجلیل نمی‌دانم و معتقدم هنرمندان واقعی در این عرصه شهدا بودند و ما در مقابل اقیانوس بی‌کران آن‌ها کاری نکرده‌ایم چون آن‌ها به صورت گمنام این فضا را برای فعالیت ما هنرمندان آماده کردند.

مجیدی در ادامه از شهید آوینی یاد کرد و گفت: شهید آوینی به من آموخت که چگونه بر سر باورها و اعتقادم بایستم. او ادامه داد: زمانی که فیلم «بدوک» را ساختم با هجمه‌هایی روبرو شدم.

زمانی که این مسأله را با شهید آوینی مطرح کردم وی گفت: تو راهت را درست انتخاب کرده‌ای و هیچ نگرانی نداشته باش چون وظیفه و رسالت یک هنرمند این است که از دردها و رنج‌های مردمش بگوید و او به من آموخت که بر سر اعتقادم بایستم.

انتشار «پسر طبیعت» قصه حیِّ بن یقظان

کتاب «پسر طبیعت» قصه حیِّ بن یقظان به کوشش غلامرضا سحاب و نشر دنیای جغرافیای سحاب در شمارگان هزار نسخه منتشر شد.

این کتاب ترجمه اثری است از ابن طفیل اندلسی در قرن ۱۲ میلادی که توسط ابوالقاسم سحاب در سال ۱۳۱۹ شمسی بازنویسی شده است.

این نسخه بازنویسی کتابی است که ۷۵ سال پیش منتشر شد، داستانی است درباره کودکی که در بدو تولد در آغوش طبیعت رها شد. کودک بی‌پناه چاره‌ای نداشت تا برای زنده‌ماندن خود از نیروی طبیعی اطرافش کمک بگیرد. کودک، درست در زمانی که هیچ درکی از زندگی نداشت، طبیعت را مادری مهربان یافت و در آغوش او و با کمک نیروهایی که طبیعت در اختیارش قرار می‌داد آموخت تا چگونه بدون حضور همنوعانش زنده بماند و به زندگی ادامه دهد.

این داستان روی دیگر نیز دارد، داستان دوستی دو یار دیرینه به نام اَسپال و سَلامان که هر یک خدا را به گونه‌ای می‌بینند و ذات بی‌همتای او را تکریم می‌کنند، اما تفات‌های ظاهری این پرستش در نهایت آنها را از یکدیگر جدا می‌سازد.

ترجمه این کتاب مصور، در ۶ فصل و ۱۴۴ صفحه و ۱۲ تصویر، ابتدا به صورت قطع جیبی از عربی به فارسی ترجمه شده بود که امسال با طراحی و نقاشی تصاویر محمد صادق، به چاپ رسیده است. برخی معتقدند که عرفان ابن‌سینا و فلسفه ابن طفیل را می‌توان در این کتاب به خوبی درک کرد. پس از آن اندیشمندان و فیلسوفانی چون خواجه نصیر طوسی، جوزجانی، شیخ اشراق و عبدالرحمن جامی نیز بر آن توجه ویژه داشته‌اند. این کتاب همچنین توسط نویسندگان خارجی بسیاری در طی سال‌های ۱۶۷۱ تا ۱۹۰۰ میلادی از زبان عربی به زبان‌های انگلیسی، عبری، اسپانیایی، آلمانی و هلندی ترجمه شده است.

در دوران معاصر نیز اندیشمندانی همچون بدیع‌الزمان فروزانفر و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی نیز به ترجمه آن پرداخته‌اند و هر یک برآن نامی نهاده‌اند. لازم به ذکر است که مهدی آذر یزدی، نویسنده چیره‌دست کودک و نوجوان نیز داستان «بچه آدم» را در سال ۱۳۴۵ با اقتباس از داستان «حی بن یقظان» برای گروه سنی کودک و نوجوان تألیف کرده است.

برگزاری درس گفتار "نگاه مولانا به خاقانی"

دوازدهمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره خاقانی در روز چهارشنبه اول اردیبهشت ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه به بررسی «نگاه مولانا به خاقانی» اختصاص دارد که با سخنرانی دکتر محمدجواد اعتمادی، مولوی‌پژوه و محقق ادب فارسی، در مرکز فرهنگی شهرکتاب برگزار می شود .

در نگاه اول سخن گفتن از مولانا و خاقانی در کنار هم، دشوار به نظر می‌رسد. به جهت تفاوت‌های بنیادینی که در وجوه گوناگون میان این دو شاعر بزرگ وجود دارد، شاید به نظر نرسد که خاقانی یکی از تاثیرگذارترین سخنوران بر شعر مولاناست. ردپای شعر و اندیشه خاقانی را هم در غزل‌های مولوی و هم در مثنوی معنوی می‌توان مشاهده کرد. از اشاره صریح مولانا به شعر و نام خاقانی گرفته تا تاثیرپذیری‌های مستقیم و غیرمستقیم.

مرکز فرهنگی شهر کتاب در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم واقع است و در این درس‌گفتار نمونه‌ها و حضور خاقانی در جهان شعری مولانا بیان می‌شود.

تندیس ۳۲۱ منتشر شد



سیصد و بیست و یکمین شماره تندیس ۱۷فروردین ۱۳۹۵منتشر شد.

تصویر روی جلد این شماره، اثری از پژمان رحیمی‌زاده است. سردبیر در سرمقاله یادداشتی را با عنوان «سال نو، راه نو» نوشته است.سیدامیر سقراطی در صفحه خبرنگاشت درباره نقد هنرهای تجسمی ایران و درگذشت قاسم هاشمی‌نژاد نوشته است.

ویدا عاکف در بخش تصویرسازی گفتگویی را با پژمان رحیمی‌زاده ترتیب داده است.مریم آموسا مطلبی برای زنده‌یاد استاد حسن قائمی نوشته است.در بخش گالری‌گردی میلاد سیاح درباره نمایش آثار لیلی متین‌دفتری در گالری امکان نوشته است. عناوین برخی دیگر از مطالب چاپ شده در این شماره به شرح زیر است:

آسیب‌شناسی اجتماعی گالری‌داران در ایران ،مقاله‌ای درباره خوشنویسی معاصر ایران ، نگاهی به جنبش‌های زنان و رویکردهای فمنیستی ، درباره‌ی سالانه طراحی «اسفند» در گالری آرتین مشهد، هشدار در مورد واگذاری موزه هنرهای معاصر تهران و...

انتشار «مرکب‌خوانی در ردیف موسیقی آوازی ایران»

آلبوم «مرکب‌خوانی در ردیف موسیقی آوازی ایران» شامل سه‌لوح، با اجرای استاد حسن گلپایگانی، ویولن فرشید فرهمند حسن‌زاده، سنتور هانی گلپایگانی و به گویندگی فرح‌دخت، شامل ۲۴ قطعه آوازی همراه با دفترچه شعر و توضیحات آموزشی گوشه‌ها منتشر شد.

در این آلبوم آموزشی، محمدرضا ممتاز واحد در توضیح کوشش انجام شده گفته است: مرکب‌خوانی (مدلاسیون)، رفتن از مقامی به مقامی دیگر از گذار مخصوص و در نهایت بازگشت به مقام اصلی است به صورتی که شنونده هیچگونه احساس ناخوشایندی نداشته باشد. در مجموعه پیشین (ردیف‌آوازی فراز و فرود) رهنمون همزمان هنرجو به شناخت مناطق مُدال در حین فراگیری تکه‌ها و گوشه‌های زنجیره ردیف بسیار مورد توجه بود و هنرجو ضمن تسلط بر ردیف تا حدی نیز به شناخت مناطق مُدال اشراف و احاطه پیدا می‌کند.

حسن گلپایگانی، متولد ۱۸ آبان ۱۳۱۹ دنباله‌روی هنری با تداوم بیش از یک قرن در خانواده گلپایگانی‌ها، ردیف‌دان، محقق و مدرس تخصصی آواز ایران است که در پی بیش از ۴۰ سال تلاش مستمر، مجموعه بی‌نظیر فراز و فرود در آسمان ردیف موسیقی آوازی ایران را پیشتر به تاریخ هنر ایران افزوده است.

برپایی نمایشگاه نقاشی «زندگی از چشمان من» در حمایت از کودکان محک

نمایشگاه نقاشی هنرجویان کودک و نوجوانِ تارا بهبهانی ۲۶ و ۲۷ فروردین ۱۳۹۵ در مؤسسه خیریه محک برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه خیریه محک، دهمین دوره نمایشگاه نقاشی هنرجویان کودک و نوجوان با عنوان «زندگی از چشمان من»، ۲۶ و ۲۷ فروردین از ساعت ۱۶ تا ۲۰ برگزار می‌شود. در این نمایشگاه ۲ روزه که هنرمندان کودک و نوجوان دیدگاه خود را نسبت به زندگی از طریق ۷۲اثر هنری به نمایش می گذارند، حمایت و همراهی‌شان را با دوستان کوچکشان در محک اعلام می کنند. بهبهانی درباره این نمایشگاه گفت: «انگار همین دیروز بود که با ۱۶ نقاش کودک و نوجوان اولین نمایشگاه نقاشی را در محک برگزار کردیم. آن روز فکر نمی‌کردیم، تیم ۱۶ نفره ما، با حضور یاوران همراه و همدل کودک و نوجوانمان ۷۲ نفر شود.» تارا بهبهانی نقاش و پژوهشگر هنر که در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی متعددی حضور داشته است، ده سال است که با برگزاری نمایشگاه نقاشی در مؤسسه خیریه محک و اهدای کلیه عواید حاصل از فروش به فرزندان محک، توجه کودکان و نوجوانان این مرز و بوم را به حمایت از همسالان مبتلا به سرطان‌شان جلب می کند تا پیام دوستی و مهربانی در بین کودکان و نوجوانان کشورمان منتشر شود . لازم به ذکر است نمایشگاه «زندگی از چشمان من» ۲۶ و ۲۷ فروردین ۱۳۹۵ از ساعت ۱۶ الی ۲۰ در مؤسسه خیریه محک برگزار می‌شود.

دبیر سومین سوگواره "خمسه" منصوب شد

محمود صلاحی رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در حکمی علی اصغر خسروی را به عنوان دبیر سومین سوگواره نمایشی و آیینهای مذهبی «خمسه» منصوب کرد

به گزارش روابط عمومی مدیریت فرهنگی هنری منطقه دو، «برگزاری سوگواره هنرهای نمایشی و آیینهای مذهبی «خمسه» فرصت مغتنمی است تا هنرمندان شریف نمایش با دل و جانی شیفته به خلق و اجرای آثاری با مضامین دینی و انقلابی بپردازند.

ترویج و تقویت و بازشناسی هویت مذهبی، گسترش و تعمیق شناخت شهروندان از الگوهای دینی، بهره مندی از زبان نمایش در تمامی جلوه‌های آن برای فرهنگ سازی مذهبی، توجه به نمایشهای سنتی و آئینی ایران، بسترسازی برای خلق و اجرای آثار نمایشی مناسب، شناسایی و جذب جوانان هنرمند، بهره‌گیری از هنرمندان فعال و موثر در جبهه انقلاب اسلامی و ترویج مراجعه و بهره‌برداری از متون مرجع دینی در خلق آثار تاریخی از جمله اهداف شکل گیری این سوگواره است

با عنایت به برگزاری شایسته دومین دوره این رویداد با دبیری جنابعالی، براساس این حکم با حفظ سمت شما را به عنوان «دبیر سومین سوگواره هنرهای نمایشی و آئینهای مذهبی خمسه» معرفی می‌کنم.

امید است در همکاری و تعامل با معاونت هنری سازمان و بهره‌مندی از حضور و مشارکت هنرمندان عرصه هنرهای نمایشی و در ظل توجهات پنج تن آل عبا (ع) که این سوگواره به نامشان معطر و متبرک است، در برگزاری مناسب و جریان‌سازی مطلوب این رویداد موفق و موید باشید..» علی اصغر خسروی مشاور رئیس و مدیرکل حوزه ریاست سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است.

سرقت‌های علمی تهدیدی جدی برای دانشگاههای کشور

معاون فرهنگی و اجتماعی رئیس دانشگاه تهران گفت:سرقتهای علمی و رفتارهای ناهنجار تولید علم تهدیدی جدی برای حوزه‌های علمی و دانشگاهی کشور به شمار می‌روند.

مجید سرسنگی در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: نبود قوانین مشخص در حوزه مالکیت معنوی در حوزههای علمی، فرهنگی، ادبی و غیره از جمله مشکلات عمده ای است که طی سالیان گذشته گریبان گیر کشور بوده است.

وی گفت: نبود قوانین جامع در حوزه مالکیت معنوی سبب شده تا بسیاری از صاحبان آثار علمی، پژوهشی، ادبی و هنری احساس اطمینان و امنیت نکنند.

معاون فرهنگی و اجتماعی رئیس دانشگاه تهران افزود: هر چند در سالهای گذشته مباحث فراوانی در مورد عضویت در کنوانسیونهای بین‌المللی مالکیت معنوی و حق کپی رایت شده، اما نتیجه مشخصی به دست نیامده است.

سرسنگی خاطرنشان کرد: این گونه رفتارهای نابهنجار در حوزههای علمی سبب تضعیف بیشتر آن می شود چرا که مراکز علمی باید در راستای توسعه مرزهای دانش گام برداشته و در جهت ارتقای آن بکوشند.

وی تصریح کرد: اکنون خلأهای فراوان قانونی وجود دارد و همین امر سبب شده تا افراد به راحتی از دست‌یافته‌های دیگران استفاده کنند.

سرسنگی اظهار داشت: افرادی با گرفتن مبالغی اقدام به نوشتن تز و پایان‌نامه‌های دانشگاهی می‌کنند و حتی در قبال دریافت وجه، مقاله‌های جعلی را در مجلات به چاپ می‌رسانند. وی گفت: هنگامی که قوانین نتوانند از آثار صاحبان اندیشه و دانشمندان حفاظت کنند شاهد افت شاخصهای کیفی علمی و پژوهشی خواهیم بود.

معاون فرهنگی و اجتماعی رئیس دانشگاه تهران افزود: باید برخوردهای جدی با سرقتهای علمی، کپی رایت و عدم مالکیت معنوی صورت گیرد و در این راستا نقش قانون گذاران بسیار پررنگ به نظر می‌رسد.

وزیر علوم: مرکز تحقیقات بین‌المللی مغز و اعصاب راه‌اندازی می‌شود

وزیر علوم از پیگیری‌ها برای راه‌اندازی مرکز تحقیقاتی پروفسور سمیعی در کشور خبر داد.

دکتر فرهادی وزیر علوم دیروز در مراسم تجلیل از پروفسور سمیعی گفت: پروفسور سمیعی در رشته‌های علوم اعصاب افراد زیادی را در سطوح تخصصی و فوق تخصصی تربیت کردند، بنابراین باید حضورشان را قدر بدانیم.

وی افزود: پروفسور سمیعی از ۲۰ سال گذشته در دانشگاه هم تدریس داشته‌اند و هم عمل جراحی انجام داده‌اند و امیدوارم این کار را در دانشگاه علوم پزشکی ایران هم دنبال کنند.

فرهادی از پیگیری برای راه‌اندازی یک مرکز تحقیقاتی در کشور با عنوان "پروفسور سمیعی" خبر داد و گفت: بنا است که این مرکز در زمینه مهندسی پزشکی، علوم زیستی و طبیعی فعالیت کند.

وی با بیان اینکه قرن جدید، قرن مغز و علوم اعصاب است، بر لزوم پرداختن بیشتر به حوزه مغز و اعصاب تاکید کرد و گفت: علوم مغز و اعصاب بیش از ۱۸ رشته را شامل می‌شود. ما در نظر داریم که بسیاری از این رشته‌ها را در مرکز تحقیقاتی بین‌المللی سمیعی دنبال کنیم.

سخنان دکتر حاج میراسماعیل

دکتر حاج میراسماعیل رییس دانشگاه علوم پزشکی ایران هم در این مراسم با بیان اینکه پروفسور مجید سمیعی قبول کردند که عضو هیات علمی دانشگاه ما باشند، گفت: بنابراین امیدواریم بتوانیم برخی دانشجویان را به صورت بورسیه تحت آموزش پروفسور سمیعی قرار دهیم.

دکتر حاج میراسماعیل در مراسم تجلیل از پروفسور مجید سمیعی با بیان اینکه دانشگاه علوم پزشکی ایران حدوداً نزدیک به پنج دهه فعالیت علمی و تحقیقاتی را برای کشور انجام داده است، گفت: امروز در دانشگاه حدوداً ۸۵۰۰ دانشجو داریم که امیدواریم یکایک این دانشجویان روزی یک پروفسور سمیعی برای کشور باشند.

وی افزود: اکنون دانشگاه ایران ۸۱۰ عضو هیات علمی و ۱۰ دانشکده دارد که برخی از این دانشکده‌ها در کشور منحصر بفرد هستند. دانشکده پزشکی ما تا سطح فلوشیپ را تربیت می‌کند و دانشکده علوم پایه ما نیز دانشجویان را تربیت می‌کند. همچنین دانشکده توانبخشی ما در کشور بهترین است. دانشکده مدیریت دانشگاه علوم پزشکی ایران تنها دانشکده مدیریت در کشور است که مدیران سلامت کشور را تربیت می‌کند.

وی با بیان اینکه پروفسور مجید سمیعی قبول کردند که عضو هیات علمی دانشگاه ما باشند، گفت: بنابراین امیدواریم بتوانیم برخی دانشجویان را به صورت بورسیه تحت آموزش پروفسور سمیعی قرار دهیم.

سخنان پروفسور سمیعی

پروفسورمجید سمیعی، پزشک و جراح مغز و اعصاب هم در این مراسم گفت: اگر خدا به من این امکان را داده که در جوانی سمت استادی بگیرم و با سراسر دنیا ارتباط داشته باشم، در ۵۰ سال اخیر سالی نبوده که یک یا دو مرتبه به ایران نیامده باشم و تمام اطلاعات و دانشم را در خدمت کشورم قرار نداده باشم.

وی درباره مرکز علوم اعصاب ایران که چند سالی است، قرار است ایجاد شود، گفت: در زمینه این مرکز تاکنون اقدامات زیادی انجام شده و می‌خواهیم طوری باشد که حتی شبیه به آن در ایران و حتی در دنیا وجود نداشته باشد.

سمیعی افزود: من علاقه‌ای ندارم که هرچه زودتر یک ساختمان ایجاد شود و پرچمی بالای آن بزنیم و بگوییم این یک مرکز تحقیقاتی علوم اعصاب است، بلکه من زمانی راضی هستم که عملکردهای این مرکز در دنیا مورد قبول و اعتبار باشد. پس منتظر نباشید این مرکز هرچه زودتر تمام شود. البته امیدوارم تا اواخر امسال بتوانیم صد درصد کارهای علمی و تشخیصی را در این مرکز انجام دهیم، اما اقدامات درمانی هنوز به زمان نیاز دارد. ما می‌خواهیم بهترین مغزهای کشور را در حوزه علوم اعصاب تربیت کنیم و من معتقدم حرکت بزرگی در این زمینه در کشور در حال وقوع است.

این پزشک و جراح مغز و اعصاب سرشناس ایرانی در ادامه با اشاره به سمپوزیوم بین‌المللی جراحی مغز و اعصاب که قرار است در ایران برگزار شود، گفت: برگزاری این کنگره برای انجمن جراحان مغز و اعصاب و ایران، تاریخی است. تاکنون فدراسیون جهانی کنگره‌ای به این شکل را در ایران برگزار نکرده است.

پروفسور سمیعی همچنین اظهار کرد: در این کنگره بالغ بر ۹۰ کشور و بهترین متخصصان علوم اعصاب از همه قاره‌ها زیر پرچم فدراسیون جهانی شرکت می‌کنند که با همکاری انجمن علوم اعصاب ایران برگزار می‌شود. در عین حال خوشحالم که تمام مسئولان کشورمان در برگزاری این سمپوزیوم شریک هستند. میهمانان این کنگره از روز شنبه وارد کشور می‌شوند و چند روزی هم در اصفهان و شیراز برای بازدید از مکان‌های تاریخی اسکان می‌یابند و مطمئنم این موضوع تاریخی همیشه برای ایران باقی خواهد ماند .

وی همچنین خطاب به جوانان گفت: آنچه که مسلم است، افراد سالم قدرت فراگرفتن علم و دانش بیشتری دارند. یکی از مسائل مهم در زندگی، راحتی وجدان است؛ کسی که با خودش کنار نیامده نمی‌تواند در زندگی کارهای بزرگ انجام دهد. بنابراین تا زمانی که جوان هستید کاری نکنید که عذاب وجدان بگیرید. بهترین نصیحت من به جوانان این است که کارهایی را که برایتان عذاب روحی می‌آورد، انجام ندهید و تاریخچه زندگی‌تان را در جوانی خراب نکنید.

سمیعی در ادامه با اشاره به ایجاد مرکز تحقیقاتی پایه ویژه متخصصان بنام دنیا در کشور گفت: این مساله‌ای بزرگ و تاریخی برای ایران است که نتیجه آن را در پنج تا ۱۰ سال آینده می‌بینیم. نوآوری چیزی است که منجر به پیشرفت کشور می‌شود و به دانش رشته‌های پایه نیاز دارد. تا زمانی که دانش رشته‌های پایه بالا نرود، نمی‌توانیم مرزهای دانش را باز کنیم.

این پزشک و جراح مغز و اعصاب سرشناس ایرانی افزود: در گذشته نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورها برای تحقیقات منابع مادی زیادی را در اختیار نمی‌گذاشتند. حال زمانی که زندگی دانشمند و خانواده‌اش تامین نباشد، نمی‌تواند کاری انجام دهد. ما برای تحقیقات ارزشی قائل نیستیم، اما باید این مساله را در کشور روشن کنیم. یک محقق باید به اندازه کسی که یک ساختمان ۳۰۰ طبقه‌ای می‌سازد در رفاه باشد و حتی ارزشش باید در جامعه بیش از این باشد.

این پزشک و جراح مغز و اعصاب سرشناس ایرانی درباره چگونگی نگهداشتن متخصصان و دانشمندان در کشور ادامه داد: زمانی می‌توانیم متخصصان را در کشور نگه داریم و در عین حال آنهایی که رفته‌اند از خارج به ایران بازگردانیم که شرایط مختلفی برایشان فراهم کنیم در غیراینصورت نمی‌توانیم به شرایط کشورهای اروپایی دست یابیم.

پروفسور سمیعی ادامه داد: اولا یک محقق نباید در ایران فقیر باشد و باید امکانات زیست را برایش فراهم کنیم. محقق باید در اجتماع مورد احترام قرار گیرد و درباره او تبعیض قائل نشویم. اینها چیزهایی است که ما سعی می‌کنیم آنها را در مرکز تحقیقاتی فراهم کنیم.

سمیعی همچنین خطاب به دانشجویان گفت: شما آینده و جواهر کشور ما هستید و پیشرفت این کشور را در وجود شما می‌بینم. من و تمام اساتید نیز یک امید بیشتر نداریم و آن اینکه شما بهتر از اساتیدتان شوید. این آرزوی یک استاد با تجربه و علاقه‌مند به کشورش است.

این پزشک و جراح مغز و اعصاب سرشناس ایرانی در ادامه صحبت‌هایش به تاریخچه‌ای از علوم مغز و اعصاب و جراحی اعصاب اشاره کرد و برخی جراحی‌های خود را به نمایش گذاشت.

برپایی نمایشگاه نقاشی‌های لوریس چکناواریان در خانه هنرمندان ایران

نمایشگاه نقاشی‌های لوریس چکناواریان با عنوان «موسیقی روی بوم» دوشنبه ۳۰ فروردین ساعت ۱۷ در نگارخانه استاد ممیز خانه هنرمندان ایران افتتاح می‌شود.

به گزارش روابط عمومی خانه هنرمندان ایران، در این نمایشگاه ۳۰ اثر نقاشی با تکنیک اکریلیک روی بوم همراه با نمایش فیلم از آثار استاد لوریس چکناواریان در معرض دید مخاطبان قرار می‌گیرد.

لوریس چکناواریان آهنگساز و رهبر ارکستر سال ۱۳۱۶ در بروجرد به دنیا آمد. او تحصیلات موسیقی خود را از سال ۱۳۳۲ در هنرستان عالی موسیقی آغاز کرد. مدتی بعد به وین عزیمت کرد و تا سال ۱۳۴۰ در فرهنگستان موسیقی این شهر به تحصیل آهنگسازی و رهبری ارکستر اشتغال داشت. سپس به ایران بازگشت و ضمن تدریس در هنرستان عالی موسیقی و ترتیب دادن نمایشگاهی از سازهای ملی در انستیتو گوته تهران، تصدی صداخانه ملی هنرهای زیبای کشور را عهده دار شد. چکناواریان در اواخر سال ۱۳۴۲ رهسپار اتریش شد و در سالزبورگ کار آهنگسازی را ادامه داد. دو سال بعد به آمریکا رفت و چندین سال در دانشگاه میشیگان به ادامه تحصیل در رشته‌های آهنگسازی و رهبری ارکستر پرداخت. وی در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و علاوه بر کنسرت‌هایی با ارکستر سمفونیک تهران، ارکستر مجلسی و تلویزیونی ملی ایران و... (به عنوان رهبر میهمان)، آثار متعددی آفرید که اکثر آنها در تالار رودکی اجرا شد.

چکناواریان در سال ۱۳۵۱ به رهبری ارکستر اپرای تهران منصوب شد. چکناواریان پس از انقلاب در ارمنستان اقامت گزید و در ایروان به فعالیت‌های هنری خود ادامه‌داد. در کارنامه کاری چکناواریان آهنگسازی فیلم هم دیده می‌شود. موسیقی فیلم‌هایی چون «تنگسیر» امیر نادری، «من ایران را دوست دارم» خسرو سینایی، «پرتو یک حماسه» منوچهر طیاب، «بیتا» هژیر داریوش و «بشارت منجی» نادر طالب‌زاده از جمله آثار چکناواریان در حوزه موسیقی فیلم است. چکناواریان از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۰ رهبری ارکستر فیلارمونیک ارمنستان را برعهده داشت و بیشتر در ارمنستان به سر می‌برد. به مدت ۳ سال نیز برای اجراهای خیریه با این ارکستر در وین بود. اواسط دهه هفتاد او به ایران آمد و به عنوان رهبر مهمان اجراهای فراوانی را با ارکستر سمفونیک تهران داشت و دوره رهبری او بر این ارکستر از جمله دوره‌های پرفروغ ارکستر سمفونیک تهران به شمار می‌رفت.

نمایشگاه نقاشی‌های لوریس چکناواریان با عنوان «موسیقی روی بوم» تا ۵ اردیبهشت دایر است و علاقه‌مندان برای دیدار از این نمایشگاه می‌توانند همه روزه از ساعت ۱۴ تا ۲۱ به نگارخانه استاد ممیز خانه هنرمندان ایران مراجعه کنند.

کوتاه آموزشی

برنامه جدید دانشگاه آزاد برای فعالیت استادان در مراکز پژوهشی

معاون پژوهشی دانشگاه آزاد گفت: این دانشگاه بخشی از وظایف آموزشی استادان را به فعالیتهای پژوهشی و فرهنگی اختصاص می‌دهد.

ابراهیم واشقانی فراهانی در گفتگو با مهر گفت: معاونت آموزشی دانشگاه آزاد درحال تدوین شرح وظایف آموزشی اعضای هیات علمی این دانشگاه است که براساس آن مشخص می‌شود اساتید در چه مواردی می‌توانند به جای فعالیتهای آموزشی به فعالیتهای پژوهشی بپردازند.

وی افزود: اعضای هیات علمی باید ساعات آموزشی خود را براساس تدریس واحدهای درسی پر کنند اگر استادی نتوانست ساعات آموزشی موظف خود را از طریق تدریس کامل کند می تواند به فعالیتهای پژوهشی بپردازد.

معاون پژوهشی دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: همچنین اعضای هیات علمی این دانشگاه می‌توانند به ازای بخشی از فعالیتهای آموزشی در مراکز پژوهشی دانشگاه فعالیت کنند.

اعتبار وام شهریه دانشجویان کاهش یافت

رئیس صندوق رفاه دانشجویان از کاهش ۴۵درصدی وام شهریه در لایحه بودجه سال ۹۵خبر داد و گفت: این کاهش اعتبار در ارائه وام شهریه به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و غیرانتفاعی تاثیر گذارخواهد بود.

ذوالفقار یزدان مهر در گفتگو با مهر با اشاره به وضعیت اعتباروام شهریه در سال جاری گفت: اعتبار وام شهریه در لایحه بودجه سال ۹۵ حدود ۴۵ درصد کاهش یافت. وی یادآورشد: اعتبار وام شهریه سال گذشته ۱۰۰میلیارد تومان بود که در لایحه بودجه سال ۹۵به ۵۵ میلیارد تومان کاهش یافت.

رئیس صندوق رفاه دانشجویان همچنین از انعقاد تفاهم‌نامه‌ای برای توسعه آموزش مجازی در دانشگاه پیام‌نور خبر داد.

آغاز طرح سنجش سلامت از اردیبهشت

رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور خبر داد: برای اولین بار طرح سنجش سلامت، جدا از کودکان ۶ سال تمام برای کودکان ۵ سال تمام نیز از اردیبهشت ماه اجرا می‌شود.

مجید قدمی در گفتگو با مهر تصریح کرد: پیش‌بینی می شود تعداد ۲ میلیون کودک به پایگاههای سنجش مراجعه کنند. وی بیان کرد: تعداد ۹۰۰پایگاه طرح سنجش سلامت در سراسر کشور از اول اردیبهشت ماه راه‌اندازی می‌شود.

آغاز ثبت‌نام آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی

ثبت‌نام آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی از امروز آغاز شده و تا ۱۴ اردیبهشت ماه در مدارس محل تحصیل فعلی دانش‌آموزان انجام می‌شود.

به گزارش فارس، دستورالعمل آزمون ورودی دبیرستان‌های دوره اول و دوم متوسطه و هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای نمونه دولتی سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها ابلاغ شد. ملاک ثبت‌نام دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی در آزمون ورودی دبیرستان‌های نمونه دولتی دوره اول متوسطه، کسب مقیاس خیلی خوب در تمام دروس یا مقیاس خوب در یک درس و خیلی خوب در سایر دروس در نوبت اول در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ است. ملاک ثبت‌نام دانش‌آموزان پایه نهم در آزمون ورودی دبیرستان‌های دوره دوم متوسطه نظری و هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای نمونه دولتی، کسب حداقل معدل ۱۷ در نوبت اول در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ است.

آزمون زبان انگلیسی عمومی وزارت بهداشت پنجشنبه برگزار می‌شود

دوره سی و چهارم آزمون زبان انگلیسی عمومی وزارت بهداشت MHLE پنجشنبه ۲۶فروردین برگزار می‌شود.

به گزارش مهر، آزمونهای زبان انگلیسی عمومی وزارت بهداشت MHLE در سال ۹۵در پنج نوبت برگزار می شوند. این آزمون دارای ۱۰۰پرسش در سطح آزمون استاندارد تافل (۳۰پرسش درک مطلب شنیداری، ۴۰ پرسش واژگان، ساختار و دستور زبان و ۳۰پرسش درک مطلب نوشتاری) و ۱۰۰نمره بدون نمره منفی است. کارت ورود به جلسه آزمون از ساعت ۱۸دیروز ۲۴ فروردین ۹۵ در سایت مرکز سنجش آموزش پزشکی قابل دریافت است. آزمون زبان انگلیسی عمومی وزارت بهداشت MHLE ساعت ۹صبح روز پنجشنبه ۲۶فروردین ماه ۹۵برگزار می‌شود. کارنامه این آزمون ساعت ۱۸روز ۵ اردیبهشت ماه ۹۵ منتشر می‌شود. داوطلبان باید پیش از مراجعه به حوزه آزمون از کارت ورود به جلسه خود پرینت تهیه کنند.

دیدگاه

ضرورت ایجاد مراکز تحقیق و توسعه

دکتر فتح‌اله مضطرزاده
معاون وزیر علوم و رئیس سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی

در سال‌های اخیر بحث «اقتصاد مقاومتی» مطرح و سپس به مفهوم رایج مباحث اقتصاد سیاسی تبدیل شده است. امروزه اقتصاد هر کشور نه تنها تحت تأثیر عوامل داخلی، بلکه به صورت اجتناب‌ناپذیری متأثر از مسائل جهانی و بین‌المللی است. بنابراین قبل از بررسی رویکردهای واقع‌بینانه به منظور افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشور و تحقق اقتصاد مقاومتی، لازم است به وضع اقتصادی ایران در سطح بین‌المللی توجه ویژه‌ای شود.

ایران با حدود ۳۹۳/۷ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۵ بعد از عربستان سعودی، دومین اقتصاد بزرگ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به شمار می‌آید. همچنین با تخمین ۷۸/۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵، بعد از مصر دومین کشور پر جمعیت منطقه محسوب میشود. ایران همچنین دارای رتبه دوم ذخایر گاز طبیعی و رتبه چهارم ذخایر نفت خام در جهان است و فعالیت‌های اقتصادی و درآمدهای دولت هنوز به میزان قابل توجهی به درآمدهای نفتی وابسته است که موجب ناپایداری و آسیب‌پذیری اقتصاد می‌شود.

براساس آمار صندوق بین‌المللی پول، کشورهای چین و ایالات متحده آمریکا به ترتیب با ۱۹/۵۱۰ تریلیون دلار (رشد ۷/۹درصد) و ۱۷/۹۶۸ تریلیون دلار (رشد ۳/۶درصد) به‌عنوان ثروتمندترین کشورهای جهان بر اساس تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۵ معرفی شده‌اند. در این طبقه‌بندی ایران با ۱/۳۸۲ تریلیون دلار و رشد ۱/۸درصد نسبت به سال ۲۰۱۴ به عنوان هجدهمین کشور ثروتمند جهان و دومین کشور ثروتمند خاورمیانه بعد از عربستان سعودی معرفی شده است. در صورتی که جمعیت کشورها را به عنوان یک عامل اثرگذار بر ثروت کشورها در نظر بگیریم، قطر و لوکزامبورگ به ترتیب با ۱۳۳/۰۴۰ دلار (افت ۳درصد) و ۱۰۰/۷۷۹ دلار (رشد ۳/۲درصد) به عنوان ثروتمندترین کشورهای جهان بر اساس سرانه تولید ناخالص داخلی ۲۰۱۵ در نظر گرفته می‌شوند.

بر اساس این شاخص، ایران با ۱۷/۵۷۲ دلار و رشد ۰/۷درصد نسبت به سال ۲۰۱۴ به عنوان هفتادمین کشور ثروتمند جهان قرار می‌گیرد. با توجه به شرایط کنونی، تمهیدات جامعی به منظور اصلاح وضعیت اقتصادی کشور مطابق سند چشم‌انداز بیست ساله و به تازگی در برنامه ششم توسعه برای دوره ۱۳۹۵–۱۳۹۹در نظر گرفته شده است که بدون شک بقای برنامه ششم توسعه وابسته به سه رکن اساسی «توسعه اقتصاد مقاومتی»، «پیشرفت در علم و فناوری» و «ترویج تعالی فرهنگی» است. در زمینه اقتصادی، طرح توسعه نرخ رشد اقتصادی سالانه را ۸درصد پیش‌بینی می‌کنند و از اولویت‌های اصلی دولت طی این دوره پنج ساله بررسی اجرای اصلاحات شرکت‌های دولتی، بخش مالی و بانکی و تخصیص و مدیریت درآمدهای نفتی است.

اقتصاد ایران، پس از دو سال رکود، در طول سال ۲۰۱۴ با مدیریت دکتر روحانی رئیس‌جمهوری و لغو بخشی از تحریم‌ها که در برنامه جامع اقدام مشترک۱ به تصویب رسید، احیاء شد. این تحریم‌ها شامل حذف بخشی از موانع در صادرات نفت ایران و زنجیره تأمین در بخش‌های کلیدی اقتصاد از جمله در صنعت خودرو و معاملات بین‌المللی بانک‌های داخلی و بین‌المللی، می‌شود. در پی رکودهای اقتصادی ۶/۶ و ۱/۹ درصدی به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، در سال ۲۰۱۴ اقتصاد تا ۳ درصد رشد یافت. در آگوست ۲۰۱۵ نرخ‌های برابری هر دلار امریکا به ترتیب برابر ۲۹۷۹۷ و ۳۳۴۰۰ ریال ایران بود، بنابراین در حدود ۱۳ درصد پایین‌تر از آشفتگی ۱۹۰ درصدی در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۲ بود، یعنی زمانی که تحریم‌های سخت‌تری اعمال می‌شد. نرخ تورم سال به سال از میزان اوج ۴۵/۱ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۱۵/۶ درصد در ماه ژوئن ۲۰۱۵ کاهش یافت که رابطه خطی با لغو تحریم‌ها و تشدید سیاست‌های پولی بانک مرکزی داشت.

رشد اقتصادی از ۳درصد در ۲۰۱۴ به ۱/۹درصد در ۲۰۱۵ کاهش یافت، چرا که با وجود افزایش برنامه‌ریزی در زمینهٔ تولید نفت (افزایش ۲۰۰هزار بشکه در روز از ۳/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۴) قیمت نفت افت کرد. با این حال، با توجه به رفع تحریمها، در صورتی که دولت سیاستهای مؤثری اتخاذ کند، چشم‌انداز اقتصادی ایران در میان مدت مثبت خواهد بود. حال این سؤال کلیدی مطرح می‌شود که چه سیاستهایی به بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک خواهند کرد؟ پرواضح است که در شرایط پیش‌رو سیاستهای پیشنهادی باید به نوعی در جهت افزایش تاب‌آوری اقتصادی و در نهایت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی تبیین و اجرا شود. بدین منظور لازم است که موضوع اقتصاد مقاومتی به عنوان سیاست اقتصادی کلان ملی به صورت دقیقتر بررسی شود.

در شرایط حال حاضر دولتی بودن اقتصاد یکی از اساسی‌ترین نقاط ضعف اقتصاد کشور است که زمینه‌تهدیدهای خارجی را هم فراهم می‌آورد. در واقع ساختار اصلی اقتصاد و بنگاه‌های اقتصادی کشور را شرکت‌های بزرگ دولتی تشکیل می‌دهند. این شرکت‌ها، به علت پایین بودن بهره‌وری و نداشتن پویایی و قدرت تحول، توان انطباق کافی با تغییرات و تهدیدهای محیطی را ندارند. همچنین در چنین شرکت‌هایی به‌علت ویژگی‌های خاص ساختاری، زمینه‌نوآوری و بهینه کردن محصولات پایین و زمینه‌شیوع فساد در تهدید داخلی اقتصاد بسیار بالاست. بنابراین تحریم مواد اولیه یا محصولات این شرکت‌ها، به عنوان تهدید خارجی، اسباب چالش در اقتصاد را فراهم می‌آورد. لذا واگذاری بخش‌های عمده اقتصاد کشور به بخش خصوصی آسیب‌پذیری اقتصاد را به طرز قابل توجهی کاهش خواهد داد.

وابستگی اقتصاد کشور و بخش عمده بودجه‌دولت به فروش مواد خام و با ارزش‌افزوده‌پایین. مصداق بارز این موضوع وابستگی اقتصاد به فروش نفت خام است. ریشه‌اصلی این معضل در ضعف دانش و فناوری در این صنعت و شرکت‌های فعال در این حوزه است که متأسفانه باعث شده است نقطه‌قوتی به نام منابع غنی زیرزمینی به اهرمی برای تحریم و فشار بر اقتصاد ایران تبدیل شود. بنابراین، یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کاهش و قطع وابستگی به فروش نفت خام است.

یکی دیگر از نقاط تهدیدزای اقتصاد کشور مدیریت تولید و مصرف است. این موضوع از یک سو مربوط به تعادل و عدم سوء مصرف و از سوی دیگر، با اهمیت مصرف تولیدات داخلی از سوی مصرف‌کننده داخلی در پیوند است. همچنین بهره‌وری پایین عوامل تولید و استفاده‌نامناسب و ناکارا از منابع، امکانات و زمان از دیگر نقاط ضعف اقتصاد کشور است.

بنابراین، توجه و حمایت بیشتر از تولیدات داخلی به‌خصوص تولید کالاهای استراتژیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. علاوه بر این پایین بودن میزان خلاقیت و نوآوری و ضعف فناوری بنگاه‌های اقتصادی، یکی دیگر از نقاط ضعف اقتصاد است که کشور را مصرف کننده فناوری‌های خارجی کرده است و زمینه آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر تحریم‌های احتمالی فراهم آورده است. بنابراین، تاسیس و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان نقش عمده‌ای در تقویت و توسعه صنایع کشور خواهد داشت.

از آنجا که توسعه مراکز تحقیق و توسعه و بومی‌سازی دانش فنی یکی از نیروهای بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی محسوب میشود و امری اثبات شده در سطح جهانی است، لازم است تا علاوه بر تبیین و شناخت عواملی که موجب آسیب‌پذیری اقتصاد و صنعت کشور هم از طریق مصرف فناوری‌های وابسته میشود، زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی را نیز از طریق ارائه راهکارهای علمی، عملی و دانش‌بنیان فراهم کرد.

بدیهی است که دانش یکی از نیروهای بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید و همچنین کالایی عمومی محسوب می‌شود، زیرا می‌توان آن را بدون کاهش و استهلاک با دیگران به اشتراک گذاشت. در عین حال، این ویژگی منحصر به فرد این کالای عمومی است، چرا که بر خلاف سایر کالاهای فیزیکی (مثل سرمایه، دارایی‌های مادی و منابع طبیعی) استفاده از آن از کمیّتش نمی‌کاهد و می‌توان از آن بارها استفاده کرد. در حقیقت دانش، به عنوان منبعی دائمی، همواره در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد و با مشارکت مکرر در فرآیندهای گوناگون صنعتی سبب افزایش قدرت رقابت پذیری و ایجاد ارزش افزوده می‌شود. در نتیجه، این امر می‌تواند سبب کاهش فقر و بی‌عدالتی، گسترش رفاه اجتماعی و ارتقای روند توسعه‌پایدار شود.

روند تکاملی اقتصاد جهانی نشان می‌دهد که پس از چالش‌های فکری قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، رقابت اقتصادی میان کشورهای صنعتی جهان جدی‌تر شد و جنبه‌های کاربردی اقتصاد بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در این زمان جوزف شومپیتر به نقش دانش در ابداع و نوآوری و پویایی اقتصاد توجه کرد و آن را اساس کارآفرینی و تحول اقتصاد معرفی کرد. در حالی که مدل‌های اولیه‌رشد اقتصادی بیشتر بر عوامل فیزیکی تولید (مانند سرمایه‌فیزیکی، نیروی کار و زمین) به عنوان منابع تولید تأکید میکردند، برخی از مدل‌های رشد نئوکلاسیکی دانش را عاملی برونزا در تعیین رشد اقتصادی می‌دانستند؛ اما در مدل‌های جدید رشد، عامل دیگری هم با عنوان بهره‌وری عوامل تولید یکی از ارکان رشد معرفی می‌شود و دانش یکی از مؤثرترین عوامل در بهره‌وری و رشد اقتصادی مطرح می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد دانش‌بنیان تأثیر بسزایی در افزایش تولید سرانه‌بالاتر، کاهش نابرابری در توزیع درآمد و در عین حال اصلاح کیفیت محیط زیست به عنوان شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار دارد.

بقیه در صفحه۱۴

رئیس مجلس: برخی قوانین مخل کسب و کار اصناف شده‌اند

وجود قوانین مخل کسب وکار و اجرای ناصحیح برخی قوانین از جمله قانون مالیات بر ارزش افزوده و دریافت مالیات از تمام زنجیره داد و ستد به جای دریافت از خریدار نهایی، اصناف را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

این مطلب را دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با هیأت رئیسه اتاق اصناف ایران اعلام کرد و خواستار انتقال مسایل اساسی اصناف به همراه راهکارهای دقیق و اجرایی به مجلس و دولت شد.

وی به اعضای هیأت رئیسه اتاق اصناف گفت: خوب است شما با همین صراحت و به صورت مستند و دقیق در تعامل فعالانه با مجلس و دولت مسایل را ریشه یابی و گزارش کنید و به گونه ای عمل کنید تا در پایان دوره مسئولیت هیات رئیسه اتاق اصناف ایران چند معضل و مسأله اساسی حوزه اصناف حل شود.

لاریجانی با اشاره به ضرورت تقویت جایگاه اصناف در نظام تصمیم گیری کشور گفت: اصلاح آیین نامه مجلس شورای اسلامی را در دستور کار قرار خواهیم داد تا برای نماینده اصناف امکان حضور در صحن مجلس و دفاع از حقوق اصناف فراهم شود.

وی با اشاره به نقش بی بدیل اصناف در تحقق برنامه های کشور تصریح کرد: مجلس شورای اسلامی آمادگی دارد نهایت همکاری را با اتاق اصناف داشته باشد و خلأهایی که در این زمینه ایجاد شده است را در بررسی لایحه برنامه ششم توسعه و اصلاح قوانین دیگر جبران کند.

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به گزارش رئیس اتاق اصناف ایران در خصوص وزن و جایگاه اصناف در حوزه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی تاکید کرد: بخش عظیمی از مردم در این حوزه حضور دارند و حل مشکلات این حوزه حل مشکل نزدیک به یک سوم جمعیت کشور است.

وی افزود: باید توجه ویژه‌ای به بازار داشت و کمک کرد تا بازار همیشه از رونق لازم برخوردار باشد و کسبه با اطمینان خاطر و امیدوار به حمایت مسئولان به کسب و کار خود بپردازند و آرامش در فضای اقتصادی جاری و ساری باشد.

علی فاضلی رئیس اتاق اصناف ایران هم در این دیدار با بیان توانمندی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی



اصناف گفت: تحقق اقتصاد مقاومتی در تمامی بسترهای اقتصادی و فرهنگی و همچنین ایجاد اشتغال به عنوان مطالبه نخست کشور جز با مشارکت اصناف و بنگاه های کوچک ممکن نیست.

وی همچنین با ارایه گزارشی از وضع جاری ۳ میلیون واحد صنفی و ۹۰۰۰ تشکل صنفی کشور و تشریح برنامه های امسال اتاق اصناف ایران، افزود: اصناف به رغم ایجاد و حفظ ۶/۵ میلیون شغل بدون سربار دولت و دارا بودن سهم ۱۷/۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی و برخورداری از ۲۴ میلیون نفر جمعیت مستقیم و وابسته کشور، از هیچ جایگاهی در برنامه های توسعه برخوردار نیستند.

فاضلی با بیان اینکه اصناف در برنامه پنجم دیده نشدند و در لایحه دایمی شدن برخی احکام برنامه های توسعه هم از سوی دولت و هم از طرف مجلس مورد بی مهری و کم توجهی قرار گرفته اند، گفت: در لایحه برنامه ششم توسعه هم دو جا از اصناف نام برده شده است که یک جای آن مباحث تعزیری است.

وی تاکید کرد: اصناف با موانع جدی کسب و کار مواجه هستند و از رئیس مجلس می خواهیم در بررسی لایحه برنامه ششم توسعه ،مجلس شورای اسلامی از اصناف و بنگاه های کوچک از طریق حذف قوانین مضر، اصلاح برخی قوانین و تصویب قوانین جدید حمایت کند.

نامبرده گفت: پنج پیشنهاد در قالب اصلاح برخی مواد لایحه دائمی شدن برخی احکام برنامه های توسعه کشور تقدیم کمیسیون های اقتصادی، برنامه و بودجه و صنایع مجلس شورای اسلامی شد که متاسفانه در گزارش نهایی ارایه شده به صحن ملحوظ نظر کمیسیون مشترک رسیدگی کننده قرار نگرفت.

وی گفت: افزوده شدن اتاق اصناف ایران به ترکیب اعضای هیات امنای صندوق توسعه ملی درکنار روسای اتاق های بازرگانی و تعاون ایران و افزوده شدن اتاق اصناف ایران به ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار درکنار روسای اتاق های بازرگانی و تعاون ایران دو پیشنهادی بود که مورد اعتنای کمیسیون مشترک قرار نگرفت.

رئیس اتاق اصناف ایران در خصوص سومین پیشنهاد ارایه شده به کمیسیون های رسیدگی کننده احکام دائمی گفت: اتاق پیشنهاد داد تا به منظور انجام بهینه وظایف مندرج در قانون نظام صنفی و همچنین حمایت از توسعه و نوین سازی بنگاههای خرد، کوچک و متوسط، تمام واحدهای صنفی چهار در هزار سود ناشی از فروش کالا و ارائه خدمات خود را که مبنای محاسبه مالیاتی قرار گرفته، پس از کسر مالیات به حساب اتاق اصناف واریز کنند.

وی خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: اصناف نمی دانند چرا به رغم توانی که می توانند مصروف تحقق برنامه های ملی نظام کنند، مورد توجه دولت و مجلس قرار نمی گیرند و این دو قوه تنها حاضرند توان و امکانات کشور را مصروف دیگر بخش های اقتصاد غیردولتی کنند. فاضلی ادامه داد: اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی نیازمند اصلاح برخی قوانین کشور است که از جمله می توان به اصلاح قانون نظام صنفی، بهبود فضای کسب و کار، بازنگری قوانین مالیاتی بخصوص مالیات بر ارزش افزوده، بانکی و بیمه اشاره کرد.

وی با بیان اینکه در شرایط فعلی اصناف در راس تحقق برنامه اقتصاد مقاومتی قرار دارند، افزود: با توجه به پتانسیل های عظیم اصناف بخصوص در بحث ایجاد اشتغال، لازم است دولت و مجلس در برنامه های توسعه بویژه برنامه ششم نقش اصناف در اقتصاد را پررنگ ببینند. رئیس اتاق اصناف ایران گفت:دولت در سال جاری ایجاد ۷۵۰هزار شغل را برنامه ریزی کرده است، اگر برخی قوانین مخل از سر راه واحدهای تولیدی کوچک برداشته شود، اصناف توان ایجاد بیش از ۲۰۰ هزار شغل بدون تحمیل هزینه به دولت را دارند.

سرشماری نفوس و مسکن امسال به طور الکترونیک انجام خواهدشد

نرخ رشد صنعت منفی و نرخ رشد خدمات صفر شده، اما نرخ رشد کشاورزی در ۹ ماهه گذشته ۴ درصد بوده است.

رئیس مرکز آمار ایران با بیان اینکه مرکز آمار از عملکرد دولت حمایت نمی‌کند و مبنای آمار این مرکز خود اظهاری مردم است، گفت: هم اکنون یکی از استان ها نرخ بیکاری ۴۰ درصدی دارد.

به گزارش مهر، عادل آذر در برنامه شبکه خبر سیما با بیان اینکه اکنون نرخ بیکاری در میان سنین ۱۵ تا ۲۹ سال کشور ۲۳/۳ درصد شده که نسبت به نرخ کل بیکاری کشور که معادل ۱۱ درصد است، بحران محسوب می شود، گفت: جمعیت شاغل کشور ۲۴ میلیون نفر و ورودی به بازار کار ۸۴۰ هزار در سال است.

وی با بیان اینکه کل بیکاران سال ۹۴ در میان دانش آموختگان فوق دیپلم به بالا ۹۹۸ هزار و۵۰۰ نفر است، افزود: ۱۳۰ هزار نفر با تحصیلات کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی و عمومی بیکار هستند.

رئیس مرکز آمار ایران افزود: اگر آماری که رئیس کمیسیون فراکسیون اشتغال مجلس درباره بیکاری ۷۶۰ هزار دانش آموخته دکترای اعلام می‌کند، درست باشد، برای کشور بحران ایجاد شده است، اما اینگونه نیست.

وی با اشاره به اینکه در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ تعداد بیکاران دکترای تخصصی ۵۶۰ نفر بود و این آمار چگونه به۷۶۰ هزار نفر رسیده است، اظهار داشت: مرکز آمار ایران از عملکرد دولت حمایت نمی‌کند و مبنای آمار این مرکز خود اظهاری مردم است.

نامبرده با اعلام اینکه در سال ۹۳ نرخ بیکاری ۱۰/۴ درصد و در سال ۹۴ با شش دهم درصد افزایش به ۱۱ درصد رسیده است، افزود: سالانه ۸۸۲ هزار نفر به جمعیت فعال کشور افزوده می شود که از این تعداد ۳/۲ درصد وارد بخش کشاورزی و ۳۱۴ هزار نفر به جمع بیکاران افزوده می‌شود، همچنین براساس روند عملکرد نهادهای بین المللی در آمارگیری بیکاران، مبنای اشتغال خالص یک ساعت در هفته است و مرکز آمار بر این اساس میزان بیکاری را اعلام می‌کند.

وی با بیان اینکه اگر خالص ساعت کاری هشت ساعت در هفته باشد، نرخ بیکاری ۲ درصد و اگر ۱۶ ساعت باشد، ۶ دهم درصد به نرخ بیکاران کشور افزوده می شود، گفت: مرکز آمار ایران برای ارائه آمار بیکاری هر فصل از ۶۴ هزار خانوار با کارمندان متخصص و آموزش دیده و فرمی با ۳۷ سئوال نمونه گیری می کند، ضمن آنکه این مرکز قابل مناظره نیست و آنان که می گویند آمار این مرکز را قبول ندارند، برچه اساس و چه فرمولی این سخنان را می گویند.

عادل آذر افزود: همه سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵ به طور الکترونیک انجام می شود و ماموران مرکز آمار ایران با دستگاههای الکترونیک به درب منازل مراجعه می‌کنند.

همچنین غلامرضا کاتب رئیس فراکسیون اشتغال مجلس در ارتباط تلفنی با این برنامه گفت: جمعیت شاغل کشور ۲۲ میلیون نفر و جمعیت بیکار حدود ۶ میلیون نفر است که ۳۰ درصد جمعیت کشور غیرفعال هستند و سالانه حدود ۸۰۰ هزار نفر فارغ التحصیل دانشگاه به بیکاران اضافه می شوند.

وی با بیان اینکه براساس اعلام وزارت کار به ازای فارغ التحصیلی هر ۸۰۰ هزار نفر از دانشگاه ۵۰ هزار نفر وارد عرصه کار می شوند، گفت: ۷۶۰ هزار نفر بیکار دکترای عمومی و تخصصی در کشور وجود دارد که در پایگاه اینترنتی وزارت کار ثبت شده است. کاتب با اشاره به اینکه تعاریف مرکز آمار برای ارائه آمار نادرست است، زیرا اگر فردی در هفته یک ساعت کار کند، شاغل حساب می شود، افزود: نرخ بیکاری تحصیل کردگان براساس آمار ۴۳ درصد است.

مذاکرات بوئینگ با شرکت های ایرانی در مراحل اولیه است

فرآیند مذاکرات بوئینگ با شرکت های ایرانی به ویژه هما در فاز نخست این مراحل بوده و روند مذاکرات مواجه با مراحل متعدد دیگری تا نقطه عقد قرارداد خواهد بود.

به گزارش اداره کل روابط عمومی هما، معاون بازرگانی شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حضور تیم مذاکره کننده بوئینگ در ایران گفت: در ادامه سیاست های شرکت های معتبر آمریکائی مبنی بر رقابت جدی با شرکت های اروپایی در جهت حضور حداکثری در بازار ایران، شرکت هواپیما سازی بوئینگ، پس از ماه ها تلاش موفق به اخذ لیسانس و مجوز مذاکره با شرکت های هواپیمائی ایرانی شد تا پس از بررسی دقیق نیاز شرکت ها و شرایط مورد نیاز بازار و با در نظر گرفتن فرصت های تولید خود، نسبت به تنظیم قراردادهای احتمالی اقدام کند.

خوشنویسان افزود: در همین راستا، تیم کارشناسی ارشد آن شرکت با حضور در ایران و انجام چندین مرحله مذاکرات حرفه ای، تلاش کرد ابتدا با ارائه مختصات تولیدات خود نسبت به توجیه کارشناسان شرکت های ایرانی اقدام و پس از کسب توجه این شرکت ها، با تطبیق نیازهای بازار و خط تولید خود، نسبت به ارائه پیشنهادات جدی خود اقدام کند.

وی فرآیند خرید هواپیما را مستلزم تطبیق تولید با نیازهای فنی و حرفه ای مشتری و با لحاظ اهداف تجاری تعیین شده از طرف شرکت های هواپیمائی و نهایتاً تنظیم خط تولید سازنده منطبق با نیاز مشتریان ذکر کرد.

معاون بازرگانی "هما" در خصوص جزئیات مذاکره با شرکت هواپیماسازی بوئینگ گفت: به موازات مذاکرات فروش هواپیما، مباحث جدی درباره لزوم پشتیبانی از ناوگان موجود مطرح و از سوی دو طرف با استقبال روبرو شد. به نظر می رسد، فعال سازی ناوگان فعلی با دریافت لجستیک لازم از بوئینگ به عنوان بخش ملموس مذاکرات، سریعتر از فرآیند فروش منتج به نتیجه شود.

پروژه های دولت الکترونیک و شبکه ملی اطلاعات به زودی رونمایی می شود

تحقق دولت الکترونیک بستر مناسبی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی و دانش‌بنیانی شدن اقتصاد کشور است.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ایجاد کسب و کار، اشتغال، تولید محتوا و خدمات نرم‌افزار (اپلیکیشن) را از اولویت‌های این وزارتخانه در سال ۱۳۹۵برشمرد و از رونمایی پروژه ملی دولت الکترونیک و شبکه ملی اطلاعات در راه اقتصاد مقاومتی درآینده نزدیک خبر داد.

به گزارش ایرنا، محمود واعظی در همایش ارتباطات و فناوری اطلاعات(ICT) و اقتصاد مقاومتی ضمن اعلام این مطلب، به ارتباط ۱۷ درصد فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها با بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور اشاره کرد و گفت: وظیفه داریم بستری با کمک اپراتورها و بخش خصوصی ایجاد کنیم تا زمینه اشتغال این فارغ التحصیلان در شرکت‌های تازه تاسیس مرتبط با این بخش فراهم شود.

وی با تاکید بر این که دنبال توسعه جدی ICTدر کشور هستیم، گفت: امسال باید هر آنچه تاکنون برای توسعه این بخش انجام شده به دو برابر افزایش پیدا کند.

وزیر ارتباطات تحقق اقتصاد مقاومتی را سیاست اصلی دولت و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بیان کرد و گفت: دنبال شعاری برخورد کردن با اقتصاد مقاومتی نیستیم و این را قبول نداریم بلکه مصمم هستیم با ارائه برنامه‌های عملیاتی اقتصاد مقاومتی را محقق کنیم.

وی همچنین در حاشیه این همایش در جمع خبرنگاران گفت: شبکه پیام رسان تلگرام در فیلترینگ کانال های غیراخلاقی و مستهجن همکاری خوبی با ایران داشته است.

وی افزود: از سال ۹۴ اعلام شده است در میان نرم افزارهای ارتباطی آنهایی که به قوانین کشور احترام نگذارند و مطالب نامناسب را محو نکنند، حذف خواهند شد.وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از حضور نماینده ویژه تلگرام در کشور اظهار بی اطلاعی کرد و گفت: اعتقاد ما این است که شبکه های اجتماعی داخلی باید با سرعت بیشتری مسیر خود را پیدا کرده و ادامه دهند.

وی در ادامه شبکه ملی اطلاعات را مهمترین طرح وزارت ارتباطات بیان کرد و متذکر شد لازم است برای فعالیت این شبکه زیر ساخت های متعددی فراهم شود که بر همین اساس پهنای باند داخلی اکنون تا چهار هزار گیگ بر ثانیه افزایش پیدا کرده و امید است این رقم تا پایان سال جاری دو تا سه برابر شود.

وزیر ارتباطات به بودجه اختصاص یافته برای شبکه ملی اطلاعات اشاره کرد و ادامه داد: چه در سال ۹۴ و چه امسال با توجه به اینکه شبکه ملی اطلاعات مهمترین برنامه وزارتخانه است، به همه همکاران اعلام شده که هر چقدر بودجه این شبکه نیاز داشته باشد، اختصاص داده خواهد شد.

طبق این گزارش، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم در این همایش گفت: براساس اطلاعات موجود تاکنون ۱۷۰ هزار میلیارد ریال در این بخش سرمایه گذاری صورت گرفته که موجب تحقق بیش از ۷۷ درصدی هدف برنامه پنجم توسعه شد.

خروج ۱۳۰ شهر کشور از وضع تنش آبی

بارش های اخیر سبب خروج ۱۳۰ شهر کشور از تنش آبی شد.

رحیم میدانی معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا با بیان این مطلب به خبرگزاری صدا و سیما افزود : یک میلیون نفر از جمعیت شهری که پارسال با تنش آبی روبرو بودند، امسال این مشکل را نخواهند داشت که به خاطر بارش خوب و اجرای طرح های آبی در این شهرهاست.

به گفته وی، حدود ۳۰۰ شهر کشور در تابستان امسال دچار تنش آبی می شود که پارسال ۴۳۰ شهر بود.

درخواست بخش خصوصی برای مقابله جدی دولت با رانت خواری

فعالان اقتصادی بخش خصوصی از دولت خواستند تا مبارزه با رانت خواری را جدی بگیرد.

به گزارش خبرنگارما، مهندس مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران دیروز در جلسه هیأت نمایندگان این تشکل بزرگ بخش خصوصی، سال ۹۴ را سال سخت اقتصاد ایران دانست و با اشاره به کاهش قیمت نفت از ۱۱۰ به ۳۰ دلار گفت: کاهش قیمت نفت باعث تقلیل درآمد دولت شد که در کنار تداوم رکود اقتصادی و کسادی بازار، یکی از سخت ترین سال‌های اقتصاد ایران را رقم زد.

وی افزود: رشد اقتصادی پایین سال ۹۴ حکایت از شرایط سخت بنگاه‌های کشور داشته و بسیاری از شرکت‌ها و بنگاه های تجاری دچار خسران شده اند، اما با به ثمر رسیدن مذاکرات هسته ای، بخشی از مشکلات رو به کاهش است و نباید دستاوردهای برجام را نادیده گرفت.

رئیس اتاق بازرگانی از ورود ۱۵۰ هیات خارجی به ایران بعد از برجام به عنوان یک نشانه مثبت اقتصاد ایران نام برد و گفت: ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد کشور با کاهش تورم از جمله موفقیت‌های سال ۹۴ به شمار می آید.

نامبرده در ادامه به صادرات یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه ای نفت ایران بعد از اجرای برجام اشاره کرد و گفت: این میزان صادرات با احتساب میعانات گازی به ۲ میلیون بشکه می رسد که بیش از ۷۰ درصد نسبت به قبل از برجام رشد داشته است و اگر این توافق صورت نمی گرفت، صادرات نفت ایران محدود به ۵۰۰ هزار بشکه که معادل مصرف غذا و داروی کشور است، نمی رسید.

وی گفت: انتظار ما از ارکان نظام و به خصوص روسای قوا این است که با توجه به امید ایجاد شده در دل مردم و پیش بینی رشد ۵ درصدی اقتصادی، زمینه ها را برای شکوفایی اقتصاد ایران فراهم کنند، ضمن اینکه دولت هم باید بهبود فضای کسب و کار را در دستور کار قرار داده، بستر روان سرمایه گذاری در کشور و زمینه‌های رونق صادرات را فراهم کند.

خوانساری ادامه داد: تک نرخی کردن ارز براساس نرخ واقعی و حذف زمینه های جدی رانت و مبارزه با فساد از جمله درخواست‌های فعالان اقتصادی از دولت است، ضمن اینکه از مجلس درخواست می‌کنیم تا در دوره جدید فعالیت خود از تصویب هرگونه قانون خودداری کرده و به اصلاح قوانین مرتبط با کسب و کار پرداخته و قوانین قبلی را پایش کند.

وی از برگزاری جلسه ای با نمایندگان جدید مجلس در روزهای آینده خبر داد و گفت: ما دولت را مدح نمی‌کنیم، اما فعالان اقتصادی باید در گفتار دقت لازم را داشته باشند تا نقد خارج از انصاف از عملکرد دولت نداشته باشند؛ به خصوص اینکه وقتی اقدام بزرگی همچون برجام از سوی برخی زیر سئوال می رود، به نظر نمی رسد هیچ یک از ما باید انتظار داشته باشیم که کشور به سمت پویایی پیش رود.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران ادامه داد: راه اندازی مرکز تماس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در فروردین امسال به صورت رسمی صورت می گیرد و فعالان اقتصادی می توانند مشاوره های مالی، مالیاتی، بیمه ای، حقوقی و تامین اجتماعی دریافت کنند.

مسعود کرباسیان رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی هم در این جلسه گفت: حجم قاچاق کالا به داخل کشور ۶/۵ میلیارد دلار و نه ۲۰ میلیارد دلار است. حجم ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق می‌شود روزی ۱۳۰۰ کانتینر؛ مگر می‌شود چشم را روی این تعداد محموله وارداتی بست؟!

وی همچنین به پیگیری الکترونیک شدن بسیاری کارها در گمرک برای پایان دادن به تخلفات و رانت‌ها در این سازمان اشاره کرد و گفت: روزی که من آمدم ۸۰ میلیارد تومان فیش جعلی کاغذی صادر می‌شد که اکنون دیگر فیش کاغذی وجود ندارد و تبدیل به کد رهگیری برای فرد صادرکننده شده که با آن کد کارها پیگیری می‌شود .

کوتاه شدن زمان ترخیص کالا از گمرک نکته دیگری بود که وی به عنوان نقطه قوت اشاره کرد و افزود: اکنون متوسط زمان ترخیص کالا ۲۶ روز است، در حالی که بانک جهانی آن را ۳۳ روز اعلام کرده است، در عین حال با الکترونیکی شدن سیستم ترخیص از مسیر سبز به ۳ روز رسیده است و متأسفانه در برخی کالاها که مجبورند نتیجه ارزیابی و آزمایشات خود را از چند سازمان بگیرند، در مورد برخی کالاها ترخیص تا ۳ ماه هم زمان می‌برد.

وی با اشاره به اینکه باید در تنوع کالاهای صادراتی تلاش شود، اظهار داشت: باید از ۱۹۰۰ کالای صادراتی به ۴ هزار نوع برسیم و رقم ۴۰ میلیارد دلار صادراتی به ۱۰۰ میلیارد دلار برسد. همچنین ترانزیت کالا هم از ۱۲ میلیون تن به ۱۵ میلیون تن افزایش یابد.

پیش بینی صندوق بین المللی پول از رشد ۴ درصدی اقتصاد ایران

صندوق بین المللی پول در جدیدترین گزارش خود پیش بینی کرد رشد اقتصادی ایران در سال جاری به ۴درصد و نرخ بیکاری نسبت به سال قبل به ۱۱/۳ درصد برسد.

به گزارش تسنیم، این نهاد بین المللی در گزارش چشم انداز اقتصادی جهان همچنین نرخ تورم ۸/۹ درصدی را برای سال جاری پیش بینی کرده است که نسبت به سال قبل کاهش خواهد یافت. نرخ تورم سال گذشته ۱۲ درصد اعلام شده است.

با وجود بهبود رشد اقتصادی و شاخص تورم در سال جاری، صندوق بین المللی پول همچنین پیش بینی کرده است نرخ بیکاری به ۱۱/۳درصد افزایش یابد.

صندوق بین المللی پول رشد اقتصادی، تورم و نرخ بیکاری ایران در سال ۲۰۱۷ را هم به ترتیب ۳/۷ درصد، ۸/۲ درصد و ۱۱/۶ درصد پیش بینی کرده است.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۴۰/۷۵ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۴۳/۴۳ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۳۷/۰۲ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۶۰/۹۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۴۴۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۴۴۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۵۴۶۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۹۱۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۹۳۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۶۷۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۳۴۵۳/۴ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۴۸۱ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۰۲۸/۱ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۹۸۳ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۳۱۱/۲ تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۴۹۷۳ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۸۲۴/۵ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۵۶ تومان

۷۹ درصد بودجه کلانشهرها از فروش تراکم تامین می شود

۷۹ درصد بودجه کلانشهرها از فروش تراکم و فضای شهری تامین می شود و این وضع ناپایداری را در نظام مالی مدیریت شهرها بوجود آورده است.

به گزارش ایرنا، پیروز حناچی معاون معماری و شهرسازی وزیر راه و شهرسازی در دومین همایش ملی شهرسازی سازمان نظام مهندسی ساختمان اظهار داشت: مطالعات هشت کلانشهر کشور نشان می دهد تمام آنها وضع ناپایداری در نظام مالی خود دارند.

وی گفت: هم اکنون ۹ درصد بودجه شهرداری ها از محل عوارض پروانه ساختمانی، جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰، عوارض تفکیک، حذف پارکینگ و بالکن، عوارض معاینه فنی، عوارض اسناد رسمی و بلیت هواپیما و سایر منابع مالی این کلانشهرها از محل فروش اموال منقول تامین می شود.

معاون وزیر راه و شهرسازی تاکید کرد: در یک نگاه، وضع ناپایدار را در کلانشهرها شاهد هستیم و همه این کلانشهرها در اداره امور شهری با مشکلات زیادی مواجه هستند.

وی به تعداد کارکنان شهرداری تهران اشاره کرد و گفت: در اواخر سال ۱۳۸۴ شهرداری تهران بین ۲۳ تا ۲۴ هزار نفر نیرو داشت، اما هم اکنون تعداد آن به بیش از ۶۷ هزار نفر رسیده است.

وی گفت: هم اکنون در اکثر شهرهای ما ارزش ها در معرض خطر قرار گرفته بطوری که واحدهای ارزشمند ما در شهرها در حال فروش هستند. زیرا شاهد وضع پایدار در این شهرها نیستیم و نظام مدیریت شهری مجبور است برای تامین هزینه های خود تراکم فروشی کند.

حناچی یادآور شد: بررسی ها نشان می دهد طرح تفصیلی برخی از شهرهای ما از جمله تهران هیچ مطابقتی با طرح جامع شهری ندارد و مانند این است که یک کشتی بدون رادار در اقیانوس رها شده باشد.

وی خواستار رعایت مسائل تعادلی متناسب با مسائل شهری شد و گفت: در حالی که قرار بود در منطقه ۲۲ تهران ۲۴۰ هزار نفر ساکن شوند، هم اکنون برای سکونت ۶۰۰ هزار نفر در این منطقه پروانه ساختمانی صادر شده است.

وی گفت: بررسی های ما نشان می دهد هم اکنون ۸۵ درصد سرمایه گذاری ها در استان خراسان رضوی در محدوده شهرستان مشهد است و این سبب خواهد شد کلانشهر مشهد هم به تدریج مشکلات شهر تهران را به خود بگیرد.

حناچی گفت: به منظور تعادل منطقه ای در برنامه ریزی های شهری سال ها قرار بود رعایت شعاع ۱۲۰ کیلومتری در تهران و ۵۰ کیلومتری در اصفهان و ۳۰ کیلومتری در سایر شهرها برای احداث واحدهای تولیدی و صنایع مورد توجه قرار گیرد، اما در سال ۱۳۸۵ یکی از مصوبات دولت برداشتن این محدوده بود و امروز شاهدیم جنوب تهران به محدوده صنعتی قم وصل شده است. در این همایش همچنین رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور گفت: حقوق عمومی مانند حق شهروندی و همسایگی قابلیت داد و ستد ندارد و برای قانون و مقررات نمی‌توان بازار خرید و فروش تعریف کرد.

اکبر ترکان اظهار داشت: در مورد یک سری از فعالیت‌های اجتماعی مانند کالا، خدمات و ارز بازار جاری وجود دارد، اما آیا بازاری به اسم قانون و مقررات داریم که در آنجا قوانین مبادله شود. تاکنون هیچ حقوقدانی نگفته که حق عمومی در بازار قابل معامله است.

وی با تاکید بر اینکه انجام چنین اقداماتی یک نقص بزرگ است، افزود: حقوق عمومی قابل معامله و داد و ستد نیست و اینکه بازاری تعریف کنیم که در آن قانون و حق عمومی بفروشیم، اشتباه است. اما این اشتباه بزرگ در شهرهای ما رخ می‌دهد و به‌حدی این قانون فروش عادی شده که دیگر به‌چشم نمی‌آید.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور گفت: در ۲۲مبحث مقررات ملی ساختمان برای سه حوزه شهرسازی، ترافیک و نقشه‌برداری رویه مدون و مصوب نداریم و پارسال از هر سه گروه تخصصی خواستم برای این موارد پیش‌نویس مقررات تهیه کنند تا به وزارت راه تقدیم شود.

در ادامه منوچهر شیبانی اصل مدیرکل دفتر سازمانهای نظام مهندسی و تشکل‌های حرفه‌ای وزارت راه و شهرسازی گفت: وضع شهرهای ما حتی با تئوریهای اولیه شهرسازی و مسائل مربوط به زندگی و انسان فاصله دارد از این رو ضروری است که وضع کلی را آسیب‌شناسی کنیم و راه درمان بجوئیم.

وی در پایان گفت: پیش‌نویس شیوه‌نامه اعطای صلاحیت به شرکت‌های بازرسی و کنترل ساختمان در دست تهیه است.

واریز یارانه نقدی فروردین؛ فردا

یارانه نقدی فروردین فردا شب به حساب سرپرستان خانوار واریز می‌شود.

سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها اعلام کرد: میزان یارانه نقدی واریزی همان ۴۵۵ هزار ریال سابق برای هر نفر است که ساعت ۲۴ فردا به حساب سرپرستان خانوار واریز خواهد شد.

به انگیزه هشتاد و یکمین سال آموزش علوم اجتماعی نوین در ایران ـ بخش دوم و پایانی

چالش‌های جامعه‌شناسی در ایران

اگر شیمی دانان و فیزیکدانان، در آزمایشگاه‌ها به آموزش و پژوهش سرگرم‌اند، استادان علوم اجتماعی، آزمایشگاهی به وسعت کشورها و جوامع را در اختیار دارند. در دنیای امروز که علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و تعیین کننده میزان اعتبار و فرهنگ و پیشرفت جوامع است، چرا ما هنوز اندر خم یک کوچه آن سرگردان‌ایم و به گفته استادان این رشته، هنوز آن طور که باید، راه به جایی نبرده‌ایم؟ اشکالات کار در حوزه علوم اجتماعی در کشور ما چیست و چگونه می‌توان آنها را برطرف کرد؟

کمیت بدون توجه به کیفیت

دکتر مهدی طالب ـ جامعه شناس، با اشاره به این که ۵۰ سال است در دانشگاه فعالیت و تدریس می‌کند، می‌گوید: نتایج دیده‌ها و شنیده‌هایم این است که ما مهندس و دکتر فراوان داریم، اما مکانیک و تکنیسین به قدر کافی نداریم. در دانشگاه‌هایمان مهندس کشاورزی تربیت کرده‌ایم که نه زمین دارد و نه خیش. اما امروز وضعیت علوم اجتماعی از همه خطرناک‌تر است. شهرهای کوچک و دور افتاده هم در این رشته دکتر و فوق لیسانس تربیت می‌کنند، اما با چه کیفیتی؟ دانشگاه آزاد هم از همه بدتر، فقط می‌خواهد تعداد دکترها را زیاد کند. بی‌ارزش کردن مدارک دکتری و دانشگاهی از این بیشتر؟ گاهی به خودم می‌گویم چیزی نگو، این کار دست کم جوانان را مشغول می‌کند، اما این پروسه جوانان را به مرور زمان ۴۵ ساله می‌کند، بدون آن که همسر و زندگی و کاری داشته باشند.

وی با بیان خاطراتی از دوران کاری‌اش می‌افزاید: در نوروز سال ۱۳۴۳ با گروه دکتر صفی نژاد به ایلام رفتیم. در حوالی مهران، دنبال راهی برای عبور از آب می‌گشتیم که ناگهان ۶۰-۵۰ سوار آمدند و متوجه شدیم از همان ۵ روستایی هستند که ما با آنها کار داریم. همان جا چادر زدند و تحقیقاتمان را انجام دادیم.

پرسشنامه را فرانسوی‌ها نوشته بودند و شامل سؤال‌هایی مانند این بود که روزی چقدر قند مصرف می‌کنید؟ چند سیگار می‌کشید؟ چند مرغ و خروس دارید؟

نحوه سوالات و برخوردها متفاوت بود. یک نفر می‌گفت ۵ هکتار زمین داریم، دیگری می‌گفت نه، کم است، بزنید ۱۰ هکتار!

بعد آمدیم جامعه شناسی شهری انجام بدهیم. می‌خواستیم بدانیم چه ساعتی برای پخش اخبار مناسب‌تر است. من بازبین مسایل بودم. دیدیم هرکس چیزی می‌گوید و هیچ حساب و کتابی در جواب‌ها نیست. بنابراین خودمان نشستیم و فکر کردیم و به این نتیجه رسیدیم که ساعت ۲ بعدازظهر مناسب‌تر است!

در پرسشنامه‌ای دیگر، هرچه می‌پرسیدیم، پاسخ مثبت می‌گرفتیم. خودت تصمیم می‌گیری؟ بله! به سرنوشت معتقدی؟ بله!

اشکالات تحقیق با پرسشنامه‌ها

دکتر طالب با اشاره به این که استادان جامعه شناسی خودشان باید روش‌های تحقیقی متناسب با فرهنگ کشورمان را پیدا کنند، می‌گوید: کپی کردن از کارهای غربی‌ها مسایل ما را حل نمی‌کند. راه نجات ما این است که بدانیم زیربنای فرهنگی مان چیست و ما چه بوده‌ایم و چه کرده‌ایم. به من زیاد می‌گویند تو سنت گرا و ضد توسعه هستی، اشکالی ندارد! عمر من تمام شده است، اما توصیه می‌کنم پرسشنامه را کنار بگذارید و دست کم از اسناد استفاده کنید. البته این کار زحمت دارد، امکان ندارد آمار دبی رودخانه‌ای را بگیرید، بدون آن که به مسئول آب آن پول ندهید.

وی می‌افزاید: وقتی مأمور سرشماری می‌آید، من بیشتر از او نگران درستی پاسخ‌هایم هستم. او باید ابتدا معتقد به جمع کردن اطلاعات باشد، تا بتواند کار خود را به درستی انجام بدهد. اینجاست که ما ۷۵ میلیون نفر جمعیت داریم و ۷۸ میلیون نفر یارانه بگیر! در انگلستان برای تشخیص فقرا، صف‌ها و تست‌های بسیاری برگزار شد، اما در اینجا واقعا نمی‌توان به آمار استناد کرد.

دکتر طالب تأکید می‌کند: الان همه ساعت تنظیم می‌کنند و سر ساعت به دانشکده می‌آیند و سر ساعت می‌روند. در زمان ما، وقتی در دانشگاه بودیم، نمی‌فهمیدیم چه موقع شب و چه موقع صبح می‌شود.

* دکتر مهدی طالب ـ جامعه شناس: استادان جامعه شناسی خودشان باید روش‌های تحقیقی متناسب با فرهنگ کشورمان را پیدا کنند

* دکتر جلال الدین رفیع فر ـ مردم شناس: یکی از مشخص‌ترین شواهد بی توجهی به رشته مردم شناسی، در اختیار نبودن امکانات لازم برای بالا بردن کیفیت آن، مانند نبود امکان مسافرت‌های علمی و انجام روش‌های میدانی است

سرنوشت غم انگیز دانش مردم شناسی

دکتر جلال الدین رفیع فر، مردم شناس، با اشاره به آنچه که سرنوشت غم انگیز دانش مردم شناسی در ۸ دهه اخیر می‌نامد، می‌گوید: در ۸۰ سال اخیر، این حوزه که از شاخص‌های تعیین کننده در رشته علوم اجتماعی است، به دلایل عدیده گاه مورد کم توجهی و بی مهری واقع شده است؛ حال آن که عمر این رشته تقریبا به اندازه عمر دانشگاه تهران است.

درس قوم شناسی که در دوره کارشناسی رشته فلسفه گنجانده شد، ۳ سال متوالی توسط پروفسور آلن‌هاوس آلمانی تدریس شد، حال آن که نشانه‌ای از رشته‌های دیگر دیده نمی‌شد.

وی می‌افزاید: در دهه ۶۰ این رشته کاملا به حاشیه رانده می‌شود؛ کارشناسی و کارشناسی ارشد آن حذف و به ارائه ۵ درس محدود می‌شود. بر اثر تلاش‌های بی وقفه مدیر گروه وقت، شادروان حشمت الله طبیبی و همکارانش از جمله شادروان محمود روح الامینی، در سال ۱۳۶۷ فقط با ایجاد دوره کارشناسی ارشد مردم شناسی موافقت می‌شود. در نیمه دوم دهه ۷۰ یکباره بیش از نیمی از اعضای تعیین کننده گروه بازنشسته می شوند و مدیریت گروه به شخصی از گروه جامعه شناسی سپرده می‌شود که در آن زمان اساسا کاری غیرقانونی به حساب می‌آمد. از ۸ نفر اعضای هیأت علمی، ۵ نفر را بازنشسته می‌کنند که اگر فرصت می‌دادند، آنها با درجه علمی بالاتر و خاطره خوشی می‌رفتند؛ علی محمد یوسفی زاده، محسن ثلاثی، جواد صفی نژاد، حشمت‌الله طبیبی و محمودروح‌الامینی.

با وساطت‌ها، حکم روح الامینی ملغی می‌شود، ولی او پایش را به دانشکده نمی‌گذارد و در سال ۱۳۸۹ به خواست خودش بازنشسته می‌شود و اکنون ۲ سال است که روی در نقاب خاک کشیده است. این افراد به ناگهان نامه بازنشستگی اجباری خود را زیر در اتاق خود پیدا کردند و این نشانه بارز بی‌توجهی به موقعیت افراد است.

نکته جالب، برنامه جایگزینی این ۵ نفر بود که ۵ دانشجوی دکتری بودند. یکی از آنان که کارمند وزارت علوم بود، بعد از نیم سال بازنشسته می‌شود!

به همین شکل، کنار گذاشتن نادر افشار نادری که از بنیانگذاران مردم شناسی نوین در دانشگاه تهران بود و توانایی‌های مدیریتی و علمی بالایی داشت، باعث شد لطمه روحی شدیدی به ایشان وارد شود و بعد از مدتی کوتاه در سن ۵۳ سالگی از میان ما برود. درگذشت حشمت الله جلالی هم از همین مسیر اتفاق افتاد.

کمبود امکانات در رشته مردم شناسی

دکتر رفیع‌فر می‌گوید: با توجه به موج بی‌رویه فارغ التحصیلان جامعه شناسی که خود را نماینده تمام و کمال علوم اجتماعی معرفی می‌کردند، مردم‌شناسی به حاشیه کشیده شد، به طوری که این ۲ دانش معادل یکدیگر شناخته می‌شدند.

تقلیل دروس مردم شناسی از ۳۰ عنوان به ۵ عنوان نیز در همین راستا انجام شد؛ در صورتی که مردم شناسان می‌توانستند نقش تعیین کننده‌تر و جایگاه مهم تری در جامعه داشته باشند. مردم شناسی، بدنه اصلی علوم اجتماعی را تشکیل می‌دهد، اما یکی از مشخص‌ترین شواهد بی‌توجهی به این رشته، در اختیار نبودن امکانات لازم برای بالا بردن کیفیت آن، مانند نبود امکان مسافرت‌های علمی و انجام روش‌های میدانی است. دانشجویان ما حتی توان انجام یک سفر تحقیقاتی با استادان‌شان را ندارند. وی می‌افزاید: اوج این سرگذشت غم انگیز ۴ سال پیش بود؛ یعنی زمانی که بعد از سال‌ها زحمت، بالاخره به این نتیجه می‌رسند که برنامه تدوین شود و بعد از نشست متعدد، در سال ۱۳۹۰ برنامه به تصویب نهایی در دانشگاه تهران می‌رسد و به وزارت علوم فرستاده می‌شود. بعد از دو سال، در شورای برنامه‌ریزی علوم انسانی به تصویب نهایی می‌رسد و برای اجرا به دانشگاه و دانشکده ابلاغ می‌شود اما مشخص می‌شود برنامه‌ها متفاوت است، چندین درس حذف و اضافه شده، برخی دروس اجباری و برخی اختیاری شده و کنکور آن هم زیرمجموعه کنکور علوم انسانی است. هنوز نمی‌دانیم آن برنامه با چه مجوزی و کجا دچار تغییر شد و چرا استادان مردم شناسی، نقشی در طرح سوال آزمون این رشته ندارند؟

* دکتر محمد توکل ـ جامعه شناس: یکی از دلایل وقوع بحران در جامعه شناسی، فرهنگ سلب و بی تحمل جامعه ایرانی است

* دکتر ناصر تکمیل همایون ـ جامعه شناس: در ایران با علوم اجتماعی بیگانه نبوده‌ایم و کتاب‌هایی مانند آثار الباقیه، از اسناد معتبر شناخت جامعه‌شناسی در تاریخ ایران محسوب می‌شود

پایه‌های دانش

دکتر محمد توکل ـ جامعه شناس، می‌گوید: گروهی را نقد می‌کنم که خودم ۲۸ سال است عضو آنم؛ نقدی است به موازات نقد دانشگاه و آموزش عالی کشور. احتمالا بسیاری از عزیزان نقد مفصلی را که در این مورد نوشته‌ام، در نوروزنامه سال ۱۳۹۴ روزنامه اطلاعات خوانده اند.

وی می‌افزاید: مثل هر رشته علمی دانشگاهی، جامعه شناسی هم باید بر ۲ پایه مردان بزرگ و دستاوردهای بزرگ بنا شود. در فرانسه که زادگاه این علم است، توفان‌های فکری سن سیمون و کنت و دورکیم، چنان بنیانی را پی افکند و مشابه آن در آلمان، انگلستان و آمریکا هم اتفاق افتاد. این حرکت در ایران نیز داشت شکل می‌گرفت و استادانی مانند دکتر صدیقی، دکتر سیاسی، علی محمد کاردان و فیروز توفیق، عزم انجام چنین مهمی را داشتند، اما پس از انقلاب و بازسازی، جسم نحیفش در حال لرزش باقی ماند. یکی از دلایل وقوع بحران در جامعه شناسی، فرهنگ سلب و بی تحمل جامعه ایران است. تفکر فلسفی در غرب به فلسفه اجتماعی و از آن به جامعه شناسی تحویل شد و تغییرات از پس مقاومت‌ها برآمدند، اما در ایران، هم تفکرات جامعه شناختی بی بنیه‌تر و هم مقاومت‌ها از غرب، پرزورتر و گاه خشن‌تر بودند. جو فکری فرهنگی-سیاسی قبل از انقلاب تغییر پیدا کرد، با این تفاوت که استادان بارز قبل از انقلاب نیز دیگر در صحنه نبودند. انجمن‌های علوم اجتماعی که گل سرسبد آنها، انجمن جامعه شناسی بود، پس از توقف چندساله دوباره شکل گرفت، اما علی رغم تلاش نسل جدید دانش آموختگان، تلاش‌ها در حد همایش و جلسه و بزرگداشت قد و نیم‌قد باقی ماند و نتوانست به لحاظ کمی و به ویژه کیفی، علاجی کارساز باشد.

دانشگاه‌های آزاد و مازاد!

آیا عمق کارهای ارائه شده، ارزش این همه تدارک را دارد؟ دکتر توکل به پرسش خود این طور پاسخ می‌دهد: چند صد هزار فارغ التحصیل علوم اجتماعی داریم. سال گذشته ۴۵درصد از ۵ میلیون نفر دانشجو، دانشجویان علوم انسانی و بخش قابل توجهی از آنان، دانشجوی علوم اجتماعی بودند؛ حال آن که از هر هزار نفر، یک نفر هم علاقه و انگیزه‌ای برای شرکت در تشکل‌های تخصصی و حرفه‌ای را ندارد. مجلات بدون ارزیابی و کنترل مانند قارچ روییده‌اند و مقالات آبکی چاپ می‌کنند؛ حتی برخی از آنها پولکی شده‌اند و هر کس پول بدهد، مقاله او را به چاپ می‌رسانند.

وی می‌افزاید: در همه دنیا دوره لیسانس را دوره فراگیری الفبا و اصول رشته می‌دانند و دوره‌های فوق لیسانس و دکتری، دوره تعمق و تعمیق و پژوهش، که به اصطلاح، دوره اجتهاد در رشته است. اما امروز ببینید دانشگاه‌های آزاد و مازاد کجاها تأسیس شده‌اند و چه استادانی در آنها درس می‌دهند و چه کسانی در آنها درس می‌خوانند؟ این خودانتقادی، شرح تلخ و اندوهناکی از بیان واقع است که مهم‌ترین وظیفه جامعه شناسی به شمار می‌رود.

آب از سرچشمه گل آلود است!

دکتر توکل با بیان این که در ۳۰ سال گذشته، نبود همگرایی‌های اخلاقی و فکری در گروه جامعه شناسی، تنش‌ها و درگیری‌هایی به وجود آورده است، می‌گوید: هرچه به زمان حال نزدیک شده‌ایم، این درگیری‌ها شدت و حدت و وسعت بیشتری یافته و همکاری در حد صنفی هم غایب است و عمدتا درس آموزی به معنای تقلید شده است.

او با اشاره به وضعیت برخی از استادان علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌افزاید: مع الاسف «جلالی» را در تصادف از دست دادیم، «ازکیا» و «وثوقی» بازنشسته شدند و «ساروخانی» و «توسلی» از گیشا رفتند و جای اینها را عمدتا چه کسانی گرفتند؟ در رساله‌های این سه دهه، کار برجسته و درخشانی بیرون نیامد، پژوهش‌هایی که مسایل مهم را نشانه رفته و به راه حل ختم شده باشد، انجام نگرفت و پیوند معنادار و عملی میان جامعه شناسی آکادمیک و بخش‌های جامعه که عمده مصرف کنندگان این علم‌اند، به وجود نیامد. زیرگروه‌های تخصصی شکل نگرفت. جایگاه جامعه شناسی که در عرصه ملی و روشنفکری از جایگاه و محبوبیت برخوردار است، نزول کرد. گروه جامعه نتوانست اسم و رسم خوبی برای خود دست و پا کند. این قصه ام‌القرای جامعه شناسی علمی ایران بود و وقتی سرچشمه گل‌آلود باشد، تکلیف حوضچه‌ها هم معلوم است. چرا با وجود ریاست مرحوم صدیقی، زنجیره بازماندگان سیر قهقرایی پیدا کرد و به جای پیشرفت، پسرفت داشت؟ البته بسیاری از ظرفیت‌های این گروه قابل تحقق به واقعیت است. آرزو بر پیران کراهت دارد، بر جوانان که عیب نیست!

امیدواری به آینده

دکتر مصطفی ازکیا ـ جامعه‌شناس، یکی از ضعف‌های کنونی مطالعات اجتماعی را وجود گسست در آن می‌داند و می‌گوید: ما بدون توجه به آرای یکدیگر مطالعه می‌کنیم. باید با تجدید نظر در شیوه‌های روان شناختی و توجه به روش‌های کیفی که ارتباط تنگاتنگی با پست مدرنیزم دارد، این اشکال را برطرف ساخت.

دکتر ناصر تکمیل همایون ـ جامعه شناس، نیز با اشاره به تاریخچه علوم اجتماعی در کشورمان می‌گوید: ما در ایران که تمدن ایرانی- اسلامی غنی دارد، با علوم اجتماعی بیگانه نبوده‌ایم؛ هم در مسایل تعقلی اجتماعی و هم در مسایل پراتیک (عملی). آثاری مانند آثارالباقیه و ماللهند و کتاب‌های جغرافیای انسانی، اسناد معتبر شناخت جامعه شناسی در تاریخ ایران است.

آن گونه که از کتاب مقدمه ابن خلدون، صفحات ۴-۸۰۳، بر می‌آید، او متوجه شده بود که در اروپا حرکاتی در حوزه اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی به وجود آمده است. جهان اسلام از اروپا بی اطلاع نبود. وقتی هنوز دانشگاه نداشتیم، برخی متفکران ما از آثار سن سیمون و اگوست کنت و اسپنسر مطلع بودند؛ که از جمله به ملکم خان یا میرزا آقاخان کرمانی می‌توان اشاره کرد. وی می‌افزاید: پس از انقلاب، افولی در حوزه علوم اجتماعی اتفاق افتاد و همه چیز ژورنالیستی و سیاسی شد. خوشبختانه آن وضعیت دیری نپایید و در سال‌های اخیر استادان و تشکیلات خوبی در علوم اجتماعی وجود دارد و اوضاع روز به روز بهتر می‌شود.

ارمغان زمان فشمی

جدول ۲۲۸۰۶

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱-وسیله توزین - یکپارچه، کامل و بی کم و کسر بودن - عملی گردید
۲-کارگردان ایرانی فیلم محاکمه - شیخ نشین امارات
۳-پزشکی - سزای عمل - عقیده شمردنی - خصوصیت و جلوه خاصی از محتوای یک موضوع یا ماهیت یک پدیده
۴-اسب چاپارخانه - بخشیدن - گروهبان نیروی دریایی
۵-ارتعاش - از اعضای صورت - قدرت و نیرو
۶-هلالی شکل - از محلات قدیم تهران
۷-حکایت و بیان کننده - ترکیب یدباعنصری دیگر - مزاحم تابستانی
۸-محل ورود - کارگردان سریال مدینه - از ضمایر جمع
۹-مردمان همدوره با هم - پایتخت نروژ - محوطه باز کشتی
۱۰-بیلان - فرشته آویخته شده در چاه بابل
۱۱-بخشی از هزینه مشترک - اعتنا - چهره‌ای همچون ماه
۱۲-لجن زار - پسوند نوازنده - خودرو فرسوده می زند!
۱۳-دید - رود مرزی - اما - تصدیق روسی
۱۴-دریاچه ترکیه - ارزش جای هر رقم در عدد
۱۵-عدد حرکت - تماشاچی - پاکدامنی و عفاف

عمودی:

۱-متوقف کردن کار و فعالیت چیزی یا جایی - چوب سخت قیمتی
۲-ریز نمرات - رها شد - با خبر و مطلع
۳-تکرار حرف اول - شوخی - استان خرم آباد
۴-از آلات رصد - آشنا و خودی - جمع هلال
۵-گاو شخم زن - کتابی از ویلا کاتر - حرف ندا
۶-آن که چیزی را جعل می کند - کاشف میکروب طاعون - پسر کاوه آهنگر
۷-صدای کوبیدن در - مطابق - جمع والی - شهری در همدان
۸-ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد، دل رمیده ....
۹-شکلک - پشیمان - بدگویی شعری - ماه میلادی
۱۰-مادر حضرت عیسی (ع) - چشمداشت - گلزن تیم ملی فوتبال برزیل
۱۱-حرف دهان کجی - کوه استان چهارمحال و بختیاری - ضرر
۱۲-از چهار جهت اصلی - اندام بویایی - زاویه
۱۳-رمان معروف شولوخف نویسنده روسی - صدای آرام خندیدن - بله ژرمن ها
۱۴-گلی خوشبو - جزم اندیش - سیاهرگ
۱۵-افسر و تاج - تبانی

حل جدول ۲۲۸۰۵

ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع

دکتر علی فردوسی — بخش دوم

باد صبا، باد سحرگاهی است. پس آن کسی که دارد ما را مخاطب قرار می‌دهد، همان کسی است که در سحرگاه مورد تهنیت‌گویی باد صبا قرار گرفته است. اندرز «به عشرت کوش» برگردان همان عبارت باد صبا در صحنهٔ آغازین است: «موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد». یکی به وجه اخباری و یکی امری. ما در اینجا هیچ دوگانه‌ای نداریم. آنچه داریم، یک ترجمه است: یک مضمون به دو وجه. پس، نه در ترجمهٔ «پیر میفروش» به گویندهٔ درونی غزل، و نه در ترجمهٔ «باد صبا» به «هاتف» ما با دو رده از هستی سروکار نداریم، یکی حقیقی و یکی مجازی. آنچه داریم، به زبان ریاضی نوعی نگاشت (mapping) از یک مجموعه به مجموعه دیگر است، نوعی ترانهادن. یک جهان بیشتر نیست، یکی از جنبهٔ طبیعیِ و یکی معنوی، یک امر در دو شیوهٔ فروکاست ناپذیر، امری که صرفاً به صورت شیوه‌هایش وجود دارد.

برای حافظ، درست برای روزبهان بقلی فسایی شیرازی، که حافظ و دوستانش هفته‌ای یک شب بر مزارش جمع می‌شدند، تن و معنا دو چیز متضاد نیستند، و از این بابت هستی‌شناسی اسپینوزایی به فهم ما بیشتر کمک می‌کند تا دکارتی. ترکیب «گوش هوش نیوش»، در این ارتباط سحرآمیز است. به بیانی دیگر، باد صبا «آواتار» هاتف است، همان گونه که هاتف آواتار باد صبا، هر کدام در بُعدی دیگر (حتماً فیلم «آواتار» یادتان هست، و از آن مهمتر فیلم‌های «ماتریکس»).

آن که تهنیت بهار را از باد صبا دریافت کرده بود، همان کسی است که «اندرز» انضمامی آن را از هاتف گرفته است، و همان کسی است که ما را مخاطب قرار می‌دهد. این همانی‌ها در خود متضمّن یک این‌همانی دیگر نیز هستند: جنس این اندرز با آنچه میفروش می‌فروشد، یکی است. میفروشِ همان «حکیم» است، کسی که حُکم «به عشرت کوش» را هم از تجلّی بهار در عطر و رنگ و تکاپوی حیات شنیده و هم در درون معنویت بهار دیده، و آن را اکنون بر ما چون حکمی ابلاغ می‌کند. اما این تعبیر در معرض خطا قرار دارد. چون اگر این حکمت از جنس میْ باشد، از زمرهٔ «ابلاغیّات» نمی‌تواند باشد. آنچه از جنس بزم است، ابلاغ‌پذیر نیست، فراخواندنی است. پس پیر میفروش ارائه‌دهندهٔ نوعی «حکمت شادمان» است که هم نوشیدنی است و هم نیوشیدنی، و گویندهٔ درونی غزل ما را به آن دعوت می‌کند. در حقیقت آنچه میفروش ما را به نوشیدن/ نیوشیدن آن جار می‌زند، همین غزل است. ما اگر آن را درست، یعنی در جای درست، با دوستان درست، و به معنای درست بنوشیم/ بنیوشیم، تازه خواهیم فهمید که چرا همه چیز در این غزل از مسیر نوعی ترجمه می‌گذرد، مطلقاً همه چیز.

جهان بیکران

جهان حافظ، جهانی است بیکران، دقیقاً از آن رو که همه چیز در آن دستخوش ترجمه‌پذیری است. در جهان او هیچ چیز هیچ کجا بازنمی‌ایستد. در آن همه چیز هر آن در تعلیق ترجمه است. برای همین ما در شعر حافظ بازی استعاره‌ها نداریم. بازی آواتارها را داریم: نمودگاری یک چیز در بُعدهای متفاوت.

از قدیم و ندیم مقایسه‌ای میان شاعران و انبیا در کار بوده است. در این خصوص به یکی از تفاوت‌ها برمی‌خوریم که حافظ سخت بدان آگاه است. شاعر برخلاف نبی جز دعوت به ضیافت، حربه‌ای در چنته ندارد، لیکن شاعر در یک وجه، و این تنها وجه نیست، با نبی بی‌شباهت نیست. این شباهت که از همان صحنهٔ آغازین و با نشاندن پیر میفروش بر مصطبهٔ دریافت تهنیت شروع می‌شود، در همین بیت شکل آشکارتری به خود می‌گیرد و در بیتهای پس از آن به وضوح به نوعی اعلام می‌شود. در این بیت حافظ کار دیگری هم می‌کند که ممکن است بر خوانندهٔ ناآشنا با مبحث سخنوری بلافاصله روشن نباشد. کاری که او در گذار ترجمه از یک جنبه از بهار به جنبهٔ دیگر می‌کند، عملی است از جنس «اجرایی‌ها» که به آن می‌گویند «خوداعتباربخشی». یعنی شاعر به صورتی منزلت و بنابراین مشروعیّت خود را برای بیان آنچه می‌خواهد بگوید، در ضمن کارش تأمین می‌کند. حافظ با ذکر اینکه کسی است که «هاتف» سحرگاهان با او سخن می‌گوید، در واقع با فروتنی منزلت معنوی خویش را به رخ می‌کشاند، همانطور که تهنیت‌گویی سحرگاهی باد صبا منزلت پیر میفروش را در نسبت با بهار باز می‌نمود. حافظ گام به گام ما را به گونه‌ای سنخ‌شناسی (تیپولوژی) نزدیک می‌کند، که چنانچه خواهیم دید برگرداندن چنبرهٔ ترجمه‌ها و این‌همانی‌ها به ابتدای غزل است.

اینک که بازی این‌همانی‌ها و ترجمه‌ها را در جادوگری زبانی حافظ دیدیم، و دیدیم که چگونه خود و ما را از بیرون از غزل، آن هم به شکلی «اجرایی» به درون غزل می‌کشد، می‌توانیم مسیر بسا «منطقی» حرکت او از شور طبیعی بهار به شادمانی معنوی آن را به آسانی دنبال کنیم. پس از بیتی که میفروش/ حکیم ما را به «عشرت کوش» خود، که ما اکنون در هر دو جنبهٔ آن حضور یکتا داریم، فرامی‌خواند، به بیت زیر می‌رسیم که در آن گویندهٔ درونی شعر بهار و پیام آن را تعمیم می‌دهد، آن هم به شکلی که نمی‌توان آن را از سیاست و جهان مبارزات سیاسی (اگر از این دو درکی موسّع داشته باشیم، و نه سیاست‌زده) دور نگه داشت. عنوان این نوشته از ابتدای این مصرع گرفته شده است.

اما پیش از آنکه آن بیت را بخوانیم، ناگزیریم تا بیت بعدی آن را که در حقیقت باید بیت مورد نظر را در سایهٔ آن خواند، بخوانیم. این بیت شرایط زمانی و مکانی آمدن بهار را توصیف می‌کند؛ چون گویندهٔ درونی شعرِ همین که حرف نهایی‌اش را می‌زند، با نوعی نگرانی که هم مستقیماً معنادار است و هم مطابق معمول به شکلی اجرایی گویا، حرفش را به اصطلاح قورت می‌دهد. البته به معنایی کار از کار گذشته است. این است آن بیت که در آن بازی این‌همانی‌ها حتی تمایز میان گوینده و خواننده را به حالت تعلیق درمی‌آورد:

ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد
چه گوش کرد که با ده زبان خموش آمد!

می‌شود مفصل در باره این بیت سخن گفت؛ اما کافی است به دو تا از اشاره‌های آن اشاره کرد و گذشت. نخستین اشارهٔ آن دیگر کمابیش برای ما آشکار و آسان‌فهم است. ما همچنان در چنبرهٔ ترجمه‌ها و این‌همانی‌ها هستیم. «مرغ صبح» می‌تواند یکی از برگردان‌های رقومی باد صبا باشد در درون جنبهٔ طبیعی چیزهاِ (در مجموعه بهار: باد صبا/ گل و گیاه ≈ مرغ سحر/ پرندگان). اصولاً چنانچه من در یک مطالعهٔ آماری از روی متون شعری عصر حافظ استدلال کرده‌ام، مرغ صبح/ مرغ سحر/ بلبل نامهای شاعرند در دستگاه طبیعی پرندگان (نه مجاز، بلکه ترانهش). به همین سیاق در داخل دستگاه کنشی «گوش» و «خموش»: پیر میفروش/ گوینده درونی ≈ سوسن آزاد. در درون سخنی که باد صبا/هاتف/ مرغ سحر به شاعر/ سوسن آزاد گفته‌اند، نکته‌ای است که او را به‌رغم آزادگی و ده‌زبانگی، ناچار به خموشی کرده است. در زنجیرهٔ این ترجمه‌ها و این‌همانی‌ها، شاعر نمی‌تواند حرف دلش را بزند، گرچه ده زبان می‌داند. زبان‌دانی و زیرکی شاعر هم حدی دارد.

طنز کلامی

اما آیا مهارت حافظ به مرز خودش رسیده است؟ این ناممکن است. در شعر به مثابه شعر نگفتنی جایی ندارد. شعر درست آنجا شروع می‌شود که گفتن معمولی به سرحد خودش می‌رسد. شعر ادعای انسان است دال بر اینکه نگفتنی وجود ندارد. شعر کوششی است برای ترفیع زبان چنانچه بتواند ناگفتنی را بگوید. چه‌هاست در سر این قطرهٔ محال‌اندیش! اما حافظ شاعر آیرونی‌هاست، مرغ زیرک است و بذله‌گو. پس این سخنی است «آیرونیک»، طنزآلود. برای آنکه حرفی را که شاعر می‌خواهد بزند، در خلال شعرش زده است. این حرف در این بیت، که پیش از بیت بالا آمده، مثل شراره‌ای در چشم برهم زدنی درخشان و محو شده است؛ ولی باری به هر جهت ناگفته نمانده است. یک چشم برهم زدن برای ما که پیشتر با حکم دیگری که به شکلی که به خود جلب توجه نمی‌کرد در همان مصرعی بود که حکم «به عشرت کوش» در آن بود، خوب گوش کردیم فاصلهٔ کمی نیست. ما به یاد می‌آوریم که در آن مصرع دو فراخوان بود: «به گوش هوش نیوش از من» و «به عشرت کوش». ما از هول «عشرت کن»، از آن حکم اساسی‌تر که قبل از حکم دوم آمده بود، غافل نماندیم.

ز فکر تفرقه باز آی، تا شوی مجموع
به حکم آنکه چو شد اهرمن، سروش آمد

ادب حکم می‌کند که ما که تا اینجا خوب به حافظ گوش کرده‌ایم، به پیروی از او بیش از اندازه به این بیت نپیچیم. با این‌همه، یکی‌دو نکته را نمی‌توان به عنوان سرنخی برای خواننده ناگفته گذاشت. اینجا هم با بازی ترجمه‌ها و این‌همانی‌ها سروکار داریم، که این بار بهتر است به مثابه یک دستگاه تناسبی به آن بنگریم. بدیهی است که بیت چهار متغیّر دارد که میان آنها تناسب‌هایی در کار است: تفرقه، مجموع، در مصرع اوّل؛ و اهرمن و سروش در مصرع دوم.

ادامه دارد

ارزش والای شاهنامه

دکتر محمد امین ریاحی — بخش سوم

حاسدان و بدگویان فردوسی

افسانه‌پردازان در میان رجال عصر محمود به جستجوی حاسدان و بدگویان گشته‌اند. در مقدمهٔ اول شاهنامه که به تصور من در قرن پنجم یا اوایل قرن ششم تحریر شده، در سالهایی که هنوز نامهایی به طور مبهم از اطرافیان محمود در اذهان و بر سر زبانها بوده، بونصر مشکان (استاد ابوالفضل بیهقی) و بوسهل حمدوی را با تحریف و به صورت سر و دست شکسته نام برده‌اند. بعدها احمدبن حسن میمندی وزیر محمود (به صورت حسن میمندی) معارض اصلی فردوسی شمرده شده و حتی گفته‌اند بعد از آنکه محمود از کردهٔ خود پشیمان شده، دستور قتل آن وزیر را داده است. دولتشاه برخلاف آن‌همه اخبار و افسانه‌ها، میمندی را حامی فردوسی، و ایاز غلام مقرب محمود را محرک بخل سلطان شمرده است! بعدها آذربیگدلی به دولتشاه تاخته و از ایاز دفاع کرده که حاشا این صحیح نیست و به مضمون «الظاهر عنوان الباطن» چون ایاز صورت زیبایی داشته، حتماً دارای سیرت نیکی هم بوده و این تهمت به او نمی‌برازد!



فردوسی از غزنین به کجا رفت؟

ما امروز اقامت فردوسی را در دربار محمود افسانه می‌شماریم و به قرائن مختلف اعتقاد داریم که او شاهنامه را در شهر خود در طوس سروده و بعد از پایان کار، نسخه‌ای از آن را برای محمود فرستاده است. اگر هم بپذیریم که خود او شاهنامه را برای تقدیم به محمود به غزنین برده باشد، بعد از آنکه محمود حتی «نکرد اندرین داستانها نگاه»، بلافاصله به طوس بازگشته و آخرین سالهای زندگی خود را در آنجا گذرانیده است.

در «چهار مقاله» می‌خوانیم که فردوسی از غزنین به هرات رفته و شش ماه در دکان اسماعیل ورّاق پدر ازرقی شاعر پنهان بوده است. در روایت افزوده به مقدمهٔ قدیم شاهنامه می‌خوانیم که او به دهلی رفته و پادشاه دهلی مقدمش را گرامی داشته است. بعدها در «مقدمهٔ بایسنغری» آمده که ناصرالدین محتشم ـ والی قُهستان ـ او را به قهستان برده است. در عصر فردوسی والیی به این نام نمی‌شناسیم، و این قطعاً ناصرالدین عبدالرحیم (درگذشتهٔ ۶۵۴) است که دو قرن بعد از فردوسی از جانب پادشاه اسماعیلیه، محتشم قهستان (یعنی رئیس آن ناحیه) بوده و افسانه‌پرداز، دعوت او از خواجه نصیرطوسی به قهستان را به صورت دعوت ناصرالدین محتشم از حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی درآورده است!... این نکته را هم فراموش نکنیم که جهان‌بینی اسماعیلیه ریشه در اندیشه‌های کهن ایران داشته و آنها در علاقه به زبان فارسی، اکثر آثار خود را به این زبان سروده‌اند و نوشته‌اند و در نفرت از خلافت عباسی و عمال آن، با فردوسی اشتراک نظر داشته‌اند.

دنبالهٔ سفر را نظامی عروضی چنین نقل می‌کند که فردوسی از هرات به طوس و از آنجا به طبرستان به نزد سپهبد شهریار بن شروین رفته و خواسته شاهنامه را به نام او کُند. آن امیر نپذیرفته و صد بیت هجونامه را گرفته و شُسته و صدهزار درم به فردوسی داده است. توجه به عزت‌نفس و مناعت طبع حکیم طوس و سالخوردگی او امکان چنین سفری را ضعیف می‌سازد، و شاید شیعه بودن امرای طبرستان و شهرت فردوسی در تمایل به تشیع، مایهٔ آفرینش این افسانه شده باشد؛ ولی به هرحال به‌کلی هم نمی‌توان آن را مردود شمرد. این روایت ساده را افسانه‌پردازان بعدی گرفته‌اند و با افزودن شاخ و برگهایی آن را به صورت داستان پرحادثه‌ای درآورده‌اند.

در افسانه‌های مرتبط با فردوسی، دو تمایل متضاد دیده می‌شود: یکی علاقه به او و شاهکار جاودانه‌اش، و دیگر دفاع از سلطان محمود که مورد حمایت خلیفه بغداد بوده؛ این دو تمایل انعکاس دو جریان فکری است که در هزار سال گذشته در جامعهٔ ایران ریشه داشته است

افسانه‌ای که دروغ از سراپای آن می‌بارد، رفتن فردوسی به بغداد است. در این افسانهٔ کهن که معلوم می‌شود در دورهٔ شدت نفوذ خلافت در ایران و به وسیلهٔ هواداران خلافت ساخته شده، می‌بینیم که فردوسی از ترس محمود از طبرستان به بغداد می‌گریزد و مورد عنایت خلیفه القادربالله قرار می‌گیرد و جزو شاعران دستگاه خلافت درمی‌آید و قصاید تازی در مدح خلیفه می‌سراید. وقتی هم که محمود درخواست استرداد او را می‌کند، میان خلیفه و پادشاه دشمنی بالا می‌گیرد!

آخرین افسانهٔ دروغی که در سرگذشت فردوسی پرداخته‌اند و از راه مقدمهٔ بایسنغری رواج وسیعی یافته است، به نظم درآوردن مثنوی سست یوسف و زلیخاست و حدس من این است که این دروغ اول بار از ذهن شرف‌الدین علی یزدی تراویده است. افسانه‌پردازان بعدی این دروغ را با رفتن فردوسی به بغداد پیوند زده و گفته‌اند که یوسف و زلیخا را برای خوشامد القادربالله به نظم درآورده است...

ارزش افسانه‌ها

افسانه‌های مربوط به فردوسی، از نظر صحت و سقم در درجات مختلفی است. بعضی از آنها دروغی راست‌مانند است و حالا اگر با دلایل تاریخی صحت آن رد می‌شود، اما از نظر عقلی وقوع آن خارج از دایره امکان نیست؛ مثلاً حمایت یا دشمنی میمندی در حقِ فردوسی قابل بحث است. شاید شنیده بوده‌اند که مثلاً اسفراینی حامی و مشوق فردوسی بوده، و بعد از برکناری او جانشینش میمندی موجبِ ناکامی فردوسی شده است، و شاید وزیر بعدی ـ مثلاً به حدس تقی‌زاده حسنک میکال ـ با یادآوری عظمت شاهکار فردوسی ـ پادشاه را از رفتاری که با او کرده بوده پشیمان ساخته باشد. و اگر بن‌مایه‌ای از حقیقت در این افسانه‌ها باشد، می‌توان تصور کرد که نامها در آنها جابجا شده است. اما بسیاری از افسانه‌ها هم، چنان که گفتیم از بیخ و بن دروغ است.

با نقد یک به یک نوشته‌های پیشینیان، افسانه بودن



بسیاری از آنچه را به عنوان حوادث واقعی زندگی فردوسی، نشان داده‌ایم؛ اما نتیجه‌گیری‌های ما ارزش این افسانه‌ها را به‌کلی زایل نمی‌سازد. مگر نه این است که در طی هزار سال مردم ایران چهرهٔ فردوسی را از خلال این افسانه‌ها شناخته بوده‌اند؟ مگر نه این است که طی چند صدسال فردوسی از راه همین افسانه‌ها شهرت یافته و حتی موضوع شاهکارهای جهانی قرار گرفته است؟ پس چرا اینهمه را ثبت نکنیم و به بازشناسی ریشه‌های آنها، و سیر افزایش شاخ و برگها بدانها، و بالاخره استنباط حقایقی از بطون آنها نکوشیم؟

سرچشمهٔ بیشتر آگاهی‌هایی که در تذکره‌ها آمده، افسانه‌هایی است که در مقدمه‌های چهارگانهٔ دستنویس‌های شاهنامه ثبت شده که آخرین آنها نزدیک به ششصد سال پیش به قلم آمده است. سندیت این مقدمه‌ها (به شرط نقد دقیق آنها) کمتر از محتویات تذکره‌های متأخرتر نیست، زیرا کاتبی که نسخه‌ای از شاهنامه را رونویس می‌کرده، یا کسی که به سفارش او شاهنامه‌ای کتابت می‌شد و مقدمه‌ای برای آن تنظیم می‌گردیده، قطعاً کنجکاوی و علاقه‌اش به فردوسی و آگاهی‌اش دربارهٔ او کمتر از تذکره‌نویسی نبوده که در کتاب خود شرح حال چندین ده شاعر را می‌آورده که یکی از آنها هم فردوسی بوده است. وجود این همه افسانه، نمودار عظمت فردوسی و شاهنامهٔ اوست. دربارهٔ کدام شاعر و کدام کتاب این همه افسانه پرداخته شده است؟ وانگهی کدام افسانه است که در آن رنگ و بویی از حقیقت نباشد؟

در هزار سال گذشته منبع شناخت ایرانیان از فردوسی، و در قرون اخیر وسیلهٔ آشنایی جهانیان با او همین افسانه‌ها بوده است. تشخیص راست و دروغ این افسانه‌ها هم دشوار نیست. ما برای شناخت شخصیت فردوسی و آنچه از زندگی او روایت کرده‌اند، ملاک استواری در دست داریم و آن خود شاهنامه است. چهرهٔ راستین فردوسی در شاهنامهٔ او زنده و پایدار است. وقتی سیمای نجیب و آزاده و گردنفراز فردوسی را در آیینهٔ شاهنامه می‌بینیم و می‌شناسیم، هر روایتی که با این سیما ناسازگار باشد، باورکردنی نخواهد بود. همه دروغهای کوچک، فرع این دروغ بزرگ است که فردوسی به سفارش محمود شاهنامه را به نظم آورده است. وقتی از شاهنامه استنباط می‌کنیم که دانای طوس بیست سالی پیش از به قدرت رسیدن محمود کار دلخواه خود را آغاز کرده بوده، بی‌پایگی این ادعا روشن می‌شود و طبعاً شاخ و برگی هم که به این ماجرا بسته‌اند، قابل اعتنا نیست.

دو تمایل متضاد

در مجموع این افسانه‌ها، دو تمایل متضاد گاهی جداجدا و گاهی در کنار هم دیده می‌شود: یکی علاقه شدید و همگانی به شاعر بزرگ ایرانی و شاهکار جاودانهٔ او، که هر ایرانی شرف و افتخار و اعتبار خود و پدران خود را در آن می‌یافته، و دیگر علاقهٔ ضعیف‌تر به دفاع از سلطان غازی که مورد حمایت خلیفهٔ بغداد و براندازندهٔ قرمطیان و بدمذهبان بوده است؛ و این دو تمایل انعکاس دو جریان فکری متضاد است که در هزار سال گذشته در جامعهٔ ایران ریشه داشته، و در قرون مختلف و در نواحی مختلف و در ذهن هر کسی گاهی این و گاهی آن تفکر، قوت بیشتری داشته است...

تمایل به محمود و دفاع از او ریشه در تعصبات مذهبی در آن قرون داشته است. قصهٔ پناه بردن فردوسی به خلیفهٔ بغداد جلوه‌ای از این تعصب تازی‌گرایی است. وقتی هم که یوسف و زلیخای طغانشاهی را به نام فردوسی بستند، به نظم درآمدن آن مثنوی سست را به تمایل خلیفهٔ بغداد نسبت دادند، خلیفه‌ای که فارسی نمی‌دانسته و قطعاً نمی‌توانسته از شعر فارسی لذت ببرد...

نقد یک افسانه

اکنون دیگر به طور قطعی روشن شده که خود فردوسی به فکر نظم شاهنامه و جستجوی منبع کار خود افتاده و مشوق او همشهریانش بوده‌اند، از جمله دوستی مهربان، مهتری گردنفراز از آزادگان و نژادگان طوس؛ و این سالها پیش از جلوس محمود بوده است. می‌پرسید پس چرا این همه نام محمود در شاهنامه هست؟ بلی، نام محمود ۱۵بار در شاهنامه آمده است. اینها را فردوسی در دومین تدوین شاهنامه افزوده، وقتی که محمود بر تخت نشسته بوده و فضل‌بن احمد اسفراینی به وزارت او انتخاب شده بوده است. اسفراینی از دیوانیان دستگاه سامانی و از دوستداران فرهنگ ایرانی بود که مکاتبات دیوانی را از عربی به فارسی برگردانید. فردوسی دومین تدوین شاهنامه را به تشویق او و به نام محمود کرد و نام و ستایش او را در آغاز و انجام هر جلد از شاهنامه افزود.

به نظر من ذکر و ستایش محمود در موارد مختلف شاهنامه، نه در حین سرودن هر یک از داستانها، بلکه یکجا در پاکنویس دومین تدوین شاهنامه برای هدیه به سلطان افزوده شده است. محققانی که به این نکتهٔ اساسی توجه نداشته‌اند، در نتیجه‌گیری‌های خود دچار تناقضات شده‌اند. با اهدای کتاب به نام محمود، فردوسی امیدوار بوده که به پسند و حمایت فرمانروایِ مقتدر موجبات انتشار وسیعتر کتاب را فراهم آورد. طبعاً از شهرت شاعرنوازی و زربخشی او این امید را هم می‌توانسته داشته باشد که در روزهای پیری از تنگدستی برهد. اما محمود برخلاف انتظار فردوسی حتی نگاهی هم به داستانهای شاهنامه نکرد. او قدرت و شوکت داشت، اما گوهرشناس نبود، قدر شاهنامه را نشناخت و نمی‌توانست بشناسد و فردوسی را محروم کرد. آن وقت شاعر این ابیات را سرود و در آخرین جلد نسخهٔ خود، در آغاز داستان خسروپرویز و شیرین افزود:

چنین شهریاری و بخشنده‌ای
به گیتی ز شاهان درخشنده‌ای
نکرد اندر این داستانها نگاه
ز بدگوی و بخت بد آمد گناه
حسد برد بدگوی در کار من
تبه شد بر شاه، بازار من

چرا محمود شاهنامه را نپسندید؟ و چرا فردوسی را محروم کرد؟ برای کشف علت واقعی و روشن کردن تمام جوانب مسئله، باید وضع سیاسی و اجتماعی آن روزگار و شخصیت محمود و شخصیت فردوسی و محتویات شاهنامه را با دقت بیشتری بررسی کرد. به نظر من، نخستین علت این بوده که محمود شعر نمی‌فهمیده، اگرچه دربارهٔ شعردوستی و شاعرنوازی او مبالغه‌ها کرده‌اند. نظامی عروضی در چهار مقاله می‌گوید: چهارصد شاعر در دربار محمود گرد آمده بودند، و آن پادشاه همه سال قریب چهارصدهزار دینار (سکه طلا) در راه تشویق شعرا و علما صرف می‌کرد. شاعران ستایشگرش هم این معنی را تأیید کرده‌اند. عنصری می‌گوید: هر بار هزار سکه طلا صلهٔ شعر می‌داد... دربارهٔ صلات بیکرانی که محمود به غضائری رازی می‌داده، مسعود سعد سلمان گفته است: به هر قصیده که از شهر ری فرستادی/ هزار دینار او بستدی ز زر حلال!

حلال بودنش را خدا می‌داند. خود غضائری مثل اینکه از کثرت صلات محمود به تنگ آمده بوده که در قصیدهٔ شکرانهٔ خود گفته است: ای ملک، بس است، چرا این همه طلا برای من می‌فرستی؟ مگر من جوال جوال مروارید و جواهر به تو پیش‌فروش کرده‌ام؟ مردم به شبهه می‌افتند که اینها زر سرخ است یا سنگ و سفال شکسته!

بس ای ملک که نه لؤلؤ فروختم به سلم
بس ای ملک که نه گوهر فروختم به جوال!
بس ای ملک که جهان را به‌شبهت افکندی
که زر سرخ است این یا شکسته سنگ و سفال؟

هیچیک از این زربخشی‌ها دلیل شعرفهمی و شعردوستی محمود نیست. حقیقت این است که او نیازمند این ستایشگری‌ها بوده و زر و سیمی که به صلهٔ شعرها می‌داده، نظیر بودجه‌های تبلیغاتی بوده که حالا در دنیا دولتها در داخل و خارج کشور برای پیشبرد سیاست خود خرج می‌کنند. محمود غزنوی جوال جوال طلا به صلهٔ اشعار غضائری به ری می‌فرستاده تا غضائری قصیده‌ها در ستایش او بگوید و مدح و ثنای او و قدرت و شوکت و حسن شهرت او را بر سر زبانها بیندازد و راه را برای حمله او به ری هموار سازد تا فرمانروای بخشنده به موقع در سال ۴۲۰ به ری بتازد و خاطرهٔ ضحاک و حجاج را زنده کند و اموال بیکران مردم را به تاراج برد و فتحنامه به خلیفهٔ

آزادمرد خراسان ستایشگر داد و راستی و خرد و مردمی بود. در سراسر شاهنامه اگر کارهای نیک را می‌ستاید، ستم و کشتار و غارت و ویرانگری را هم نکوهش می‌کند. ستایش او از محمود، لحن خردمند حکمت‌آموزی را دارد که شاه را به دادگری و پرهیز از ظلم اندرز می‌دهد

بغداد بنویسد که رفتم و دارها برپا کردم، آنچه «رافضی، باطنی، قرمطی، دیلمی بود، کشتم و بهری را در پوست گاو دوختم و به غزنین فرستادم و مقدار پنجاه خروار دفتر روافض و باطنیان و فلاسفه» را بسوختم. آن وقت، فرخی هم فتحنامه‌ای درباره این فتح درخشان سلطان بسراید و بگوید: آفرین، دویست دار برپا کردی و اهل قلم و اندیشه را به دار کشیدی: دار فرو بردی باری دویست/ گفتی کاین درخور خوی شماست!

اما فردوسی مردی دیگر بود، نه از نوع فرخی و عنصری و غضائری. شعر و اندیشهٔ او تابع سیاست روز نبود. آزادمرد خراسان اهل تعارف و مجامله و تملق نبود. ستایشگر داد و راستی و خرد و مردمی بود. در سراسر شاهنامه اگر کارهای نیک را می‌ستاید، ستم و کشتار و غارت و ویرانگری را هم نکوهش می‌کند. آنچه از بیدادگری و خون‌آشامی ضحاک تازی گفته و نکوهش کرده بود، چگونه می‌توانست فرمانروای خودکامه را خوش آید؟ ستایشهایی هم که از محمود کرده بود لحن مورد پسند و انتظار محمود را نداشت. لحن معلم خردمند حکمت‌آموزی را داشت که پادشاه را به دادگری و پرهیز از ظلم اندرز می‌دهد؛ و در این نصیحتگری‌ها لحنی دارد که حتی امروز با گذشت هزار سال و با اینهمه لاف عدالت و دمکراسی که در جهان هست، اگر کدخدای دهی را به آن زبان نصیحت کنند تحمل نمی‌کند.

ادامه دارد

هنرنمایی‌های خاقانی

درس گفتار دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده در شهر کتاب



در موضوع بهار پیش از خاقانی، شاعرانی مثل انوری، فرخی، منوچهری و عنصری قصایدی سروده‌اند که همه وصف داغگاه و صله گرفتن است؛ اما خاقانی این هنر و حُسن سلیقه را دارد که در گرایش دینی و آیینی‌اش فصل بهار را با باورهای دینی تلفیق کند. خاقانی در قصیده معروف «منطق‌الطیر» فصل بهار را توصیف می‌کند و اینکه هر کدام از پرندگان به گل و گیاه و درختی علاقه دارند. بعد سخن را به بیت تخلص می‌کشاند و به مدح حضرت پیامبر اکرم(ص) می‌پردازد. به نظر من این قصیده هم به خاطر نوع نگاه خاقانی به بهار و هم به‌دلیل توجه او به شخصیت مبارک حضرت ختمی مرتبت جزو شاهکارهای ادب فارسی است:

رَخش به هرّا بتافت بر سر صفر آفتاب/رفت به چرب آخوری گنج روان در رکاب

روز چو شمعی به شب زودرو و سرفراز/شب چو چراغی به روز کاسته و نیم‌تاب

مرغان چون طفلکان ابجدی‌آموخته/ بلبل الحمدخوان گشته خلیفه الکتاب

تا آنجا که می‌گوید:

عنقا بر کرد سر، گفت: کزین طایفه/ دست یکی در حناست، جعد یکی در خضاب

این همه نورستگان، بچّه حورند پاک/ خورده گه از جوی شیر، گاه ز جوی شراب

گرچه همه دلکش‌اند، از همه گل نغزتر/ کو عرق مصطفاست، وان دگران خاک و آب

اشاره خاقانی به این نکته است که در شب معراج قطره‌ای از عرق مبارک حضرت رسالت(ص) بر زمین فرو چکید و از آن گل سرخ رویید. اگر تمام شعر فارسی را جستجو کنیم، در تلفیق طبیعت با باورهای آیینی، به این شکل هنرمندانه قصیده‌ای پیدا نمی‌کنید.

شعر مفاخره

مفاهیم سنتی سبک‌شناسی در متون فارسی فراوان و پُرشمار بوده و هست؛ اما هنر فرنگی‌ها در این است که آموزه‌های سنتی را که در ادب ما فراوان هست، جمع و دسته‌بندی کرده‌اند؛ مثلاً تعبیر پارادوکسیکال را ما در ادب خود داریم. باباطاهر در قرن پنجم از تعبیر «خراب‌آباد دل» استفاده کرده است که یک تعبیر پارادوکسیکال است. مفهوم سبک هم به همین گونه است.

معادل‌هایی که ما در گذشته برای سبک داشته‌ایم، عبارتند از: طرز، شیوه، روش، سیاق، نقد عراقی، نقد خراسانی و نمونه‌های دیگر. یکی از کسانی که بیشترین تعبیرهای مرتبط با مقوله سبک‌شناسی را دارد، خاقانی است. خاقانی چون شاعر بزرگی بوده، معاند و حسود هم داشته و برای این استِ که شعرهای مفاخره‌ای بسیاری دارد؛ مثلاً به او می‌گفتند که عنصری شاعری بزرگتر از توست:

به تعریض گفتی که: خاقانیا/ بوَد شاعری نکته‌دان عنصری

طبیعی است که دل خاقانی از این سخن به درد می‌آمد. امروزه که مفاخره‌های خاقانی را داوری می‌کنیم، می‌بینیم تعریف و ستایش صرف نیست و به آسانی می‌توان دریافت که او برتر از عنصری بوده است؛ برای همین است که به آن تعریض این گونه پاسخ می‌دهد:

به یک بیت، ده بدره و برده یافت/ ز محمود کشورستان عنصری

به معشوق نیکو و ممدوح نیک/غزل‌گو و مداح‌خوان عنصری

خاقانی زبان شعری خود را از خراسان گرفته، اما درصد بسیاری از تعبیرات شعر کهن خراسانی در دیوانش نیست. هنر او تحویل گرفتن زبان فارسی خراسان و بازسازی آن است

یعنی اگر آن شعرهای مدحی را از دیوان عنصری بیرون بیاوریم، هیچ چیز دیگر باقی نمی‌ماند؛ حق هم همین است که خاقانی گفته و داوری او در سبک‌شناسی منصفانه است:

شناسند افاضل که چون من نبود / به مدح و غزل دُرفشان عنصری

مرا شیوهٔ خاص و تازه‌ست و داشت/ همان شیوه باستان عنصری

ز ده شیوه کان حلیت شاعری است/ به یک شیوه شد داستان عنصری

نه تحقیق گفت و نه وعظ و نه زهد/ که حرفی ندانست از آن عنصری

بازسازی فارسی خراسانی

یکی از بهترین و عالی‌ترین نمونه‌های شعر مفاخره عنصری این است:

نیست اقلیم سخن را برتر از من پادشاه/ در جهان، ملک سخنرانی مسلّم شد مرا

این مفاخره در برابر شاعران آذربایجان بوده است. در آنجا خاقانی رقبایی داشت که سبک و بیان آنها به خاقانی نمی‌رسید؛ بنابراین خصم او شده بودند. خاقانی خود می‌گوید:

گرچه دلت شکست ز مشتی شکسته‌نام / بر خویشتن شکسته‌دلی چون کنی درست؟

این هم یک شکل کارکردهایی است که استشمام سبک‌شناسی و گونه‌گونی سخن از آن می‌آید.

شکل سوم هم این است که شیوه او تازه است، نه رسم باستان. در هر کار سبک‌شناسی توجه به زبان و اندیشه و فکر وجود دارد. بدین‌گونه است که می‌توان به سبک شاعر مورد نظر رسید. در این بحثی نیست که خاقانی زبان شعری خود را از خراسان گرفته است؛ یعنی می‌توان اصطلاحات دری خراسانی را در شعر خاقانی پیدا کرد، اما اگر بخواهیم بسامد بگیریم، متوجه می‌شویم که درصد بسیاری از تعبیرات شعر کهن خراسانی در دیوان خاقانی نیست یا اگر هست، خیلی کم است. در تمام شعر او یک «الفغدن» که ناصرخسرو به‌کار بُرده، پیدا نمی‌کنید. چون زبان هرچه از خراسان دورتر شده، صیقلی‌تر و شسته رُفته‌تر شده است و شاعر از امکانات تازهٔ زبانی استفاده کرده است. پس هنر خاقانی تحویل گرفتن زبان فارسی خراسان و بازسازی آن است.

ویژگی‌های ادبی منحصر به فرد

یک کار دیگر خاقانی که جزو توفیقات اوست، به‌کار بردن واژه‌های خاص و ترکیب‌سازی است. هر شاعری یکی دو واژه دارد که ممکن است در دیوان دیگرانِ هم پیدا شود، اما خاص آن شاعر است؛ مثلاً واژه «رند» در متون قبل از حافظ هست، اما در دیوان او و از نظر واژه‌ای و کاربرد معنا برجسته‌تر است. حداقل دو واژه می‌توان در دیوان خاقانی یافت که سبک شخصی اوست و جزو ابتکاراتش. قبل از خاقانی کلمه «عطسه» در دیوان‌های شعری به کار رفته است؛ اما خاقانی زیرساخت اسطوره‌ای کلمه عطسه را پیدا کرده و برای اولین بار به آن شکل در شعر به‌کار برده است. «عطسه» در اصطلاح به معنی «فرزند» است. خاقانی گاه در یک بیت سه بار کلمه عطسه را به‌کار برده است.

یک کلمه دیگر که در دیوان او به این شکل و معنی هست و در جای دیگر نیست، کلمه «صاحب» است. «صحبت» در اصل لغت به معنی «زفاف» و «عروسی» است و «صاحب» که اسم فاعل است به معنی «داماد» است. صاحب به معنی «داماد» را فقط خاقانی به کار برده است. این هنر خاقانی است که به دنبال گنجینه تازه‌ای از واژگان می‌رود. جالب اینکه هرچند خاقانی شاعری سنی‌مذهب است، مفاهیم خارج از وادی فکر اهل سنت را به کار برده است. او شفاعت را قبول دارد و به مقوله توسل و تبرک بسیار توجه می‌کند و در سفر حج، تربت مطهر حضرت ختمی مرتبت(ص) را با خود می‌آورد و در بازگشت، به زیارت تربت سلمان فارسی شیعی می‌رود و تسبیحی را که از تربت سلمان درست شده، همراه خود می‌آورد.

قدرت ترکیب‌سازی

خاقانی حدود سی ترکیب با عدد «هفت» دارد؛ یا برای «خورشید» دهها تعبیر به کار می‌برد؛ مثل «یوسف زرین‌نقاب»، «نان زرین‌چرخ»، «شمع هفت‌چرخ»، «خسرو چهارم‌سریر» و نمونه‌های دیگر. می‌خواهم بگویم که او قدرت وسیع ترکیب‌سازی و امکان وسیع زبانی دارد؛ اما ویژگی‌های ادبی‌اش منحصر به فرد است؛ مثل قدرت او در وصف. خاقانی شاعری است که از حج حرف زده است. در آن قصیده ده پانزده بیت در وصف عَلَم کاروان حج می‌آورد. در آرایه‌های ادبی نیز خاقانی استاد جناس و انواع آن است؛ اما آرایهٔ خاص او «خلاف‌آمد» یا «متناقض‌نما»ست.

رنجش

سیدبرهان‌الدین محقق ترمذی: آزادمرد آن باشد که از رنجانیدن کسی نرنجد. جوانمرد آن باشد که مستحق رنجانیدن را نرنجاند.

معارف

در ستایش دادگری

عبدالرحمن جامی

هرات، مزار عبدالرحمن جامی

شهریاری بود در یونان زمین
چون سکندر، صاحب تاج و نگین
بود در عهدش یکی حکمت‌شناس
کاخ حکمت را قوی کرده اساس
اهل حکمت یک به یک شاگرد او
حلقه بسته جمله گرداگرد او
شاه چون دانست قدرش را شریف
ساختش در خلوت صحبت، حریف
جز به تدبیرش نرفتی نیم‌گام
جز به تلقینش نجستی هیچ کام
در جهانگیری ز بس تدبیر کرد
قاف تا قافش همه تسخیر کرد
شاه چون نبوَد به نفس خود حکیم
یا حکیمی نبودش یار و ندیم،
قصر ملکش را بوَد بنیاد، سست
کم فتد قانون حکم او درست
ظلم را بندد به جای عدل، کار
عدل را داند به سان ظلم، عار
عالم از بیداد او گردد خراب
چشمه‌سار ملک دین از وی سراب
نکته‌ای خوش گفته است آن دوربین:
«عدل دارد ملک را قائم، نه دین»
کفرکیشی کو به عدل آید فره
مُلک را از ظالم دیندار، به
گفت با داوود پیغمبر، خدای:
کامّت خود را بگو ای نیک‌رای،
کز عجم، چون پادشاهان آورند
نام ایشان جز به نیکی کم برند
گرچه بود آتش‌پرستی دین‌شان
بود عدل و راستی آیین‌شان
قرنها زیشان جهان معمور بود
ظلمت ظلم از رعایا دور بود
بندگان فارغ ز غم‌فرسودگی
داشتند از عدلشان آسودگی

* سلامان و ابسال

حکایت نوشیروان با وزیر خود

حکیم نظامی گنجوی

صیدکنان مرکب نوشیروان
دور شد از کوکبهٔ خسروان
مونس خسرو شده دستور و بس
خسرو و دستور و دگر هیچ کس
شاه در آن ناحیت صیدیاب
دید دهی چون دل دشمن خراب
تنگ دو مرغ آمده در یکدگر
وز دل شه قافیه‌شان تنگتر
گفت به دستور: چه دم می‌زنند؟
چیست صفیری که به هم می‌زنند؟
گفت وزیر: ای ملک روزگار
گویم، اگر شه بوَد آموزگار
این دو نوا نز پی رامشگری است
خطبه‌ای از بهر زناشوهری است
دختری این مرغ بدان مرغ داد
شیربها خواهد از او بامداد:
کاین ده ویران بگذاری به ما
نیز چنین چند سپاری به ما
آن دگرش گفت: «کزین درگذر
جوْر ملک بین و برو غم مخور
گر ملک این است، نه بس روزگار
زین ده ویران دهمت صدهزار!»
در ملک این لفظ چنان درگرفت
که بر آورد و فغان برگرفت
دستِ به سر برزد و لختی گریست
حاصل بیداد به جز گریه چیست؟
زین ستم انگشت به دندان گزید
گفت: ستم بین که به مرغان رسید
جوْر نگر کز جهت خاکیان
جغد نشانم به دل ماکیان
ای من غافل شده دنیاپرست
بس که زنم بر سر ازین کار، دست
مال کسان چند ستانم به زور؟
غافلم از مردن و فردای گور
تا کی و کی دست‌درازی کنم؟
با سر خود بین که چه بازی کنم!
مُلک بدان داد مرا کردگار
تا نکنم آنچه نیاید به کار
نام خود از ظلم چرا بد کنم؟
ظلم کنم؟ وای که بر خود کنم
بهتر از این در دلم آزرم داد
یا ز خدا، یا ز خودم شرم باد
چند غبار ستم انگیختن؟
آب خود و خون کسان ریختن
روز قیامت ز من این ترکتاز
بازپرسند و بپرسند باز
زین گهر و گنج که نتوان شمرد
سام چه برداشت؟ فریدون چه برد؟»
شاه در آن باره چنان گرم گشت
کز نفسش نعل فرَس نرم گشت
چون که به لشکرگه و رأیت رسید
بوی نوازش به ولایت رسید
حالی از آن خطه قلم برگرفت
رسم بد و راه ستم، برگرفت
داد بگسترد و ستم درنبشت
تا نفس آخر از آن برنگشت
بعد بسی گردش بخت‌آزمای
او شد و آوازهٔ عدلش به جای
عاقبتی نیک سرانجام یافت
هر که در عدل زد، این نام یافت
عمر به خشنودی دلها گذار
تا ز تو خشنود بود کردگار
گرم شو از مهر و ز کین سرد باش
چون مه و خورشید جوانمرد باش
طاعت کن، روی بتاب از گناه
تا نشوی چون خجلان عذرخواه
گر به سخن کار میسر شدی
کار «نظامی» به فلک برشدی

*مخزن‌الاسرار

ایرانگردی

تنگ قندیل

کازرون یکی از شهرستان‌های استان فارس است که از مناطق مهم گردشگری به شمار می‌آید و آثار باستانی و تاریخی فراوانی دارد؛ همچون: بیشاپور، معبد آناهیتا، کتیبهٔ کردیر، غار شاپور، کتیبهٔ نرسه، تنگ چوگان، آرامگاه شیخ ابواسحاق، آرامگاه امین‌الدین بلیانی، آرامگاه علامه دوانی، آرامگاه ناصر دیوان کازرونی و **نقش برجسته تنگ قندیل**.

این نقش برجسته مربوط به زمان ساسانیان و در ۸ کیلومتری شمال غرب بیشاپور و ۴ کیلومتری شهر قائمیه در شهرستان کازرون و به طرف جاده قائمیه به نورآباد در روستای قندیل واقع گردیده است که ۲۵کیلومتر تا نورآباد و ۳۰کیلومتر تا کازرون فاصله دارد. این نقش برجسته صحنهٔ ازدواج شاپور اول ساسانی با آذر آناهیتاست و به این ترتیب تنها نقش برجسته ایران باستان است که نقش یک زن حکاکی شده است. در پشت سر شاپور نقش مؤبدموبدان (کرتیر) حجاری شده است. این اثر باستانی در سال ۱۳۸۰ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. امکان بازدید برای عموم به علت نزدیکی نقش برجسته به جاده اصلی ترانزیتی، آزاد و رایگان است.

صادرات غیرنفتی؛ شاه کلید دستیابی به اقتصاد مقاومتی

رونق صادرات غیرنفتی نیازمند تحول اساسی

آنچه در پی آمده است، نگاهی دارد به پیش نیازها، عوامل و چالش های توسعه صادرات غیر نفتی که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی را می خوانید:

***

بای اضافه می کند:همچنین توسعه پایدار صنعت پتروشیمی، اشتغال‌زایی و ارزش‌افزوده در این صنعت در گرو تکمیل زنجیره ارزش محصولات بالادست و توسعه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی است که می تواند نقش مهمی در ارزآوری و درآمدهای غیر نفتی داشته باشد.

در این زمینه به فرموده مقام معظم رهبری، درآمدهای غیر نفتی باید آن چنان افزایش پیدا کند که نیازی به صادرات نفتی نباشد. ایشان همچنین فرموده اند که هرگاه اراده کنیم، آنقدر باید با صادرات دیگر کالاها پول داشته باشیم که شیرهای نفت کشور را ببندیم و اقتصادمان به قدری از وابستگی به نفت رها شود که با کالاهای غیرنفتی بتوانیم کشور را اداره کنیم، بدون آنکه با هیچ مشکلی روبه رو شویم... و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت به طور واقعی بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگترین بلیات اقتصاد ما و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است...

روستا می گوید: به نظر می رسد که جامعه ایران در زمینه صادرات غیرنفتی نیازمند یک تحول اساسی و اصولی در ابعاد گوناگون است و فضاسازی مناسب برای صادرات غیرنفتی، مدیریت حرفه ای شناخت بازارهای جهانی، فعالیت های بازاریابی حرفه ای و حفظ روابط مناسب با کشورهای خارجی از جمله اموری به شمار می رود که در قالب یک نظام باید به آنها توجه شود، در غیر این صورت فعالیت های غیرنفتی را با شعار نمی توان پیگیری کرد و انتظار موفقیت در این زمینه داشت.

بای هم می افزاید: یکی از راه های تحقق اقتصاد غیرنفتی و مقاومتی این است که به اجرای سند چشم‌انداز ایران در سال ۱۴۰۴ خورشیدی و برنامه ۲۰ ساله همت گماشته شود؛دراین خصوص باید گفت یکی از اهداف آن ها ارتقای ارزشی صادرات غیرنفتی از واردات و صادرات نفت است.

وی می گوید:در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ خورشیدی حجم تجارت خارجی ایران دو برابر شده و از ۴۲ میلیارد دلار در ۱۳۸۳ به ۸۶ میلیارد و ۴۸ میلیون دلار در ۱۳۹۳ رسیده و صندوق بین‌المللی پول هم از افزایش سهم رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی در ۱۳۹۴ به میزان هشت دهم درصد خبر داده است. در کل باید گفت که اقتصاد غیر نفتی، شاه کلید اقتصاد مقاومتی در پساتحریم به شمار می رود.

روستا درباره اینکه با توجه به سخنان مقام معظم رهبری در خصوص برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای تازه و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه، به چه عواملی باید توجه کرد؟،خاطرنشان می کند:هر زمانی که سخن از برنامه ریزی و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف است، آغازگر آن باید شناخت نیازها و انتظارها و خواسته های بازار هدف باشد. از این رو باید بیان داشت که بدون تعریف کردن بازار هدف و بدون شناخت نیاز و خواسته های این بازارها و ارتباط حرفه ای با آنها، هرگونه سرمایه گذاری که صورت بگیرد، یک نوع سرمایه گذاری مبهم و بدون آینده است. بنابراین هر گونه سرمایه گذاری در کشورهای منطقه باید با مطالعه و انتخاب بازار هدف و چگونگی رقابت در بازارهای منطقه ای همراه شود و بعد از آن باید دید که با توجه به واقعیت های موجود در آنها، چه نوع سرمایه گذاری بر روی چه نوع محصول هایی انجام شود که بتوان در آینده بازارهای کشورهای منطقه را به دست آورد.

در ادامه بای می گوید: اقتصاد مقاومتی به معنای بریدن ایران از اقتصاد جهانی نیست.

روندهای «منطقه گرایی، جهانی شدن و ملی گرایی» به عنوان نیروهای همگرا کننده، واگرا کننده و حتی هم پوشاننده مورد توجه قرار می گیرند. در واقع، تعامل میان این سه نیرو، سیاست و اقتصاد جهانی را در نظام معاصر نشان می دهد که ارتباط پویایی با یکدیگر دارند. این سه نیرو نمی‌توانند از یکدیگر تفکیک شده یا مستقل از دیگری و بدون در نظر گرفتن هم همگرایی و هم واگرایی مورد ارزیابی قرار گیرند. علاوه بر این جهانی شدن، منطقه‌گرایی و ملی گرایی نباید به عنوان نیروهای مربوطه و هم پوشاننده دیگری در نظر گرفته و مطالعه شوند، زیرا برخی زمان ها این دو عامل با هم در رقابت و ستیز بوده اند و در بعضی وقت‌ها هم نسبت به یکدیگر حالت همکاری و تعامل دارند، اما هرگز هماهنگ و سازگار نیستند. ایران باید یک تعادلی میان این نیروها در اقتصاد پساتحریم خود پدید آورد.

روستا سپس در مورد مسائلی که در زمینه سیاست خارجی برای تشویق سرمایه گذاری خارجی در خصوص صادرات باید مورد توجه قرار گیرد،می گوید: با توجه به تحولاتی که در سال گذشته در زمینه روابط بین الملل شکل گرفته است، این امیدواری وجود دارد که در این ارتباط بتوان شرایط بهتری را برای ایران پیش بینی کرد. اما داشتن این ارتباط و این گونه فضا کافی نیست، بلکه تولیدهای رقابت پذیر مبتنی بر تولیدهای بازارهای خارجی و رقابتی بودن آنها نقش مهمی دارد.

در این زمینه پیش از اینکه تولید شکل بگیرد، قابلیت های بازاریابی بین الملل و تخصصی نقش مهمی دارد تا دانسته شود که شرایط رقابت با بازارهای خارجی چگونه است، انتظارها، ترجیح‌ها و آنچه مشتریان خارجی می پسندند، کدام است و به دنبال آن دریافت که چه تولیدهایی پاسخگوی متقاضیان و بازارهای خارجی است.

البته در کنار این امر، آمادگی کشور از لحاظ قانونمندی، پشتیبانی و جهت گیری فعالیت‌های صادراتی را باید یکی دیگر از رکن‌های موفقیت در زمینه صادرات غیرنفتی دانست.

دراین خصوص بای می‌گوید: ایران باید در دوران پساتحریم، منطقه گرایی را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهد و سازمان های منطقه‌ای همچون اکو و ... را تقویت کند همچنین سیاست انرژی کشور هم می تواند کمک زیادی به این امر کند.

روستا در ادامه درباره نقش بخش خصوصی در صادرات غیرنفتی می گوید:یکی از بخش‌هایی که می تواند برای توسعه فعالیت های غیرنفتی انگیزه داشته باشد، بخش خصوصی است، اما باید توجه کرد تا این بخش حرفه‌ای باشد، نه آنکه به صرف داشتن سرمایه، وارد بازار شود.

بخش خصوصی حرفه‌ای معتقد به فعالیت حرفه ای است و شناخت کافی از بازارها‌و تولیدهای به روز و آمادگی برای رقابت با انواع گروه‌ها در بازارهای مختلف دارد.بای هم می‌افزاید: متاسفانه به دلایل مختلف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران محدود است و نمی‌توان به طور جدی روی آن حساب کرد و به همین دلیل کشور باید فضاسازی برای حضور بخش خصوصی در داخل را انجام دهد و در دیپلماسی اقتصادی ارتباط شایسته ای با سازمان های بین‌المللی اقتصادی داشته باشد و بتواند مواردی همچون تسخیر بازارها، جذب سرمایه گذاری خارجی و استفاده از فرصت های اقتصادی ایرانیان ساکن خارج از کشور را مورد استفاده قرار دهد.روستا همچنین به چالش‌های توسعه صادرات غیرنفتی اشاره کرده و می گوید: در زمینه توسعه صادرات غیرنفتی چالش هایی در گذشته وجود داشته است و علاوه بر آن، اکنون در عرصه فعالیت های بخش خرد و کلان اقتصاد چالش وجود دارد.

بخش کلان نیازمند حمایت دولت و بسترسازی برای ایجاد شرایط صادراتی است و بخش خرد به یک تحول در مدیریت بنگاه های اقتصادی نیاز دارد. افرادی که سال های طولانی بیشترین فعالیت های خود را در بازار داخلی متمرکز کرده اند، نمی‌توانند با همان شیوه مدیریت و ابزارها، انتظار موفقیت در بازارهای خارجی را داشته باشند؛ بنابراین باید گفت یکی از بحث های بسیار مهم در صادرات غیرنفتی، سرمایه گذاری بر روی مدیریت حرفه ای است. چون بدون داشتن مدیریت حرفه ای در سطح خرد، تحول اساسی در مدیریت عوامل تولید و فعالیت های بازاریابی نمی توان انتظار موفقیت در حوزه صادرات داشت.

در همین زمینه بای اظهار داشت: درباره عضویت در سازمان تجارت جهانی هم مخالفت احتمالی آمریکا تاکنون یکی از موانع آشکار عضویت ایران در این نهاد بوده به گونه ای مانع از مطرح شدن درخواست کشور در شورای عمومی شده است. حتی در صورتی که ایران به سازمان تجارت جهانی بپیوندد، امکان دارد آمریکا و برخی از متحدان آن به ماده ۳۵ متوسل شوند که امکان می دهد از اجرای مقررات این سازمان درباره یک عضو تازه تا هر زمان که بخواهند، خودداری کنند؛ بنابراین بعید است که پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی مزایای مادی فوری از لحاظ بهره مندی از حقوق این سازمان برای کشور به همراه داشته باشد. اما با توجه به اینکه در آینده تنها تجارت با کشورهای عضو این نهاد برای اعضای آن مقدور خواهد بود (تاکنون ۱۶۲ عضو دارد)، ایران باید تلاش برای عضویت در این سازمان و جلوگیری از انزوای اقتصادی را جدی تر بگیرد.

***یکی از بخش هایی که می تواند برای توسعه فعالیت های غیرنفتی انگیزه داشته باشد، بخش خصوصی است، اما باید توجه کرد این بخش حرفه ای باشد، نه آنکه به صرف داشتن سرمایه، وارد بازار شود. بخش خصوصی حرفه ای معتقد به فعالیت حرفه‌ای است و شناخت کافی از بازارها و تولیدهای به روز و آمادگی برای رقابت با انواع گروه ها در بازارهای مختلف دارد**

***به نظر می رسد که جامعه ایران در زمینه صادرات غیرنفتی نیازمند یک تحول اساسی و اصولی در ابعاد گوناگون است و فضاسازی مناسب برای آن، مدیریت حرفه ای شناخت بازارهای جهانی، فعالیت های بازاریابی حرفه ای و حفظ روابط مناسب با کشورهای خارجی از اموری است که باید به آنها توجه شود، در غیر این صورت نمی توان انتظار موفقیت در این زمینه داشت**

گذری بر کارنامه بازرگانی ایران در سال ۹۴

مثبت شدن تراز تجاری کشور بعد از سالها از یک طرف و کاهش صادرات و واردات از طرف دیگر، دو روی سکه بازرگانی کشور در سال ۱۳۹۴ است

به گزارش ایرنا، در سالی که گذشت ۴۲ میلیارد و ۴۱۵ میلیون دلار انواع کالا صادر و ۴۱ میلیارد و ۴۹۹ میلیون دلار کالا وارد کشور شد؛ این ارقام نشان می دهد که ارزش صادرات کشور ۱۶/۱۱ درصد و واردات ۲۲/۵۳درصد نسبت به سال ۱۳۹۳ کاهش داشته است

همچنین در این مدت، حجم صادرات کشور به ۹۳ میلیون و ۵۲۰ هزار تن و حجم واردات به ۳۵ میلیون و ۷۰ هزار تن رسید که در مقایسه با مدت مشابه سال پیش از آن، حجم صادرات و واردات به ترتیب و ۱۸/۴۷درصد و واردات ۱۸/۷ کاهش یافته است

از این آمارهای گمرک برداشت های متفاوتی شده است؛ برخی با تاکید بر مثبت شدن تراز تجاری کشور، این اعداد و ارقام را یکی از دستاوردهای مهم اقتصادی پارسال قلمداد و برخی به کاهش بیش از ۱۶ درصدی صادرات اشاره می کنند و کاهش ۲۲ درصدی واردات را کاهش تامین بخشی از مواد اولیه مورد نیاز کشور می دانند؛ در این میان، برخی هم دلیل اصلی روند کاهشی در صادرات و واردات کشور را علاوه بر تحریم ها، ناشی از وجود عواملی همچون روند کاهش قیمت در بازار کالاها و افت جهانی قیمت نفت می دانند.

رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در این ارتباط می گوید: تراز تجاری مثبت به هر شکل، امری مبارک است؛ تراز تجاری منفی به این معنی است که ما در جیبمان پول نداریم، اما داریم خرج می کنیم.اما

تراز تجاری مثبت یعنی اینکه از داشته‌های‌مان، از فروشی که کرده ایم و به اندازه ای که داشته‌ایم، خرج کرده ایم.

رضی میری با یادآوری کاهش صادرات و واردات در سال گذشته می گوید: کاهش واردات به دو دلیل می تواند رخ داده باشد؛ نخست محدودیت در صدور مجوزها و ثبت سفارش‌ها و دوم رکود بازار داخلی. با این وجود این نکته قابل توجه است که چه میزان از صادرات سال گذشته نفتی و غیرنفتی بوده است

محمد لاهوتی رئیس کنفدراسیون صادرات ایران می گوید: پیشی گرفتن صادرات از واردات به شرطی مثبت است که حجم تجارت خارجی کاهش پیدا نکرده باشد

وی اضافه می کند: موضوع تراز تجاری مثبت و پیشی گرفتن صادرات از واردات در ظاهر می تواند نکته مثبتی باشد، اما نکته قابل توجه اینکه تجارت خارجی ما در بخش صادرات و واردات با کاهش چشمگیری مواجه بوده است و این نشان می دهد که تجارت خارجی کشور نسبت به سال ۹۳ کوچک تر شده است.

این عضو هیات نمایندگان اتاق های بازرگانی تهران و ایران ادامه می دهد: به این دلیل صادرات از واردات پیشی گرفت که بسیاری از کالاها مثل خشکبار، پوست، فرش و محصولات کشاورزی کمتر درگیر مسایل وارداتی هستند و این کالاها به ارز وارداتی نیاز ندارند.

لاهوتی اضافه می کند: درست است که کاهش قیمت نفت سبب کاهش ۴۰ درصدی صادرات میعانات گازی شده است، اما باید توجه داشته باشیم که در بخش صادرات صنعت هم شاهد کاهش حدود ۲۰ درصدی هستیم؛در عین حال علاوه بر کشاورزی ،در معدن – که هیچ ارتباطی به قیمت نفت ندارد – هم شاهد کاهش ۴۰ درصدی صادرات هستیم

رئیس کنفدراسیون صادرات ایران برخی سیاست گذاری ها را عامل کاهش ۴۰ درصدی صادرات در حوزه معدن ذکر کرده و می افزاید: به عنوان نمونه در یک دوره زمانی، صادرات ممنوع شدو به سرعت محدود به عوارض و سپس عوارض برداشته شد؛ این یعنی اینکه صادرکننده ما نتوانسته است مشتری های خود را به دلیل چندگانگی تصمیم ها حفظ کند.

وی تصریح می کند: از طرف دیگر، درست است که کاهش قیمت های جهانی در بعضی قیمت ها تاثیر داشته، اما قیمت های پایه صادراتی در گمرک، همان قیمت های سال ۹۳ بوده است؛ یعنی در اظهار نامه ها قیمت های سال ۹۳ اعمال می شده است؛ بنابر کالاهایی که در دنیا به دنبال کاهش قیمت نفت کاهش پیدا کردند، در آمارهای ما خود را نشان نداده که بگوییم بدنبال آن صادرات ما کاهش پیدا کرده است

لاهوتی در مورد عوامل تاثیرگذار بر کاهش صادرات پارسال می گوید: رکود حاکم بر جامعه، کاهش تولید و صادرات را بدنبال داشته است؛ کاهش قیمت های نفت و میعانات گازی موجب کاهش ارزش صادرات در سال گذشته شد و از همه مهمتر، کاهش واردات کالاهای نیمه ساخته و خطوط تولید هم میزان صادرات را کاهش داده است.

رئیس کنفدراسیون صادرات ایران تاکید می کند: سازمان توسعه تجارت ایران بعنوان متولی تجارت خارجی کشور باید با حضور دست اندر کاران بخش خصوصی کاهش حجم مبادلات تجاری کشور در سال گذشته را بررسی کند.

لاهوتی در واکنش به مثبت ارزیابی کردن کاهش واردات می گوید: کاهش واردات لزوما معنای مثبتی ندارد؛ افرادی که از کاهش واردات خوشحال می شوند، باید این نکته را بدانند که ۸۵ درصد کالاهای وارداتی کشور کالاهای واسطه تولید یعنی مواد اولیه تولید، مایحتاج عمومی (مانند گندم، جو و کنجاله) و خطوط تولید است

وی ادامه می دهد: کاهش واردات به این معنی است که ماشین آلات تولیدی وارد نشده است و واحدهای تولیدی مواد اولیه وارد نکرده اند؛ نتیجه این امر، کاهش تولید، اشتغال و صادرات و از همه مهمتر، مهیا شدن زمینه برای ورود کالاهای قاچاق خواهد بود.

فروش ۴۳۰ میلیارد تومانی سهم شرکت ملی فولاد

مدیرعامل سازمان اموال تملیکی گفت: بخشی از فروش سهم شرکت ملی فولاد ایران اقدام شده و رایزنی با شرکت غدیر شده و در حال حاضر اطلاعات شرکت فولاد در اختیار آنها گذاشته شده و منتظر نتیجه هستیم.

امین دلیری در گفتگو با فارس، در مورد واگذاری اموال بابک زنجانی برای فروش اظهار داشت: هنوز اموال زنجانی که مربوط به دولت باشد و بخواهند بفروشند، به دست سازمان اموال تملیکی نرسیده است.

مدیرعامل سازمان اموال تملیکی با بیان اینکه طبق شواهد زنجانی به شرکت ملی نفت بدهی دارد، گفت: به نظر می‌رسد در این موضوع حساب و کتابی انجام شده است و معمولاً چنانچه سندی برای وصول طلب دولت باشد، مسلماً به سازمان اموال تملیکی داده می‌شود که طبق قانون نسبت به مزایده و فروش آن اقدام خواهیم کرداین مقام مسئول در مورد فروش اموال گروه امیرمنصور آریا تصریح کرد: بخشی از فروش سهم شرکت ملی فولاد ایران اقدام شده و رایزنی با شرکت غدیر شده و در حال حاضر اطلاعات شرکت فولاد در اختیار آنها گذاشته شده و منتظر نتیجه هستیم.

وی با تأکید بر اینکه فروش سهم شرکت ملی فولاد ایران واگذاری بر اساس مزایده نیست، بیان کرد: به دلیل اینکه این موضوع مشکلات خاص دارد، از طریق مذاکره و رایزنی به فروش خواهد رسید، البته بانک ملی هم به عنوان خریدار محسوب می‌شود. این مقام مسئول ادامه داد: ارزش سهم شرکت فوق که در اختیار دولت است ۴۳۰۰ میلیارد ریال برآورد شد.

مدیرعامل سازمان اموال تملیکی افزود: بیش از ۵۰ درصد اموال امیرمنصور آریا فروش رفته و ۴۳ سند اموال غیرمنقول علیرغم رکود حاکم بر بازار فروخته شده که ۱۶۰ میلیارد تومان ارزش آن می‌شود.

دلیری در مورد شائبه کم‌فروشی اموال دولت اظهارکرد: کم‌فروشی وجود ندارد و آنچه پیش از این فروخته شده، حتی با رقم بالاتر از دو برابر فروختیم ترجیح می دهیم مدت زمان بیشتری اموال بماند، اما ارزان فروشی نکنیم.

از سوی دیگر یک کارشناس بازار سرمایه با تاکید بر اینکه منظور از بازدهی بازار صرف رشد یا افت رقم شاخص نیست، افزود: منظور بازدهی صنایع پیش رو است که از نگاه من در برخی صنایع و شرکت ها بازار بازدهی بالغ بر ۵۰ درصد هم می تواند داشته باشد.

علیرضا مستقل مدیر صندوق سرمایه گذاری تدبیرگران فردا در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، در باره روند بازار سهام در سال جاری با تاکید بر اینکه سال ۹۵سال بسیار خوبی برای بازار سهام خواهد بود،گفت: به نظر من بازار سرمایه در این سال به طور میانگین بازدهی ۳۵ درصدی را خواهد داشت. این کارشناس بازار سرمایه با تاکید بر اینکه منظور از بازدهی بازار صرف رشد یا افت رقم شاخص نیست، افزود: منظور بازدهی صنایع پیش رو است که از نگاه من در برخی صنایع و شرکت ها بازار بازدهی بالغ بر ۵۰ درصد هم می تواند داشته باشد. وی که معتقد است به طور کلی امسال برای اقتصاد کشور و همچنین بازار سرمایه سال خوبی است، افزود: چشم انداز خوبی در صنایع بزرگ برای رشد و سودآوری وجود دارد.وی در پاسخ به سوالی درباره صنایع پیشرو بازار گفت: به نظر من گروه های بانکی، دارو و لیزینگی ها گروه هایی هستند که رشدی نداشتند و می توانند در بازار صعود کنند.

مدیر سرمایه گذاری صندوق تدبیرگران فردا درباره روند این روزهای بازار سرمایه و افت و خیزهای شاخص هم این گونه گفت: بازار در هفته گذشته و البته در هفته جاری درگیر خبرهای پیرامون گروه خودرویی ها است.وی با اشاره به اینکه توجه و تمرکز به این صنعت زیاد است، افزود: هرچند گروه خودرویی در دو سه هفته اخیر با افت مواجه شده است اما با توجه به برنامه بازدید از خط تولید سایپا در پنج شنبه هفته گذشته دوباره نگاه ها متمرکز بر این صنعت شد.

مستقل با پیش بینی نوسان قیمت ها در گروه خودرو برای هفته جاری گفت: هنوز تقاضا برای این گروه در بازار سنگین و قابل دفاع نیست.

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه۹۵/۱/۲۴)

مجموع حجم معاملات	۱/۱۳۰ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۸۲۳/۰۹۵ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۹۴/۳۰۲ معامله
ارزش بازار	۳/۴۵۶/۶۹۵ میلیارد ریال

عرضه مواد پلیمری در بورس کالا

انواع مواد پلیمری در تالار فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی عرضه شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل بورس کالای ایران مقدار ۸ هزار و ۹۰۰ تن انواع قیر شرکت‌های نفت جی، توسعه ساختار محیط و متین‌ساز فعال در تالار فرآورده های نفتی و پتروشیمی روز سه شنبه روی تابلوی عرضه رفت.

علاوه براین تالار صادراتی در این روز شاهد عرضه ۷۳ هزار و ۶۰۰ تن قیر شرکت های اصفهان قیر، آترا کران انرژی، نفت تبریز، توسعه تجارت طلای سیاه، توسعه نفت هرمزان، قیرآکام، کیمیا قیر جی، معماران تجارت آفتاب و نفت جی بود.

این گزارش حاکی است،مقدار یک هزار و ۱۹۰ تن شمش آلیاژ و شمش هزار پوندی ۹۹۸ شرکت ایرالکو و ۱۰۰ تن شمش روی شرکت سازند روی زنجان در تالار محصولات صنعتی و معدنی عرضه شد.

تالار محصولات کشاورزی هم در این روز عرضه هشت کیلوگرم زعفران رشته ای مشهد را تجربه کرد.

عواملی که شاخص های بورس را صعودی می کند

بورس اوراق بهادار تهران بعد از جهش های خیره کننده در ماه‌های پایانی سال ۹۴ اکنون روند طبیعی و منطقی را طی می‌کند که به گفته یک فعال بازار سرمایه در صورت افزایش قیمت‌های جهانی، رشد اقتصادی، اصلاح برخی بخش‌های اقتصادی بورس تهران می‌تواند جهش‌های قابل ملاحظه‌ای در سال جدید تجربه کند.

علی صادقین کارشناس ارشد بازار سرمایه در گفتگو با ایسنا به ارزیابی وضع فعلی بورس پرداخت و گفت:اگر بازار سرمایه را به عنوان نمادی از وضعیت کلان اقتصادی کشور در نظر بگیریم که وضعیت اقتصادی را در شرایط مختلف نشان می دهد و اخبار و شایعات را در دل خود جای می دهد، می توان گفت که این بازار از سه ماه گذشته در جریان اخبار مثبت در مورد انعقاد قراردادهای جدید قرار گرفت و مثبت شد.

وی افزود:بنابراین وضعی که بازار سرمایه نشان می دهد وضع متفاوتی از بخش های مختلف نبوده و رشدی که در این مدت در بازار سرمایه اتفاق افتاده به واسطه رشد برخی بخش های اقتصادی همچون بخش خودرو، قطعات، تجهیزات، زیرساخت‌ها و پیمانکاری‌ها بوده است.

وی به اولین عامل رشد بورس در سال جاری اشاره کرد و در ادامه گفت: رشد بازار سرمایه علاوه بر تبعیت از وضع کلان اقتصادی، تابع متغیرهای دیگر همچون قیمت‌های جهانی به ویژه نفت است، بنابراین باید گفت انتظار برای رشد بیشتر در بازار سرمایه منوط به حوزه بین الملل بوده و باید در این حوزه شاهد انتشار اخبار مثبت در مورد قیمت‌های جهانی نفت، فلزات اساسی، کانی‌های فلزی و پتروشیمی باشیم.

صادقین دومین عامل را رشد اقتصادی دانست و توضیح داد: عامل دوم تاثیر گذار در رشد بورس، رشد اقتصادی است زیرا در سال جاری پیش بینی رشد اقتصادی ۵درصدی را داریم که اگر محقق شود شرکتها با فروش، رونق بیشتر و اخبار مناسب مواجه می شوند، لذا می توان پیش بینی کرد که در یک روند یکساله سهامداران منتفع شوند.

این کارشناس ارشد بازار سرمایه عامل سوم را اصلاحات برخی بخش‌های اقتصادی دانست و تصریح کرد: عامل سوم تاثیر گذار در رشد بورس در سالجاری مربوط به اصلاحات در برخی بخش ها به ویژه حوزه امور مالی، بانکی و موسسات پولی است زیرا این بخش‌ها نیاز به یک اصلاح ساختار دارد که اگر در سال جدید اتفاق بیافتد باعث رشد حجم معاملات آنها یا بنگاه های مشابه می شود و قطعا تاثیر قابل ملاحظه‌ای در رشد سهام این شرکتها دارد، بنابراین با این اقدام می توان گفت که رشد قابل ملاحظه ای در شرکتهای این گروه خواهیم داشت.

صادقین در ادامه به عامل تاثیر گذار بعدی اشاره کرد و افزود: عامل چهارم تاثیر گذار در روند صعودی بورس این است که سرمایه گذار خارجی برای ورود به بازار سرمایه چه اقدامات عملی انجام می دهد زیرا اگر نقدینگی علاوه بر بازیگران داخلی توسط خارجی ها وارد بازار سرمایه شود، به رشد شاخص و بازار سرمایه کمک می کند.

به گفته وی در حال حاضر روند حرکتی بورس تهران طبیعی بوده و به دلیل اصلاح گروه‌هایی است که در ماه های گذشته بیش از حد معمول رشد کردند این در حالی است که با وجود اخبار مثبت و اقدامات عملی انجام شده باز هم احتمال روند رشد بلندمدت در گروههایی که رشد کردند، قابل مشاهده است.

وی با بیان اینکه انتظار رشد تا پایان سال در بازار سرمایه وجود دارد، اضافه کرد: در صورتی که قیمت های جهانی نفت و فلزات اساسی افزایش پیدا کند، جهش قابل ملاحظه ای در بازار سرمایه مشاهده می شود، در غیر اینصورت بورس تهران رشد آهسته و ملایمی را تا پایان سال طی خواهد کرد.

یک کارشناس دیگر بازار سرمایه هم در گفتگو با تسنیم در باره دلیل افت پیاپی این روزهای شاخص بورس گفت: کاهش سرعت ورود نقدینگی جدید، عرضه سنگین برخی سهامداران عمده برای شناسایی سود، تسویه خریدهای اعتباری و نبود خبری ویژه و جدید از جمله این دلایل هستند.

احمد محمودی افزود: تسویه خریدهای اعتباری و همچنین نبود خبری ویژه و جدید در موارد تاثیرگذار بر بازار هم از دیگر عوامل افت شاخص بورس و درجا زدن آن در ارتفاع ۸۰ هزار واحد است.

وی اضافه کرد: مجموع این موضوعات موجب شده است تا این روزها افزایش قیمت و توجه معامله‌گران در نمادهای کوچک جایگزین بیشتر نمادهای بزرگ بورسی شود که در چند ماه گذشته افزایش چشمگیری قیمت داشته‌اند.

این کارشناس بازار سرمایه با بیان این که معاملات بورس برای ادامه رشد و رونق نیاز به نقدینگی جدید دارد ادامه داد: بررسی آمارها نشان می دهد در زمستان پارسال حدود ۱۵۰۰ میلیارد تومان نقدینگی از سوی معامله‌گران حقیقی وارد بازار شده است که برای حفظ این میزان نقدینگی در بورس، بازار دنبال بهانه می گردد، وگرنه در صورت افت بازار و نبود رونق آن نقدینگی رفته رفته از بورس خارج می شود.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
تولیدمحورخودرو	۱,۶۷۵	۲۲۴	قند ثابت خراسان	۱,۲۴۰	۷	صنایع‌جوشکاب‌یزد	۱۱,۵۴۹	۱۰۰
ح . سرمایه‌گذاری سپه	۲۷۳	۲۴	گسترش نفت و گاز پارسیان	۲,۴۹۰	-۱۱	ملی سرب‌وروی ایران	۱,۴۴۰	-۱۷
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۴۹,۴۸۲	۲,۳۵۶	سرمایه‌گذاری‌توسعه آذربایجان	۲,۳۴۳	۱۱۱	سیمان صوفیان	۲,۴۸۹	-۱۳۰
ساپاآذین	۲,۳۱۷	۱۱۰	تامین ماسه ریخته‌گری	۱,۸۱۸	-۷	بیمه ما	۲,۵۴۳	-۶۳
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۶۷۶	۱۲۷	قندهکمتان	۲,۷۰۶	-۳۲	سیمان ایلام	۴,۸۴۲	-۲۵۳
آلومراد	۲,۶۱۹	۱۲۴	خدمات‌انفورماتیک	۱۹,۲۹۰	۱۲۷	گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۲,۴۸۴	۴
نیروکلر	۲,۹۰۰	۱۳۸	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۴,۰۸۰	۷۴	کمباین سازی ایران	۹۰۹	-۱۲
ایران‌یاساتایرورابر	۱,۹۴۰	۹۲	سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۶۹۰	-۱۰	داروسازی کوثر	۱,۷۶۱	-۶۰
باما	۴,۰۷۸	۱۹۴	بانک پاسارگاد	۱,۲۴۸	۶	صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۳,۳۵۱	-۱۳۱
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۲,۰۱۹	۹۶	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ)	۲,۵۰۵	۲	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۹۸۱	-۴۷
ح . بین المللی‌محصولات پارس	۱,۴۷۰	-۲۴	پالایش نفت اصفهان	۳,۱۵۲	-۳	لامیران	۳,۱۲۶	-۱۵۷
تکنوتار	۱,۷۲۹	۸۲	پشم‌شیشه‌ایران	۷,۹۰۰	۱۰۲	گروه‌صنعتی‌سپاهان	۲,۸۷۹	-۱۵۱
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۵۵۲	۷۳	پارس‌سویچ	۷,۱۵۰	۸۶	ایران‌دارو	۵,۱۵۵	-۸۷
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۴۰۱	۶۶	سپنتا	۱۳,۴۷۵	۶۴۱	لیزینگ‌ایران	۱,۷۰۰	-۵۳
توسعه معدنی و صنعتی صبانور	۲,۴۷۶	۶۹	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۲,۷۴۰	۳۷	پتروشیمی شازند	۳,۹۷۰	-۲۰
فرآورده‌های نسوز پارس	۷,۱۸۰	۱۹۳	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۴,۲۰۰	۴	ح . پتروشیمی شازند	۲,۳۰۰	-۱۷
کیمیدارو	۷,۲۳۰	۳۴۰	پتروشیمی‌شیراز	۲,۸۹۲	۱۳	پتروشیمی جم	۹,۸۷۵	۱۹
شهد	۳,۷۲۵	۱۷۷	داروسازی زاگرس فارمد پارس	۵,۵۳۰	۱	بانک خاورمیانه	۳,۰۶۰	-۹۷
کالسیمین	۲,۰۹۰	۶۳	تولیدموادداولیه‌داروپخش	۱۸,۹۹۰	۵۰۴	سیمان بهبهان	۱۴,۱۷۵	-۷۴۶
حفاری شمال	۴,۱۶۰	۶۷	بانک کارآفرین	۲,۹۲۷	۸۲	موتوژن	۵,۷۵۵	-۲۴۲
معادن بافق	۳,۹۹۰	۱۹۰	نفت پارس	۶,۷۹۸	۱۱۷	سیمان کرمان	۳,۳۸۵	-۵
توسعه‌معادن‌وفلزات	۱,۴۰۹	۳۰	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۴,۱۰۰	-۱۲	سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۵۱۹	-۲۳
پارس مینو	۴,۸۶۲	۹۷	داروسازی روزدارو	۵,۳۸۰	۲۳۰	سیمان‌خاش	۹,۱۱۷	-۴۷۹
جام‌دارو	۲۳,۰۰۹	۱,۰۹۵	سرمایه گذاری دارویی تامین	۶,۶۰۰	۳۹	معادن‌منگنزایران	۱,۹۰۵	-۹۹
بیمه آسیا	۱,۵۱۰	۹	لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۷,۱۹۴	۳۴۲	ایرکا پارت صنعت	۲,۳۹۳	-۷۹
بیمه دانا	۱,۹۰۰	۲۰	داروسازی سینا	۲۵,۶۱۰	۷۱	کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۵,۹۷۶	-۱۵۵
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۲,۶۳۸	۱۲۵	داروسازی امین	۲,۷۰۱	-۱۹	آبسال	۲,۴۸۸	۰
صنعتی بهشهر	۸,۶۰۰	۲۶۱	گروه صنعتی بارز	۳,۸۵۸	-۱۰۶	سرمایه گذاری پردیس	۹۱۱	-۳۲
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۳۳۴	۱۱۱	بهنوش ایران	۵,۹۸۷	۲	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۳۷۶	-۵۰
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵,۴۰۰	۱۱۹	چرخشگر	۱,۲۶۰	-۱۴	پتروشیمی آبادان	۲,۳۵۱	-۴۱
مس شهیدباهنر	۱,۸۲۱	۲۲	داروپخش (هلدینگ)	۱۹,۳۷۱	۰	ایران‌ارقام	۳,۰۹۰	-۱۲۴
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۷۴۴	۸۳	داروسازی جابرابن‌حیان	۱۲,۳۰۰	۳۲	شیشه و گاز	۴,۷۸۰	-۱۱
کارخانجات قند قزوین	۳,۳۱۹	۱۵۸	درخشان تهران	۲,۰۵۹	-۱۰۸	پاکسان	۳,۷۰۵	-۸۵
قطعات اتومبیل ایران	۱,۹۲۰	۱۱	گروه دارویی سبحان	۷,۸۷۲	-۶۴	بیمه البرز	۱,۲۶۳	-۳۹
الکتریک خودرو شرق	۲,۷۹۹	۱۳۳	ایران مرینوس	۸,۹۷۰	۰	بانک صادرات ایران	۱,۰۳۳	-۲۲
پلاسکوکار	۱,۷۸۵	۲۸	پمپ سازی ایران	۲,۷۴۹	۱۳۰	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۸۲۱	-۸۵
گروه مپنا (سهامی عام)	۹,۸۹۰	۴۱۱	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۲,۶۳۰	۳۴	سامان گستراصفهان	۱,۹۰۳	-۵۷
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۶,۷۴۹	۹۵	سیمان‌ارومیه	۳,۶۵۵	-۱۳۹	لیزینگ رایان سایپا	۳,۲۷۰	-۵۷
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۳۵۰	۴۶	تهران شیمی	۳۵,۰۰۰	-۱	ح . نیروکلر	۲,۱۶۰	-۴۸
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۶,۳۵۹	۱۱۵	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۴۵۰	-۱	ذغال‌سنگ نگین طبس	۱,۶۷۰	-۲۷
سیمان خزر	۲,۳۵۰	۱۱۱	پارس دارو	۱۶,۴۰۰	-۳۶۲	تراکتورسازی‌ایران	۲,۲۵۳	-۴۱
ح توسعه معدنی و صنعتی صبانور	۱,۲۰۶	-۱۵	سبحان دارو	۱۳,۲۹۹	-۱۳۲	سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۲۱۰	-۲۹
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۱,۷۴۵	-۳۵	تولیدی‌مهرام	۱۱,۸۰۰	-۸۲	رادیاتور ایران	۳,۶۵۰	-۵۴
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۱۰,۳۰۰	-۱۱۳	داروسازی اکسیر	۱۹,۴۷۹	-۱,۰۲۵	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۴۱۵	-۳۳
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۲۶۳	۱۷	سیمان بجنورد	۳,۰۵۰	-۱۳۵	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۲,۰۷۸	-۵۲
لامپ پارس شهاب	۵,۲۰۰	۱۵۷	کاشی سعدی	۲,۱۴۲	-۱۱۲	پتروشیمی‌فارابی	۵,۱۰۰	-۲۵۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۵۵۱	۵۴	پارس سرام	۲,۱۶۰	-۷۴	ایران ترانسفو	۱۵,۲۹۰	-۵۷۰
ساپاشیشه	۲,۸۰۰	۳۳	سالمین	۱,۹۶۴	-۸۴	شیشه همدان	۹,۱۵۰	-۱۰۱
نورد آلومینیوم	۱,۱۹۷	۱۶	بیسکویت گرجی	۴,۰۲۲	۰	تایدواترخاورمیانه	۴,۱۱۷	-۹۶
داروسازی‌زهراوی	۲۴,۸۰۹	۱,۱۸۱	فولاد خراسان	۳,۷۲۰	-۱۹۵	سیمان‌هرمزگان	۴,۵۸۱	-۲۴۱
مهرکام‌پارس	۲,۳۱۷	-۴۰	پتروشیمی فناوران	۱۵,۶۲۰	-۴۵۶	بانک ملت	۲,۴۵۸	-۹۱
ح . فولاد خوزستان	۱,۳۱۶	-۱۴	داروسازی ابوریحان	۱۲,۴۲۰	-۲۵۲	لیزینگ ایرانیان	۱,۳۳۰	-۴۹
قند لرستان	۳,۲۸۴	۲۴	شیمی داروئی داروپخش	۵,۵۱۴	-۹۶	سیمان‌شاهرود	۲,۰۶۲	-۱۰۸
شرکت ارتباطات سیار ایران	۳۶,۴۵۹	۷۸۵	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ)	۴,۶۹۵	-۵۴	افست	۵,۰۰۱	-۲۲۸
فروسیلیس ایران	۱,۹۳۷	۷۱	سرمایه گذاری نور کوثر ایرانیان	۱,۰۳۱	-۳۵	سرمایه گذاری شاهد	۱,۵۶۲	-۶۸
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۴۳۰	۱۷	دارویی رازک	۳۲,۱۳۵	-۱,۲۷۷	پارس الکتریک	۶,۳۰۱	-۱۲۰
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۳۳۸	۲۵	کشت و صنعت چین چین	۶,۲۰۰	-۴۳	موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲,۵۱۰	-۸۹
فولاد خوزستان	۲,۵۹۷	-۳	لنت ترمزایران	۳,۰۰۰	-۶۰	عمران‌وتوسعه‌فارس	۳,۱۰۰	-۱۰۱
معدنی و صنعتی گل گهر	۲,۵۲۰	-۵۳	البرزدارو	۱۵,۲۴۰	۱۸۸	بانک تجارت	۱,۱۲۰	-۳۸
سرمایه‌گذاری‌ملت	۹۳۳	۵	پگاه آذربایجان‌غربی	۱,۴۰۰	-۷۱	پست بانک ایران	۱,۹۴۶	-۵۸
فولاد مبارکه اصفهان	۱,۳۹۰	-۱۱	تجارت الکترونیک پارسیان	۵,۰۸۵	-۱۴	گروه‌صنعتی‌بوتان	۳,۰۲۱	-۱۱۹
داروسازی اسوه	۲۱,۹۹۷	۵۷۶	نیروترانس	۴,۹۰۰	-۶۷	قند مرودشت	۳,۰۷۰	-۳۹
بین المللی محصولات پارس	۲,۰۴۶	۹۷	بانک انصار	۲,۶۲۵	-۲۱	سایپا دیزل	۱,۹۹۱	-۱۰۴
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱,۴۳۰	-۲۴	سیمان قائن	۱۳,۰۰۰	-۴۸۱	داده‌پردازی‌ایران	۲,۴۱۰	-۱۰۱
پارس خزر	۱۱,۸۵۰	۱۶۸	کارخانجات‌داروپخش	۷,۴۳۱	-۲۲	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۲,۶۲۰	-۱۳۴
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۵,۵۲۰	-۳	نفت سپاهان	۸,۳۴۹	-۲۶۲	فنرسازی‌خاور	۲,۵۶۰	-۱۳۱
ملی صنایع مس ایران	۱,۸۰۰	۳۱	کمک‌فنرایندامین	۱,۱۴۱	-۱۳	سیمان خوزستان	۳,۲۰۳	-۱۴۳
مارگارین	۴,۸۴۶	-۲۲	پتروشیمی خارک	۱۱,۶۰۰	-۳۱۰	صنایع آذرآب	۵,۸۸۹	-۱۷۲
گروه صنعتی ملی (هلدینگ)	۶,۹۸۶	۳۳۱	س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲,۴۰۷	-۵۲	لعابیران	۲,۲۳۸	-۱۱۷
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۷,۴۵۰	۱۱۹	پتروشیمی پردیس	۹,۶۰۰	-۱۰۹	کشاورزی ودامپروری مگسال	۳۰,۸۵۰	-۹۴۵
قند شیرین خراسان	۱۳,۷۵۰	-۳۰۱	کویر تایر	۳,۳۴۰	-۶۱	گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۴,۹۹۰	-۲۶۲
گلتاش	۱۱,۳۲۰	-۷	سیمان فارس نو	۴,۶۰۱	-۱۴۷	بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۳۶۰	-۷۱
پالایش نفت بندرعباس	۵,۰۰۰	۱۹	کنتورسازی‌ایران	۷۶,۸۰۳	-۲,۲۴۹	صنایع شیمیایی فارس	۲,۱۱۷	-۹۴
قندنقش‌جهان	۶,۹۸۷	۳۲۰	نفت بهران	۱۰,۶۵۰	-۱۰۵	سیمان شمال	۲,۰۵۷	-۱۰۸
فرآورده‌های تزریقی ایران	۱۰,۷۵۲	۱۳۵	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۱,۸۰۰	-۴۰	کربن ایران	۳,۵۴۰	-۱۰۳
گلوکوزان	۳۵,۹۸۳	۱,۷۱۳	صنایع لاستیکی سهند	۲,۶۲۰	-۳۰	حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام)	۳,۳۸۰	-۱۶۷
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۲,۲۵۵	-۶	توسعه معادن روی ایران	۱,۳۷۲	-۲۸	دارویی لقمان	۳,۲۳۲	-۱۲۴
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۰۳۵	-۶	صنایع‌شیمیایی‌سینا	۱۳,۰۰۳	-۶۸۴	لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۱۹۵	-۱۱۵
پالایش نفت تبریز	۵,۲۳۶	۰	کابل البرز	۲,۶۵۲	-۹۴	دوده صنعتی پارس	۲,۵۴۷	-۱۲۹
فولاد آلیاژی ایران	۱,۳۸۹	-۱	قنداصفهان	۵,۳۰۱	-۱۳۴	سایپا	۱,۵۷۳	-۸۲
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۷۰۰	۳۰	نساجی بروجرد	۴,۶۹۰	-۲۴۶	سرما آفرین	۲,۰۰۴	-۸۸
بانک سینا	۱,۶۱۰	۱۵	بانک‌اقتصادنوین	۲,۵۷۰	-۹۱	سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ)	۲,۴۸۷	-۱۳۰
پتروشیمی مبین	۴,۳۷۹	-۱	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۱,۹۴۲	-۲۲	فنرسازی‌زر	۱,۶۲۰	-۴۹
پتروشیمی فجر	۱۶,۳۶۲	-۱۰	قند نیشابور	۱,۵۱۰	-۱۶	سیمان تهران	۲,۵۷۴	-۱۳۵
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۱,۶۵۸	۲۳۲	تولیدموادداولیه الیاف‌مصنوعی	۴,۳۰۰	-۳۶	ایران خودرودیزل	۱,۶۸۱	-۸۸

آیین چهلمین روز درگذشت آیت‌الله واعظ طبسی امروز برگزار می‌شود

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: آیین چهلمین روز ارتحال بزرگ خادم آستان مقدس حضرت رضا(ع)، یار صدیق امام(ره) و رهبری و تولیت فقید آستان قدس رضوی امروز از ساعت۱۷ در صحن آزادی حرم رضوی برگزار می‌شود.در این آیین که با حضور اعضای خانواده آن فقید سعید، شخصیت‌های برجسته استان خراسان رضوی، علما، فضلا و طلاب برگزار می‌شو د.خادمان آستان قدس رضوی همراه با مردم شریف مشهد و زائران بارگاه منور رضوی با قرائت فاتحه و ذکر توسل به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) برای علو درجات آن فقیه سعید دعا می کنند. امروز همچنین آیین بزرگداشتی دیگر پس از اقامه نماز مغرب و عشاء با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین راشد یزدی در حسینیه و کتابخانه امام رضا(ع) برگزار خواهد شد.

سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد تومانی در راه آهن و بزرگراه‌های گیلان

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: پارسال بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان در بخش توسعه راه آهن و ساخت آزاد راه‌ها و بزرگراه‌های استان گیلان سرمایه‌گذاری و هزینه شد.استاندار گیلان با اعلام این مطلب در جلسه شورای حمل و نقل استان افزود: توسعه بخش حمل و نقل در سال جدید شتاب می‌یابد. دکتر نجفی با اشاره به این که توسعه زیر ساخت‌های حمل و نقل در پارسال برغم محدودیت شدید مالی روند خوبی را در گیلان طی کرد گفت: توسعه این بخش بستری مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌کند.وی در این نشست که هر یک از مدیران عضو شورای حمل ونقل به ارائه گزارشی از اقدامات پارسال و سال ۹۵ پرداختند، گفت: پارسال برغم محدودیت‌های شدید مالی در بخش‌های راه آهن آزاد راه تقاطع و کنار گذرها فرودگاه بنادر و پایانه‌های گیلان پروژه‌های خوبی به بهره‌برداری رسید.

او یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در بخش حمل و نقل را توجه اقتصاد دریا محور و گسترش گردشگری دریایی برشمرد و گفت: در زمینه تقویت مسافرت‌های منسجم دریایی باید برنامه‌ریزی‌های دقیق انجام شود و امسال باید «سال توسعه بنادر» باشد.وی با اشاره به گزارش مدیر کل بنادر و دریانوردی مبنی بر حضور ۱۱۴ هزار و ۲۰۰نفر دریاگرد در تعطیلات نوروز امسال گفت: ساخت ایستگاه‌های قایقرانی جدید در انزلی و افتتاح ترمینال دریایی پتانسیل خوبی برای گسترش مسافرت‌های دریایی است. استاندار گیلان همچنین بهره‌گیری از شرایط استفاده از سرمایه گذاری‌های پس از برجام در توسعه فرودگاه بین‌المللی سردار جنگل را مهم برشمرد و گفت: بسترهای لازم باید در فرودگاه برای جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید فراهم شود.

طرح اتوبوس‌های تندرو در همدان امسال اجرا نمی‌شود

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس کمیسیون بودجه شورای شهر همدان از کاهش بودجه شهرداری همدان به نسبت پارسال و اجرایی‌نشدن طرح اتوبوس‌های تندرو و در همدان در سال جاری خبرداد.

حسین قرباغی که برای تشریح بودجه امسال شهرداری همدان در جمع خبرنگاران حاضر شده بود از معافیت ۱۰۰ درصدی عوارض ساخت هتل و هتل آپارتمان در سال جاری با هدف تشویق سرمایه‌گذاری در این حوزه خبرداد و افزود: مجتمع‌های تجاری که از لاین دوم تا چهارم شهر همدان ساخته می‌شوند نیز به ترتیب از ۱۰ تا ۴۰ درصد تخفیف عوارض ساخت برخوردار خواهند شد. وی با اشاره به این‌که عوارض نوسازی و زیباسازی واحدهای مسکونی و تجاری از شهروندان همدانی امسال گرفته نمی‌شود، افزود: ۱۵ هزار واحد تجاری غیر مجاز در همدان فعالیت می کنند که به دنبال تثبیت شناور این مشکل هستیم، همچنین موقوفات نیز از تخفیف ۵۰ درصدی برای ساخت و تخفیفات ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی در ساخت یک واحد مسکونی برای خانواده شهدا در بودجه امسال شهرداری همدان اعمال می‌شود.قرباغی از تخصیص ۲۷۵ میلیارد ریال به‌شهرداری برای تملک خبر داد و افزود: بخشی از تعریض خیابان سعیدیه، خیابان میرزاده عشقی، باشگاه ملت، بلوار بسیج و خیابان طالقانی همدان با این بودجه انجام خواهد شد. وی اظهار داشت: ۱۷۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال نیز برای ساخت زیر گذر سردار همدانی در بودجه سال جاری اختصاص یافته است، همچنین اعتباری نیز برای اجرای طرح لوپ در چهارراه سعیدیه و همچنین مطالعه اجرای تونل در میدان پیشاهنگی همدان تخصیص داده شده است. قرباغی همچنین درباره اجرای طرح اتوبوس‌های تندرو (BRT) در همدان اظهار داشت: به دلیل محدودیت منابع مالی و مشخص شدن دقیق هزینه این طرح در سال جاری اجرایی نخواهد شد، برای اجرای کریدورهای این طرح بدون خرید اتوبوس ۵۳ میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

سود کشاورزان در کشت کلزا باید تضمین شود

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: کشت محصول استراتژیک کلزا برای رسیدن به پایداری در تولید، مبارزه با علف‌های هرز و تقویت کشتزارها ضروری است.

علیرضا مهاجر مجری طرح دانه‌های روغنی وزارت جهاد کشاورزی در کارگاه آموزشی کلزای خارجی در قزوین با تأکید بر لزوم حمایت از کشاورزان تولیدکننده کلزا در کشور، افزود: تا زمانی که سود منطقی کشاورزان در محصولاتی مانند کلزا تأمین و تضمین نشود نمی‌توان انتظار داشت کشاورزان به توصیه‌های ما توجه کنند و توسعه پایدار محقق شود.

وی یکی از راه‌های حمایت از کشاورزان تولیدکننده محصول کلزا را خرید تضمینی محصول دانست و یادآور شد: به رغم مشکلات اعتباری و کاهش میزان تورم؛ امسال محصول کلزا با ۱۶ درصد افزایش قیمت خریداری شد تا انگیزه تشویقی لازم در کشاورزان ایجاد شود.

او افزود: خرید آسان و به موقع محصول کلزا با قیمت مناسب، تأمین بذر و کود و پرداخت هزینه به کشاورزان از دیگر راه‌های تقویت انگیزه در تولیدکنندگان است که این کار توسط دولت انجام می‌گیرد.

مهاجر ورود تکنولوژی به کشتزارها، خرید خودرو و تجهیزات مورد نیاز برای افزایش راندمان تولید را ضروری دانست و گفت: تا زمانی که ابزار اطلاع‌رسانی را در اختیار داریم و حمایت دولت هم جدی است باید بتوانیم عملکرد در واحد سطح را بالا ببریم.

مدیر اجرای طرح دانه‌های روغنی وزارت جهاد کشاورزی تأکید کرد: اگر به توصیه‌های فنی به خوبی عمل کنیم و موارد کارشناسی رعایت و علف کش‌ها به موقع استفاده شود می توان تا ۹۹ درصد علف‌های هرز را از بین برد و به تولید بهینه محصول رسید.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین نیز با تأکید بر لزوم حضور کارشناسان کشاورزی در کشتزارها و انتقال دانش نفی به کشاورزان، گفت: حضور کارشناسان کشاورزی در کشتزارها زمینه افزایش عملکرد و تولید بالای محصولات را فراهم می‌سازد.

دکتر نیاز علی ابراهیمی پاک افزود: محصول کلزا می‌تواند در الگوی کشت قرار گرفته و به اصلاح خاک و از سویی به تولید علوفه و کنترل علف‌های هرز کمک کند.

وی گفت: وزارت جهاد کشاورزی با تکیه بر منویات مقام معظم رهبری در اجرای اقتصاد مقاومتی، مصمم است تا ضریب خوداتکایی محصولات کشاورزی را به بیش از ۹۰ درصد افزایش دهد و در این رابطه در تولید گندم به خودکفایی رسیده‌ایم و به دنبال خود کفایی در تولید چغندرقند، شکر و دانه‌های روغنی هستیم.

او با اشاره به این که «سالانه ۴ میلیارد دلار ارز کشور برای واردات محصولات و دانه‌های روغنی هزینه می‌شود»، تأکید کرد: با تولید کلزا می‌توان به تولید داخلی کمک کرد تا از خروج ارز جلوگیری شود.

دکتر ابراهیم پاک یادآور شد: در تولید محصولات استراتژیک مانند کلزا لازم است محور کار شرکت‌های دانش بنیان باشد تا همه مراحل کاشت، داشت و برداشت، نحوه و زمان آبیاری، زمان استفاده از کود و سم به صورت علمی انجام گیرد و نتیجه کار مطلوب باشد.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین با تأکید بر لزوم افزایش راندمان تولید در کشت کلزا در سال جاری، گفت: مراکز خدمات کشاورزی باید در خدمت تولیدکنندگان باشند و با هدایت درست بهره‌برداران به افزایش بهره‌وری در تولید کمک کنند و در این راستا امسال باید سطح زیر کشت از ۲۰۰۰ هکتار به ۶۰۰۰ هکتار افزایش یابد.

وی با انتقاد از مشکلات ناشی از هدایت نامناسب کشاورزان در تولید کلزا، افزود: به نظر می‌رسد کشاورزان در مسیر تولید به خوبی هدایت نمی‌شوند و به همین دلیل در آموزش‌ها و انتقال دانش فنی به داخل کشتزار مشکلاتی داریم که باید برطرف شود.

به گفته دکتر ابراهیمی پاک با تقویت ارتباط کارشناسان و کشاورزان و هدایت درست و منطقی تولیدکنندگان باید تولید محصول کلزا به سه برابر کنونی افزایش یابد.

سیلاب ورودی به منطقه سیستان نگران کننده نیست

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: اعضای ستاد بحران سیستان و بلوچستان برای هدایت درست سیلاب حاصل از بارندگی بهاری در منطقه سیستان حضور دارند و سیلاب ورودی به این منطقه نگران‌کننده نیست.

علی اوسط هاشمی در حاشیه نشست ستاد بحران سیستان و بلوچستان در زابل گفت: این نشست برای جلوگیری از هرگونه خسارت در نقاط جمعیتی منطقه سیستان که بیش از نیم میلیون نفر در آن ساکن هستند، برگزار شد.وی افزود: برآورد میزان سیلاب از جمله مباحث مطرح شده در نشست ستاد بحران استان بود تا منطبق با آینده تدابیر لازم انجام شود.

به گفته او رودخانه‌های منطقه توانایی جمع‌کردن سیلاب بهاری را ندارند و جاری‌شدن سیل باعث زیان و خسارت می‌شود.

استاندار سیستان و بلوچستان با تأکید بر این‌که سیلاب باید بگونه‌ای هدایت و مدیریت شود که مورداستفاده فصلی قرار گیرد، گفت: امیدواریم جریان آب به نوعی در مسیر هدایت خود قرار گیرد تا فصل برداشت محصول توسط کشاورزان به سلامت طی شود.

وی افزود: معمولا در فصل بهار انباشت برف در ارتفاعات، تغییرات جوی و بارندگی مداوم منتج به جاری‌شدن سیلاب می‌شود.

به گفته اوسط هاشمی منطقه سیستان به دلیل خشکسالی‌های چند سال اخیر تشنه است که این سیلاب رفع تشنگی می‌کند و باعث نشاط بر بستر طبیعت خواهد شد.

بنا به این گزارش استاندار سیستان و بلوچستان با حضور در منطقه سیستان از سیلاب ورودی بازدید هوایی کرد. سیلاب معروف به «دشت مال» از چند روز گذشته با ورود به منطقه سیستان برخی سدها، رودخانه‌ها و انهار منطقه را پرآب کرده است.در چند روز اخیر شبکه‌های اجتماعی در سطح منطقه سیستان با ارسال عکس‌ها و فیلم‌های مختلف از ورود سیلاب به این منطقه خبر دادند.

منطقه سیستان شامل شهرستان‌های زابل، هیرمند، زهک، هامون و نیمروز از ۱۸ سال پیش تاکنون با خشکسالی‌های مداوم روبه‌رو بوده‌اند بطوریکه تالاب بین‌المللی هامون به بستر خشک و بی‌آب و علف تبدیل شده است و با هر بار وزش باد، خاک و شن‌های روان به حرکت در آمده و مشکلات متعددی برای ساکنان این منطقه ایجاد می‌کند.برخی کارشناسان می‌گویند: سیلاب ورودی ناشی از بارندگی‌های اخیر در آنسوی مرزها است و ربطی به حق آبه ایران از هیرمند ندارد.

آنان معتقدند؛ سیلاب ورودی تداوم چندانی نخواهد داشت و حتی نمی‌تواند تالاب هامون را آبگیری کند، هر چند که ممکن است بخش‌های اندکی از این تالاب آبگیری شود.تالاب بین‌المللی هامون از طریق رودخانه هیرمند آبگیری می‌شود که با خشک‌شدن جریان آب این رودخانه از داخل افغانستان، تالاب نیز خشک شد و هزاران نفر از ساکنان حاشیه دریاچه بیکار شدند و زیستگاه پرندگان و جانوران زیادی نابود شد.

رودخانه هیرمند از کوه‌های بابایغما و هندوکش در مناطق مرکزی افغانستان سرچشمه می گیرد و با طی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر به مرز ایران می‌رسد.بزرگترین سد افغانستان به نام کجکی در استان هلمند بر روی این رودخانه نصب شده و موانع عبور آب به سمت ایران می‌شود.

شاد نبودن جوانان به خشونت می انجامد

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: بسیاری از مسائلی که سیاسی شده، در واقع اجتماعی بوده که نگاه سیاسی به اینگونه مسائل بسیاری از ناهنجاری‌های موجود را موجب شده است.

این مطلب را سیدمحمدعلی افشانی استاندار فارس در نخستین جلسه شورای فرهنگ عمومی این استان که با حضور مسئولان و کارشناسان حوزه‌های قضایی، انتظامی و اجتماعی کشوری برگزار شد اعلام کرد.او با اشاره به نقش شادی در کاهش افسردگی در جامعه، کمبود نشاط و شادی را از دلایل محکم بروز افسردگی نام برد و بر شناسایی زمینه‌های بروز افسردگی در جامعه تاکید کرد و گفت: وقتی جوان می‌خواهد شاد باشد و این شادی او هم هیچ ناهنجاری اجتماعی ایجاد نمی‌کند. اگر جلو شادی او گرفته شود رنج و خشمی در او ایجاد خواهد شد که کم کم در قالب‌های مختلف آسیب‌های اجتماعی بروز پیدا می‌کند و بخشی از خشونت‌هایی که در جامعه وجود دارد و در زندگی مشترک زوجین نیز ظاهر می‌شود ناشی از نبود شادی در جوانان است.

او با تاکید بر این مطلب که تحمل و بردباری لازمه زندگی مشترک است و انسان‌هایی که با دیدگاه‌های متفاوت می‌خواهند در کنار یکدیگر زندگی کنند باید همدیگر را تحمل کنند، افزود: هدف از بحث و بررسی درباره طلاق در نشست شورای فرهنگ عمومی در حقیقت بحث پیرامون راه‌های تحکیم خانواده و ارتقای سطح آگاهی و زندگی مشترک است؛ به گونه‌ای که افراد بتوانند یکدیگر را تحمل کنند با توجه به این که طلاق یک معلول اجتماعی است که علت‌های آن باید شناسایی شده و ریشه‌هایش خشکانده شود. استاندار فارس همچنین نبود سلامتی، اعتیاد، ناآشنایی با حقوق زوجین و موضوع اشتغال و درآمد را در وقوع طلاق موثر است.

او با اشاره به این که آمارها حکایت از این دارد که استان‌های برخوردارتر به نسبت استان‌های کمتر برخوردار، شهرهای برخوردارتر به نسبت شهرهای کمتر برخوردار و محلات برخوردارتر به نسبت محلات کمتر برخوردار شاهد میزان طلاق بالاتری هستند، افزود: معنای این موضوع توصیه به عدم پیشرفت نیست؛ بلکه باید تلاش کرد تا هم در مسیر توسعه و رفاه اجتماعی قدم برداشته شود و هم میزان طلاق را کاهش داد.

مهندس افشانی با تاکید بر این‌که بخشی از اختلاف‌ها و طلاق‌هایی که به وقوع می‌پیوندد به دلیل نبود آشنایی زوجین با حقوق یکدیگر است، گفت: اگر دفترخانه‌ها موظف شوند از زوجین امتحانی در زمینه میزان آشنایی با حقوق زوجین به عمل آورند، بخش زیادی از معضلات جامعه رفع خواهد شد.

او با تاکید بر این که بسیاری از مردم به صدا و سیما علاقه‌مند بوده و برنامه‌های سازنده آن را تماشا می‌کنند، افزود: صدا و سیما وظیفه دارد نیازها و خواسته‌های مردم را تشخیص دهد و بر اساس آن برنامه‌سازی کند؛ نباید تصور کند که می‌تواند مردم را همانگونه که می‌خواهد شکل دهد و تربیت کند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

ادامه از صفحه۱۳

تشویق به افزایش جمعیت...

می‌خواستم به افرادی که جوانان را تشویق به ازدواج و افزایش جمعیت می‌کنند بگویم که آیا فکر کرده‌اند در آینده باید امکانات رفاهی و شغل مناسب در اختیار نسل آینده قرار دهند؟

تلفن به خط ارتباطی

۲برابر کردن نرخ جریمه خودروها، منصفانه نیست

اخذ جریمه از دیر کرد پرداخت وام، منطقی است اما دو برابر کردن نرخ جریمه خودروها، غیرمنصفانه است. از مسئولان درخواست می‌کنم به فکر مردم باشند و توان مالی آنان را در نظر بگیرند.

واحدی

شعر برای اغنیا یا برای فقرا

شعر گل‌فروشی فرشید افشار جالب بود ولی وقتی شکمی گرسنه است گل به چکارش می‌آید؟ در حال حاضر به واسطه فقر و تنگدستی بسیاری از مردان و زنان برای یک لقمه نان دست به هر کاری می‌زنند، این شعرها برای اغنیا طرب است، کاش برای فقرا هم شعر سروده می‌شد.

م. صبور از همدان

سرگردانی برای کارت منزلت

خانه ما در ستارخان است برای دریافت کارت منزلت به ادارهٔ پست محل مراجعه کرده‌ایم، می‌گویند به اداره پست صادقیه مراجعه کنید و می‌گویند متولدین ۱۳۳۰ باید به اداره پست ولی‌عصر بروند! آخر چرا مردم و سالمندان را سرگردان می‌کنند مگر پست با پست فرق می‌کند؟ چرا همین جا این کارت را به ما نمی‌دهند؟

تماس با خط ارتباطی

چهارسال در انتظار کارت پایان خدمت!

بنده چهارسال است که تقاضای تبدیل پایان خدمت قانونیم از کاغذی به هوشمند را داده‌ام ولی هنوز این کار را برای من انجام نداده‌اند، چرا باید یک کار ساده این همه زمان ببرد؟

درویشی از بوکان

اصرار به حج رفتن با کدام توجیه؟

با این همه خصومت و رفتارهای زشت آل‌سعود نمی‌دانم چه اصراری هست که هر طور شده مردم را به حج تمتع بفرستند و امنیت و مسایل احتمالی که پیش خواهد آمد را به امان خدا بسپارند؟ حالا که رابطه داشتیم ۵۰۰ نفر حاجی جان باختند، فردا که بدون رابطه و وجود سفارت... مردم به مکه بروند خدا می‌داند چه مسایلی پیش خواهد آمد؟

تماس با خط ارتباطی

تقاضا از وزیر خارجه

از جناب آقای ظریف می‌خواهم یک بار که به عراق می‌روند از بازماندگان حزب بعث سؤال کنند به چه دلیلی حسین لشگری سید اسیران را بعد از ۱۷ سال هنوز در زندان نگه داشته‌اند.

شهروندی از بوکان

رد صلاحیت بعد از انتخاب!

به نظر من موضوع رد صلاحیت خانم مینو خالقی بعد از رأی آوردن و کسب اعتماد مردم اصفهان مسأله ساده‌ای نیست، کاش روزنامه اطلاعات در این زمینه با حقوقدانان بزرگ مصاحبه‌ای ترتیب دهد که آیا چنین چیزی اصلاً امکان دارد یا نه؟

شهروندی از اصفهان

توصیه به صداوسیما

برنامه‌های پخش شده از رادیو و تلویزیون در عید نوروز بسیار ضعیف و بی‌محتوا بود. صدا و سیما در تولید برنامه‌هایش شکست خورده است. پیشنهاد می‌کنم مسئولان صدا و سیما به جای پخش آهنگ‌های تکراری، موسیقی بزرگان را پخش کنند.

خواننده قدیمی روزنامه

آگهی تغییرات

شرکت معدنی باریت بنتونیت فردوس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۳۷۲۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۴۴۰۷۱

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علیرضا محمد حسن شماره ملی ۰۴۹۱۲۳۵۴۰۲ به سمت رئیس هیأت مدیره و آقای کاظم زمانی شماره ملی ۱۸۱۷۰۴۹۱۶۱ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای احمد محمدی شماره ملی ۰۰۵۶۷۲۸۷۵ به نمایندگی از شرکت باریت فلات ایران به‌شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۵۲۰۴۳ به سمت عضو هیأت مدیره و آقای رضا محرری شماره ملی ۲۲۹۱۹۰۶۷۶۳ (خارج از اعضاء هیأت مدیره) به سمت مدیرعامل انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضاء مشترک مدیرعامل و یک نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و یا با امضاء متفق دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، انتخاب و تعیین سمت هیأت مدیره، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۵۴۳۷۰/م‌الف ـ ۸۴۵۵۸۹۷

****

آگهی تغییرات

شرکت مجتمع فولاد الیگودرز سهامی عام به شماره ثبت ۱۵۶۳۶۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۹۰۹۶۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ تصویب شد مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۵۹۹۹ به عنوان بازرس اصلی و آقای عباس سالک فرزند علی محمد به شماره ملی ۵۵۵۹۷۸۷۹۳۰ به عنوان بازرس علی‌البدل انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۵۴۳۷۲/م‌الف ـ ۸۴۳۹۰۶۴

برگزاری هفته سلامت امسال با شعار غلبه بر دیابت

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: هفته سلامت امسال با شعار غلبه بر دیابت و حساس سازی مردم نسبت به این بیماری خطرناک، همزمان با سراسر کشور در آذربایجان غربی برگزار می‌شود.

این خبر را رسول انتظارمهدی معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی آذربایجان غربی اعلام کرد و افزود: در دنیای امروز بیماری‌های غیرواگیر مهمترین عامل به خاطر افتادن سلامتی انسان‌ها بوده و علاوه بر عوارض سنگین، درمان یا کنترل آنها هزینه‌های زیادی را متوجه خانواده‌ها می‌کند در حالی که فرهنگسازی برای پیشگیری از این بیماری‌ها می‌تواند بسیار کم هزینه و کم عوارض باشد.وی با اشاره به برنامه‌های متنوع به مناسبت هفته سلامت در هفته اول اردیبهشت امسال در استان، اظهار داشت: برنامه‌های هفته سلامت امسال همچون دو سال گذشته در آذربایجان غربی برگزار می‌شود و محور اصلی آن نیز ایجاد حساسیت برای مردم، مدیران و سیاستگذاران درخصوص بیماری‌های غیرواگیر به ویژه دیابت خواهد بود.

مشارکت مردم در پاکسازی مجموعه تالاب‌های پلدختر

پلدختر ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره حفاظت محیط زیست پلدختر گفت: تالاب‌های ولی عصر(عج) این شهرستان از وجود زباله و پسماند پاکسازی شد.

امیر رضا محمدی‌نژاد افزود: این عملیات توسط اداره محیط زیست شهرستان با همکاری شبکه بهداشت و مشارکت بسیجیان پایگاه مقاومت شهید موسوی، دهیاری روستای ولی‌عصر(عج) و جمعی از اهالی منطقه صورت گرفت، وی گفت: این برنامه با هدف پاکسازی مناطق آلوده به زباله، فرهنگسازی زیست محیطی، اقدامات فرهنگی برای کاهش تولید زباله و تلاش در بازیافت زباله‌های جمع‌آوری شده انجام شد.

پاکسازی منطقه حفاظت شده «گنوی» بندرعباس

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس منطقه حفاظت شده «گنوی» بندرعباس گفت: با مشارکت مردم محلی و علاقه‌مندان به محیط زیست در روستای «تازیان پایین» این شهرستان بخشی از این منطقه پاکسازی شد.

عبدالرضا دهقانی افزود: در این اقدام زیست محیطی که با همکاری سرمحیط‌بانی منطقه حفاظت شده «گنو» انجام شد، ۳ کیلومتر از مسافت این منطقه پاکسازی شد.

وی با اشاره به اهمیت مشارکت مردم در حفاظت از محیط‌زیست، گفت: جلب مشارکت‌های مردمی در قالب ایجاد و حمایت از سمن‌های زیست‌محیطی و همراهی راهنمایان گردشگری برای صیانت از محیط‌زیست یکی از اولویت‌ها و برنامه های مهم اداره کل محیط‌زیست هرمزگان است.

منطقه حفاظت شده «گنو» در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال غرب شهر بندرعباس واقع شده و بر دشت خلیج فارس که مرتفع‌ترین قله آن بنام «نصیری» ۲۳۴۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد، مسلط است.این منطقه حفاظت شده که بیش از ۴۰ هزار هکتار وسعت دارد، در سال ۱۳۵۱ تاسیس شده است و به دلیل برخورداری از ویژگی های منحصر به فرد اقلیمی، گیاهی و جانوری، دارای درجه تنوع زیستی زیاد و ارزش‌های بالای حفاظتی در سطح جهانی است که بر همین اساس، در سال ۱۳۵۵ به شبکه ذخیره گاه های زیست کره مسکون (MAB) پیوست.

«گنو» به دلیل آنکه منطقه‌ای گذرگاهی محسوب می‌شود، از تنوع اقلیمی و زیستی قابل توجهی برخوردار است، از نظر حفظ تنوع گیاهی مناطق مهم رویشی کشور، گونه‌های خاص و همین طور گونه‌های بومی بسیار حایز اهمیت است.

برند ملی و جهانی گل و گلاب کاشان؛ فرصتی برای تأمین منافع مردم منطقه

کاشان ـ خبرنگار اطلاعات: سرپرست فرمانداری ویژه شهرستان کاشان در جلسه هم‌اندیشی مقدمات برگزاری همایش اسانس ایران که ماه آینده در کاشان برگزار می‌شود، اظهار داشت: با توجه به این‌که برند ملی و جهانی کاشان در زمینه گل و گلاب مورد توجه قرار گرفته است.

ضروری است از بستر فراهم شده برای تأمین منافع مردم، تولیدکنندگان، کشاورزان و سرمایه‌گذاران این حوزه استفاده کنیم.

در این جلسه که با حضور خانم مهندس مجدزاده معاون مدیرکل دفتر امور گلخانه، گیاهان دارویی و قارچ معاونت امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی و مسئولین و فعالین حوزه گل و گلاب شهرستان کاشان در سالن جلسات فرمانداری کاشان برگزار شد، دکتر حمیدرضا مؤمنیان افزود: نقش دولت در حوزه گل و گلاب سیاستگذاری، جهت‌دهی و حمایت است و دولت همه نوع همکاری و همراهی در این حوزه انجام می‌دهد تا بخش خصوصی مسیر اصلی خود را پیدا کرده و پیشرو در این صنعت باشد.

او افزود: همان‌گونه که تولیدکنندگان خوبی هستیم باید عرضه‌کنندگان شایسته‌ای نیز باشیم و این مستلزم توجه بیشتر صاحبان این حوزه به موضوع بازرگانی محصولات و فراهم کردن ساز و کار مناسب برای صادرات محصول به دیگر کشورهای دنیا است.

مؤمنیان اظهار داشت: تحقق موارد بیان شده در بخش خصوصی متجلی می‌شود که برگزاری جلسات متعدد، مذاکرات و تحقیقات علمی و تجربی با صاحبان صنایع، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان به این بخش جان تازه‌ای داده و آن را حفظ می‌کند.

در ادامه معاون مدیرکل دفتر امور گلخانه، گیاهان دارویی و قارچ معاونت امور باغبانی وزارت جهاد کشاورزی اظهار داشت: کاشان از نظر سطح زیر کشت گل‌محمدی رتبه سوم کشور را دارد. استان فارس مقام اول و کرمان مقام دوم را به خود اختصاص داده است. این تفاوت به خاطر آن است که کشت‌های کاشان در حوزه گل‌محمدی آبی و کشت این محصول در استان‌های فارس و کرمان به‌صورت کشت دیم است. با این وجود کاشان جایگاه نخست متوسط عملکرد گل محمدی در واحد سطح را از آن خود کرده است.

مهندس میترا مجدزاده افزود: رصد و بررسی گیاهان دارویی به‌خصوص گل‌محمدی در دستورکار این حوزه قرار گرفته است. خرداد ۱۳۹۲ سند ملی گیاهان دارویی و طب سوزنی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. این سند دولت را مکلف به حمایت اعم از تولید، پرورش، صادرات گیاهان دارویی کرده است.

بر اساس برنامه‌ریزی و استعلام از استان‌ها شرایط اقلیمی کشور مورد بررسی قرار گرفته و در این راستا کشت گیاهان دارویی بر اساس آبی و دیمی طبقه‌بندی شده است که می‌توان کشت ۵۰ هزار هکتار گل محمدی آبی و ۱۰۰ هزار هکتار بقیه گیاهان دارویی را از اهداف چشم‌انداز ذکر نمود.

قدردانی از بانوان صرفه‌جو در مصرف آب و برق

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: بانوان صرفه‌جو در جشنواره نقش زنان در مدیریت مصرف انرژی (آب و برق) استان مرکزی قدردانی شدند.

علیرضا احمدی یزدی معاون دفتر مدیریت مصرف شرکت توانیر در این جشنواره با اشاره به این که در قرآن کریم انسان‌ها به پرهیز از اسراف سفارش شده‌اند. گفت: در دین مبین اسلام به استفاده از نعمات خدادادی تاکید ولی از اسراف پرهیز شده است.

او افزود: میزان مصرف مشترکان ایرانی در سایر منابع انرژی نیز نسبت به متوسط جهانی بیشتر است که امیدوارم با برگزاری چنین جشنواره‌هایی بتوانیم میزان مصرف را به میانگین جهانی برسانیم.

وی با اشاره به این که افزایش جمعیت، رشد تولید مصرف انرژی در سطح کشورهای جهان را به دنبال داشته است، گفت: در این افزایش تولید و مصرف انرژی، آلاینده‌های بیشتری به محیط زیست وارد شده است.

او با بیان این که اجرای راهکارهای مدیریت مصرف تاثیر قابل توجهی در کاهش نیاز مصرف برق کشور حاصل می‌شود، افزود: امید می‌رود مشترکان صنعت برق با فراگیری و اجرای راه‌های بهینه‌سازی مصرف که از طریق ارگان‌های مختلف از جمله شرکت‌های توزیع برق اطلاع‌رسانی می‌شوند کمبود تولید را در سال جاری تا حدودی جبران کنند.مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق استان مرکزی نیز با اشاره به اصلاح الگوی مصرف براساس آموزه‌های دینی، گفت: باید از منابعی که در اختیارمان است به شکل بهینه و مطلوب استفاده کنیم.

محمدالله داد با اشاره به این که بیشتر فعالیت‌های اقتصادی بانوان در بخش خانواده است، افزود: بانوان با مدیریت صحیح در این بخش نقش مهمی در اصلاح الگوی مصرف و امور اقتصادی جامعه و خانواده بر عهده دارند.وی ادامه داد: آموزش غیرمستقیم از طریق رفتار والدین، تاثیر بیشتری در یادگیری فرزندان نسبت به آموزش مستقیم دارد و نقش بانوان در این زمینه بسیار اثربخش است.الله داد با بیان این که آگاه‌سازی یکی از شیوه‌های بدون هزینه و کم هزینه مدیریت مصرف انرژی است یادآور شد: همه می‌توانیم با مصرف صحیح برق و آموزش آن در خانواده و به ویژه به کودکان، نقش مهمی در حفظ و نگهداری این انرژی پاک ایفا کنیم.

وی با بیان این که رعایت راهکارهای مدیریت مصرف انرژی الکتریکی، نقش اساسی در رشد و توسعه جامعه دارد،افزود: امروزه نقش و اهمیت انرژی و تأثیر آن در اقتصاد برکسی پوشیده نیست چرا که انرژی به یکی از عوامل مهم در فرآیند رشد و توسعه تبدیل شده است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی هم گفت: مصرف سرانه آب در شبانه‌روز برای هر نفر در جهان ۱۵۰لیتر محاسبه شده، در حالی که این میزان در استان مرکزی ۲۴۲لیتر در شبانه روز است.

عبدالرضا خلیلی افزود: در پنج سال گذشته با استفاده از توان فرهنگی رسانه‌ها با وجود۸ تا ۹۰۰۰ انشعاب جدید، مصرف آب۷درصد رشد داشته است.وی بانوان را از بازوهای مهم ترویج الگوی صحیح مصرف و مدیریت بهره‌وری آب خواند و گفت: بانوان در منزل بیشتر با مصرف آب در شستشوی ظروف، پوشاک و منزل درگیر هستند و یکی از عوامل اصلی تاثیرگذار در این زمینه می‌توانند باشند.خلیلی اضافه کرد: پاییز پارسال بارندگی مناسبی در سطح استان رخ داد، اما در سه ماه پایانی، بارندگی مناسب نبود و استان مرکزی در میزان بارش عقب مانده است.وی با بیان این که مدیریت مصرف بهینه آب بهترین گزینه برای توزیع مناسب آب کشور در شرایط سال‌های کم‌بارش است، افزود: استفاده از شیرآلات مخلوط آب گرم و سرد در دنیا به علت اتلاف انرژی ممنوع شده و مشترکان در کشور ما با استفاده از این شیرها برای تنظیم آب باید هشت تا ۱۰درصد انرژی حرارتی و آب را هدر دهند.

۱۲۱ هزار نفر در حوزه انتخابیه مهریز واجد شرایط رأی‌دادن هستند

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: در حوزه انتخابیه مهریز شامل ۵ شهرستان، ۱۲۱ هزار و ۲۹۳ نفر به اضافه متولدان ۸ اسفند ۷۶ تا ۱۰ اردیبهشت ۷۷ که آمار آنها استخراج نشده، واجد شرایط رای دادن هستند.

محمدعلی طالبی رئیس ستاد انتخابات استان یزد با بیان این‌مطلب در جمع خبرنگاران افزود: انتخابات در حوزه انتخابیه مهریز در شهرستان‌های ابرکوه، بافق، بهاباد، خاتم و مهریز به دور دوم کشیده شد و با توجه به این‌که استان یزد دارای ۱۰شهرستان است، در این انتخابات نیمی از شهرستانهای استان و فرمانداری‌هادرگیربرگزاری آن خواهند بود.

وی با اشاره به این‌که مرحله دوم‌انتخابات ۱۰اردیبهشت برگزار می‌شود، گفت: از دوم اردیبهشت تبلیغات نامزدها به مدت یک هفته آغاز خواهد شد که دراین حوزه انتخابیه ۲ نامزد با یکدیگر رقابت می‌کنند.

طالبی با بیان این‌که در دور قبل انتخابات گرچه تخلفات تاثیرگذار و جدی گزارش نشد، اما استفاده از حجم و اندازه بنرها و پوسترهای تبلیغاتی فراتر از آنچه بود که در قانون مشخص شده است بر این اساس در دور دوم با توجه به این‌که تعداد نامزدها محدود است، نظارت بیشتر و جدی‌تری بر این امر انجام خواهد گرفت.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار یزد ادامه داد: پیش‌بینی برگ رای برای ارسال به فرمانداری‌ها و شعب اخذ رای نیز انجام شده و برای آماده‌سازی صندوق‌های اخذ رای و شعبه نیز با توجه به این‌که هنوز آرا مرحله اول انتخابات امحا نشده، تمهیداتی اتخاذ شده است.

وی با بیان این‌که امیدواریم در دور دوم انتخابات نیز شاهد حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رای باشیم، افزود: در انتخابات این حوزه انتخابیه، تنها افرادی می‌توانند شرکت کنند که مهر انتخابات حوزه انتخابیه مهریز، ابرکوه، بافق، بهاباد یا خاتم در شناسنامه آنها درج شده باشد یا این‌که در دور اول در انتخابات شرکت نکرده باشند.

طالبی گفت: شعب اخذ رای به لحاظ تعداد و مکان مشابه دور اول است و شعب در همان مکان‌های قبلی استقرار یافته است.

وی در ادامه با اشاره به مشارکت بسیار خوب مردم استان یزد در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری گفت: میزان مشارکت یزد ۷۴/۲ درصد بود که در طول ۱۰دوره برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و پنج دور انتخابات مجلس خبرگان رهبری، فقط یک مرحله آمار مشارکت مردم از این رقم بالاتر بود.

او ادامه داد: استان یزد به لحاظ مشارکت مردم نسبت به جمعیت، رتبه پنجم را در اول انتخابات کسب کرد و در بسیاری دیگر از شاخص‌های برگزاری انتخابات از جمله سنجش قانونمندی و استفاده از سیستم جامع انتخابات، از استان‌های برتر کشور بود.

استان یزد با ۱۰ شهرستان و ۴ حوزه انتخابیه، ۴ کرسی در مجلس شورای اسلامی دارد که در یکی از حوزه‌ها انتخابات به دور دوم کشیده شد که در آن ۲ نفر در ۵ شهرستان با یکدیگر رقابت می‌کنند.

آبگیری ۲۴۰۰ هکتار دیگر از تالاب هورالعظیم

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان گفت: با بازگشایی دریچه‌های آب مخزن شماره (۲) تالاب هورالعظیم، ۲۴۰۰ هکتار دیگر از تالاب هورالعظیم آبگیری شد.

احمدرضا لاهیجان زاده افزود: با توجه به بازگشایی دریچه‌های مخزن شماره(۲) و انجام هماهنگی‌های لازم با سازمان آب و برق خوزستان در زمینه تأمین حق آبه تالاب و ساخت آبراهه بر روی جاده‌های در حال ساخت وزارت نفت برای تبادلات آب در تالاب هوالعظیم و بازگشایی سد کرخه برای تأمین آب این تالاب موجب شده است تا مخزن شماره ۳ تالاب آبگیری شود. او اظهار داشت: با توجه به تصاویر ماهواره‌ای از سطح تالاب که نشان دهنده این است که افزون بر ۲۴۰۰ هکتار از اراضی تالاب تاکنون آبگیری شده است. وی از برنامه‌های این اداره کل برای آبگیری کامل این بخش از تالاب خبر داد.

مشاهده سوسمار دم‌تیغی ایرانی در دشت گنبکی ریگان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: محمد سعادت‌نژاد رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان ریگان از مشاهده گونه نادر و منحصر به فرد سوسمار دم‌تیغی ایرانی خبر داد.وی افزود: این گونه چند سال پیش در دشت سیف‌الدینی رهاسازی شد و اکنون در دشت گنبکی مشاهده شده است.او با اشاره به این‌که گونه سوسمار دم‌تیغی ایرانی در حال انقراض است، از مردم شهرستان ریگان خواست در حفظ آن کوشا باشند.به گفته سعادت‌نژاد وجود سوسمار دم‌تیغی ایرانی ۱۴۷ سال پیش توسط محققی به نام «استرُچ» در ۶۰ کیلومتری جنوب خوسف در حاشیه کویر لوت گزارش شده بود و در ۱۳۴ سال پیش نیز توسط «بولانژه» در حوالی ریگان گزارش و توصیف شده بود.رئیس اداره حفاظت محیط زیست ریگان گفت: با گذشت بیش از یک قرن سوسمار دم تیغی ایرانی در سال ۸۹ مجدداً توسط یک دانشجوی علاقه‌مند در دشت سیف‌الدینی واقع در ۶۵ کیلومتری جنوب شهرستان ریگان مشاهده و زنده‌گیری شد.

سعادت‌نژاد تأکید کرد: براساس قوانین و مقررات سازمان حفاظت محیط زیست، این گونه تحت حمایت و حفاظت بوده و حفظ آن از نظر مجامع بین‌المللی نیز حائز اهمیت است.وی اعلام کرد: سوسمار دم‌تیغی ایرانی در بخش شرقی فلات مرکزی ایران، جنوب غربی پاکستان و جنوب افغانستان در زیستگاه‌های بیابانی و نیمه‌بیابانی خشک در دشت‌های ریگزار، سنگریزه‌ای و سنگلاخی با پوشش گیاهی بوته‌ای و درختچه‌ای به طور پراکنده زیست می‌کند.رئیس اداره حفاظت محیط زیست ریگان افزود: این گونه روزهای گرم و آفتابی در اواسط روز فعالیت می‌کند و لانه آن شامل سوراخ‌های زیرزمینی است که حفر می‌کند.

سعادت‌نژاد یادآور شد: در نمونه‌های بالغ آن گیاه‌خواری دیده می‌شود و براساس گزارش‌ها سالانه هفت تا ۱۰ تخم می‌گذارد.وی ادامه داد: تاکنون در ایران بیش از ۱۲۵ گونه سوسمار شناسایی شده که به هیچ وجه سمی نبوده و از ارزش بسیار بالایی در حفظ و تعادل اکوسیستم‌ها برخوردار هستند

تونلی که کلید پیروزی عملیات « فتح المبین»شد

جعفر مسلمی خطیر

اشاره: رزمندگان موفق و جان برکف لشکر ۲۱ حمزه سید الشهداء نیروی زمینی ارتش در سال های دفاع مقدس با جانفشانی های فراوان توانستند شرایط پیروزی و مقابله با بعثی هارا فراهم کنند و خودشان هم ضربه سنگینی به آنها بزنند، در حقیقت این رزمندگان کارنامه درخشانی از حضور در منطقه غرب و سرکوب کردن گروهک‌ها دارند و در جبهه جنوب هم رشادت های زیادی را از خود به جا گذاشته اند که گواه‌این موضوع تقدیم هزاران شهید در دوران دفاع مقدس است.

تیپ یک لشکر ۲۱ حمزه سید الشهداء در این بین سهم بسزایی را در دوران پرافتخار دفاع مقدس به خود اختصاص داده است. این تیپ که در جبهه غرب مشغول دفاع از خاک کشور بود برابر تدبیر فرماندهی وقت به منطقه جنوب اعزام و در منطقه پل کرخه بکار گرفته شد.

در آن زمان در این منطقه یکان های دیگری هم حضور داشته‌اند که به لحاظ حساسیت منطقه و حضور دشمن بعثی در این منطقه، تیپ یک لشکر ۲۱ باید برای سر و سامان دادن به منطقه در این قسمت حضور پیدا می کرد.

تیپ یک در سمت چپ محل ماموریت گروهان قبلی که در فاصله ۲ تا ۳ کیلومتری جلوتر از پل کرخه و در حاشیه رودخانه کرخه بود، مستقر شد. در این قسمت از رودخانه کانال آب به شکل هندلی قرار داشت که از روزهای نخست جنگ تحمیلی تحت اشغال نیروهای بعثی قرار داشت و دشمن از این فرصت استفاده کرد تا مواضع پدافندی خود را در پشت این کانال بسازد و به این ترتیب بتواند به نیروهای ما مسلط شود.

به جهت این کار نفوذ و باز پس گیری آن منطقه برای رزمندگان اسلام و خارج کردن دشمن از این

***رزمندگان موفق و جان برکف لشکر ۲۱ حمزه سید الشهداء نیروی زمینی ارتش در سال های دفاع مقدس با جانفشانی های فراوان توانستند شرایط پیروزی و مقابله با بعثی هارا فراهم کنند و خودشان هم ضربه سنگینی به آنها بزنند، در حقیقت این رزمندگان کارنامه درخشانی از حضور در منطقه غرب و سرکوب کردن گروهک‌ها دارند و در جبهه جنوب هم رشادت های زیادی را از خود به جا گذاشته اند که گواه‌این موضوع تقدیم هزاران شهید در دوران دفاع مقدس است**

منطقه برای ما کار بسیار دشواری بود. البته ناگفته نماند یک گروهان از لشکر ۲۱ هم عملیات های محدودی را برای باز پس‌گیری در این منطقه انجام داد و برای مدت کوتاهی موفق به این کار اما به لحاظ اهمیت داشتن پل کرخه برای دشمن مجدداً این منطقه به دست دشمن افتاد.

تیپ یکم لشکر ۲۱ حمزه سید الشهداء به عنوان گروهان احتیاط وارد عمل شد تا دشمن با پاتک‌های خود موفق به باز پس گیری منطقه مذکور نشود اما دشمن که نمی‌خواست به راحتی این منطقه را از دست دهد با افزایش نیروها و تجهیزات خود آتش های شدید دوربرد باردیگر منطقه را اشغال کرد.

رزمندگان اسلام تلفات زیادی دادند تا این که سرلشکر شهید فلاحی فرمانده نیروی زمینی وقت به منطقه رفت و دستور عقب نشینی صادر کرد. حدود ۴۰۰ متر عقب‌تر از کانال هندلی در حاشیه رودخانه کرخه در محلی به نام ده حسین آباد که با دشمن بعثی ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر بیشتر فاصله نبود در مواضع پدافندی مستقر شد تا تدبیری اتخاذ شود و رزمندگان بتوانند با تجدید قوا و طرحی جدید و با کمترین تلفات دشمن را از پای در آورند و از خاک کشور مان بیرون کنند.

حفر تونل به طول ۴۰۰ متر زیر پای دشمن

حساسیت منطقه از نظر سوق الجیشی، مسلط بودن دشمن به رزمندگان اسلام از نظر دید کافی، شرایط سخت استقرار در کانال هندلی و... دلایلی بود که دشمن توانسته بود در این منطقه نیروها و رزمندگان تیپ ۱ لشکر ۲۱ را برای باز پس گیری از منطقه کرخه ناکام بگذارد، دشمن در هربار موانع بزرگی برای سد کردن راه نیروهای جان برکف ما قرار می‌داد اما در آخرین مرحله از عملیات فرماندهان وقت طرح کندن کانال زیرزمینی را پیشنهاد کردند. پس از بررسی و با کمک شهید آیت الله صدوقی امام جمعه یزد با فرستادن یک نفر متخصص در امر کندن کانال به نام حاج غلامحسین حجتی که اهل یزد بود، عملیات حفاری کانال با بکار گیری کارکنان لشکر ۲۱ آغاز شد.

مشخصات کانال

ارتفاع کانال حدود ۱۷۰ سانتیمتر و عرض آن به یک متر می‌رسید .

همچنین ضخامت سقف حدود ۲ تا ۲/۵ متر بود.

این اعداد و ارقام برابر بررسی عبور مرور نیروها و حمل تجهیزات و همچنین نوع خاک منطقه به جهت ریزش انجام شد.

حفر محرمانه تونل

حفر کانال به طور خیلی محرمانه آغاز شد. در ابتدا فقط عده‌ای که مستقیما درگیر کار بودند، از آن اطلاع داشتند، ولی به مرور زمان سایر یکان های همجوار و حتی عده‌ای از مردم منطقه در سطح شهر های دزفول و اندیمشک از ساخت تونل مطلع شدند اما کسی از محل دقیق آن اطلاعی نداشت. مسئولان تیپ برای انحراف افکار عمومی و افشا نشدن محل دقیق ساخت کانال، به تمامی یکان ها که در منطقه حضور داشتند، دستور حفر کانالی را دادند تا دشمن از کانال مورد نظر که در مهمترین قسمت منطقه ساخته می‌شد با خبر نشود. به همین جهت تمامی‌واحد ها در سراسر منطقه کانالی را حفر کردند و این کانال ها در عملیات فتح المبین بسیار مورد استفاده رزمندگان قرار گرفت.

با وجود تمامی‌مشکلات، حفاری تونل یا کانال معروف ادامه یافت اگر چه در بعضی موارد به علت سستی خاک، سقف تونل ریزش می‌کرد . با ادامه حفاری کانال این احتمال وجود داشت که دشمن از حفر کانال مطلع شود لذا باید عده ای بلافاصله آن را ترمیم می کردند که این کار هم توسط فرماندهان تیپ ۱ تدبیر می‌شد و بلافاصله مکان ریزش ترمیم می شد.

۳۵۰ تا ۴۰۰ متر حفر تونل

با همه سختی ها و کاستی ها حفر تونل به عمق ۳۵۰ تا ۴۰۰ متر ادامه یافت.

فرماندهان تیپ ۱ وقتی مسافت آن را روی زمین و نقشه مقایسه کردند به نظرشان رسیده بود که یا از خاکریز دشمن گذشته است یا این که به خاکریز (کانال هندلی که دشمن پشت آن استقرار داشت) رسیده است. تدبیر فرماندهان تیپ یک لشکر ۲۱ حمزه سید الشهداء برای حفر تونل می تواند برای هر شخصی جذاب باشد که چگونه می‌توان کانالی با عمق ۳۵۰متر حفر کرد که مشکل تردد در آن وجود نداشته باشد و امکان جابجایی تجهیزات هم فراهم باشد.همچنین با تدبیر فرماندهان و مسئولان تیپ، اتاق‌هایی به مساحت ۵ تا ۶ متر با ابعاد مختلف برای انبار کردن مهمات و اقدامات اولیه مجروحان و شهداء ساخته شد ، البته با حمایت تیم پشتیبانی یک دستگاه موتور برق و یک دستگاه تهویه هم تهیه شد تا مشکل هوا و تاریکی رفع شود. ضمن این که در انتهای تونل به منظور تسهیل در خارج شدن گروهان هنگام حمله، تونل به شکل سه شاخه در می آمد تا هنگام صدور رمز عملیات، رزمندگان اسلام بتوانند همزمان با تمامی گروهان و بدون ایجاد هیچ گونه ترافیکی از داخل کانال خارج شوند و به دشمن هجوم ببرند.

گشودن در تونل

گشودن در تونل با شروع عملیاتی بزرگ و پرافتخار دوران دفاع مقدس همراه بود.

دوم فروردین ماه ۶۱ که اکثر مردم کشور عزیزمان در دید و بازدید عید بودند، به لشکر ۲۱ اطلاع داده شد که استاد غلامحسین یزدی را برای باز کردن در تونل فرا خوانده اند و این یعنی آغاز عملیاتی ماندگار. حدود ساعت ۷ بعد از ظهر حاج غلامحسین خود را به منطقه رساند و از ساعت ۱۸ حفاری راه‌های خروجی تونل را آغاز کرد. با گشوده شدن نخستین در، اشک شوق رزمندگان به جهت گشودن و نابود کردن دشمن سرازیر شد. این تونل بنا به تدبیر فرماندهان باید از سه خروجی تشکیل می‌شد. آنها هنگامی که در دوم را باز کردند متوجه شدند مقابل ۱۰ متری خاکریز دشمن قرار گرفته‌اند و میدان مین دشمن هم مقابلشان قرار دارد که به همین جهت منتظر نماندند تا در سوم گشوده شود.

***پس از حفر کانال، باز شدن در های آن و رفع صدها مشکل دیگر بالاخره روز موعود فرا رسید و با اعلام رمز مبارک " یا زهرا(س) " و ابلاغ آن به فرماندهان تیپ، عملیات بزرگ فتح المبین در روز دوم فروردین سال ۶۱ آغاز شد و رزمندگان اسلام با عبور از تونل معروف به هندلی بر دشمن بعثی هجوم بردند و توانستند علاوه بر بیرون راندن دشمن و پیروزی در عملیات تاریخ ساز فتح المبین، دل امام (ره) و ملت را شاد کنند**

آغاز عملیات فتح المبین

پس از حفر کانال، باز شدن درهای آن و رفع صدها مشکل دیگر بالاخره روز موعود فرا رسید و با اعلام رمز مبارک " یا زهرا(س) " و ابلاغ آن به فرماندهان تیپ، عملیات بزرگ فتح المبین در روز دوم فروردین سال ۶۱ آغاز شد و رزمندگان اسلام با عبور از تونل معروف به هندلی بر دشمن بعثی هجوم بردند و توانستند علاوه بر بیرون راندن دشمن و پیروزی در عملیات تاریخ ساز فتح المبین، دل امام (ره) و ملت را شاد کنند.

منبع: کتاب کانال هندلی. نوشته سرتیپ ۲ ستاد احمد آرام و برگرفته از خاطرات سرتیپ دوم ستاد علی رزمی

عملیات متهورانه فانتوم های ایران برای انهدام «اچ -۳»

بخش دوم و پایانی

اشاره: «**عملیات متهورانه فانتوم های ایران برای انهدام " اچ -۳ "**» عنوان مقاله‌ای است که بخش اول آن در شماره قبل به چاپ رسید. بخش دوم و پایانی این مقاله را می‌خوانیم.

***

در طول مسیر چند بار فانتوم‌های ایرانی در سیستم پدافندی و رادارهای عراقی و ترکیه ای ظاهر شدند که به یاری و کمک خداوند،عراقی‌ها تصور کردند هواپیماها متعلق به نیروی هوایی ترکیه است که مشغول گشت‌زنی در طول مرزهایشان هستند.

این اشتباهی بود که کنترل‌های پدافند هوایی ترکیه هم مرتکب شدند. گرچه همزمان هواپیماهای دیگر ایرانی مناطقی را در عمق خاک عراق مورد حمله شدید و گسترده قرار دادند.

در این مرحله یک دسته سه فروندی از هواپیماهای«F-۵»از پایگاه دوم تبریز پالایشگاه کرکوک و چند نقطه دیگر را،دقایقی قبل از بمباران سه پایگاه«H-۳»، به شدت بمباران کردند تا پدافند دشمن و یگان هوایی او را متوجه‌خود کنند تاسوخت‌گیری‌سوم "F-۴" ها انجام شود.

پس از گذشتن هواپیماها از آخرین نشانه زمینی و در نزدیک هدف از هر دسته چهار فروندی فانتوم ها، یک فروند جدا شد و گروه سوم را تشکیل داد.

گروه نخست در ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه به پایگاه اول حمله کرد و گروه دوم ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه به پایگاه دوم و گروه سوم به سمت پایگاه سوم (اصلی) حمله کرد.

دود ناشی از انفجار هواپیماها و انبارها، تمامی فضا را پر کرده بود و پدافند و موشک های زمین به هوای دشمن فعال شده بودند از هر طرف برای سرنگونی فانتوم ها شلیک می کردند.

پایگاههای هوایی الولید یا اچ -۳که به هیچ عنوان آمادگی و انتظار حمله ایرانی‌ها را نداشتند و مشغول امور عادی و روزانه بودند به شدت بمباران شدند. فانتوم ها در ادامه با ترک محل به سلامت دوباره از تانکرهای سوخت‌رسان (بوئینگ- ۷۴۷) در مرز سوریه و عراق(قسمت غربی خاک عراق) سوخت دریافت کردند و با آخرین سرعت از ارتفاعات مرزی عراق با سوریه و ترکیه وارد خاک ایران شدند.

دشمن لحظاتی بعد از این ضربه مهلک، اصلا فکر نمی‌کرد که حمله از طرف ایرانی‌ها انجام گرفته باشد .آنها احتمال می‌دادند از طرف اسرائیل حمله انجام شده است. عراق پس از اطمینان از اقدام ایران در اجرای حمله به الولید از طرف ایران، بیدرنگ تعداد زیادی هواپیمای شکاری رهگیر خود را به پرواز در آورد تا شاید بتواند فانتوم‌های ایرانی را رهگیری و سرنگون کند و به هرترتیبی که شده اجازه بازگشت به هواپیماهای فانتوم را ندهد.

درحالی که هواپیماهای فانتوم به مرز نزدیک می شدند، هواپیماهای«F-۵»و «F-۱۴»خودی در حوالی مرز در انتظار تماس فانتوم‌ها بودند تا به کمک آنها بشتابند.

با نزدیک شدن فانتوم‌ها به مرز، حمله هوایی دیگری در مرزهای مشترک انجام شد تا فانتوم‌ها بتوانند به سلامت و امنیت وارد خاک ایران شوند.

فانتوم‌ها مرحله چهارم سوخت‌گیری هوایی را در دریاچه ارومیه انجام دادند و به سلامت در باند پایگاه سوم شکاری به زمین نشستند.

در این عملیات ۴۸فروند انواع هواپیماهای شکاری – بمب افکن راهبردی و استراتژیک دشمن منهدم و یا آسیب جدی دید. چندین سیستم راداری و تعدادی آشیانه بزرگ و پناهگاه هواپیما به طور کامل منهدم شد.

سه روزپس ازاین عملیات، بدون هیچ تشریفاتی، تمامی خلبانان شرکت کننده دراین عملیات به حضورحضرت امام خمینی (ره) رفتند.

نورشادی ورضایتمندی درچهره امام (ره) به وضوح مشاهده می شد به طوری که یکی ازنزدیکان امام گفتند: " تا به حال ایشان را به این خوشحالی ندیده بودند."

پس ازموفقیت کامل دراین عملیات، سیمای جمهوری اسلامی هم برای اولین بار سرود خلبانان را پخش کرد تابدین شکل تقدیری کوچک ازاین دلاوران شود.

بعد از این عملیات غرورآفرین، فرمانده پدافندهوایی عراق از سوی صدام برکنار شد و بعدها اعدام شد.

این عملیات تاثیر بسزایی درروحیه رزمندگان اسلام داشت، به طوری که چند ماه بعد عملیات موفق "ثامن الائمه" انجام شد و در پی آن هم عملیات های "طریق القدس" و "بیت المقدس" با موفقیت کامل و بازهم با پشتیبانی مناسب نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به سرانجام رسید.

از آنجایی که ایران اسلامی در طول دوران هشت ساله دفاع مقدس از سوی ابرقدرتها تحریم شده بود و هیچ گونه قطعه یدکی از هواپیماهای جنگی در اختیار ایران قرار نمی گرفت، می‌توان عملیات هوایی حمله به«الولید یا اچ -۳»را یکی از پیچیده ترین و دقیق ترین عملیات هوایی جهان از نظر طراحی و اجرا قلمداد کرد که خلبانان دلیر،شجاع و بی باک ایران توانستند با حدود ۵ ساعت پرواز، ۴ بار سوخت‌گیری هوایی و طی مسافتی بالغ بر ۱۰۰۰ کیلومتر در سکوت مطلق هوایی، حماسه‌ای خلق کنند که نه فقط سردمداران رژیم بعثی صدام و همپیمانان منطقه‌ای او، بلکه هیچ یک ازکارشناسان غربی هم فکر آن را نمی‌کردند.

این عملیات که یک کار بزرگ تیمی بود و همه متخصصان خلبانی، فنی نیروی هوایی ارتش در آن سهم داشتند از نظر طراحی، اجرا و تعداد هواپیماهای شرکت کننده در آن که در حدود ۲۵ فروند از انواع هواپیما همزمان درگیر این عملیات بودند از منحصر به فردترین و موفقترین نبردهای هوایی جهان پس از جنگ جهانی دوم بشمار می‌رود.

از طرح این حماسه بزرگ، یک فیلم سینمایی تحت عنوان حمله به«اچ -۳» ساخته و چندین مرحله در شبکه های مختلف سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شده که مورد استقبال مردم قرارگرفته است.

خوانندگان محترم برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند کتاب «حمله هوایی به الولید» نوشته احمد مهرنیا از انتشارات سوره مهر را مطالعه کنند.

در پایان جا دارد ازتمامی شهدای هشت سال دفاع مقدس که برای حفظ کیان و تمامیت ارضی و امنیت میهن عزیزمان ایران، در اوج گمنامی و سلحشوری، بی هیچ ادعایی رفتند تا پروانه وار شمع وجود خویش را در راه دفاع از ارزش های والای انقلاب اسلامی نثار کنند، با ذکر صلوات یاد کنیم.

روحشان شاد و راهشان پررهرو باد

نقش ارتش در فرآیند دولت ملت‌سازی در مصر

رضا فضلعلی

جوامعی چون مصر که تشکیل دولت مستقل در آن حدود ۹۳ سال است اتفاق افتاده ودر این جامعه روند طبیعی دولت‌سازی طی نشده است معمولاً ارتش و نظامیان نقش محوری در استقرار دولت در آن داشته و دارند. در این جامعه به نوعی منازعات سیاسی، قومی و مذهبی توسط ارتش فرو نشانده می‌شود و نظامیان همواره به عنوان داور نهایی معمولاً وارد گود می‌شوند. در بسیاری از کشورهای خاورمیانه که به این شکل تشکیل شده‌اند، ارتش نهادی کاملاً مستقل از دولت است و می‌تواند حتی مستقل از دولت نقش‌آفرینی کند.

در ۲۳ جولای ۱۹۵۲، جنبشی که درون ارتش مصر به نام افسران آزاد شناخته می‌شد، به قدرت رسید و ملک فاروق پادشاه مصر (۱۹۳۶-۱۹۵۲)را سرنگون کرد، فرآیندی که به سرعت با اشغال مصر توسط انگلیسی‌ها پایان یافت. در ۱۹۵۶ قانون اساسی جدید تصویب شد و به جمال عبدالناصر رئیس‌جمهوری جدید قدرت بسیاری داد که از آن جمله حق انتصاب وزرا بود. در مسائل اقتصادی، صنعتی شدن و ملی‌سازی نیز به پیشرفت‌هایی دست یافتند. کودتا، مصر را تبدیل به کشوری کرد که در آن حکومت تحت تسلط ارتش، اهداف اقتصادی را کنترل می‌کرد. همزمان با این تحولات، تغییری درون طبقه حاکم رخ داد به طوری که نفوذ بورژوازی صاحب زمین به نفع طبقه جدیدی از صنعت‌گران کاهش یافت. حکومت ناصر نقش سیاسی برجسته‌ای برای ارتش درون طبقه حاکم نهادینه کرد و عرصه را برای کنترل ارتش بر ابزارهای تولید فراهم آورد.

در کنار این مسائل غالبا حجم قابل توجهی تنش ـ اگر نه نزاع آشکارـ بین قدرت‌های غربی و مصر بر سر مسائل اساسی از قبیل کانال سوئز و اشغال فلسطین توسط اسرائیل وجود داشت. ریاست جمهوری انورسادات (۱۹۸۱-۱۹۷۰) حاکی از تغییر در سیاست خارجی مصر در سطوح سیاسی و اقتصادی بود. به لحاظ اقتصادی، سیاست «انفتاح» سادات بازارهای مصر را رونق داد و منجر به سرازیر شدن سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم شد. از نظر سیاسی، مصر معاهده صلح ۱۹۷۹ با اسرائیل را امضا کرد که نه تنها منجر به تنش میان مصر و سایر کشورهای عربی، بلکه بین سادات و شخصیت‌های اصلی سیاسی و نظامی مصر شد که مخالف معاهده صلح بودند.

پس از امضای معاهده، ارتش مصر دریافت‌کننده دومین حجم عظیم کمک نظامی از جانب آمریکا، چیزی بیش از ۲ میلیارد دلار در سال، بوده است.

ناصر، سادات و حسنی مبارک همگی از ساز و برگ ارتش به عنوان ابزار سرکوب برخوردار بودند. در زمان حکمرانی مبارک، گروه جدیدی از نخبگان پدیدار شدند که نشانگر چالش با ارتش بود. این نخبگان اقتصادی جدید تبدیل به هسته‌مرکزی طبقه حاکم شدند و از این رو موقعیت ارتش را به حاشیه بردند.

با این وجود، تحلیلگرانی از قبیل یزید ساییق استدلال می‌کنند که مصر تا ۲۰۱۱ و پس از آن به عنوان یک دولت نظامی باقی ماند، و آنچه تغییر کرد قابلیت رویت ارتش درون عرصه‌های سیاسی و اقتصادی مصر بود. این ادعا تا حد زیادی در پرتو ادعاهای پس از ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳ مبنی بر اینکه ارتش مصر به قدرت بازگشته است، که یعنی ارتش را تا پیش از آن بخشی از طبقه حاکم قلمداد نمی‌کرد، صحت دارد.

از سوی دیگر، دولت‌های متوالی می‌کوشیدند قدرت مقامات نظامی را که برایشان تهدیدآمیز بودند، محدود کنند. با آغاز ریاست جمهوری مبارک، تلاش‌ها برای نفوذ بیشتر ارتش در نظام از خلال پشتیبانی اقتصادی به کرات انجام شد و چهره‌های مردمی ارتش مانند عبدالحلیم ابوغزالا وزیر پیشین دفاع، از دستیابی به مناصب قدرت محروم شدند.

علاوه بر این، تغییر چشمگیری که در زمان ناصر روی داد تمرکز بر گسترش نهاد امنیتی داخلی بود که در دوران سادات و مبارک نیز ادامه یافت. به این معنا که وزارت داخلی شروع به انباشت قدرت غیرموازی کرد. در پی «شورش‌نان» ۱۹۷۷ (اعتراض‌های مردمی به افزایش قیمت نان) که در آن سادات به ارتش دستور داد اوضاع را آرام کند، وی قدرت پلیس را برای پیشگیری از ناآرامی‌های بیشتر افزایش داد.

مصر دوران مبارک تبدیل به یکی از دولت‌های نولیبرال برجسته در خاورمیانه شد. همان‌طور که تیموتی میشل (تاریخ‌نگار) اشاره کرد، هم سیاست بازار آزاد و هم خصوصی‌سازی شایع به صورت نابرابر به کار گرفته شدند و از این رو، تنها اقلیت نخبگان سود بردند در حالی که اکثریت مصریان شاهد تنزل کیفیت زندگی‌شان بودند.

اعتراضات برای برابری و آزادی اجتماعی گسترش یافته بودند، بی‌رحمی پلیس و اصلاحات وزارت داخلی نیز نقشی اساسی داشتند. امکان‌ناپذیری نجات مشروعیت رژیم مبارک به سرعت آشکار شد و بی‌شک تصمیم ارتش در مورد مداخله را تحت تأثیر قرار داد.

علاوه بر این، دغدغه ارتش در باب موقعیت متزلزلش در طبقه حاکم مصر حیاتی بود، زیرا نیاز داشت مقامات فاسد ارتش را در مقابل دادگاه‌هایی که در شرف برگزاری بودند، محافظت کند. در پی کناره‌گیری اجباری حسنی مبارک در فوریه‌ی ۲۰۱۱، مصر به رهبری ارتش تحت حکمرانی شورای عالی نیروهای مسلح (اسکاف) وارد دوره گذار شد. ارتش یک‌بار دیگر در خط‌مقدم سیاست مصر قرار گرفت.

جمال عبدالناصر

چنین می‌نماید که خیزش انقلابی به سبب آنکه ارتش تصمیم گرفت در کنار انقلاب باشد، توانست مبارک را سرنگون کند. البته این تصمیم لزوماً ناشی از هم‌دلی با مطالبات معترضان نبود، بلکه به خاطر آن بود که ارتش دست به برآوردی راهبردی زد. ارتش با طرحی مشخص برای آماده‌سازی «جمال مبارک» برای ریاست جمهوری پیش‌رو، اکنون با چشم‌انداز رئیس جمهوری غیرنظامی برای مصر پس از بیش از نیم قرن مواجه بود.

به‌علاوه، گروه جدید نخبگان به رهبری جمال مبارک نقش بسزایی در تشدید تنش‌های جامعه پس از انقلاب داشت که اینک تهدید به سرنگونی کل طبقه حاکم می‌کرد، چیزی که به ناگزیر موقعیت ممتاز ارتش را تحت تأثیر قرار می‌داد. در نهایت، سیاست‌های اقتصادی ناشی از تغییر در طبقه‌حاکم، توازنی را که پس از عصر ناصر وجودداشت، دگرگون کرد.

برای ارتش، این فرصت به عنوان مرکزیت‌بخشی مجدد به درون طبقه حاکم به عنوان انگیزه مداخله در سال ۲۰۱۱ ایفای نقش کرد. این مداخله منتهی به دوره گذار به رهبری ارتش شد که در پی آن، محمد مُرسی شخصیت ارشد اخوان‌المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ پیروز شد. به شکلی قابل ملاحظه، قانون اساسی که در زمان مُرسی نوشته شد، از امتیازهای ارتش محافظت کرد و همچنین در مورد این گفته که مُرسی ارتش را به سربازخانه‌ها بازگرداند، تردید ایجاد کرد.

ارتش بعد از اقدام کودتاگونه از مردم دعوت به حضور در خیابان کرد،به این دلیل که با‌حضور مخالفان محمد مرسی که حضورشان در خیابان قبل از کودتا بسیار وسیع و چشمگیر بود،با حضور مردم بار دیگر یک نمایش مردمی انجام دهدتابعد بتواند از ابزار زور و نظامی برای باز گرداندن آرامش سیاسی به کشور استفاده کند.

انور سادات

واکنش جامعه بین الملل نسبت به تحولات مصر قابل توجه بود. غرب در عین اینکه از کار برد لفظ کودتا امتناع می‌کرد، اما یکصدا خواهان آزادی مرسی بود. این در حالیست که برخی منابع خبر می‌دادندکه آمریکا و همپیمانانش در جریان کودتای نظامیان بودند. البته شاید با اقدامات کودتاگونه به این شکل از ابتدا موافق نبودند، لیکن زمانی که این اقدام انجام شد، قصد مقابله جدی نداشتند، ولی به نظر نمی‌رسد که از ابتدا با طرح و نقشه آنها انجام شده باشد.

مقامات غربی، بیشتر تمایل داشتند که اگر قرار بر تغییر باشد، در فرایندی دموکراتیک و بدون نیروی نظامی اتفاق بیفتد.

اگربه نوعی نظامیان و دولت موقت مصر توانستند قدرتهای خارجی را تا حدودی راضی کنند به این دلیل بود که آنها قول یک انتخابات آزاد برای قانون اساسی و پارلمان و ریاست جمهوری رادر یک فرایند شش ماهه دادند،که البته هیچگاه بدین صورت اجرا نشد!

انتخاب مرسی به ریاست جمهوری مصر به معنی این بود که پس از ۸۰ سال مبارزه و سرگردانی اکنون اخوان به صورت مشروع و قانونی به ریاست دولت دست یافته است.

اما دولت مرسی در اولین سالروز آن به دست نظامیان حاکم بر مصر ساقط شد.سوالی که در این خصوص وجود دارد این است که چه عواملی در شکست مرسی و اخوان‌المسلمین نقش داشتند؟

برای پاسخ به این سؤال باید دید چه بازیگرانی در صحنه مصر فعال بودند یا هستند و چه منافعی را در جهت عملکردشان پیگیری می کنند. نظامیان، اخوان‌المسلمین، سلفی‌ها، احزاب ملی گرا و لیبرال، آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان و دوستانش را می‌توان مهمترین بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی مصر برشمرد:

الف) نظامیان؛ با نگاهی به تاریخ معاصر مصر به وضوح می توان دریافت که نظامیان تنها گروهی هستند که اصل قدرت را همیشه در دست داشته اند و انتقال قدرت نیز با نظارت و رضایت آنها انجام شده است.

حسنی مبارک

ب) اخوان‌المسلمین؛ جنبشی که حدود ۸۰ سال به دنبال حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام بوده است و هرچند با ریاست جمهوری مرسی چنین به نظر آمد که اخوان قدرت را به دست گرفته اما همچنان بخش هایی از این جنبش همسو با سیاست های مرسی نبوده و نیستند.

ج) سلفی‌ها؛ گروه‌های تندرویی که به ظاهر بر اساس برداشت خود از اسلام به دنبال اجرای احکام اسلام هستند و اولویت اول آنها هم قبل از مبارزه با استکبار، دفع آنچه خطر شیعیان می‌خوانند، است.

د) احزاب ملی گرا و لیبرال؛ آنها نیز به دنبال دست یافتن به قدرت و مدیریت کشور اما به شیوه دموکراسی های غربی هستند. محمد البرادعی مهمترین نماینده این جریان است.

هـ)آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ آنها به دنبال این هستند که در مصر نظامی روی کار آید که خطری برای امنیت اسرائیل نداشته و ضمن تأیید کمپ دیوید، مطیع اوامر واشنگتن و تل‌آویو باشد. البته عدم حمایت از محور مقاومت نیز از اولویت های اصلی به شمار می رود.

و) عربستان و دوستانش؛ به نظر می رسد منافع آنها در مصر تاحدودی آزادی عمل سلفی‌ها از یک طرف و وابسته کردن مصر به خود از سوی دیگر است. در ضمن وجود یک مصر بی ثبات و ضعیف آرزوی عربستان است که به دنبال سیادت بر اعراب است.

اما چرا دولت مرسی سقوط کرد و کدامیک از بازیگران فوق بیشترین تأثیر را در این موضوع داشتند؟ براساس شواهد قبلی و عملکرد مرسی و اخوان المسلمین می توان عوامل زیر را در این موضوع دخیل دانست:

محمد مرسی

۱ـوجودمشکلات‌وبحران‌های اقتصادی و معیشتی(بیکاری ، تورم، فقر و...) و عدم بهبود وضعیت مردم بعد از یک سال با وجود وعده های دولت از مهم ترین عوامل سقوط مرسی بود. البته این موضوع ریشه خارجی نیز دارد و آن قطع کمک‌های اقتصادی آمریکا و عربستان است که خواهان استمرار فعالیت دولت مرسی نبودند و در واقع دولت مرسی از طرف آمریکا و عربستان با اهرم وام و تسهیلات اقتصادی تحت فشار قرار داشت.

۲- حاکمیت بسته مرسی و انحصار مناصب و مقامات دولتی در گروه اخوان و حذف سایر گروه‌ها و جریانات انقلابی دیگر عامل مهم در این سقوط است. در این موضوع شخص مرسی مقصر و مستقیما دولت وی مسئول چنین وضعیتی بود. دولت مرسی با انحصار سیاسی و عدم مشارکت دیگر گروه‌های انقلابی در قدرت، نتوانست فرآیند دولت سازی و نظام‌سازی متقاعدکننده‌ای را بعد از انقلاب در پیش گیرد.

۳- مرسی در سیاست‌های منطقه ای نیز چندان موفق نبود. انتظار این بود که حداقل سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره را بسته و از نفوذ عربستان در مصر بکاهد. همچنین باید سیاست‌های منعطف تری را در قبال فلسطین و مردم مظلوم غزه از جمله گشودن گذرگاه رفح و عدم تخریب و مسدود کردن تونل‌های زیر زمینی حماس و مقاومت در باریکه غزه اجرا می‌کرد.

۴- اشتباه دیگر مرسی میدان دادن به گروه های سلفی و افراطی بود که به سبب دامن زدن به نزاع شیعه و سنی و حمایت از تندروی های سلفیون تکفیری در مصر شد. اقدام سلفی‌های تندور در به شهادت رساندن شیخ حسن شحاته و اهانت به جنازه وی، نماد بارز قدرت یابی سلفی ها در مصر بود که در سایه تساهل و تسامح مرسی به وجود آمد.

عبدالفتاح سیسی

آینده پیش روی مصر

با شکست دولت مرسی می‌توان گفت یکی دیگر از فرصت‌های تاریخی که پس از هشت دهه نصیب جریان اسلام گرای مصر شده بود از دست رفت. این موضوع نشان داد که نظامیان در مصر همچنان محور قدرت را در دست دارند. با این که ارتش در انقلاب سال گذشته با مردم همراهی کرد، اما این همراهی را به حساب کاهش قدرت نظامیان نمی‌توان گذاشت.

در دوران بعد از مبارک ارتش هوشمندانه منافعی را دنبال می‌کند که برخاسته از مثلث رؤسای ارتش، بازماندگان رژیم مبارک و آمریکا است. ارتش خود را با مردم درگیر نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند دولت منتخب را رودرروی مردم قرار دهد و به دست مردم، دولت قانونی را ساقط کرده و تیر آخر را بر پیکری که مردم مرگش را می‌خواهند وارد کند.

می‌توان گفت سقوط دولت مرسی به این معناست که دیگر هیچ رئیس جمهوری در مصر از ناحیه نظامیان احساس امنیت و ثبات نخواهند داشت و مسأله دیگر این که اگر هر گروهی چند روز میدان التحریر را اشغال و نظر مثبت نظامیان را جلب کند حکومت از آن او بوده و حکومت قانونی مصر سقوط خواهد کرد؛ موضوعی که در سطح کلان، کشور مصر را با بی ثباتی مواجه می کند و احتمال کشیده شدن به سوی جنگ داخلی و فرقه‌ای را افزایش می‌دهد و در نهایت تنها کسی که از این وضعیت سود می‌برد آمریکا و رژیم صهیونیستی است. البته نباید فراموش کرد که نهضت بیداری اسلامی همچنان در مصر زنده و در بین آحاد جامعه مصر در جریان است.

به نظر می رسد بعد از مرسی نفوذ آمریکا و عربستان در مصر افزایش یابد، اما مسلما مصر به دوران قبل از مرسی و زمان مبارک باز نخواهد گشت و با دورانی از ناآرامی مواجه خواهد بود و در این شرایط هنر جریان‌های اسلامی است که بتوانند حیات سیاسی خود را همچنان حفظ کرده و بخش هایی از قدرت را به دست گیرند. به احتمال زیاد هر دولتی که در مصر روی کار آید نمی تواند از جریان اسلامی چشم پوشی کند و اسلام گرایان پای ثابت دولت های بعدی خواهند بود.

در عین حال به نظر می رسد که اسلام گریان مصر با تکثر بیشتری مواجه شوند و آرایش سیاسی مصر دگرگون خواهد شد. چه این که یکی از معترضان اصلی مرسی بخشی از جریان اخوانی بود که انحصار سیاسی دولت مرسی آن ها را از موافق تبدیل به مخالف کرده بود.

یکی از مسائل مهمی که می‌توان درباره عبدالفتاح سیسی (رئیس جمهوری فعلی) بیان کرد موضع او در قبال بحران سوریه است که معتقد است مصر به اراده وخواست مردم سوریه احترام گذاشته و در امور آنان دخالت نمی‌کند و راه حل آنرا از طریق سیاسی می‌داند و نه راه حل نظامی.

پارلمان مصر نیز که در سال ۲۰۱۲ توسط یک دادگاه نظامی منحل شد که البته اکثر اعضای آن از حزب اخوان المسلمین بودند پس از سه سال کار خود را در ۲۰دی ماه گذشته دوباره آغاز کرد و در حال حاضر از۵۹۶ کرسی آن بیشتر کرسی‌ها در اختیار حامیان سیسی است.

پارلمان موظف شده در آینده حدود ۳۰۰ لایحه که از سال۲۰۱۴ با برکناری مرسی و روی کار آمدن سیسی و حتی قبل از آن در زمان عدلی منصور رئیس موقت مصر مطرح شده‌اند را تصویب کند. اصلی‌ترین این لوایح مربوط به محدودیت برگزاری تظاهرات خیابانی و قوانین محدودیت آزادی بیان و مطبوعات و افزایش قدرت پلیس است.

نقض حقوق بشر توسط آل خلیفه

مرکز حقوق بشر بحرین در گزارش سالانه خود از سلسله اقدامات ضدحقوق‌بشری رژیم آل خلیفه علیه شهروندان یمنی به مطالب تکان‌دهنده‌ای اشاره کرده است.به گزارش پایگاه العهد، مرکز حقوق بشر بحرین گزارش سالانه خود در خصوص اقدامات ضدحقوق‌بشری رژیم آل‌خلیفه علیه شهروندان یمنی در سال ۲۰۱۵را منتشر کرد. براین‌اساس، در گزارش منتشر شده از سوی کمیته حقوق بشر بحرین که در ۴۱صفحه تنظیم شده، آمده است، نظامیان رژیم آل‌خلیفه در طول سال ۲۰۱۵، ۱۸۸۳شهروند بحرینی را تنها به علت مشارکت در تظاهرات مسالمت‌آمیز بازداشت کردند. در ادامه این گزارش آمده است: در میان افراد بازداشت شده نام حدود ۵۰۰ زن و کودک بحرینی به چشم می‌خورد. این کمیته در همین زمینه تصریح می‌کند، پر واضح است که شمار افراد بازداشت‌شده توسط رژیم آل‌خلیفه بسیار فراتر از ۱۸۸۳نفر است، چراکه بسیاری از خانواده‌های بحرینی به دلیل هراس از انتقام‌جویی دستگاه‌های امنیتی رژیم آل‌خلیفه از گفتن حقیقت در خصوص بازداشت فرزندان خود توسط این رژیم خودداری می‌کنند.

در ادامه این گزارش تصریح شده است، در سال ۲۰۱۵رژیم آل‌خلیفه شمار زیادی از شهروندان بحرینی را به دلیل مشارکت در تظاهرات ضد دولتی به مناطق و کشورهای دیگر تبعید کرد.کمیته حقوق بشر بحرین همچنین ضمن انتشار تصاویری از زندانیان سیاسی بحرینی که مورد شکنجه نظامیان رژیم آل‌خلیفه قرار گرفتند، اعلام کرد، در سال ۲۰۱۵زندانیان سیاسی بحرینی تحت شدیدترین شکنجه‌های برنامه‌ریزی شده نظامیان رژیم آل‌خلیفه قرار گرفتند.در همین ارتباط این کمیته افزود، از جمله گسترده‌ترین شکنجه‌ها علیه زندانیان سیاسی در زندان «جو» منامه صورت گرفت که به دنبال آن ده‌ها نفر شهید و شمار زیادی از زندانیان نیز به شدت مجروح شدند .این کمیته همچنین به بازداشت شمار زیادی از فعالان فضای مجازی در بحرین به دلیل انتقاد از عملکرد رژیم آل‌خلیفه اشاره و اعلام کرد، فعالان فضای مجازی به دلیل انتقاداتی که نسبت به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم آل‌خلیفه داشتند با سخت‌ترین واکنشها از سوی این رژیم مواجه شدند. کمیته حقوق بشر بحرین در ادامه با اشاره به سیاست رژیم آل‌خلیفه در لغو تابعیت شهروندان بحرینی، تصریح کرد، در سال ۲۰۱۵رژیم آل‌خلیفه تابعیت بیش از ۲۰۰شهروند بحرینی را لغو کرد. این اقدام پس از ادعای ارتباط شهروندان بحرینی با گروه‌های تروریستی صورت گرفت.در ادامه این گزارش آمده است رژیم آل خلیفه در طول سال ۲۰۱۵ اقدامات سرکوبگرانه بسیاری را علیه شیعیان بحرینی انجام داده و برای آنها در بسیاری از موارد محدودیت قائل شد. اکنون شیعیان بحرینی با سیاست تبعیض‌آمیز رژیم آل‌خلیفه در برخورداری خود از حقوق شهروندی مواجه هستند.

در خصوص سرکوب آزادی بیان نیز کمیته حقوق بشر بحرین در گزارش سالانه خود آورده است، در سالی که گذشت حتی رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی هم از اقدامات سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه در امان نماندند، چراکه بسیاری از آنها به دلیل انتقاد از سیاستهای این رژیم یا مورد هجوم قرار گرفتند یا تعطیل شدند.کمیته حقوق بشر بحرین همچنین به هتک حرمت رژیم آل خلیفه به مقدسات در بحرین اشاره کرده و اظهار داشت، نظامیان رژیم آل خلیفه در طول سال ۲۰۱۵ به ویژه در ایام محرم‌الحرام و روزهای تاسوعا و عاشورا اقدام به جمع آوری تمامی پرچمهایی که بر روی آن اسماء مقدس نگاشته شده بود، کردند.در همین ارتباط این کمیته اعلام کرده است، بسیاری از سخنوران و مداحان بحرینی و همچنین کسانی که در مراسمهای عزاداری محرم‌الحرام شرکت کرده بودند، توسط دادستانی آل‌خلیفه برای بازجویی فراخوانده شدند.کمیته حقوق بشر بحرین در پایان گزارش تکان‌دهنده خود از سلسله اقدامات رژیم آل‌خلیفه در نقض گسترده حقوق بشر در بحرین خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی و تعیین ساز و کارهایی به منظور آغاز گفتگو با مخالفان شده است.این کمیته همچنین از رژیم آل‌خلیفه خواسته تا سیاستهای تبعیض‌آمیز خود در قبال شیعیان بحرینی را متوقف و مبارزه با تروریسم را در جایی دیگر به سرانجام برساند.

کمیته حقوق بشر بحرین همچنین خواستار توقف فوری شکنجه زندانیان سیاسی در بند آل خلیفه شده و اعلام کرده است؛ کسانی که به هر دلیل از دولت انتقاد دارند، نباید با بدترین واکنشهای ممکن مواجه شوند. این کمیته همچنین از رژیم آل‌خلیفه خواسته تا به حملات خود علیه فعالان حقوق بشری در بحرین پایان داده و به آنها اجازه دهد تا با آزادی کامل به فعالیتهای خود ادامه دهند. کمیته حقوق بشر بحرین همچنین ضمن انتقاد شدید از ممانعت مقامات رژیم آل‌خلیفه از ورود مقامات حقوق بشری سازمان ملل به بحرین، اعلام کرد، رژیم آل‌خلیفه باید هرچه سریعتر مجوز ورود مسئولان نهادهای بین‌المللی حقوق‌بشری به کشور را صادر کنند.گفتنی است، اکنون حدود ۶ سال از آغاز نهضت مردمی در بحرین می گذرد. در طی این سالها مردم بحرین بارها با برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز در نقاط مختلف این کشور، توقف اقدامات تبعیض‌آمیز علیه خود توسط مقامات رژیم آل‌خلیفه را خواستار شده‌اند.

دادستان کل کشور: مبارزه با مواد مخدر نیاز به همکاری‌های بین‌المللی دارد

سرویس خبر: دادستان کل کشور در دیدار با همتای قزاقستانی خود بر انتقال تجربیات حقوقی ـ قضایی به جمهوری قزاقستان تاکید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جعفر منتظری در این دیدار با ابراز خرسندی از سفر هیات قضایی قزاقستان به ایران، به تشریح وظایف، عملکرد و ساختار دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران پرداخت و با تأکید بر «استقلال قوه قضائیه» ایران، یکی از وظایف مهم دادستانی کل کشور در ساختار قضایی جمهوری اسلامی ایران را «دفاع از حقوق عمومی» در کشور برشمرد و گفت: یکی از مهمترین ویژگی‌های دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران استقلال آن از سایر قوا است به گونه‌ای که هیچ گونه عزل و نصبی از سایر قوا در این قوه انجام نمی‌گیرد.

*** قدرت‌های جهانی حامی تروریسم**

او با تأکید بر این که روابط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان کشورها موجب ایجاد حلقه‌های دوستی و همکاری خواهد شد و ۲ کشور ایران و قزاقستان نیز دارای سوابق روابط و مشترکات متعدد هستند، یکی از مهمترین دغدغه‌های فعلی جهان را گسترش تروریسم دانست و گفت: متأسفانه قدرت‌های جهانی از تروریسم حمایت می‌کنند و اگر حمایت آنها و در رأس‌شان آمریکا و رژیم صهیونیستی نبود، آیا ما شاهد اینگونه جنایات بودیم؟

*** شهدای زیادی تقدیم کرده‌ایم**

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری با تأکید بر این که امنیت کشورهای منطقه خواسته اکید جمهوری اسلامی ایران است و در این راه آماده ارائه هر کمکی به قزاقستان در زمینه مشکل ترانزیت مواد مخدر است، اشاره کرد و گفت: ما برای مبارزه با مواد مخدر شهدای زیادی تقدیم کرده‌ایم در حالی که می‌توانیم مسیر ترانزیت مواد مخدر را باز بگذاریم و هزینه‌ای ندهیم اما این حرکت را خیانت به بشریت می‌دانیم و شهید می‌دهیم.

وی مبارزه با تولید قاچاق مواد مخدر را منوط به همکاری‌های بین‌المللی دانست و گفت: کشورهای هدف در ترانزیت مواد مخدر به جای این که از جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قاچاق مواد مخدر حمایت کنند، به ما برچسب ضد حقوق بشری می‌زنند و این مایه تأسف است.

او جرائم سایبری و تخلفات در این زمینه را از سوی مخالفان اخلاق و هنجارهای اخلاقی و خانواده‌ها و با اهدف مسموم کردن خانواده‌ها و جوامع برشمرد و تأکید کرد: اهمیت مدیریت فضای سایبری در جمهوری اسلامی ایران به حدی است که به دستور مقام معظم رهبری شورای عالی مجازی درکشورمان ایجاد شده است.

*** استفاده از تجربیات ایران**

آسخاف داولبایف دادستان کل کشور قزاقستان نیز در این دیدار با ابراز خرسندی از سفر به ایران و تشکر از میهمان‌نوازی مقامات قضایی ایران و تبریک انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری به عنوان دادستان کل کشور، رابطه ۲ کشور را همواره بر پایه احترام متقابل توصیف کرد و گفت: ایران و قزاقستان در طول سال‌های متمادی و در عرصه‌های مختلف، کوچکترین اختلاف نظری نداشته‌اند.

وی با استقبال از گسترش روابط حقوقی و قضایی ایران و قزاقستان، هدف از امضای توافق‌نامه‌های حقوقی و قضایی را بهبود و تسهیل در امور مردم۲کشور اعلام کرد. در این دیدار با امضای یادداشت تفاهم مشترک، بر گسترش همکاری‌های قضایی۲ کشور از جمله همکاری در زمینه مقابله با تروریسم و افراطی‌گری تأکید شد.

*** اظهار امیدواری معاون اول قوه قضائیه**

معاون اول قوه قضائیه گفت: امیدواریم تفاهمنامه‌هایی که در مسائل حقوقی و قضایی میان ایران و قزاقستان به امضا رسیده است، عملیاتی و اجرایی شود.حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای در دیدار با اسخات داولبایف دادستان کل جمهوری قزاقستان افزود: رابطه ۲ کشور رو به توسعه است و بسیار رابطه خوب و صمیمی داریم و از این روابط برای حل مسائل منطقه استفاده می‌کنیم.او گفت: این ۲ توافقنامه‌ای که با وزیر دادگستری و دادستان کل کشور امضا کردیم، حمایت‌هـای لازم را از آن‌هـا خواهم کرد که از طرف ایران عملیاتی شود.وی افزود: البته سه مساله وجود دارد که ضروری است کشورها به خصوص کشورهای دوست و همسایه کمک کنند تا حل و فصل شود و در واقع در اولویت کاری خود قرار دهند که یکی از این مسائل مساله تروریست، سلفی‌ها و تکفیری‌ها هستند که خسارت‌های سنگین زیادی در منطقه به بار آورده‌اند.معاون اول قوه قضائیه گفت: مساله دیگر جرائم سایبری در فضای مجازی است که شاید هنوز آثار سوء جرائم سایبری برای همه روشن نشده باشد اما یکی از مشکلات سال‌های آینده کشورها همین مسائل جرائم سایبری است.وی افزود: مساله سوم که همکاری همه کشورها به ویژه کشورهای دوست را می‌طلبد تا برای حل آن کمک کنند مساله مواد مخدر است.

دادستان کل کشور قزاقستان در این دیدار از مهمان نوازی جمهوری اسلامی ایران تشکر کرد و گفت: اگر ایران بتواند به سازمان شانگهای ملحق شود، مسلما قدم مناسب خوبی برای ایران در پی خواهد داشت.

تأکید سازمان نظام پزشکی بر بیمه شدن خدمات دندانپزشکی

رئیس کل سازمان نظام پزشکی ضمن اشاره به خدمات دندانپزشکان در کشور، بر لزوم پوشش بیمه‌ای خدمات دندانپزشکی تاکید کرد.

به گزارش ایسنا دکتر علیرضا زالی در پیامی به مناسبت روز دندانپزشک آورده است: با وجود جامعه‌ای فرهیخته و مشحون از توانمندی، عدم برخورداری خدمات دهان و دندان از پوشش بیمه‌ای مناسب نمی‌تواند توجیه مناسبی داشته باشد. متاسفانه پرداخت از جیب مردم در حوزه دندانپزشکی نزدیک به صد درصد است. بر این اساس انتظار می‌رود ارایه پوشش بیمه‌ای مناسب برای خدمات دندانپزشکی از اولویت‌های نظام سلامت در نظر گرفته شود.

دربخش دیگر این پیام، دکتر زالی روز ملی دندانپزشکی را به تمامی جامعه دندانپزشکان کشور صمیمانه تبریک گفت وافزود: بر خود واجب می‌دانم تا از تمام همکاران گمنام و آراسته به فضائلی که تفاخرات دنیوی در مقابل روح بلند آنان سر تعظیم و ستایش ساییده و افتخار خدمت به محرومین و دردمندان را بر هیچ موقعیتی برتری نداده‌اند، سپاسگزاری نمایم.

اخبار داخلی

حال ۲ نوزاد از ۵ قلوهای مشهدی خوب نیست

مشهدـ خبرنگار اطلاعات: حال ۲ نوزاد از پنج قلوهای مشهدی که در بیمارستان ام‌البنین(س) این شهر از مادری ۲۳ ساله به دنیا آمدند، بنا به اعلام تیم پزشکی معالج نوزادان، خوب نیست.

مسئول روابط عمومی بیمارستان ام‌البنین(س) دانشگاه علوم پزشکی مشهد اعلام کرد: براساس اعلام پزشک متخصص یکی از نوزادان برای مراقبت بیشتر به بیمارستان امام رضا(ع) مشهد انتقال یافته و یکی دیگر از این ۵قلوهای پسر نیز به علت مشکل تنفسی تحت نظر است.

دکتر مهری محمدی گفت: ۳ نوزاد دیگر در شرایط عادی و در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ام‌البنین(س) بستری هستند.

***کمک آستان قدس**

آستان قدس رضوی هزینه بیمارستانی و کمک هزینه نگهداری پنج قلوها را متقبل شد.حجت الاسلام والمسلمین رئیسی تولیت آستان قدس رضوی با صدور دستوری اعلام کرد: آستان قدس هزینه‌های بیمارستانی و کمک هزینه نگهداری پنج قلوی مشهدی را تقبل می‌کند.

آیین نامه اجرایی قانون جامع حدنگار ابلاغ شد

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه، آیین نامه اجرایی قانون جامع حدنگار(کاداستر) را تصویب و برای اجرا به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ابلاغ کرد.

این آیین نامه شامل ۱۹ ماده و ۱۵ تبصره است.قانون جامع حدنگار(کاداستر) اواخر سال ۹۳ پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی به تأیید شورای نگهبان رسید و در سال گذشته پیش نویس آیین نامه اجرایی این قانون که در ابعاد مختلف حقوقی و اجتماعی با بخش‌های اجرایی، قضایی، نظامی، کشاورزی، مسکن، راه‌ها، نیرو، آب و جنگل‌ها و مراتع مرتبط است در سازمان ثبت اسناد واملاک کشور تدوین شد و پس از تصویب رئیس قوه قضائیه برای اجرا به این سازمان ابلاغ شده است.

دستگیری یکی از عوامل شهادت مامور انتظامی رودان

سرویس حوادث: رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از دستگیری یکی از عوامل شهادت مامور نیروی انتظامی در بخش بیکای شهرستان رودان خبر داد و گفت: یکی از متهمان پرونده دستگیر شد و تحقیقات برای شناسایی سایر متهمان فراری ادامه دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین صادق اکبری افزود: اشرار مسلح ۴ فروردین جاری در جریان تیراندازی به خودرو انتظامی پاسگاه بخش بیکا گروهبان یکم امید طاهری را به شهادت رساندند. وی اضافه کرد: در جریان این تیراندازی سرباز وظیفه مسعود امیدزاده هم از ناحیه کتف به طور سطحی آسیب دید.

۴ معلم نهاوندی در تصادف مجروح شدند

همدان: براثر برخورد یک نیسان با یک پراید در حوالی روستای «دهفول» ۴ نفر معلم زن سرنشین آن و راننده مجروح شدند و توسط آمبولانس فوریت‌های پزشکی به بیمارستان علیمرادیان منتقل شدند. حال عمومی مجروحان حادثه مناسب است.

آغاز رزمایش پیامبر اعظم(ص) در جنوب شرق کشور

سراوان (جالق) ـ خبرنگار اعزامی اطلاعات از زاهدان: رزمایش امنیتی پیامبر اعظم(ص) صبح دیروزبا محوریت قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌صورت همزمان در استان‌های سیستان وبلوچستان، جنوب استان کرمان، جنوب استان خراسان جنوبی و شرق استان هرمزگان به مدت ۳ روز با پیام ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و نمایش بخشی از قدرت دفاعی رزمندگان نیروی زمینی سپاه پاسداران در جنوب شرق کشور عملیاتی شد.

سردار پاسدار محمد مارانی فرمانده قرارگاه عملیاتی قدس جنوب شرق کشور و فرمانده رزمایش، ساعت ۱۰ دیروز با حضور در پاسگاه فرماندهی و با رمز مقدس «یا رسول(ص)، یا رسول(ص)، یا رسول(ص)» دستور آغاز این رزمایش را صادر کرد.

دستور آغاز رسمی این رزمایش در مرحله نخست از اجرای آن با انجام سلسله عملیات رهایی گروگان، هلی بورن، اجرای آتش از زمین و هوا و چتر بازی همراه بود.

در اجرا و برگزاری این رزمایش بزرگ امنیتی تیپ‌ها و لشکرهای مختلف وابسته به نیروی زمینی سپاه سازماندهی شده‌اند که با اقتدار کامل و آرایش منظم به اجرای آن خواهند پرداخت.

این رزمایش در روز نخست در بخش جالق منطقه سراوان، امروز در منطقه عمومی میرجاوه و فردا با تجمع فرماندهان و یگان‌های شرکت‌کننده در شرق زاهدان برگزار می‌شود.

نیروهای بومی و لشکرهای ۴۱ ثارالله و ۱۹ فجر، تیپ‌های ۳۳ المهدی(عج)، ۱۱۰ سلمان، حضرت علی اکبر (ع) و یگان‌های صالحین و صابرین، توپخانه، زرهی و مکانیزه و یگان تازه تاسیس هوانیروز در این رزمایش شرکت دارند.

در این رزمایش امنیتی جدیدترین دستاوردهای نیروی زمینی سپاه در حوزه دفاعی و امنیتی به‌کارگیری و آزمایش می‌شود.این رزمایش با چهار هدف حفظ آمادگی رزمی در یگان‌های منطقه ای، نمایش اقتدار نیروهای مسلح مستقر در منطقه، هویت بخشی و امنیت سازی مبتنی بر بومی و مردمی کردن امنیت در منطقه و عملیاتی کردن برخی تاکتیک‌ها و روش‌های مختلف عملیاتی در متون درسی درحال برگزاری است.

در مرحله نخست برگزاری این رزمایش، سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس سازمان ارکان ستاد کل نیروهای مسلح، سردار حسین سلامی جانشین فرمانده کل سپاه، سردار محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه و شماری از فرماندهان عالیرتبه ارتش، نیروی انتظامی، روحانیون و مسئولان استانی و شهرستانی حضور داشتند.

رزمایش گردان‌های چهار هزار نفری شرکت کننده از ۴ استان کشور دراین رزمایش پنجشنبه در مصلی قدس زاهدان برگزار شده بود.

سرهنگ پاسدار پودینه جانشین قرارگاه سجاد در رزمایش پیامبر اعظم(ص) در رابطه با برگزاری این رزمایش گفت:بر اساس طرح‌های تهیه شده در دستورات سلسله مراتب خودمان به منظور بررسی آمادگی و بالا بردن توان رزم نیروهای خود و نیز ایجاد هماهنگی بین نیروهای سپاه بسیج و طوایف طرح امنیتی در جنوب شرق با عنوان رزمایش پیامبر اعظم (ص) اجرا می‌شود.

*** پایداری امنیت در منطقه**

وی افزود: به منظور پایدار کردن امنیت در منطقه و استفاده از ظرفیت‌های مردمی و طوایف و دسته‌های رزمی و نیز گروهان‌های ویژه و سایر سازمان‌های بسیج به صورت ویژه در ۳ منطقه بزرگ زیر نظر طوایف برگزار می‌شود.

او گفت: این۳ منطقه عمده در جالق بین طوایف سپاهی، رئیسی و نعمت اللهی تقسیم شده است و سایر طوایف نیز در تیره‌های زیر مجموعه این بلوک‌ها فعالیت خواهند کردو لایه بیرونی و دفاعی شهر را گردان بیت المقدس و امام حسین (ع) تامین می‌کنند.

پاسدار پودینه اظهار داشت: همه این سازمان‌های رزمی مبنی بر توانمندی طوایف، دسته‌های رزمی و پایگاه‌های مقاومت است.

وی افزود: در طول این رزمایش از مراحل آمادگی تا کنون اقدامات محرومیت زدایی و مردم یاری در منطقه انجام پذیرفته به طوری که نیروهای بسیجی توانسته‌اند نسبت به بازسازی متناوب، اصلاح مسیر آب، اقدام و یک هزار بسته کمک‌های ارزاق عمومی در بین افراد مستمند توزیع کنند.

*** مقابله با اقدام تروریستی**

فرمانده قرارگاه قدس سپاه با بیان اینکه ما برای مقابله با هرگونه حرکت تروریستی آماده‌ایم، افزود: یکی از پیام‌های رزمایش پیامبر اعظم(ص) در جنوب شرق، اعلام آمادگی جمهوری اسلامی برای همکاری با همه کشورهای همسایه و دوست است.

سردار محمد مارانی، پیام این رزمایش را برای کشورهای منطقه، آمادگی نظام جمهوری اسلامی برای همکاری با همه کشورهای همسایه و دوست اعلام کرد و گفت: ما برای مقابله با هرگونه حرکت تروریستی آماده‌ایم.

وی افزود: در این رزمایش بخشی از اقدامات قرارگاه قدس به نمایش درآمده و استحکام بخشی به زیر ساخت‌های امنیتی منطقه، تعمیق رابطه سپاه و مردم، نشان دادن اراده نظام برای توجه اساسی به منطقه جنوب شرق و توجه به مسایل امنیتی و عمرانی و فرهنگی، مشارکت مردم بومی در تامین امنیت منطقه و تمرین برای ارتقای آمادگی همه جانبه از جمله اهداف دیگر این رزمایش است.

فرمانده سپاه قدس جنوب شرق کشور گفت: در این رزمایش سه روزه ۵ قرارگاه فرعی،یگان‌های رزمی نیروی زمینی و هوانیروز سپاه، توپخانه، مرزبانی، نیروی انتظامی و نیروهای مردمی شرکت دارند.

*** برپایی بیمارستان صحرایی**

معاون بهداری قرارگاه قدس سپاه در جنوب شرق کشور گفت: سی امین بیمارستان صحرایی سپاه توسط مرکز بهداری رزمی شمال شرق همزمان با آغاز رزمایش پیامبر اعظم (ص) در بخش اسفندک شهرستان سراوان در جنوب سیستان وبلوچستان آغاز به کار کرد.

غلامعلی کفاش اظهار داشت: این بیمارستان به مدت یک هفته فعال است و به مردم منطقه خدمات درمانی ارائه می‌دهد.

وی ادامه داد: بخش‌های بستری مردان و زنان، ریکاوری، آزمایشگاه، چشم پزشکی و سونوگرافی در این بیمارستان فعال بوده و به منظور ارائه خدمات بهتر به مردم تنها سی تی اسکن موجود در نیروی زمینی نیز به این منطقه انتقال یافته است.او با اشاره به ارائه انواع خدمات تخصصی در این بیمارستان افزود: متخصصان داخلی، جراحی زنان و زایمان، اطفال، چشم پزشکی و ارتوپدی با حضور در این بیمارستان تمام خدمات درمانی را به صورت رایگان به مردم ارائه می‌کنند.

کفاش اضافه کرد:بیمارانی که نیاز به ادامه روند درمان داشته باشند به بیمارستان نبی اکرم(ص) زاهدان منتقل می‌شوند و خدمات درمانی آنان نیز رایگان است.

وی بیان کرد: یک بیمارستان صحرایی دیگر نیز همزمان با آغاز رزمایش پیامبر اعظم(ص) در بخش جالق برپا شده است که عمومی نیست و فقط به نیروهای حاضر در رزمایش خدمات رسانی می‌کند.

هواپیماهای ساخت ایران تا ۳۰ ماه دیگر در آسمان کشورمان به پرواز در می‌آید

سرویس شهرستانها: مدیرعامل شرکت دانش بنیان توسعه پرواز یزد گفت: کارخانه باسابقه تکنام (tecnam) ایتالیا برای نخستین بار با عقد قردادی ۲۴ ماهه به ارزش ۳۰ میلیون یورو دانش ساخت هواپیما را به این شرکت یزدی واگذار کرده است و تا ۳۰ ماه آینده هواپیماهای ساخت ایران در آسمان کشورمان به پرواز در خواهد آمد.

سیدعبدالرضا حسینی نسب افزود: بر اساس این قرارداد که از تیر امسال اجرا می‌شود کارخانه ایتالیایی در مدت ۲۴ ماه دانش فنی ساخت هواپیماهای کم سرنشین ۲ تا ۱۲ نفری را در اختیار شرکت توسعه پرواز یزد قرار می‌دهد و نخستین کارخانه تولید هواپیما در خاورمیانه در یزد راه اندازی و محصولات آن به ۱۵ کشور صادر خواهد شد.

وی اضافه کرد: اجرای این قرارداد که بهمن سال گذشته در سفر رئیس‌جمهوری به ایتالیا و با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت به امضا رسید مانع خروج ارز با حجم بسیار زیاد برای خرید قطعات و هواپیماهای آموزشی نظامی و غیر نظامی می‌شود و خرید پیشرفته‌ترین هواپیمای دنیا بدون خروج ارز، گمرک و هزینه زیاد حمل و نقل هواپیما امکانپذیر خواهد شد.

***دانش فنی تولید هواپیما**

وی ادامه داد: با توجه به این‌که تمام آلیاژهای تولید هواپیما از سال‌ها پیش در کشورمان موجود است قیمت تمام شده انواع محصول‌ها نسبت به مشابه آن در اروپا برای کشورمان ۳۰ درصد کاهش می‌یابد و مهمتر از همه این‌که ایران به طور کامل صاحب دانش فنی تولید هواپیما خواهد شد.مدیرعامل شرکت دانش بنیان توسعه پرواز یزد اضافه کرد: بر اساس قرارداد منعقد شده علاوه بر اعزام نیروی متخصص از ایران به اروپا برای آموزش، یک هواپیما نیز در این مدت (۲۴ ماه) به صورت کاملاً مجزا با طراحی مشترک متخصصان شرکت توسعه پرواز یزد و تکنام ایتالیا با نامی ایرانی در کشورمان تولید می‌شود.

وی افزود: چشم انداز شرکت توسعه پرواز یزد تا ۱۰ سال آینده تولید هواپیماهای ۵۰ تا ۷۰ نفری از طریق انتقال دانش است.

حسینی نسب گفت: فعالیت شرکت توسعه پرواز یزد از سال ۱۳۹۱ با سرمایه گذاری ۱۸ میلیارد ریال و با خرید ۲ فروند هواپیما، ساخت آشیانه و تمامی امکانات کمک آموزشی به منظور آموزش خلبانی در فرودگاه بین المللی شهید صدوقی آغاز شد و طی دو سال فعالیت نزدیک به ۲۵ نفر گواهینامه دریافت کردند.

این نخبه یزدی با اشاره به همکاری شماری از نخبگان این استان با شرکت توسعه پرواز برای رفع مشکلات این شرکت اضافه کرد: ثبت دو اختراع شامل پمپ سوخت رسان و ژنراتور برق سبب شد اوایل سال ۱۳۹۴ به شرکت دانش بنیان تبدیل شویم؛ این اختراع‌ها اکنون به تولید انبوه رسیده است و دیگر استان‌ها و نیروهای نظامی کشور نیز از آن بهره‌مند می‌شوند. حسینی نسب با اشاره به نشست اخیر خود با سیدمحمدرضا سیدحسینی معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار یزد گفت: معاون استاندار در این نشست با تاکید بر توجه ویژه مسئولان استان به شرکت‌های دانش بنیان، به درخواست واگذاری ۱۰۰ هکتار زمین در اسرع وقت برای اجرای طرح‌های این شرکت و راه اندازی نخستین مرکز توسعه و رشد علوم و فنون هوایی کشور در یزد قول مساعد داد.وی با بیان این‌که کارخانه هواپیماسازی توسعه پرواز یزد برای ۲۷۰ نفر شغل ایجاد خواهد کرد، یادآور شد: صنعت هوافضا،های تک و بدون آلودگی و مصرف آب است و امیدواریم با حمایت مسئولان استان یزد و کشور بتوانیم به زودی دانش تولید هواپیما را بومی سازی کنیم.مدیرعامل شرکت دانش بنیان توسعه پرواز با اشاره به برنامه‌ریزی این شرکت برای واگذاری بخشی از سهام به مردم استان یزد، از نخبگان و فارغ التحصیلان رشته‌های هوافضا و تعمیر و نگهداری برای همکاری دعوت به عمل آورد.

دادستان تهران آمار پرونده‌های رانندگی در حال مستی در شهر تهران را هشدار دهنده خواند

سرویس خبر: دادستان تهران درنخستین جلسه شورای معاونان دادسرای عمومی و انقلاب تهران با موضوع «سیاست‌ها و برنامه‌های دادسرای تهران در سال ۹۵ و پیگیری پرونده‌های اقتصادی» گفت آمار قابل توجه رانندگی هنگام مستی و شرب خمر نیازمند تحلیل، بررسی و اتخاذ تدابیر مناسب است.

عباس جعفری دولت آبادی دراین جلسه به برخی رویدادهای سیاسی، امنیتی و قضایی مهم سال گذشته اشاره کرد و با اعلام این‌که سال ۱۳۹۴ برای جمهوری اسلامی ایران سالی امن و توام به آرامش بود، اظهار داشت: با وجود ناآرامی‌های موجود در برخی کشورهای همسایه مانند عراق و دیگر کشورهای عربی از جمله لبنان، سوریه و یمن، کشور سالی آرام و ایمن را پشت سر گذاشت و منازعات موجود در کشورهای همسایه، امنیت جمهوری اسلامی ایران را تحت‌الشعاع قرار نداد.

وی در توضیح، آمار پرونده‌های رانندگی در حال مستی در شهر تهران در سال ۱۳۹۴ را ۲۹۰۰ فقره اعلام کرد و ضمن این که این آمار را هشدار دهنده خواند، از سرپرستان نواحی خواست با اتخاذ تدابیر مدیریتی همراه با برنامه‌ریزی، در مقابله با این گونه جرائم اقدام کنند.

نکته دیگری که به عنوان سیاست قابل اتخاذ در دادسرای عمومی تهران مورد تاکید دادستان تهران قرار گرفت، مبارزه با فساد اقتصادی بود.

دادستان عمومی و انقلاب تهران در این راستا رصد پرونده‌های مرتبط با جرائم اقتصادی توسط سرپرستان نواحی را ضروری خواند.

هشدار کارشناسان در مورد خطرات جدی سلول درمانی در برخی از بیماری ها

کارشناسان سلول های بنیادی نسبت به استفاده از سلول درمانی های تایید نشده که در برخی کشورها صورت می گیرد و تبلیغات کاذبی روی آن ها صورت می‌گیرد به بیماران هشدار دادند.

به گزارش مهر، ثبت نام برای سلول درمانی برای بسیاری از بیمارانی که از شرایطی مانند آسیب نخاعی، مولتیپل اسکلروزیس، پارکینسون و ... رنج می برند، مملو از خطر است.یک سال پیش یک نوجوان بعد از این که در یک کلینیک روسی متحمل سلول درمانی شد مبتلا به تومورهای مغزی شد. همچنین گزارشات متعددی وجود دارد که برخی از بیماران بعد از سلول درمانی در چین مبتلا به منتزیت شده اند.

اخیرا کتابچه راهنمایی توسط مرکز سلول‌های بنیادی استرالیا منتشر شده است که به بیماران کمک می کند که سلول درمانی هایی که در خارج از کشور اتفاق می‌افتد را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و در صورت نیاز تصمیم درستی برای استفاده از آن ها اتخاذ کنند. با این حال همه کارشناسان، بیماران را از خطراتی که این سلول درمانی‌های افراطی در برخی کشورها دارند برحذر داشته‌اند. دکتر هربرت، در مرکز سلول های بنیادی استرالیا تاکید دارد که سه بیمار مبتلا به آسیب نخاعی، پس از انجام سلول درمانی در چین، به منتزیت مبتلا شده‌اند.

بیماران باید مطلع باشند که استفاده از این سلول درمانی ها وعده داده شده برای برخی سرطان ها، بیش از آن که مفید باشد، افراد را دچار عوارض ناخواسته جانبی بسیار می کنند.

زن جوان، نامزدش را به خاطر اعتیاد کشت

سرویس حوادث: زن جوانی بامداد دیروز پس از قتل نامزدش به دلیل استعمال شیشه در خانه او توسط کارآگاهان جنایی تهران بازداشت شد.

سردار محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در توضیح این پرونده اظهار داشت: بامداد دیروز کشف جسدی در واحد ۱۹ یک مجتمع مسکونی در محدوده بزرگراه شهید اشرفی اصفهانی به کلانتری ۱۴۰ باغ فیض اعلام شد. با حضور مأموران کلانتری در محل مشخص شد که جوانی ۳۳ ساله به علت اصابت جسم تیز و برنده به گلویش به قتل رسیده است.

وی افزود: با گزارش موضوع به قاضی کشیک جنایی تهران،کارآگاهان جنایی در محل جنایت حضور یافتند و متوجه شدند خانه متعلق به زن جوان ۳۲ ساله‌ای است که از حدود ۴ سال پیش پس از فوت همسرش و به واسطه یکی از دوستانش با برادر او آشنا و پس از مدتی با یکدیگر نامزد شده‌اند اما پس از گذشت مدت کوتاهی این زن از اعتیاد نامزدش به مصرف مواد مخدر اطلاع پیدا کرده و به این علت از ازدواج با وی منصرف شده اما با این وجود این جوان کماکان اصرار بر ازدواج با او را داشته است.

سردار محمدیان اظهارداشت: این زن مورد بازجویی قرار گرفت اما مدعی شد که نامزدش با گلوی خونین به خانه‌اش رفته که پس ازتحقیقات از همسایه این زن به دستور قاضی ایلخانی بازپرس جنایی بازداشت شد.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ افزود: وی در بازجویی گفت: نامزدم از قبل چاقویی را تهیه و در داخل جاکفشی خانه من گذاشته بود. او به سراغ چاقو رفت تا با آن مرا تهدید کند. در یک لحظه توانستم دسته چاقو را بگیرم اما ناگهان تیغه چاقو وارد گلوی وی شد و او روی زمین افتاد. بسیار ترسیده بودم. با اورژانس تماس گرفتم و پس از دقایقی اورژانس در محل حاضر شداماگفتند که این جوان فوت کرده است.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ افزود: با توجه به اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس صادر شد و متهم پرونده برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

صراف قلابی بازداشت شد

سرویس حوادث:مردی که در پوشش صراف یا فعال پروژه‌های ساختمانی، اعتماد افراد را جلب کرده و به بهانه‌هایی چون خرید کالا، سرمایه‌گذاری و نهایتاً خرید دلار و ارز اقدام به کلاهبرداری و دریافت پول از آنها می‌کرد، بازداشت شد.

شاکی به پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت: چند هفته پیش با شخصی به نام سلطانعلی آشنا شدم که خود را صراف معرفی می‌کرد؛ این شخص مدعی بود که سال‌ها در زمینه خرید و فروش ارز و دلار فعالیت دارد و به این شیوه توانست اعتماد مرا جلب کند تا این که به پیشنهاد وی، برای خرید ارز و دلار به میدان فردوسی رفتیم. در داخل صرافی، وی به بهانه خرید ارز از همکارانش اقدام به گرفتن کارت عابر بانک و رمزآن از من کرد و دقایقی بعد پیامکی را با گوشی تلفن همراه دریافت کردم که نشان می‌داد مبلغ ۲۷ میلیون تومان (تمامی موجودی داخل حساب) از داخل حسابم برداشت شده و این فردهم ناپدید شده است.

کارآگاهان با بررسی تصاویردوربین مداربسته و بهره گیری از بانک مجرمان سابقه دار فردی به نام سلطانعلی –ج ۴۰ساله را که از سال ۷۳ تاکنون بارها به اتهام ارتکاب جرائم مختلف سرقت و کلاهبرداری دستگیر و روانه زندان شده بود شناسایی کردند. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ دراین باره افزود: با ردیابی متهم در اردبیل و قزوین، سرانجام او درکرج بازداشت شد و با شناسایی شکات او معلوم شدکه متهم به شیوه و شگردهای مختلف از جمله انتساب خود به برخی سازمان‌های دولتی یا معرفی خود به عنوان صراف یا فعالیت در زمینه ساخت و ساز پروژه‌های ساختمانی اعتماد افراد را جلب و به بهانه‌های مختلف از خرید کالا، سرمایه گذاری و خرید دلار و ارز اقدام به دریافت پول از آنها کرده‌است.

سردارمحمدیان با اشاره به این که قاضی پرونده دستور چاپ تصویر متهم برای شناسایی سایر شکات او را داده است، از مالباختگان خواست به پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ در میدان پانزده خرداد، جنب کلانتری ۱۱۳ بازار مراجعه کنند.

کشف پرونده جنایی در فضای مجازی

سرویس حوادث:رئیس پلیس فتا از دستگیری یک شبکه چهارنفری که با کپی از کارت‌های عابر بانک اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کردند،خبر داد و گفت: کشف راز یک فقره قتل و پولشویی‌بیش از ۲ میلیارد تومانی از دیگر جرائم ارتکابی انجام گرفته توسط بزهکاران بود.

سردار سید کمال‌هادیانفر افزود: طرح شکایت ۱۴ نفر از شهروندان یزدی در بهمن سال گذشته مبنی بر برداشت غیرمجاز از حساب بانکی آنان زمینه ساز کشف پرونده‌ای پیچیده و راز یک قتل شد.

وی ادامه داد: در بررسی‌های انجام گرفته از سوی کارشناسان پلیس فتا مشخص شد ۳ نفر که ساکن استان‌های همجوار استان یزد هستند، اقدام به کرایه مغازه‌ای برای فروش میوه کرده‌اند که در واقع این حرکت پوششی برای اسکیمر(کپی برداری کردن از کارت عابر بانک) است.

وی افزود: در فعالیت انجام گرفته در بازه زمانی کرایه مغازه از سوی این ۳متهم ۱۰۰ میلیون تومان از حساب بانکی ۱۴ نفر از شهروندان برداشت شد.

سردارهادیانفر اظهار داشت: در تجسس‌های انجام گرفته در محل اختفای این افراد ۳۰عدد کارت بانکی کشف شد و متهمان به برداشت غیرمجاز از ۱۴ حساب از طریق اسکیم کارت اعتراف کردند.

رئیس پلیس فتای ناجا گفت: در تحقیقات بعدی کارشناسان پلیس با استناد به ادله دیجیتال به دست آمده از متهمان، رد پای یک قتل در این پرونده باز شد؛ قتلی که در سال ۱۳۹۰ پس از رابطه پنهانی یکی از متهمان با زنی چهل ساله به وقوع پیوسته و متهم به قتل از دست قانون فرار کرده بود.

او ادامه داد: قتل در حالی به وقوع پیوسته بود که این زن، متهم را تهدید به برملاء کردن رابطه خود با وی کرده بودو برای ساکت کردن صدای این زن تنها راهی که به ذهن متهمان رسیده بود، قتل او در منزل و به آتش کشیدن خودرو شخصی مقتول در گوشه‌ای دیگر از شهر بود.

برادران زورگیر مسلح در دام پلیس

سرویس حوادث: ۲ برادر تحت تعقیب به واسطه صدور چک بلامحل که در پوشش خریدار خودرو هم اقدام به زورگیری و سرقت وسایل نقلیه می‌کردند، به دام افتادند و از مخفیگاه آنان ۲ قبضه سلاح کمری کشف شد. این ۲ متهم امیرحسین و حمیدرضا نام دارند.

سردارمحمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر اضافه کرد: در ادامه رسیدگی به جرائم ارتکابی متهمان و بررسی سوابق آنها مشخص شد که این ۲ برادر از ۴ سال پیش و به اتهام کلاهبرداری به شیوه صدور چک‌های بلامحل، از سوی مرجع قضایی کرمانشاه تحت تعقیب هستند.

وی با اشاره به کشف یک خودرو سواری پژو پارس سرقت شده از متهمان که اقدام به زورگیری آن در پوشش خریدار خودرو کرده بودند، ازهمه شکات خواست برای شناسایی متهمان و پیگیری شکایات خود به نشانی پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در سیدخندان، خیابان سهروردی شمالی، خیابان خرمشهر میدان نیلوفر مراجعه کنند.

بررسی سیل سیستان توسط‌سازمان مدیریت بحران

زاهدان: رئیس سازمان مدیریت بحران کشور دیروز به منظور بازدید وبررسی از وضع سیل سیستان، وارد این منطقه شد.

اسماعیل نجار در حاشیه بازدید از سد سیستان و ورودی آب در مرز ایران و افغانستان گفت: سیل در امتداد مسیر رودخانه در زهک وضع عادی دارد و با کنترل سیلاب هیچ مشکلی مردم منطقه به ویژه روستائیان را تهدید نمی‌کند.او افزود: خوشبختانه سیل در هیچ یک از شهرستان‌های منطقه سیستان تلفات جانی نداشته است.سیلاب ناشی از بارندگی و ذوب شدن برف، از ۱۹ فروردین از طریق رودخانه هیرمند وارد سیستان شده است.

ریزگردها مدارس آبادان و خرمشهر را تعطیل کرد

آبادان: غلظت گرد و غبار و ریزگردها در آبادان و خرمشهر دیروز سبب تعطیلی مدارس نوبت بعد از ظهر شد.

سیداحمد موسوی رئیس اداره حفاظت محیطزیست آبادان با اعلام این خبر، افزود: میزان غلظت ریزگردها در هوای شهرهای آبادان و خرمشهر دیروز معادل ۱۸۶۰ میکروگرم بر متر مکعب ثبت شد.

دزدان حرفه‌ای تلفن همراه را شناسایی کنید

سرویس حوادث: مرکز اطلاع رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به دستگیری ۲ سارق سابقه دار گوشی تلفن همراه اعلام کرد: شهروندان در صورت شناسایی و طرح شکایت به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.

به گزارش مرکز اطلاع رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ، ۴ ماه پیش از طریق مرکز فوریت‌های‌پلیسی۱۱۰، گزارش یک فقره سرقت موبایل در تقاطع خیابان انقلاب – خیابان ولی‌عصر(عج)به کلانتری ۱۰۷ فلسطین اعلام شد که یکی از آنان توسط مردم محل دستگیر شده بود.

با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع سرقت به شیوه موبایل قاپی و به دستور دادیار شعبه اول دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، پرونده برای رسیدگی در اختیار پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

بر اساس این گزارش متهم «میلاد. پ» (۲۲ ساله) پس از انتقال به پایگاه سوم پلیس آگاهی به عنوان یکی از سارقان حرفه‌ای که بارها دستگیر و روانه زندان شده، مورد شناسایی قرار گرفت و در بازجویی به دهها فقره سرقت گوشی‌های تلفن همراه از افراد رهگذر در مناطق مختلف شهر تهران به ویژه خیابان انقلاب، میدان هفتم تیر، خیابان کارگر، منطقه یوسف آباد و عباس آباد اعتراف کرد.

***دستگیری متهم دوم پرونده**

با معرفی دومین متهم پرونده به نام «مهران. ف» توسط میلاد، دستگیری مهران نیز در دستور کار کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت اما وی با اطلاع از خبر دستگیری همدست خود از محل مخفیگاه خود گریخته بود.سرانجام با انجام اقدامات پلیسی و شناسایی محل تردد مهران در پارک خزانه، این متهم سابقه دار نیز ۱۷ فروردین امسال دستگیر و به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد.سرهنگ کارآگاه محمد نادربیگی رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تاکنون ۷۰ مالباخته این پرونده شناسایی شده‌اند. وی با اشاره به دستور انتشار بدون پوشش تصویر هر ۲ متهم توسط مقام قضایی گفت: از همه شاکیان و مالباختگان که موفق به شناسایی تصاویر متهمان شدند، دعوت می‌شود برای پیگیری شکایات خود به نشانی پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در سیدخندان – خیابان سهروردی شمالی – خیابان خرمشهر، میدان نیلوفر مراجعه کنند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- موضوع پیام ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

آقای احمدی‌نژاد ۲۰ سال صبر کنید!

آقای احمدی‌نژاد می‌خواهد با شعار یارانه ۲۵۰ هزار تومانی برای انتخابات ریاست جمهوری بیاید، به ایشان بگویید لطفاً مدتی در حدود ۲۰ سال صبر کند تا خرابی‌هایی که به‌وجود آورده‌اند درست شود بعد برای از بین بردن همه دستاوردها دوباره تشریف بیاورند.

شهروندی از تهران

برای مبارزه با عوامفریبی به فقرا رسیدگی کنید

اگر دولت می‌خواهد پایه‌های فرهنگ در کشور ما مستحکم شود و هیچ‌کس توان عوامفریبی نداشته باشد، باید به فقرا رسیدگی کند و شدیداً جلوی ریخت و پاش‌های دولتی را بگیرد.

یک هموطن

پیشنهاد برای تحقق اقتصاد مقاومتی

به نظر من یکی از اقدامات راهبردی تحقق اقتصاد مقاومتی در اقدام و عمل، اقدام و عمل قاطعانهٔ نهادهای مسئول در وصول مطالبات معوق از بدهکاران کلان بانکی است.

تلفن به خط ارتباطی

پیشنهاد تغییرنام «رسانهٔ ملی»

پیشنهاد می‌کنم «رسانه ملی» به «رسانهٔ میلی» تغییرنام دهد. چون به نظر من فقط به میل و تبع تعداد اندکی از افراد عمل می‌کند و جهت‌گیری مخالف دولت و اکثریت افراد جامعه دارد.

شفیعی

پرسش از اتحادیه خشکشویی‌های تهران

می‌خواستم از اتحادیه خشکشویی‌های تهران بپرسم چه چیزی صددرصد گران شده است که نرخ شستن یک دست کت و شلوار از ۸ هزار تومان به ۱۶ هزار تومان افزایش یافته است، در حالی که حقوق‌ها فقط ۱۲درصد افزایش پیدا کرده است.

بازنشسته

پیشنهادی برای انتقال سند خودرو

هنوز میان اداره راهنمایی و رانندگی و سازمان ثبت اسناد پیرامون چگونگی انتقال و خرید و فروش خودرو اختلاف است، پیشنهاد می‌کنم یک سال بصورت آزمایشی انتقال سند خودروها فقط در مراکز تعویض پلاک خودرو انجام شود تا اگر اشکالی به وجود آمد دیگر این کار صورت نگیرد و اگر اشکالی پیش نیامد انتقال سندها فقط در مراکز تعویض پلاک انجام شود.

ناخدای بازنشسته ـ نوری از تهران

تکنولوژی‌های جدید و آلودگی هوا

حالا که تحریم‌ها برطرف شده‌اند آیا دولت به‌فکر هست که با وارد کردن تکنولوژی‌های جدید خصوصاً در خودروها در جهت رفع آلودگی هوا یک گام اساسی بردارد؟ یا در سال جدید هم هنگام فرا رسیدن زمستان همچنان هوا باید ما را خفه کند؟

شهروندی از تهران

الحاقیه بیمه شخص ثالث قانونی نیست

در مورد بیمه شخص ثالث ما همیشه یک قرارداد یک ساله با یکی از شرکت‌های بیمه می‌بندیم. نمی‌دانم طبق کدام استاندارد حقوقی، در واقع این قرارداد را نادیده گرفته پس ازپایان سال از مردم می‌خواهند الحاقیه پرداخت کنند؟ چرا محاسبات، ماهای حرام و افزایش دیه را از قبل انجام نمی‌دهند؟ برای یک دولت خوب نیست که میلیون‌ها قرارداد رسمی را نادیده بگیرد و خواستار مبلغ جدیدی شود.

یک هموطن

پیشنهاد تبدیل سازمان میراث فرهنگی به وزارتخانه

با توجه به گستردگی فراگیر کارکرد سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی و تصدی‌گری این سازمان در سه عرصه، پیشنهاد می‌کنم این سازمان به وزارتخانهٔ گردشگری و صنایع دستی و میراث فرهنگی تبدیل شود تا هم نمایندگان مجلس بتوانند وزیر آن را مورد سوال قرار دهند و هم عملکرد این سازمان در ابعاد مختلف به‌صورت وزارتخانه، شفاف‌تر مورد انتقاد قرار گیرد.

علیرضا احمدی از تهران

تشکر و قدردانی از سرمقاله سردبیر روزنامه

ما تعدادی از بازنشستگان آموزش و پرورش از صمیم قلب از مقاله جناب آقای خانی با عنوان «اقتصاد مقاومتی» تشکر و قدردانی می‌کنیم. امیدواریم تمامی مسئولان آن را مطالعه کنند.

جمعی از بازنشستگان آموزش و پرورش

عدم پاسخگویی روابط عمومی صدا و سیما

چند روز است که با روابط عمومی صدا و سیما برای انتقاد از برنامه‌های بی‌محتوا پخش شده در عید نوروز تماس می‌گیرم اما متأسفانه پاسخ نمی‌دهند و در این باره، غیرمسئولانه عمل می‌کنند.

خواننده روزنامه

پیشنهاد به مسافران سفر حج

می‌خواستم از افرادی که تصمیم دارند مجدداً به حج بروند درخواست کنم که هزینه‌های سفرشان را به مستمندان آبرودار و افرادی که برای بدهی در زندان به‌سر می‌برند بپردازند تا خانواده‌های آنان را از گرفتاری نجات دهند.

تلفن به خط ارتباطی

تشکر از روزنامه اطلاعات

از اینکه حرف‌ها و درددل‌های مردم را در روزنامه منتشر می‌کنید تشکر می‌کنم.کاش مسئولان آن‌ها را مطالعه کنند و پاسخگو باشند.

تلفن به خط ارتباطی

پرسش از سازمان تأمین اجتماعی

کارخانه سیمان صوفیان در شهر تبریز که وابسته به سازمان تأمین اجتماعی است در سال ۹۴ تا مرز زیان‌دهی پیش رفته و سود اندکی به‌دست آورده است و قیمت سهام شرکت از هر سهم ۵۵۰ تومانی به ۲۵۰ تومان سقوط کرده است. چرا سازمان تأمین اجتماعی پاسخگوی ضرر و زیان هنگفت سهامداران جزء این کارخانه نیست؟

سهامدار

به جای پر کردن جیب اعراب به مردم خودمان کمک کنیم

دل خوش از آنیم که حج می‌رویم
غافل از آنیم کـه کـج می‌رویم
کعبه به دیدار خدا می‌رویم
او که همینجاست کجا می‌رویم؟
حج به خدا جز به دل پاک نیست
شستن غم از دل غمناک نیست

از شما درخواست می‌کنم این شعر را برای افرادی که پول‌هایشان را برای سفر به حج خرج می‌کنند منتشر کنید تا به هموطنان خودشان کمک کنند نه برای پرکردن جیب اعراب.

تلفن به خط ارتباطی

پاسخ مسئولان

پاسخ امور توزیع و فروش روزنامه اطلاعات:

احتراما پیرو درج مطلبی در روزنامه یکشنبه ۹۵/۱/۱۲ تحت عنوان «علت تفاوت قیمت روزنامه در تهران و شهرستان‌ها را توضیح دهید.» به استحضار خواننده محترم می‌رساند با توجه به این که سطح درآمدها در تهران و شمیرانات بیشتر از شهرستان‌ها می‌باشد قیمت روزنامه اطلاعات در تهران بیشتر است البته بازنشستگان دارای کارت منزلت از این افزایش قیمت مستثنی هستند و اشتراک روزنامه برای این عزیزان نیم‌بها محاسبه می‌شود.

پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۴:

احتراما بازگشت به مطالب مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۵/۱/۱۶ بدینوسیله پاسخ این منطقه که بر اساس جوابیه اداره عمران و ترافیک ناحیه مربوطه که تکرار و در تاریخ ۹۴/۱۰/۲۸ اعلام گردیده بود را به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

پیرو نامه شماره ۱۲۸۰۷۹۱۹ آن اداره محترم در خصوص شکایت شهروند بابت خلف وعده شهرداری منطقه چهارده در آسفالت نکردن انتهای خیابان تکیه اکبرآبادی، به استحضار می‌رساند: پس از تخریب میدان محلاتی جهت احداث تقاطع غیرهمسطح در تقاطع اتوبان امام علی(ع) و اتوبان شهید محلاتی، زمین مذکور به صورت بلا تکلیف باقیمانده و جهت کسب رضایتمندی شهروندان عملیات پاکسازی محل و جمع‌آوری کارگاه‌های ساختمانی و تأمین روشنایی زمین انجام گردید. لذا با توجه به دستورالعمل پرهیز از شروع پروژه‌های جدید در سال ۹۴، فعلاً اجرای عملیات آسفالت مقدور نمی‌باشد. ضمناً در رابطه با تعیین تکلیف زمین مذکور موضوع در جلسات مختلف طرح و در دست بررسی نهایی است. مراتب جهت اطلاع و هرگونه بهره‌برداری به حضورتان ارسال می‌گردد.

بقیه در صفحه ۹

اظهارنظر کارشناسان درباره گروه تیم ملی فوتبال، در راه صعود به جام جهانی

سرویس ورزشی: قرعه‌کشی مرحله نهایی گروهی راهیابی تیم‌های آسیایی به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه دیروز انجام شد. با مشخص شدن حریفان تیم ملی کشورمان از امروز باید به فکر تدارک، آمادگی و ارتقاء کار تیم ملی بود.

حدود ۱۴۰ روز دیگر تیم ملی کشورمان باید به مصاف قطر برود، شاید از نگاه آمار و ارقام فوتبال ما از قطر، سوریه، چین و ازبکستان بالاتر و دارای شرایط بهتری باشد اما تفاوت ما با آنها در این نکته است که آنها برای هر روز خود برنامه دارند به ویژه قطر، چین و ازبکستان دیدارهای تدارکاتی عالی و سطح بالا، برخورداری از امکانات مدرن و پیشرفته، برگزاری اردوهای بلندمدت در کشورهای پیشرفته با کمپ‌های مدرن و خلاصه این که حریفان ما بی‌کار نبوده و سخت در تلاش هستند حتی سوریه که درگیر جنگ است، اکثر بازیکنان این کشور جنگ زده در سایر کشورها مشغول بازی و... هستند.

درهر حال همانطور که ما از حریفان، نوع بازی و... آنها اطلاع داریم آنها هم از روش و نوع بازی ما آگاه هستند لذا تیم ملی باید بدون فوت وقت کی‌روش را جدی و مصمم به همکاری و تلاش دعوت کرده تا ما هم عنصر با ارزش «زمان»، را از دست ندهیم.

در زیر نگاهی داریم به این گروه‌بندی و حریفان تیم ملی کشورمان در مسیر رسیدن به روسیه و اظهارنظر کارشناسان فوتبال، برخی مسیر تیم ملی برای رسیدن به جام جهانی را هموار و در دسترس می‌بینند و برخی دیگر معتقد هستند که کار آسان و راه هموار نداریم اما آنچه همگی برآن اتفاق نظر دارند این است که با عربستان هم گروه نشده و ماهم مانند کره جنوبی شایستگی حضور در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را داریم.

قرعه‌کشی مرحله نهایی انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه در قاره کهن بدین شرح است:

گروه A: ایران، کره جنوبی، ازبکستان، چین، قطر، سوریه

گروه B: استرالیا، ژاپن، عربستان، امارات، عراق، تایلند

از فوتبال ایران کارلوس کی‌روش به عنوان سرمربی تیم ملی و علیرضا اسدی به عنوان دبیر کل فدراسیون فوتبال در این مراسم حضور پیدا کردند. در این مراسم مقامات ارشد فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا حاضر بودند.

تیم های اول و دوم هر گروه به طور مستقیم راهی رقابتهای جام جهانی خواهند شد در حالیکه دو تیم سوم هر گروه در دیدار پلی آف به مصاف هم خواهند رفت. برنده دیدار پلی آف در دو دیدار رفت و برگشت با نماینده کونکاکاف دیدار می کند.

کره جنوبی؛ رکورددار حضور

کره در مرحله نخست گروهی مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸، ۲۴ گل زد و گلی هم دریافت نکرد. این تیم هفت برد پیاپی داشت و توانست به عنوان صدرنشین گروه G صعود کند. کره تنها تیمی بود که با بدست آوردن ۱۰۰ درصد امتیازات صعود کرد. این تیم از سال ۱۹۵۴ به جام جهانی راه پیدا کرده است. کره جنوبی سه دهه صبر کرد تا دوباره به جام جهانی راه یابد. با این حال این تیم از سال ۱۹۸۶ تاکنون هر دوره به جام جهانی راه پیدا می‌کند و این یک رکورد در آسیا به حساب می‌آید. این تیم همچنین در جام جهانی ۲۰۰۲ به مرحله نیمه نهایی جام جهانی رسید.

ازبکستان، در حد یک مدعی

این تیم در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ توانست کره شمالی را با نتیجه چهار بر دو شکست دهد. آنها هفت پیروزی کسب کردند که پرگل‌ترین آنها، پیروزی پنج بر یک مقابل فیلیپین و پیروزی چهار بر صفر مقابل بحرین بود. ازبکستان توانست به عنوان صدرنشین گروه H راهی مرحله بعد شود.

ازبکستان از سال ۱۹۹۲ تاکنون سه بار در بازی‌های انتخابی جام جهانی حضور داشته و تاکنون دو بار به بازی‌های پلی‌آف آسیا رسیده است. در انتخابی جام جهانی ۲۰۰۶، ازبکستان به بحرین باخت و در انتخابی جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل هم در ضربات پنالتی از اردن شکست خورد.

چین کم تجربه

تیم سرزمین اژدهای زرد توانست در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ مالدیو را شکست دهد و بعد از قطر، به رتبه دوم در گروه C برسد. چین تاکنون ۱۰ بار تلاش کرده تا به جام جهانی راه یابد اما تنها یک بار موفق بوده است.

این تیم در سال ۲۰۰۲ یعنی تنها باری که آسیا میزبان جام جهانی بود توانست به این تورنمنت راه یابد اما در این مسابقات باخت مقابل کاستاریکا، برزیل و ترکیه در مرحله گروهی حذف شد.

قطر، در حسرت نخستین حضور

کشور میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ با پیروزی مقابل مالدیو توانست به مرحله بعدی انتخابی جام جهانی روسیه ۲۰۱۸ برسد. عنابی‌ها توانستند با پیروزی‌های پیاپی به عنوان صدرنشین گروه C صعود کنند.

این آخرین فرصت برای میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ است که بتواند برای نخستین بار به جام جهانی راه یابد.

این تیم از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین تاکنون تلاش کرده است تا به جام جهانی برسد.

سوریه، آسانترین بازی

با وجود مشکلات و جنگ در سوریه، تیم فوتبال این کشور نمایش خوبی را در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ داشت. بازی‌های تیم سوریه در عمان برگزار شدند.

این تیم توانست مقابل افغانستان، کامبوج و سنگاپور به پیروزی برسد و در گروه E رتبه دوم را کسب کند.

این نخستین بار است که سوریه به مرحله نهایی انتخابی جام جهانی می‌رسد. این تیم در سال ۱۹۸۶، سه بر یک مقابل عراق شکست خورد و نتوانست به مرحله نهایی انتخابی جام جهانی برسد.

در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل هم سوریه با نتیجه ۶ بر یک مقابل تاجیکستان پیروز شد اما به دلیل استفاده از یک بازیکن محروم نتوانست به مرحله نهایی برسد.

کی‌روش: نباید سوریه و قطر را دست کم گرفت

کارلوس کی‌روش بعد از قرعه‌کشی مرحله مقدماتی جام جهانی روسیه درباره همگروهی ایران با تیم‌های کره، سوریه، قطر، ازبکستان و چین گفت: به نظرم قدرت در دو گروه توزیع شده است و نسبتا شرایط برابر است. به نظرم نباید تیم‌هایی مثل سوریه و قطر را دست کم گرفت و باید روی قدرت آنها حساب کرد. همه تیم‌های گروه ما قدرتمند هستند، ولی ما قبلا با کره و قطر بازی کرده‌ایم و فکر می‌کنم که آمادگی خوبی برای این رقابت‌ها داریم. سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در پاسخ به این سوال که شنیده می‌شود او قصد جدایی از فوتبال ایران را دارد، گفت: الان زمان مناسبی برای صحبت کردن در این باره نیست و امیدوارم که در آینده شاهد اتفاقات خوبی برای فوتبال ایران باشیم.

جلالی: حریف سخت و آسان نداریم

سرمربی تیم فوتبال سایپا درباره قرار گرفتن ایران در گروه اول مقدماتی جام جهانی گفت: وضع امیدوار کننده است، اما تیم ملی باید از همه نظر آماده بازی‌ها باشد.

مجید جلالی درباره قرعه ایران در مرحله نهایی مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸، افزود: ایران در گروهی قرار گرفته که فکر می‌کنم می‌تواند از آن صعود کند. این قرعه‌ای که نصیب ایران شد شرایط را بسیار امیدوار کننده کرده است. ان‌شاءالله یک بار دیگر به جام جهانی صعود می‌کنیم.

جلالی ادامه داد: در چنین سطحی نمی‌توان گفت کدام حریف آسان یا کدام سخت است چون وقتی چنین تقسیم بندی را می‌کنیم بر اساس اسم و سوابق تیم‌ها این کار را انجام می‌دهیم، ولی فوتبال آن چیزی است که در زمین بازی می‌شود. سوریه هم می‌تواند تیم خطرناکی باشد و همین طور کره جنوبی می‌تواند برابر ما یک بازنده باشد. پس باید از همه نظر آماده باشیم.

هاشمیان: چین و قطر در حال پیشرفت هستند

مهاجم سابق تیم ملی فوتبال ایران با ابراز رضایت از قرعه ایران در مقدماتی جام جهانی، گفت: هیچ تیمی را نباید دست کم گرفت اما باید از گروه‌مان راضی باشیم.

وحید هاشمیان درباره قرعه کشی مرحله نهایی انتخابی جام جهانی ۲۰۱۸ و گروه ایران، گفت: مثل چند سال گذشته باید با کره جنوبی بازی کنیم اما دیدار با این تیم بهتر از روبرو شدن با تیمی مثل عربستان است چون عربستان مشکلات حاشیه‌ای برای ما ایجاد می‌کرد.

به جز کره، ازبکستان هم تیم خوبی است اما نشان داده هنوز برای صعود به جام جهانی خیلی باید کار کند. او ادامه داد: هیچ تیمی را نباید دست کم گرفت اما اگر ایران کار خودش را انجام دهد و با رفع حاشیه‌ها امکانات لازم را فراهم کند می‌تواند به جام جهانی برود. تیم ایران بسیار خوب است.

در گروه ما کره جنوبی همیشه خوب بوده و ازبکستان هم می‌تواند برای ما مشکل درست کند اما نمی‌تواند جلوی صعود ما به جام جهانی را بگیرد. مهاجم سابق تیم ملی فوتبال ایران همچنین گفت: چین و قطر در حال پیشرفت هستند و در کنار ایران، سوریه هم تیم خوبی است اما بعید می‌دانم این سه تیم برای ما مشکلی ایجاد کنند. گروه دیگر رقابت‌ها به نسبت سخت‌تر از گروه ایران است. به نظرم اگر خودمان می‌خواستیم تیم‌ها را بچینیم تقریبا همین گروه را انتخاب می‌کردیم. در مجموع باید از گروه‌مان راضی باشیم. بخت ما برای صعود خیلی خوب است.

محصص: نیاز به تدارکات داریم

مرتضی محصص در باره گروه بندی رقابتهای مقدماتی جام جهانی گفت: بازی با کره جنوبی و ازبکستان با توجه به تجربه ای که در بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل داشته ایم، بسیار سخت است. بدون شک در گروه ساده ای قرار نداریم.

وی افزود: دو تیم ازبکستان و کره جنوبی، هر دو از نظر توان فیزیکی در سطح بالایی هستند. ضمن اینکه از نظر تاکتیکی شناخت بسیار خوبی از تیم ایران دارند.

همچنین اطلاعات بسیار خوبی از نحوه بازی ما و تفکرات کی روش دارند. قطرهم حریف سختی است البته ترجیح من بازی با قطر بود تا عربستان.

تیم چین و سوریه هم حریف دست و پا بسته ای برای ما نبوده و در مجموع در گروه راحتی قرار نداریم. رئیس کمیته توسعه و فنی فوتبال در ادامه بیان کرد: تیم ملی احتیاج به بازی با حریفانی از آمریکای جنوبی و اروپایی دارد تا بتواند از گروه خود صعود کند.

صعود غیر ممکن نیست اما باید تدارکات خوب و بسیار قوی در کنار برنامه ریزی مدون داشته باشیم.

عراق ایران را برای میزبانی انتخاب کرد، عربستان باید به تهران بیاید

شبکه ورزش عراق در خبری فوری اعلام کرد که فدراسیون عراق، دوباره ایران را برای میزبانی مرحله نهایی مقدماتی جام‌جهانی ۲۰۱۸ روسیه انتخاب کرده است.

به گزارش فارس، شبکه ورزش عراق در خبری فوری اعلام کرد که فدراسیون عراق برای مرحله نهایی مقدماتی جام‌جهانی ۲۰۱۸ روسیه بار دیگر ایران را به شرط تغییر ورزشگاه برای میزبانی بازی‌هایش انتخاب کرده است. عراقی‌ها بازی‌های خود را در دو مرحله گذشته در مقدماتی جام‌جهانی به میزبانی تهران و در ورزشگاه دستگردی برگزار کردند. البته آن‌ها در ایران پیشنهاد تغییر ورزشگاه را داده‌اند زیرا از کیفیت ورزشگاه و امکانات ناراضی بودند. عراق که در قرعه‌کشی مرحله نهایی با عربستان همگروه شده است برای بازی در ایران باید منتظر بهانه جویی‌های سعودی‌ها باشد زیرا آنها حاضر نیستند برای بازی به ایران بیایند.

مسابقه ایران ـ کرواسی لغو شد

علی کفاشیان دیروز در گفتگوی خود پس از مراسم قرعه کشی جام جهانی اعلام کرد که دیدار تدارکاتی ایران مقابل کرواسی به درخواست کارلوس کی روش لغو شده است.

به گزارش "ورزش سه"، کفاشیان در این‌باره گفته است: قرار بازی مقابل کرواسی به هم خورد و با وجود اینکه قرارداد این بازی را بسته بودیم اما این مسابقه برگزار نمی شود. کی روش به همین دلیل بازی مقابل کرواسی را لغو کرده که با توجه به برگزاری این بازی در روزهای غیر فیفا دی احتمالا تیم ملی بدون بازیکنان اصلی خود در این مسابقه شرکت می کرده است.

گویا در تاریخ برگزاری بازی با وجود اتمام لیگ های روسیه و هلند، ۴ ملی پوش ایران در لیگ قطر به ادامه بازی ها مشغولند و البته فینال جام حذفی هم می تواند تعداد دیگری از بازیکنان را از تیم ملی دور کند، در عین حال بازیهای لیگ قهرمانان آسیا هم مسئله مهم دیگری است که دسترسی به بازیکنان را محدود می کند.

البته گفته می شود به جزبازی مقابل مقدونیه که قطعی است، کارلوس کی روش در نظر دارد با یک حریف اروپایی دیگر که مثل کرواسی خود را برای جام ملت های اروپا آماده می کند، بازی تدارکاتی بگذارد.

اخبار کوتاه ورزشی

لوزانو: ضعف فنی بازیکنان را اصلاح می کنم

سرمربی تیم ملی والیبال ایران گفت: من به دنبال تغییرات هستم ولی نه تغییرات عمده، بلکه می‌خواهم مسائل ریز و جزئیات فنی بازیکنان را اصلاح کنم تا با کاهش اشتباه‌هاتمان به هدفمان که کسب سهمیه المپیک است، برسیم.

به گزارش ایسنا رائول لوزانو بعد از تمرین تیم ملی درباره روند تمرینات تیم، افزود: دیروز چهارمین تمرین خودمان در این هفته را انجام دادیم که تمرکز اصلی‌مان روی دریافت و سرویس ها بود. درباره مصدومیت بازیکنان هم باید بگویم که یکی از بازیکنانمان به خاطر گرفتگی عضله دوقلو ابراز ناراحتی کرد و با کم کردن تمریناتش به فکر پیشگیری از افزایش مصدومیتش بودیم. بقیه مصدومیت‌های ما هم به خاطر کمبود منیزیم بود که تلاش کردیم با دادن منیزیم کافی به بازیکنان این موضوع را برطرف کنیم. وی ادامه داد: مصدومیت محمد موسوی هم از ناحیه کمر بود که خوشبختانه مشکل جدی وجود نداشت و بعد از مدتی استراحت او می‌تواند از هفته آینده تمرینات خود را پیگیری کند. ما از این بابت نگرانی نداریم. امیدوارم از هفته آینده همه بازیکنان مصدوم ما به بازی بازگردند.

آغاز اردوی مشترک تیم ملی تکواندوی ایران با اسپانیا

اردوی مشترک تیم‌های ملی تکواندوی ایران و اسپانیا از صبح دیروز در شهر «مادرید» آغاز شد و تیم ملی کره جنوبی هم ازعصر دیروز به جمع دو کشور ایران و اسپانیا ملحق شد.

به گزارش ایسنا، تیم ملی تکواندوی مردان ایران که با ترکیب فرزان عاشورزاده در وزن ۶۳- کیلوگرم، مهدی خدابخشی در وزن ۸۷- کیلوگرم و سجاد مردانی در وزن ۸۷+ کیلوگرم برای شرکت در مسابقات جام ریاست فدراسیون جهانی به آلمان رفته بود، پس از کسب دو مدال برنز (خدابخشی و مردانی) در این رقابت ها، راهی اسپانیا شد و پریروز به «مادرید» رسید.

ملی‌پوشان ایران که برای برپایی اردویی ۳ روزه با تیم‌ملی اسپانیا و حضور در تورنمنت آزاد اسپانیا راهی این کشور شدند، پریروز نخستین تمرین مشترک خود را با اسپانیایی‌ها انجام دادند وديروز هم در جلسه دوم تمرین، تیم‌ملی کره‌جنوبی هم به جمع هوگوپوشان ایران و اسپانیا ملحق شد.

قزاق ها نخستین حریف پینگ پنگ بازان ایران در راه کسب سهمیه المپیک

طبق قرعه کشی مسابقات تنیس روی میز انتخابی المپیک در منطقه آسیای میانه، نمایندگان ایران در دوبخش مردان و زنان دیدارهای خود در دور اول این رقابت ها را برابر حریفانی از قزاقستان برگزار می کنند.

به گزارش مهر، مسابقات تنیس روی میز انتخابی المپیک از امروز در هنگ کنگ آغاز می شود. در مرحله نخست این رقابت ها پینگ پنگ بازان ایران در منطقه آسیای میانه با حریفان خود به رقابت می پردازند. بر این اساس در بخش مردان این منطقه ۱۰ بازیکن و در بخش بانوان هم ۱۱ بازیکن برای کسب سهمیه المپیک تلاش خواهند کرد. بر اساس قرعه کشی مسابقات تنیس روی میز انتخابی المپیک که دیروز برگزار شد، در بخش بانوان مریم صامت و النا تیتارنکو به مصاف حریفانی از قزاقستان می روند در حالیکه ندا شهسواری و محجوبه عمرانی در این دور استراحت خواهند داشت.در بخش مردان هم نوشاد و نیما عالمیان و افشین نوروزی در دور نخست استراحت دارندو میدیا لطف الله نسبی با حریفی از قزاقستان دیدار خواهد داشت.

زمان جدید انتخابات فدراسیون فوتبال مشخص شد

تاریخ انتخابات فدراسیون فوتبال تغییر کرد و بر اساس آخرین تصمیم قرار است مجمع انتخاباتی روز ۳۰ اردیبهشت ماه برگزار شود.

بعد از آنکه اعلام شد اساسنامه فدراسیون فوتبال باید به تائید هیات دولت برسد، شائبات و گمانه‌زنی‌ها از تغییر تاریخ انتخابات فدراسیون فوتبال مطرح شد. ابتدا قرار بود طبق تصویب هیات رئیسه، انتخابات فدراسیون فوتبال روز ۱۱ اردیبهشت برگزار شود ولی به خاطر مشکلات اساسنامه و پروسه تائید آن در هیات دولت، این موضوع به تعویق خواهد افتاد.

این به تعویق افتادن البته به معنای آن نیست که انتخابات در ماه‌های بعد برگزار شود بلکه قرار است در همین اردیبهشت ماه و بلافاصله بعد از تائید اساسنامه در هیات دولت، انتخابات انجام بگیرد. طبق آخرین تصمیم اتخاذ شده بین مسئولان هیات رئیسه فدراسیون فوتبال، قرار است انتخابات روز ۳۰ اردیبهشت ماه برگزار شود.امیر عابدینی عضو مجمع فدراسیون فوتبال با اعلام این خبر، به مهر گفت: اینکه انتخابات روز ۱۱ اردیبهشت برگزار نشود، طبیعی بود چون دوستان باید فرصت کافی داشته باشند تا اساسنامه را تائید کنند. ما این احتمال را می‌دادیم ولی در حال حاضر برگزاری انتخابات در روز ۳۰ اردیبهشت قطعی است.

جهان فوتبال

ترس بارسا از ویسنته کالدرون، نگرانی بایرن از بنفیکا

تیم فوتبال بارسلونا درحالی امشب به مصاف اتلتیکومادرید می‌رود که دیدار سختی در انتظار مدافع عنوان قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا است. در دیگر بازی امشب، بایرن مونیخ میهمان بنفیکاست.

بارسلونا در بازی رفت مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا با اینکه نتیجه را با یک گل از میهمان خود عقب بود در نهایت با حساب دو بر یک بازی را برد.«دیه‌گو سیمئونه» برای این بازی مهم فرناندو تورس را به دلیل محرومیت در اختیار ندارد.

بارسلونا این روزها در لالیگا وضع خوبی ندارد. این بدترین دوران بارسا از ماه اوت سال ۲۰۱۴ یعنی زمانی که لوئیس انریکه هدایت این تیم را بر عهده گرفت، به حساب می آید. بارسا سه بازی می شود که در رقابتهای لالیگا نبرده است.

اما مشکل بزرگ تر بارسلونا که موجب نگرانی مسئولان این تیم شده آماده نبودن لیونل مسی است. لیونل مسی تنها یک گل می خواهد تا شمار گل های خود را به عدد ۵۰۰ برساند اما ۳۶۲ دقیقه است که گل نزده است. از سال ۲۰۱۱ این بیشترین زمانی است که پای مسی به گلزنی باز نشده است.

در دیگر بازی مهم امشب تیم فوتبال بایرن مونیخ در زمین بنفیکای پرتغال به مصاف این تیم می رود.

باواریایی ها در بازی رفت با نتیجه یک بر صفر برنده شده اند که البته اگر نتوان گفت که نتیجه قاطعی بوده اما بد هم نبوده چون گل نخوردن از تیم های میهمان همواره یک عامل مهم در این گونه رقابتها به حساب می آید.

بایرن در صورت پیروزی در این دیدار برای پنجمین بار پیاپی است که به نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا راه پیدا می کند در حالیکه بنفیکا از سال ۱۹۹۰ موفق به انجام این کار نشده است.

میهایلوویچ اخراج شد

سرمربی صربستانی میلان برکنار شد و کریستین بروکی روی نیمکت این تیم نشست.

به گزارش ساکرنت، باشگاه میلان دیروز اعلام کرد سینیشا میهایلوویچ به علت کسب نتایج ضعیف از هدایت این تیم برکنار شده است. سیلویو برلوسکونی خبر اخراج احتمالی این سرمربی در این روز داده بود و میهایلوویچ شب گذشته در توییترش نوشت: از همه تشکر می کنم. سرمربیگری در میلان افتخاری برای من بود.هدایت این تیم را در ۶ هفته پایانی سری A کریستین بروکی بر عهده خواهد گرفت.

پاری سن ژرمن جانشین زلاتان را پیدا کرد

جدایی زلاتان از پاری سن ژرمن قطعی شده است ولی به نظر می‌رسد این باشگاه فرانسوی جانشین ستاره سوئدی خود را پیدا کرده است.

به گزارش سایت mercafutbol، به احتمال خیلی زیاد زلاتان ایبراهیموویچ در تابستان امسال از پاری سن ژرمن جدا خواهد شد. از همین رو، سران این باشگاه فرانسوی به دنبال انتخاب جانشینی شایسته برای این ستاره خود هستند.قرارداد زلاتان با پاری سن ژرمن تابستان سال جاری به پایان می رسد و این ستاره سوئدی قصد دارد حضور در رقابت های لیگ جزیره را هم تجربه کند و چند پیشنهاد خوب هم دارد.

سایت mercafutbolعلاوه بر تائید خبر جدایی زلاتان از پاری سن ژرمن تاکید کرد سران این باشگاه فرانسوی جانشین ستاره سوئدی خود را پیدا کردند و او کسی جز الکسیس سانچس، مهاجم شیلیایی آرسنال نیست. سانچس سومین فصل حضور خود در آرسنال را پشت سر می گذارد و عملکرد خوبی هم در این تیم لندنی داشته است اما باید دید آیا با جدایی او موافقت می شود یا نه. البته آرسنال همواره در فروش ستاره‌هایش پیش قدم بوده است.

تشییع پیکر ۲ تن از مستشاران شهید نیروی زمینی ارتش در تهران

سرویس سیاسی - اجتماعی: پیکر شهیدان محسن قوطاسلو و مجتبی یدالهی از مستشاران ارتش جمهوری اسلامی ایران در سوریه با انتقال به معراج شهدا، تشییع شد.

امیر سرتیپ احمدرضا پودستان فرمانده نیروی زمینی ارتش در حاشیه حضور خانواده شهید محسن قوطاسلو در جوار پیکر فرزندشان در معراج شهدای تهران ،درباره حضور مستشاری ارتش در سوریه گفت: داعش را در حد و اندازه‌ای نمی‌بینیم که یک یگان نظامی را وارد کنیم. در ماموریت مستشاری سوریه شماری از کارکنان نیروی زمینی ارتش حضور دارند و با قوت و استحکام در کنار نیروی قدس و سایر کسانی که در جبهه انجام وظیفه می کنند.

فرمانده نزاجا، گفت: در عملیاتی که چند هزار نفر از نیروهای جبهه النصره و تکفیری‌ها حمله وسیعی را به جنوب حلب انجام داده بودند، این رزمندگان رشادت‌ها و دلاورمردی‌های مومنانه و شایسته‌ای داشتند که چهار نفر از این عزیزان به شهادت رسیدند . البته قبل از شهادت، توانستند تعدادی از تانک‌ها و نفربرهای گروهک تروریستی النصره را منهدم کنند و ۲۰۰ کشته از آنها بگیرند که تمامی اسناد آن هم موجود است و این گوشه‌ای از خدمات و تلاش‌های عزیزان ارتش است که در کنار سپاه قدرتمند در دفاع از حرم اهل بیت و مرزهای عقیدتی و ایمانی نظام جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند. ما یک یگان را شرکت ندادیم بلکه شماری از پرسنل را از تمامی یگان‌ها شرکت دادیم که از جمله آنها تیپ ۶۵ است.

همکاری های زیست محیطی ایران و فنلاند گسترش می یابد

سرویس سیاسی- اجتماعی: رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه زمینه های مشترک محیط زیستی بسیاری میان ایران و فنلاند وجود دارد که می توان برای همکاری در مورد آنها برنامه ریزی کرد، گفت: بررسی تغییرات آب و هوایی یکی از این موارد است.

به گزارش ایرنا، معصومه ابتکار در نشستی با «آنتی کایکونن» رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان فنلاند که در راس هیاتی به تهران سفر کرده است،با اشاره به اهمیت آموزش و بهره مندی از فناوری های نوین در زمینه تغییرات اقلیم اظهار داشت : فنلاند می تواند در زمینه انتقال فناوری های نوین و دانش جدید در این حوزه با ایران همکاری داشته باشد.

وی به‌موضوع حفاظت از تالاب‌ها و اهمیت این موضوع برای ایران به ویژه در باره تالاب هایی چون هامون (مشترک میان ایران و افغانستان) و دریاچه ارومیه به عنوان یکی دیگر از زمینه های مناسب همکاری میان دو کشور اشاره کرد داشت و گفت: گسترش همکاری های دوجانبه در مباحث مربوط به سنجش و پایش کیفیت هوا، آب و خاک هم از دیگر زمینه های علاقمندی ایران است که البته تاکنون اقدامات بسیاری از جمله نصب دوربین های پایش آنلاین و ایجاد و ارتقای ایستگاه های سنجش آلودگی هوا برای افزایش عملکرد در این حوزه ها صورت پذیرفته است.

معاون رئیس جمهوری درباره بهره گیری از تکنولوژیGIS در محیط های طبیعی ایران اظهار داشت: ایران علاقمند است در زمینه محیط زیست همکاری ها و تعاملات بین المللی خود را در چارچوب بهره مندی از تکنولوژی های جدید افزایش دهد.

البته بحث همکاری در زمینه محیط طبیعی، حفظ تنوع زیستی و مدیریت بهتر مناطق حفاظت شده و توسعه آن، تبادل فناوری، اقتصاد سبز، مقابله با آلودگی هوا، مقابله با آلودگی خاک و گرمایش زمین از جمله مفاد همکاری ایران و فنلاند در تفاهمنامه مشترک میان دو کشور است.رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه همکاری‌های بین‌المللی در زمینه محیط زیست و حفظ آن موضوع مورد علاقه کشورهای مختلف جهان است، افزود: موضوعاتی همچون مقابله با گرمایش زمین یا حفظ تنوع زیستی، تبادل فناوری و اطلاعات نیازمند همکاری تمام کشورها است.ابتکار در پاسخ به سوالی در باره شرایط و جایگاه زنان در ایران به آمار حضور ۶۵ درصدی زنان در دانشگاه ها و مراکز آموزشی اشاره کرد و افزود: قانون ایران و دین اسلام بر حقوق زنان تاکید دارد، اگرچه جامعه ایران و اروپا تفاوت های مهمی دارند.

معاون رئیس جمهوری با اشاره به ظرفیت علمی و اجتماعی بالای زنان ایران، گفت: اگرچه ایران به لحاظ حقوق شهروندی و حقوق زنان از نظر قانونی از جمله کشورهای توسعه یافته است اما همچنان برخی قوانین نیاز به اصلاح دارند.

وزیر بهداشت به عیادت «معصومه آباد» رفت

وزیر بهداشت به همراه تنی چند از همکارانش از معصومه آباد، جانباز آزاده و مولف کتاب « من زنده‌ام » عیادت کرد .

به گزارش ایسنا، دکتر سیدحسن هاشمی در این عیادت گفت: این افتخار نصیب ما شد که بعد از مدتی خدمت سرکار خانم دکتر آباد رسیدیم.

وی افزود: از طریق دوستان، در جریان بیماری خانم دکتر آباد بودم و مسایل ایشان را پیگیری می‌کردیم.

البته باخبر شدم که مقام معظم رهبری نیز از بیماری خانم دکتر آباد مطلع شدند، ابراز همدردی کردند و در این زمینه هم دستور فرموده بودند .وزیر بهداشت گفت: خوشحالم که خانم آباد بهبود یافته و راه افتاده‌اند. میزان مرگ و میر بیماری‌ای که خانم دکتر مبتلا شده بودند، بالاست.

این بیماری یک بیماری التهابی زیر پوستی است که همه بدن را درگیر می‌کند و در کمتر از ۲۴ ساعت باعث از بین رفتن فرد می‌شود.

هاشمی ادامه داد: به نظر می‌رسد در آن ایامی که خانم دکتر به این بیماری مبتلا بودند، توسلات باعث شده که پزشک خوب و حاذق و برجسته‌شان کارشان را انجام دهند و خدا را شکر اکنون سلامتی‌شان را بازفتند.

البته یک سری کارها هست که باید در ادامه برای نقاهت‌شان انجام شود. امیدواریم خودشان هم همراهی کنند و خیلی زود گرفتار کارها و مسئولیت‌هایی که در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی دارند، نشوند و این دوره نقاهت را به سلامتی پشت سر گذارند .

در این عیادت، دکتر ملک زاده، دکتر جعفریان، دکتر پیوندی، دکتر ایازی و دکتر زارع نژاد وزیر بهداشت را همراهی می‌کردند.

پیگیری رفع ۲ فساد مالی در صندوق بازنشستگان

سرویس سیاسی-اجتماعی: مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری از رفع دو فساد مالی در صندوق با کمک دستگاه قضایی خبرداد و گفت: از سه تخلف بزرگی که انجام شده بود توانستیم دو فساد را رفع و دو زمین را به اموال صندوق بازگردانیم.

به گزارش مهر، محمود اسلامیان در باره تخلفات و فسادهای مالی که در گذشته از اموال صندوق انجام شده بود، گفت: در سال گذشته از سه تخلف بزرگی که انجام شده بود ،توانستیم دو تخلف را رفع کنیم و با کمک دستگاه قضایی و دادستانی، اعتباری که در خرید زمین ها اختلاس شده بود را به صندوق برگردانیم.

وی افزود: دو قطعه زمین بزرگ توسط دو فرد سودجو تملک شده بود .یکی از آنها پنج هزار متر و دیگری ۱۲ هزار متر مربع جمعا به ارزش ۳۵۰ میلیارد تومان حدود ۵۰ میلیارد فروخته شده بودکه با کمک دادستان تهران اواخر سال گذشته به ما برگشت.اسلامیان از یک فساد بزرگ دیگر در صندوق بازنشستگی کشور ی خبر داد و گفت: تخلف دیگری در پتروشیمی جم به ارزش ۱۲۰ میلیون دلار بود که تاکنون توانستیم با اقدامات انجام شده، ۳۰ درصد آن را بازگردانیم و برای مابقی تخلف هم پیگیری های لازم را انجام خواهیم داد تا اموال بازنشستگان برای ارائه خدمات به آنها بازگردانده شود.

تهران پاک

عکس از علی آذرنیا

تهران بزرگ دیروز، پس از بارانی پاک، تن به پاکی داد و یکی از سالم‌ترین روزهای خودش را تجربه کرد، تا به آن حد که کوههایی که همیشه زیر قطاری از دود پنهان و مستور می‌شود، از زیر هیمهٔ آلودگی خارج شد و قامت خویش را به نمایش گذاشت. در حقیقت جمالی از تهران واقعی دیروز نمایان شدو تهرانی که به ندرت ظاهر می‌شود و آنقدر ندیده‌ایم که گویی فرسنگ‌ها از ما دور است.عکسی که ملاحظه می‌کنید، لحظاتی از تهران سالم و باران شسته را نمایش می‌دهد. به امید روزی که این روزها زیاد شوند.

نحوه تقسیط جریمه مشمولان غایب به زودی اعلام می‌شود

سرویس سیاسی - اجتماعی: جانشین اداره منابع انسانی ستاد کل نیروهای مسلح از بررسی و اعلام نحوه تقسیط جریمه مشمولان غایب خدمت سربازی در آینده نزدیک خبر داد.

سردار موسی کمالی در گفتگو با خبرنگار ما، با اشاره به تصویب مصوبه بند "د" تبصره ۱۱ قانون برنامه بودجه در مجلس شورای اسلامی، گفت: بر اساس این مصوبه، مشمولان خدمت وظیفه عمومی‌که بیش از ۸ سال غیبت دارند، با پرداخت جریمه مدت زمان غیبت، به طور یکجا یا تقسیط تا پایان سال ۱۳۹۵ معاف می‌شوند.

وی درباره میزان جریمه مشمولان غایب ، افزود: برای صدور کارت معافیت نظام وظیفه این افراد بر مبنای مدرک تحصیلی آنها عمل خواهد شد به نحوی که برای مشمولان غایب زیردیپلم جریمه ۱۰۰ میلیون ریالی، دیپلم ۱۵۰ میلیون ریالی، فوق دیپلم ۲۰۰ میلیون ریالی، لیسانس ۲۵۰ میلیون ریالی، فوق لیسانس ۳۰۰ میلیون ریالی، دکترای پزشکی ۳۵۰ میلیون ریالی، دکترای غیرپزشکی ۴۰۰ میلیون ریالی و پزشکان متخصص و بالاتر ۵۰۰ میلیون ریالی در نظر گرفته شده است.

سردار کمالی تاکید کرد: بر اساس مصوبه مجلس به ازای هر سال غیبت مازاد بر هشت سال ۱۰ درصد به مبالغ جریمه پایه اضافه می‌شود.همچنین برای مشمولان متأهل و دارای فرزند به ازای هر فرزند ۵ درصد از مجموع مبلغ جریمه کسر می‌شود.جانشین اداره منابع انسانی ستاد کل نیروهای مسلح درباره شمارغایبان خدمت سربازی که مشمول مصوبه مذکور می‌شوند و بیش از ۸ سال غیبت دارند، گفت: آمار این افراد پارسال و قبل از اعلام نخستین فراخوان در مجموع یک میلیون ۳۰۰ تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بود که حدود ۱۹۸ هزار نفر از آنها ثبت نام و جریمه غیبت را پرداخت کردند ولی ۱۳۰ هزار نفر به رغم ثبت نام، برای پرداخت مبلغ جریمه مراجعه نکردند، بر این اساس اکنون حدود یک میلیون و ۱۰۰ تا یک میلیون ۳۰۰ هزار نفرغایب داریم که از زمان غیبت آنها بیش از ۸ سال می‌گذرد.وی تاکید کرد: در آینده نزدیک و پس از طی مراحل قانونی مصوبه مذکور در مجلس و شورای نگهبان، نحوه تقسیط جریمه‌ها بررسی و اعلام خواهد شد.کمالی با بیان این که چیزی به عنوان فروش سربازی نداریم،افزود: زمان ثبت‌نام افراد جدید متعاقبا اعلام خواهد شد از این رو اکنون کسی نباید برای ثبت درخواست خود به پلیس +۱۰ مراجعه کند.جانشین اداره سرمایه‌های انسانی ستاد کل نیروهای مسلح افزود: همچنین اکنون پرداختی هم انجام نمی‌شود و اجرای طرح برای افرادی که در سال ۹۴ واجد شرایط بوده‌اند اما جریمه خود را پرداخت نکرده‌اند هم متوقف شده است تا دستورالعمل شرایط پرداخت برای این افراد تدوین شود.کمالی با اشاره به وظایف دستگاه‌های مسئول در قبال مشمولان غایب، اظهار داشت: باید تشدید برخورد نسبت به بکارگیری مشمولان غایب و همچنین این افراد انجام شود تا این افراد هر چه زودتر به سربازی بروند و یا با پرداخت جریمه از انجام خدمت معاف شوند.

وی در پاسخ به این سؤال که مبنای محاسبه هشت سال غیبت اولیه چیست، گفت: کسانی که تا پایان سال ۹۴ یا حداکثر تا فروردین ماه سال ۹۵ دارای هشت سال غیبت باشند در شمول بهره‌مندی از این قانون قرارگرفته‌اند، لذا افراد جدیدی امکان بهره‌مندی از جریمه ریالی را در سال جاری پیدا نخواهند کرد.

ضرورت ایجاد مراکز تحقیق و توسعه

بقیه از صفحه ۴

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان که توسط «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» مورد تأکید خاص در استراتژی توسعه‌ملل قرار گرفته است، گویای تأکید بر نقش دانش و فناوری در جریان توسعه‌اقتصادی است. از این رو، می‌توان گفت در اقتصاد دانش‌بنیان، دانش به لحاظ کیفی و کمّی از اهمیت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار است.

طبق تعریف این سازمان، اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که مستقیماً بر مبنای تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که امروزه دیگر حجم سرمایه و اندازه‌بازار در توسعه‌اقتصادی ملل نقشی اساسی ندارد، بلکه این نقش را دانش و فناوری ایفا می‌کند.نکته‌ای که باید همواره در نظر داشت این است که برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان فقط تولید و توزیع اطلاعات و پرداختن به آموزش و پژوهش کافی نیست، بلکه نکته مهم به‌کارگیری دانش در استفاده از منابع اقتصادی به صورت مستمر و پایدار است. به عبارت دیگر، کاربردی کردن دانش و استفاده‌مؤثرتر از آن در گسترش ظرفیت‌ها و ارتقای درجه‌بهره‌برداری از منابع است که تحقق اقتصادی دانش‌بنیان را ممکن می‌سازد. در حقیقت اقتصاد دانش‌بنیان با بهره‌وری بیشتر عوامل تولید و رفتار بهینه‌اقتصادی از نظر تخصیص منابع کار می‌کند و در نتیجه دارای نرخ رشد بالاتری خواهد بود.همکاری مستمر و ارتباط تنگاتنگ افراد صاحب نظر و متخصصین دانشگاه و صنعت از الزامات و پایه‌های اقتصاد دانش‌بنیان است. در شرایط حال حاضر لیکن بسیاری از مراکز صنعتی شرایط لازم برای داشتن تیم تحقیق و توسعه‌مناسب و به‌روز را ندارند. همچنین با توجه به شرایط کنونی کشور و نیاز به مواد و تجهیزات خاص و پیشرفته این نیاز بیش از پیش نمایان شده است.بدین منظور ایجاد مراکز تحقیق و توسعه با کمک کارشناسان و متخصصان مجرب و متعهد در سطوح مختلف علمی و صنعتی به رشد و شکوفایی دانش و صنعت کشور کمک شایانی خواهد کرد. از مزایای عمده تشکیل مراکز تحقیق و توسعه به موارد متعددی از جمله مشارکت مستقیم متخصصین و افراد صاحب نظر در صنایع کشور، ایجاد مشاغل دانش‌بنیان و به کارگیری نیروی‌های متخصص و تحصیل کرده در صنایع داخلی، کاهش هزینه‌های تولید با استفاده از توان علمی و بومی کشور، ارتقاء سطح علمی صنایع موجود و ورود دانشهای نوین و کارآمد به عرصه تولید، افزایش بهره‌وری صنایع تولیدی، جلوگیری از خروج ارز و هدر رفت سرمایه و انرژی، احیای حلقه گمشده ارتباط میان صنعت و دانشگاه، و در انتها کمک به ایجاد توسعه پایدار با همکاری دانشگاه و صنعت اشاره کرد.

انتقاد حافظی از نابودی درختان «شیان» در ایام نوروز

سرویس سیاسی - اجتماعی: رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر با انتشار تصاویری از تخریب درختان در نزدیکی هتل شیان و تبدیل آن به پارکینگ، انتقاد کرد.

رحمت الله صبح دیروز در تذکر پیش از دستور خود با اعلام خبر تخریب درختان در نزدیکی هتل شیان گفت: براساس عکس های هوایی که مردم در اختیار ما قرار داده اند روند تخریب این درختان آغاز شده است.وی با بیان این که در تعطیلات نوروز تخریب درختان سرعت گرفت و این محل به پارکینگ تبدیل شد، افزود: تفکرصیانت از باغات وجود ندارد.

حافظی بابیان این که شورا با دو گام می‌تواند مانع تخریب باغات شود، اظهار داشت: تدوین شناسنامه باغات قراربود توسط سازمان پارک ها تا پایان سال۹۴ارائه شود اما این مهم محقق نشد؛ گام دوم هم ایجاد لایحه باغات در طرح تفصیلی است که به وسیله آن هرگونه دخل و تصرف در باغات ممنوع شود.مهدی چمران رئیس شورای شهر در واکنش به اظهارات حافظی درباره تخریب درختان باغ شیان ، با بیان این که نگهداری این باغ برعهده سازمان پارک‌های شهرداری تهران است اظهار داشت: تاکنون اقدام مناسبی از سوی این سازمان در نگهداری باغ انجام گرفته است.همچنین نایب رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران هم از ارسال نامه به رئیس‌جمهوری برای رسیدگی و تعیین تکلیف برج آزادی خبر داد.احمد حکیمی‌پور با اشاره به درخواست شورای شهر از رئیس جمهوری مبنی بر کمک به حفظ و احیای برج آزادی به عنوان نماد ملی و فرهنگی، گفت: در این نامه از دکتر روحانی تقاضا کرده ایم با توجه به اهمیت حفظ نشان و نماد ملی و فرهنگی برج آزادی، زمینه واگذاری برج آزادی به شهرداری تهران را فراهم کند تا با مرمت، بازسازی و احیای برج آزادی ، این مجموعه فرهنگی ایجاد شود. همچنین در این جلسه معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران نسبت به خشک شدن دریاچه نمک هشدار داد. جاوید با بیان این که یکی از چالش‌های زیست‌محیطی بالقوه در تهران وجود دریاچه نمک است که ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور سرنوشت تهران را مانند ارومیه و اهواز کند، افزود: حوض سلطان ۲۴۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و در تراز ۷۱۰ قرار دارد و دریاچه نمکی است که اگر آبی به داخل آن ریخته نشود، پس از مدتی با وزش باد، غبار ناشی از این دریاچه به سمت قم، کاشان و تهران روانه خواهد شد و ما را با چالش زیادی روبه‌رو می کند، لذا باید هر چه زودتر در این باره تصمیم گیری لازم به عمل آید.

ترحیم

جناب آقای دکتر اسعد اسماعیل‌زاده
درگذشت همسر گرامیتان **سرکار خانم خدیجه خواجه** را به جنابعالی و خانواده محترمتان صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن عزیز علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت می‌نماییم.
در ضمن مجلس ترحیم آن مرحومه در روز پنجشنبه مورخ ۹۵/۱/۲۶ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
انجمن صنفی کارفرمائی بیمارستان‌های خصوصی تهران

با نهایت تأثر و تألم درگذشت همسر مهربان و پدر فداکار **آقای رحمان طوسی** را به اطلاع دوستان و همشهریان ملایری می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم از ساعت ۹/۴۵ الی ۱۱/۱۵ صبح روز جمعه مورخ ۹۵/۱/۲۷ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان عشقیار (میدان نیلوفر) برگزار می‌گردد. حضور سروران و همشهریان عزیز موجب شادی روح آن مرحوم خواهد شد.
خانواده‌های: طوسی ـ اصفهانی ـ عابدی ـ توکلی ـ عسگریان ـ طاهری ـ نسیمی ـ مقدم و سایر خانواده‌های وابسته

انالله و انااليه راجعون
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت بزرگ خاندان مرحوم مغفور شادروان **مسعود رسولی** را به اطلاع اقوام و بستگان می‌رساند. به همین مناسبت جهت شادی روح آن مرحوم مجلس ختمی از ساعت ۹/۳۰ الی ۱۱ در روز جمعه مورخ ۹۵/۱/۲۷ در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد میدان محسنی برگزار خواهد شد.
حضور شما سروران سبب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: رسولی ـ رفیع پور ـ فاطمی ـ ارسلان پور و سایر وابستگان

گرد جهان گردیده‌ام
خوبان عالم دیده‌ام
لطف همه سنجیده‌ام
اما تو چیز دیگری
درگذشت **تیمسار دریادار دوم ابوالفضل حاج حسینی مسگر** را به اطلاع اقوام و دوستان می‌رسانیم.
زمان: پنجشنبه ۹۵/۱/۲۶ ـ ساعت ۱۴/۳۰ تا ۱۶
مکان: مسجد الغدیر (میرداماد)
از طرف همسر
فرزندان: امیربهرام ـ امیرشهرام ـ غزاله

هوالباقی
نام نیکو گر بماند ز آدمی
به کزو ماند سرای زرنگار
به مناسبت درگذشت شادروان **حاجی آقا فرح بخش تویسرکانی** بزرگ خاندان فرح بخش مجلس یادبودی روز پنج شنبه مورخ ۹۵/۱/۲۶ از ساعت ۱۷/۳۰ الی ۱۹ در تهران فلکه دوم صادقیه خ آیت... کاشانی بعد از سه راه جنب آباد مسجد نظام مافی برگزار می‌گردد.
حضور دوستان و آشنایان و همشهریان موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
نامت در روزگار بلند و یادت پرگل.
خانواده‌های: فرح بخش و اقبالی و وابستگان

انالله و انااليه راجعون



بانهایت تأسف و تأثر درگذشت استاد فرهیخته، پدری شایسته و بزرگوار
جناب آقای دکتر علی‌اکبر گل افشانی مصادف با شهادت امام علی النقی الهادی (ع) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همکاران محترم می‌رساند.
مراسم ترحیم آن شادروان روز جمعه ۹۵/۱/۲۷ از ساعت ۱۱/۳۰ الی ۱۳ در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار می‌گردد.
ضمناً مراسم شب هفت روز دوشنبه ۹۵/۱/۳۰ از ساعت ۲ الی ۴ بعدازظهر در محل تالار جابر ابن حیان دانشگاه صنعتی شریف واقع در خیابان آزادی برگزار می‌شود.
پدر: مهندس محمدعلی گل افشانی
همسر: طاهره میرمطهری
فرزندان: مهندس حامد، مهندس حسین، مهندس ساجد و زهرا گل افشانی
خانواده‌های: گل افشانی، میرمطهری، معیت، پیرابی، فانی، توحیدیان، شجاعی، زیبائی، خلیلی و سایر وابستگان.

یادبود

نخستین سالگرد
درگذشت مرحوم
محسن خامنه‌ء
را با نثار قطره اشکی بر مزار آن عزیز از دست رفته گرامی می‌داریم و به شیوه حسنه آن مرحوم، صرف هزینه برای امور خیریه را بر برگزاری مراسم ارجح می‌دانیم.
همسر و فرزندان آن مرحوم

مرا آن روز شادی بود در سر
که سر می‌بود بر زانوی مادر
چراغ خانه‌ی ما گشته خاموش
که مادر نیست اندر خانه دیگر
وقتی که رفتی بهار بود
و از آن روز که رفتی بهار رفت



دلم مادر می‌خواهد و بوی گل‌های چادرنمازش و صدای چرخش چرخ خیاطی‌اش که آسمان را به زمین می‌دوخت. دلم مادر می‌خواهد تا عطر یاس را به ایوان خانه مهمان کند. دلم مادر می‌خواهد که لالایی‌هایش خواب غفلت را از سر می‌پراند.
بگذار همه به کودکیم بخندند
دلم مادر می‌خواهد
دست پرمهر مادر تنها دستی است که اگر کوتاه از دنیا هم باشد باز هم از تمام دستها بلندتر است
بیست و پنجم فروردین چهارمین سالگرد همسر و مادر عزیزمان مرحومه **خانم نجیبه جباری** می‌باشد.
نامش در روزگار بلند و یادش پرگل و گرامی باد.
خانواده رجبی

یادمان
با تأثر و تحسر بی‌پایان بیست و ششم فروردین دومین سالروز درگذشت همسر محبوب و پدر عالیقدرمان معلم علم و اخلاق: **جاودانه یاد شیرزاد کیانی** را با کلام روح‌نواز پروردگار یکتا و ذکر خاطرات او گرامی می‌داریم. خدایش روح پاک این بلنداندیشه را در پناه کرم و لطف خویش شادمان دارد. نامش در روزگار بلند و یادش همواره پرگل و گرامی باد.
آمل: عذرا کیانی (همسر) و فرزندان دکتر شاهین کیانی ـ دکتر شبنم کیانی ـ دکتر شعله کیانی ـ مهندس شب‌ناز کیانی
دامادها: دکتر فرخ طوسی ـ دکتر حسن شریف ـ مهندس پیمان زارع

تسلیت

خانواده محترم دکتر کنگری
با اندوه فراوان درگذشت **جناب آقای دکتر محمود کنگری** را تسلیت عرض می‌نمایم.
دکتر فرامرز گنجه‌ای

استاد گرانمایه
جناب آقای دکتر فیاض بخش
ضایعه درگذشت همسر ارجمندتان تنها در سایه عنایت پروردگار و صبر و توکل بر او تحمل پذیر است که چنین باد.
عرض تسلیت شاگردانتان را پذیرا باشید.
محمدامین حجتی کرمانی
و جمعی از دانش آموختگان دوره ۳۲
مؤسسه فرهنگی علوی

جناب آقای دکتر سید نجات حسینی
با اندوه فراوان ضایعه درگذشت برادر گرامیتان را از صمیم قلب تسلیت عرض می‌نماییم. از خداوند متعال صبر و شکیبایی و طول عمر با عزت برای شما برادر بزرگوار و دیگر بازماندگان معزز و نیز غفران واسعه الهی برای آن فقید سعید مسئلت داریم.
روزنامه اطلاعات: افشین نریمانی و خانواده

جناب آقای دکتر ابوطالب صارمی
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت مادر گرامیتان را به حضرتعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
پزشکان و کارکنان بیمارستان صارم

همکار محترم جناب آقای دکتر اسماعیل‌زاده و دکتر خواجه
با اندوه فراوان مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه رحمت و غفران الهی و برای شما و خانواده محترم صبر و بردباری خواهانیم.
هیئت‌مدیره، مدیرعامل، پزشکان و پرسنل بیمارستان آزادی

دوست و همکار گرامی
جناب آقای نادر دیوسالار
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده همواره تندرست و سلامت باشید.
بهروز یغمائی
وکیل دادگستری

پیام تسلیت
اساتید ارجمند و معزز
آقایان دکتر هادی و دکتر حمید ندیمی
با نهایت تأسف مصیبت وارده را به آن دو بزرگوار و خانواده محترم ندیمی تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه از درگاه خداوند متعال رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر جمیل مسئلت می‌نماییم.
اعضای هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

همکار محترم
جناب آقای مهندس عزیز احمدنظری
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.
هیئت مدیره
و کلیه همکاران شما در تهران برکلی

جناب آقایان محمد و محمود محمدی‌مقدم
درگذشت ابوی گرامیتان را تسلیت عرض می‌نمایم.
تقدیری

همکار گرامی سرکار خانم فریده گودرزی
ضایعه درگذشت دایی عزیزتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، سلامتی و توفیق شما و خانواده گرامیتان را از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم.
همکاران شما در روزنامه اطلاعات بین‌المللی

جناب آقای دکتر غلامرضا کردافشاری
درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، صبر و شکیبائی بازماندگان و شادی روح آن مرحوم را از درگاه خداوند بزرگ خواستاریم.
هیئت مدیره و کارکنان شرکت نیاک

دوست و همکار گرامی
جناب آقای دکتر غلامرضا کردافشاری
درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، صبر و سلامتی بازماندگان و شادی روح آن مرحوم را از درگاه خداوند بزرگ خواستارم.
دکتر هومان بیات

استادان ارجمند
دکتر کاظم عباسیون و دکتر مسعود مهرآذین
مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت عرض نموده، برای بازماندگان صبر جمیل و برای درگذشته غفران الهی مسئلت می‌نمائیم.
دکتر حمید رحمت و هیئت مدیره انجمن جراحان مغز و اعصاب ایران

همکار گرامی جناب آقای دکتر مجید کنگری
بدینوسیله درگذشت تاسف بار عموی بزرگوارتان **دکتر محمود کنگری** را به شما و خانواده محترم کنگری تسلیت عرض می‌نماییم.
پزشکان بازنشسته
بیمارستان شهید فیاض بخش (شماره ۲)

جناب آقای دکتر ابوطالب صارمی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر ارجمندتان را حضور شما و خانواده‌ی محترمتان تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال خواستارم.
دکتر داریوش آقاخانی ـ دکتر افسانه آزموده

جناب آقای دکتر ابوطالب صارمی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را حضور شما و خانواده‌ی محترمتان تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال خواستارم.
دکتر کامران آقاخانی

سپاسگزاری

با فروتنی و تواضعی صمیمانه از الطاف سروران گرامی، پزشکان ارجمند و کارکنان کادر درمانی و اداری بیمارستان دی و دوستان و آشنایانی که به‌صور مختلف در غم و اندوه بازماندگان زنده‌یاد **دکتر هوشنگ مرزبانی** ابراز همدردی فرموده‌اند سپاسگزاری و تشکر می‌نماییم و از تأخیر در عرض سپاس و تشکر حضوری پوزش طلبیده و امید بخشش داریم.
فامیل مرزبانی و وابستگان

آگهی تغییرات شرکت ایران آروین سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۹۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۲۱۴۸۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضا هیئت مدیره بقرار ذیل: آقای نادر خورزاد ۰۰۳۸۵۸۲۱۸۱ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای پرویز عابدی ۲۲۹۴۹۹۱۸۷۷ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای محمود تولائی ۰۹۴۰۳۱۰۸۷۲ به سمت مدیرعامل (خارج از اعضاء هیئت مدیره) آقای غلامرضا عشقی‌پور ۲۲۰۰۳۸۶۱۲۵ به سمت عضو هیئت مدیره آقای احمد مهدوی ۰۰۳۹۵۷۷۱۹۸ به سمت عضو هیئت مدیره آقای محسن شهیر بایرج اربابی ۲۲۹۴۹۹۶۳۰۵ به سمت عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند و کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و یا با امضاء سه نفر از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت و سایر مکاتبات با امضاء مدیرعامل معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضاء، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین سمت مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۸۰۹۵۷۹۸ ـ ۱۵۱۸۶۱/ م الف

* *

آگهی تغییرات
شرکت صنایع کاغذ و بسته‌بندی شمس مهدی سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۱۸۱۴۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۴۰۱۶۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۹ و مجوز شماره ۱/۹۴/۱۲۴۵۰/الف ت مورخ ۱۳۹۴/۷/۶ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۳ مورد تصویب قرار گرفت. مؤسسه حسابرسی و خدمات بهروش پارسا ش.م ۱۰۱۰۰۵۲۹۱۸۹ به سمت بازرس اصلی و آقای امیر ناصر شاه آبادی به کد ملی ۰۰۵۵۸۷۵۴۹۱ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند. اعضای هیئت مدیره برای ۲ سال انتخاب گردیدند: آقای سعید مومنین به کد ملی ۴۴۳۱۴۹۹۸۴۹ و آقای محمدهادی مومنین به کد ملی ۰۴۵۳۳۲۵۱۳۰ و آقای رضا دولو به کد ملی ۰۰۴۳۴۴۹۷۹۴ با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۷۹۶۷۴۰۰ـ۱۵۱۸۱۳/م‌الف

آگهی تغییرات
شرکت سرمایه‌گذاری پویا همگام سهامی عام
به شماره ثبت ۲۲۸۸۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۹۹۸۷۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۰ به استناد مجوز شماره ۱۲۱/۳۱۵۰۳۹ مورخ ۱۳۹۴/۳/۹ سازمان بورس اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سهم ۱/۰۰۰ ریالی بانام از طریق مطالبات حال شده افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است. با ثبت این مستند تصمیمات افزایش سرمایه انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۷۹۶۷۵۰۴ـ۱۵۱۸۱۱/م‌الف

* *

آگهی تغییرات
شرکت صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی دانشگاه تهران
موسسه غیرتجاری به شماره ثبت ۲۶۹۳۷
و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۰۴۶۸۰۲۱
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های موسسه انتخاب گردید. ترازنامه و حساب سود زیان سال مالی ۱۳۹۳ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی پرهام مشار به شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۸۰۷۵۸ به سمت بازرس اصلی و مؤسسه داوران حساب به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۱۹۸۰ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند. پارک علم و فناوری دانشگاه تهران به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۴۶۷۷۲۳ شرکت صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی توسعه فناوری ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۸۶۵۰۰۹۵۷ مؤسسه طرح و توسعه علم و فناوری ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۱۸۳۳۵ شرکت مهندسی نسیم ارتباط دماوند به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۱۴۴۲۴ مؤسسه توسعه فناوری نخبگان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۳۴۵۶۹ به عنوان اعضای هیئت مدیره مؤسسه برای مدت دو سال تعیین گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۷۹۶۰۷۹۲ـ۱۵۱۸۰۹/م‌الف

آگهی تغییرات
شرکت صنایع کاغذ و بسته‌بندی شمس مهدی سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۱۸۱۴۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۴۰۱۶۷
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۹ و مجوز شماره ۱/۹۴/۱۲۴۵۰/الف ت مورخ ۱۳۹۴/۷/۶ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سعید مومنین بشماره ملی ۴۴۳۱۴۹۹۸۴۹ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای رضا دولو بشماره ملی ۰۰۴۳۴۴۹۷۹۴ به سمت نایب رئیس و مدیرعامل و آقای محمدهادی مومنین بشماره ملی ۰۴۵۳۳۲۵۱۳۰ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروات و عقود اسلامی و قراردادها با امضای رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر و اوراق عادی و اداری با امضا مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر میباشد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تعیین سمت مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۷۹۶۷۹۲۲ـ۱۵۱۸۱۲/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت صنایع تجهیزات پارس سارایه سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۱۰۶۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۲۲۵۵۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت مهندسی و مدیریت فن‌آوران سامیک به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۲۹۸۱ به نمایندگی علی‌اکبر سعیدی کیا به شماره ملی ۱۲۸۲۶۲۸۷۸۱ به سمت مدیر عامل شرکت سارایه تجهیزات فولاد به کد فراگیر ۱۴۰۰۱۳۴ به نمایندگی خوزه ایگناسیو سسما زوبی زارتا به کد فراگیر ۹۴۸۶۴۸۱۶ به سمت رئیس هیئت مدیره شرکت مبلمان فلزی سارایه به کد فراگیر ۳۰۰۲۵۸۵۸۳۸ به نمایندگی آلاین پرز ایگنا به کد فراگیر ۹۸۴۹۸۲۰۷ به سمت عضو هیئت مدیره شرکت فولاد کاوه اروند به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۱۶۰۴۰۲ به نمایندگی حبیب‌اله زاهدی تهران به شماره ملی ۰۰۷۳۱۹۱۹۸۱ به سمت عضو هیئت مدیره شرکت گسترش صنایع معدنی کاوه پارس به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۵۷۷۰۲ به نمایندگی علی دهاقین به شماره ملی ۰۰۶۹۰۱۰۱۵۳ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور، چک، سفته و برات با امضا مشترک نائب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت و در غیاب نایب رئیس با امضا یکی از اعضا هیأت مدیره و اوراق عادی و مکاتبات اداری و مراسلات با امضا مدیرعامل و در غیاب ایشان با امضا یکی از اعضای هیأت مدیره معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۸۰۷۹۹۱۰ ـ ۱۵۱۸۶۸/ م الف

آگهی تغییرات شرکت لیزینگ پیمان کارآفرین سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۹۷۴۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۹۳۰۶۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۰۱ و مجوز ۲۸۷۱۹۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۷ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال بقرار ذیل انتخاب گردیدند: اعضاء اصلی هیأت مدیره: آقای علیرضا طلوع کاشف پاکدل به شماره ملی ۰۹۴۴۰۵۹۰۷۴ به نمایندگی از طرف شرکت گروه اقتصاد سابین با شناسه ملی ۱۰۱۰۴۹۰۱۲۶۱ آقای محمدرضا محمودی به شماره ملی ۰۰۴۱۷۰۶۳۳۱ به نمایندگی از طرف شرکت خدمات مشاوره و تأمین منابع مالی سابین با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۰۷۴۶۸ آقای مجتبی صمیمی به شماره ملی ۰۹۰۱۱۷۹۲۰۵ به نمایندگی از طرف شرکت گروه سرمایه‌گذاری و توسعه تجارت بین‌الملل دماوند با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۴۳۱۲۹ آقای عبدالمجید کتانی به شماره ملی ۴۱۳۲۰۷۳۶۸۸ به نمایندگی از طرف شرکت سرمایه‌گذاری سهم یاسان بهداد با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۹۹۲۱۷ آقای سیدمجید صانعی موسوی به شماره ملی ۰۴۵۲۸۰۱۶۶۴ به نمایندگی از طرف شرکت سرمایه‌گذاری آتیه نگر سپهر با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۲۹۳۴۹ اعضاء علی‌البدل هیأت مدیره: آقای اسدالله سعادت نیاکی به شماره ملی ۲۱۴۱۸۴۴۰۲۹ به نمایندگی از طرف شرکت گروه سرمایه‌گذاران پزشکان آریان با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۹۲۷۷۷ آقای قاسم باقری به شماره ملی ۰۰۳۹۲۴۴۹۴۶ به نمایندگی از طرف شرکت سرمایه‌گذاری و تجارت غرب آسیا با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۹۱۸۴۰ با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۸۰۷۸۸۰۳ ـ ۱۵۱۸۷۲/ م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت صنایع تجهیزات پارس سارایه سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۱۰۶۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۲۲۵۵۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت گسترش صنایع معدنی کاوه پارس به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۵۷۷۰۲ ـ شرکت سارایه تجهیزات فولاد به کد فراگیر ۱۴۰۰۱۳۴ ـ شرکت فولاد کاوه اروند به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۱۶۰۴۰۲ ـ شرکت مهندسی و مدیریت فن‌آوران سامیک به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۲۹۸۱ ـ شرکت مبلمان فلزی سارایه به کد فراگیر ۳۰۰۲۵۸۵۸۳۸ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۸۰۷۹۳۸۳ ـ ۱۵۱۸۶۷/ م الف

آگهی تغییرات
شرکت اروند فراز آسانبر سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۱۳۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۸۵۱۲۱
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
آقای احمد رعایائی به شماره ملی ۴۱۳۰۵۸۳۶۴۶ بعنوان بازرس اصلی و خانم فاطمه جور محمدی به شماره ملی ۰۰۴۷۴۶۹۷۸۱ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردید.
روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌ها تعیین گردید.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۸۰۷۷۹۰۴ ـ ۱۵۱۸۶۵/ م الف

* *

آگهی تغییرات
شرکت اهرم تکنیک سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۴۳۲۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۹۶۷۰۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه عملکرد سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
آقای جواد هلیل آبادی به شماره ملی ۰۰۴۸۷۹۴۹۹۶ به سمت بازرس اصلی و آقای ناصر مبارکی به شماره ملی ۰۰۳۲۱۹۰۷۷۸ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
آقای مهرداد رضوی به شماره ملی ۳۸۷۰۹۵۰۵۶۰ آقای حسینعلی فیاض منش به شماره ملی ۰۰۴۳۲۴۶۹۷۴
آقای منصور چرخه چی بنیسی به شماره ملی ۰۰۳۹۷۰۷۹۶۲
با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب مدیران، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۷۹۹۹۰۰۱ـ۱۵۱۸۴۴/م‌الف

اطلاعات

سال نودم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۵
۵ رجب ۱۴۳۷ - ۱۳ آوریل ۲۰۱۶

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۵ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۳۶ دقیقه
اذان مغرب	۱۹ و ۵۵ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۲۰ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۰۵ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۳۳ دقیقه

هشدار انصارالله به عربستان درباره نقض آتش‌بس در یمن

سرویس خارجی: انصارالله نسبت به نقض مکرر آتش بس یمن توسط رژیم سعودی هشدار داد و آن را عاملی برای شکست مذاکرات آتی صلح خواند.

سخنگوی جنبش انصارالله اعلام کرد، عدم پایبندی به آتش‌بس، روند صلح در یمن را به شکست می کشاند و فرصت‌های موفقیت در مذاکرات را از بین می‌برد.

«محمد عبدالسلام» ادامه بمباران‌ها از سوی ائتلاف متجاوز عربی به رهبری عربستان در برخی جبهه‌ها با وجود توافقنامه‌های قبلی و نقض‌های صورت گرفته در آتش‌بس را محکوم و بر لزوم پایبندی به توافقنامه‌ها تاکید کرد.

وی همچنین نسبت به ادامه اقدامات نظامی در یمن که فرصت‌ها برای گفتگو را کاهش می‌دهد، هشدار داد. گفتنی است، رژیم سعودی و مزدورانش طی ۲۴ ساعت نخست، بیش از ۴۰ بار آتش بس را نقض کردند.

محمد البخیتی، یکی از اعضای شورای سیاسی جنبش انصار الله نیز تاکید کرد، در جنگ یمن جنبش انصارالله است که به دنبال توقف جنگ است و تاکنون امتیازاتی را نیز در این راستا داده است. البخیتی تاکید کرد، توافق آتش‌بس با طرف عربستانی در مرزها انجام شده و ما با تعدد جلسات گفتگوها در صورتی که به برقراری آتش بس کمک کند، مشکلی نداریم.

از سویی، همزمان با آرام شدن جبهه‌های جنگ در یمن در نخستین روز آتش‌بس، سخنگوی سازمان ملل اعلام کرد، آتش‌بس در یمن مجموعا پایدار به نظر می‌رسد. در همین راستا، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز گفت: توقف درگیری‌ها در یمن راه را برای مذاکرات کویت هموار خواهد ساخت.

در این میان، «اسماعیل ولد الشیخ»، فرستاده سازمان ملل به ریاض رفت و قرار است با منصور هادی، رئیس جمهوری مستعفی یمن، «احمد عبید بن دغر»، نخست وزیر خودخوانده جدید یمن و «عبدالملک المخلافی»، رئیس هیأت مذاکره کننده ریاض یک هفته پیش از آغاز گفتگوهای صلح یمن دیدار کند.

خبر دیگر اینکه، شیخ «عبدالمجید الحوثی»، نایب رئیس سازمان علمای یمن، تجاوز نظامی عربستان سعودی به این کشور را عامل اتحاد و یکپارچگی بیش از پیش طوایف و گروه‌های مختلف یمنی دانست.

انفجار تروریستی در عدن با ۵ کشته

انفجار انتحاری در عدن پنج کشته و ۱۰ زخمی برجا گذاشت. دراین حمله، یک تروریست انتحاری خودرو خود را در محلی نزدیک به شبه نظامیان وابسته به منصور هادی در عدن منفجر کرد. از سویی، پایگاه خبری انصارالله از کشته شدن یک فرمانده مزدور نیروهای نظامی عربستان در شهر «دمت» در استان الضالع خبر داد.

تظاهرات بزرگ بحرینی ها همزمان با برگزاری جلسه محاکمه «شیخ علی سلمان»

سرویس خارجی: چهارمین جلسه دادگاه «شیخ علی سلمان»، روحانی برجسته شیعه بحرینی با تظاهرات بزرگ مردم این کشور در حمایت از وی برگزار شد.

«شیخ علی سلمان» برای چهارمین بار توسط دادگاه استیناف محاکمه و صدور حکم وی به دهم خرداد موکول شد؛ همزمان با برگزاری این دادگاه، تظاهرات بزرگ مردم بحرین در مناطق مختلف بحرین برگزار شد و تظاهرکنندگان پارچه نوشته هایی در دست داشتند که بر روی آن عکس شیخ علی سلمان به همراه یکی از جمله هایش نقش بسته بود که طی آن مردم بحرین را به ادامه انقلاب مسالمت آمیز فراخوانده است.

شرکت کنندگان در این اعتراضات با سر دادن شعارهایی بر وفاداری خود نسبت به نمادها و سران مخالف بازداشت شده در زندان های آل‌خلیفه و نامشروع بودن رژیم بحرین تاکید کردند و بار دیگر خواستار سرنگونی آن شدند.

این اعتراضات در شهرهای «عالی» «ابوصیبع»، «الشاخوره»، «ابوقره»، «کرباباد» و دیگر نقاط این کشور به صورت هماهنگ برگزار شد. در همین راستا جمعیت الوفاق اسلامی بحرین با صدور بیانیه ای تاکید کرد، بی پایه و اساس بودن تمامی اتهامات نسبت داده شده علیه شیخ علی سلمان ثابت شده است و دیگر هیچ توجیهی برای ادامه بازداشت وی وجود ندارد. از سویی، رژیم آل خلیفه در بیانیه‌ای نام ۶۸ گروه و جنبش را در لیست گروه‌های تروریستی قرار داد که در این بین نام حزب‌الله و گروه‌های انقلابی بحرین به چشم می‌خورد.

***عربستان**

«محمد بن سلمان»، جانشین ولیعهد و وزیر دفاع عربستان پس از اتمام سفر خود به اردن وارد امارات متحده عربی شد. وی در این سفر با شیخ «محمد بن زاید آل نهیان» ولیعهد ابوظبی و فرمانده نیروهای مسلح امارات دیدار کرد. از سویی، «مجتهد»، کاربر معروف عربستانی و افشاگر زوایای پنهان آل سعود، تاکید کرد، بعید نیست «محمد بن سلمان» وزیر دفاع سعودی در سفرش به اردن با صهیونیست ها دیدار و در باره توافق‌های جدید با مصر هماهنگی کرده باشد. وی نوشت، معامله «سلمان بن عبدالعزیز» پادشاه سعودی و «عبدالفتاح السیسی» رئیس جمهوری مصر در خصوص جزایر مصری «تیران» و «صنافیر» مقدمه ای برای اعلام روابط بین سعودی و اسرائیل است.

***کویت**

صدها تن از نمایندگان پارلمان عراق و چهره‌های دانشگاهی، مذهبی و فرهنگی این کشور با تحصن مقابل سفارت کویت در بغداد حمایت خود را از «عبد الحمید دشتی»، نماینده شیعه پارلمان کویت اعلام و اقدامات انجام شده علیه وی از جمله لغو مصونیت دیپلماتیک او را محکوم کردند. وی به دلیل دفاعش از نیروهای داوطلب مردمی عراق و انتقاد از عربستان با لغو مصونیت پارلمانی در کویت مواجه شد. معترضان تاکید کردند، آنچه دشتی درباره داوطلبان مردمی و علیه عربستان گفت، درست است و دستگاه قضایی کویت نباید حکم بازداشت دشتی را صادر کند.

کوتاه از سراسر جهان

«شولتز»: اتحادیه اروپا در صورت خروج انگلیس فرومی پاشد

مهر: رئیس پارلمان اروپا نسبت به فروپاشی اتحادیه اروپا درصورت خروج انگلیس هشدار داد. «مارتین شولتز» اظهار داشت: انگلیس قرار است در ماه ژوئن همه پرسی برای ماندن یا خروج از اتحادیه اروپا برگزار کند که امیدوارم نتیجه نهایی آن به ماندن آنها در این اتحادیه ختم شود. وی با بیان اینکه مدتی است اتحادیه اروپا شیب رو به پایین را طی می کند، افزود: افراط گرایان اکنون در اقلیت هستند اما مخالفت هلند با توافقنامه مشارکت با اوکراین حاکی از این است که نباید به پایان خوش در اتحادیه اروپا امید داشت. شولتز گفت: اتحادیه اروپا به عنوان ابزاری برای حل و فصل اختلافات شکل گرفت اما بسیاری از افراد گمان می کنند که این اتحادیه خود به جای یک راه حل، به بخشی از مشکل تبدیل شده است.

حضور نظامی ژاپن در دریای چین جنوبی

فارس: برای مقابله با حضور نظامی چین در دریای چین جنوبی، نیروی دریایی ژاپن در راستای مشارکت در یک رزمایش به کشتی‌های ویتنامی ملحق شد. کشتی‌های جنگی ژاپنی دیروز با ورود به پایگاه دریایی ویتنام، به رزمایش دریایی ملحق شدند. رسانه‌های ژاپنی هدف مشارکت ژاپن در این رزمایش را اعمال محدودیت بر تاثیر چین اعلام کردند. رزمایش مذکور به مدت سه روز در آبهای اطراف ویتنام برگزار خواهد شد.

کنگره برزیل خواستار اعلام جرم علیه «روسف» شد

مهر: یکی از کمیته های کنگره برزیل با ۳۸ رای موافق در برابر ۲۷ رای مخالف خواستار اعلام جرم علیه رئیس جمهوری این کشور و کنار گذاشتن وی از این سمت شد. اتهام اصلی «دیلما روسف» دستکاری بودجه برزیل برای موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ است. البته روسف اتهامات دیگری دارد که مربوط به زمان تصدی وی بر شرکت نفت برزیل است. در ماه های گذشته بحث کنار گذاشتن روسف از قدرت بارها در کنگره برزیل مطرح شده اما طراحان این طرح هنوز نتوانسته اند به خواسته خود برسند. بر اساس قانون اساسی برزیل در صورتی که رئیس جمهوری کنار برود معاون وی عهده دار سمت ریاست جمهوری می شود اما مخالفان روسف درصدد هستند که «میشل تمر» معاون روسف را نیز از قدرت کنار بگذارند تا راه برای برگزاری انتخابات زودهنگام هموار شود.

خشم چین از بیانیه «گروه۷»

ایسنا: دولت چین مراتب خشم و عصبانیت خود را از بیانیه گروه ۷ درباره دریاهای چین شرقی و جنوبی ابراز کرد. وزارت امور خارجه چین در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما به کشورهای عضو گروه ۷ تاکید می‌کنیم به تعهداتشان درباره عدم موضع گیری در مسائل و مناقشات منطقه‌ای پایبند بمانند. در ادامه این بیانیه آمده است: گروه ۷ باید بر چگونگی اداره امور اقتصاد جهانی و همکاری برای مقابله با اقتصاد ضعیف تمرکز کند بجای آنکه بر مسائل و مناقشات منطقه‌ای دخالت کرده و درگیری‌ها را دامن بزند. گفتنی است وزرای خارجه کشورهای عضو گروه هفت پس از نشست در هیروشیما ژاپن مخالفت خود را با هرگونه «تحریک و دامن زدن بر اقدامات یک جانبه» که می‌تواند باعث برهم خوردن اوضاع کنونی در دریاهای چین شرقی و جنوبی شود، در بیانیه‌ای ابراز داشتند.

کری: به اوباما پیشنهاد می کنم از هیروشیما بازدید کند

ایسنا: وزیر امور خارجه آمریکا گفت، به رئیس‌جمهوری این کشور پیشنهاد می‌کند سفری به شهر هیروشیما داشته باشد. درحالی که قرار است باراک اوباما در ماه مه به ژاپن سفر کند، جان کری به خبرنگاران گفت: امیدوارم یک روز رئیس‌جمهوری آمریکا از جمله افرادی باشد که از هیروشیما بازدید می‌کند. وی خاطرنشان کرد: به طور قطع من آنچه را که در هیروشیما دیدم به او منتقل خواهم کرد و همچنین به او خواهم گفت که بازدید وی از این شهر از چه اهمیت بالایی برخوردار است. وزیر خارجه آمریکا که برای حضور در نشست وزرای خارجه هفت کشور صنعتی جهان در هیروشیمای ژاپن به سر می‌برد، از موزه یادبود صلح هیروشیما دیدن کرده بود.

اعتراضات پاریس به خشونت کشیده شد

ایسنا: پلیس پاریس اعلام کرد معترضان خشمگین از اصلاحات کار، به تخریب مغازه‌ها و رستوران‌ها دست زده و دو مامور پلیس را در اعتراضات شبانه زخمی کردند. هزاران تن از مردم پاریس در ۱۱ شب گذشته در میدان لاریپابلیکای این شهر تجمع کرده اند تا اعتراض خود را نسبت به لایحه‌ای که تعداد ساعات کاری در هفته را افزایش می‌دهد و تعدیل‌سازی نیروها را تسهیل می‌کند، ابراز کنند. چند صد تن از معترضان شبانه خیابان‌ها را مسدود و سطل‌های زباله را در سطح شهر خالی کردند و شیشه های چندین مغازه را شکستند.

اسناد پاناما؛ سازمان‌های جاسوسی جهان مشتری موساک فونسکا

ایسنا: یکی از روزنامه‌های آلمانی گزارش داد، که جاسوس‌ها از چندین کشور از سرویس‌های ارائه شده از سوی کمپانی حقوقی موساک فونسکا برای مخفی کردن فعالیت‌هایشان بهره می‌برند. روزنامه زود دویچه سایتونگ گزارش داد: جاسوس‌ها از چندین کشور از جمله سیا به صورت گسترده از سرویس‌های ارائه شده از سوی این کمپانی حقوقی بهره می‌بردند. جاسوس ها برای مخفی نگهداشتن فعالیت‌هایشان از خدمات این کمپانی استفاده کردند. این روزنامه نوشت: براساس اسناد فاش شده از سوی موساک فونسکا مشخص شد که مقام‌های ارشد سابق و کنونی از سرویس‌های مخفی و جاسوسی از سه کشور شامل عربستان، کلمبیا و روآندا در میان سایر مشتریان این کمپانی حقوقی هستند.

مردم سوریه امروز برای شرکت در انتخابات پارلمانی پای صندوق های رأی می روند

سرویس خارجی: همزمان با آغاز دور جدید مذاکرات صلح سوریه در ژنو، مردم سوریه امروز(چهارشنبه) برای شرکت در دومین انتخابات پارلمانی سوریه از زمان آغاز بحران این کشور پای صندوق‌های رای می‌روند.

هشام الشعار، رئیس کمیته عالی انتخابات سوریه گفت: براساس ماده ۵۸ قانون انتخابات، تبلیغات نامزدها ۲۴ ساعت قبل از شروع انتخابات متوقف شد.بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه پیشتر ۱۳ آوریل (امروز) را به عنوان تاریخ برگزاری انتخابات پارلمانی سوریه تعیین کرده بود. پارلمان سوریه ۲۵۰ کرسی دارد و انتخابات پارلمانی در این کشور هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود که آخرین آن در سال ۲۰۱۲ و پس از اصلاحات در قانون اساسی بود به طوری که برای اولین بار، به احزاب متعدد اجازه شرکت در انتخابات داده شد.

از مجموع بیش از ۱۱ هزار داوطلب ورود به مجلس برخی رد صلاحیت شدند، تعدادی انصراف دادند و در نهایت حدود ۳۵۰۰ نامزد در معرض آرای مردم قرار دارند که از میان آنها ۲۵۰ نفر به مجلس راه خواهند یافت. بیش از ۷۰۰۰ مرکز رأی گیری در انتخابات مجلس نمایندگان سوریه درهای خود را به روی مردم باز کرده اند. انتخابات از ساعت هفت صبح امروز تا ۱۹ برگزار خواهد شد. البته کمیته عالی انتخابات سوریه گفته است امکان تمدید یک روزه انتخابات در صورت استقبال گسترده وجود دارد.

این در حالی است که گروه معارض موسوم به "شورای سوریه دموکرات" در بیانیه‌ای ادعا کرد: انتخابات پارلمانی سوریه غیرقانونی است و ما از جامعه جهانی می‌خواهیم به این نمایش که از سوی نظام سوریه اجرا می‌شود، پایان دهد. در این بیانیه ادعا شده است: نظام سوریه با برگزاری این انتخابات برای به دست آوردن وقت و مشروعیت با روش‌های غیرقانونی تلاش می‌کند. از طرفی وزارت خارجه آمریکا هم اعلام کرد که واشنگتن انتخابات پارلمانی سوریه را قانونی نمی‌داند چرا که بیانگر اراده مردم این کشور نیست. مارک تونر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ادعا کرد: ما انتخابات پارلمانی سوریه را مشروع نمی‌دانیم چراکه نماینده اراده مردم این کشور نیست و هنوز زود است که با توجه به اوضاع کنونی سوریه انتخابات در این کشور برگزار شود.

در این حال رئیس‌جمهوری سوریه، درباره تکه تکه شدن خاورمیانه و تشکیل دولت‌های تندرو کوچک و ناامن شدن سراسر جهان هشدار داد. بشار اسد در دیدار هیأت پارلمانی روسیه در دمشق؛ ضمن رد دوباره فدرالی شدن سوریه، نسبت به تجزیه خاورمیانه به کشورهای کوچک تندرو هشدار داد. او تأکید کرد: سیستم فدرالیسم، سوریه را نابود خواهد کرد. وی با اشاره به انتخابات پارلمانی سوریه نیز گفت: لازم است قانون اساسی جدیدی نوشته و به همه‌پرسی تمامی مردم سوریه گذاشته شود تا همه مردم از آن حمایت کنند. اسد گفت: لازم است قانونی درباره سکولاریسم ماندن سوریه تدوین شود.

از سویی معاون وزیر خارجه سوریه ضمن بیان عدم مخالفت این کشور با مسئله مذاکره مستقیم با معارضان، از حمایت‌های نظامی، فرهنگی، علمی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از دمشق قدردانی کرد. «فیصل مقداد» تأکید کرد که دمشق با مذاکره مستقیم با معارضان این کشور در مذاکرات ژنو مخالفتی ندارد. مقداد با اشاره به نقش مهم ایران، حزب الله و روسیه در موفقیت‌های اخیر ارتش سوریه گفت: شمار زیادی از مشاوران و کارشناسان نظامی ایرانی در سوریه حضور دارند و در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی از سوریه حمایت می‌کنند. وی از ملت ایران برای تلاش به منظور حفظ تمامیت ارضی سوریه قدردانی کرد.

در چنین شرایطی استفان دی‌میستورا نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه تصریح کرد: دور آینده مذاکرات ژنو بسیار با اهمیت خواهد بود زیرا ما به طور ویژه بر روند گذار سیاسی و مبانی حکومت انتقالی و قانون اساسی تمرکز خواهیم کرد.

تحولات میدانی

شهرک استراتژیک العیس واقع در ریف حلب از لوث وجود تروریستهای تکفیری داعش آزاد شد. العیس، تا روز ۱۲ فروردین امسال در تصرف نیروهای مقاومت بود که تروریستهای جبهةُ النصرة با یورش به این شهرک استراتژیک، آن را اشغال کردند. پیش از این نیز رزمندگان مقاومت اسلامی نُجَباء، العیس را آزاد کرده بودند و این دومین بار است که العیس توسط آنان پاکسازی و به صورت کامل آزاد می‌شود.

در خبری دیگر رسانه‌های ترکیه گزارش دادند که چند موشک از خاک سوریه به سمت شهرستان کیلیس در جنوب شرق ترکیه شلیک شده است. خبرگزاری آناتولی گزارش داد که این موشک ها از مناطق تحت اشغال داعش شلیک شد و هفت زخمی بر جا گذاشت که حال دو تن از آنها وخیم است. از طرفی وزارت دفاع روسیه خبر داد که یک بالگرد روسیه در حمص سوریه دچار سانحه شد و سقوط کرد و دو خلبان آن کشته شدند.

خبر دیگر اینکه نخست وزیر رژیم صهیونیستی برای اولین بار اعتراف کرد که این رژیم در سوریه دهها بار کامیون‌های حامل سلاح برای حزب الله لبنان را هدف قرار داده است. بنیامین نتانیاهو گفت: هر زمان که لازم باشد اقدام می‌کنیم و از جمله این موارد می‌توان به دهها عملیاتی اشاره کرد که با عبور از مرزها علیه حزب الله انجام شد و اجازه ندادیم آنها به سلاح‌هایی دست یابند که امکان تغییر قواعد بازی را داشت.

حمله تروریستی به پاسگاه پلیس در «دیاربکر» ترکیه با ۵۲ کشته و زخمی

سرویس خارجی: انفجار خودروی بمب‌گذاری شده مقابل پاسگاه پلیس دیاربکر ترکیه به کشته و زخمی شدن ۵۲ تن منجر شد.

حمله تروریست ها با خودروی بمب‌گذاری‌شده به یک ایستگاه ژاندارمری در شهر «هانی»، واقع در استان کردنشین «دیاربکر» ترکیه دو کشته و ۵۰ زخمی برجا گذاشت، دست کم هشت غیر نظامی در میان زخمی ها دیده می شود. خبرگزاری آناتولی، گروه تروریستی «پ.ک.ک» را به انجام این عملیات متهم کرد.

رویترز نیز گزارش داد، پس از حادثه بیش از ۲۰ دستگاه آمبولانس به محل اعزام شد. قدرت انفجار به حدی بوده که شیشه‌های ساختمان‌های اطراف ریخت و ساختمان‌ها به لرزه درآمدند. از سویی، در حالی که درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی ترکیه و شبه نظامیان کرد در مناطق جنوب شرقی این کشور شدت گرفته است، احمد داود اوغلو، نخست وزیر به همراه اعضای کابینه خود برای بررسی راه‌های بازسازی اقتصاد نابسامان این مناطق از آنجا بازدید کرد.

در خبری دیگر، «سلمان»، پادشاه عربستان سعودی، در پاسخ به دعوت رسمی «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه، پس از پایان سفر پنج روزه‌اش به مصر، عازم آنکارا شد و در فرودگاه مورد استقبال اردوغان قرار گرفت. علاوه بر اردوغان، «مولود چاووش اوغلو» وزیر خارجه، سرلشکر «متین ایدیلی» فرماندهی نظامی آنکارا، شهردار این شهر و شماری از سفرای کشورهای عربی در مراسم استقبال از سلمان حضور داشتند.

انفجار انتحاری «ننگرهار» افغانستان ۱۲ کشته داشت

سرویس خارجی:منابع محلی در ننگرهار افغانستان از برخورد و انفجار یک موتورسیکلت سه چرخه حامل مواد منفجره با اتوبوس حامل نیروهای ارتش در نزدیکی شهر «جلال آباد» خبر دادند که براثر آن ۱۲ تن کشته و ۳۸ نفر دیگر زخمی شدند.

شماری از کشته شدگان و مجروحان این انفجار غیرنظامی بودند. در همین حال،سخنگوی طالبان مسئولیت حمله انتحاری به اتوبوس حامل نظامیان را بر عهده گرفت. در چنین شرایطی، سفارت آمریکا در افغانستان با انتشار هشداری فوری خطاب به اتباعش از احتمال حمله شبه‌نظامیان افغان به هتل «استار» در کابل خبر داد و افزود، براساس اطلاعات به دست آمده شبه‌نظامیان افغان قصد دارند به هتل استار حمله کنند لذا به شهروندان آمریکایی توصیه می‌شود از اقامت در این هتل خودداری کرده و در جریان بازدید از هتل‌ها در کابل بسیار هوشیار باشند.

این در حالی است که، علیرغم تلاش‌های دولت کابل برای آوردن شبه‌نظامیان طالبان به پای میز مذاکرات با هدف پایان دادن به درگیری‌های کشورشان، طالبان افغانستان آغاز حملات بهاره خود را اعلام کرد.طالبان در بیانیه‌ای گفت: در جریان حملات بهاره تحت عنوان «عملیات عمری» که به یاد ملاعمر، بنیانگذار این جنبش نام گرفته است، حملات گسترده‌ای را علیه مواضع دشمن در سراسر کشور ترتیب خواهیم داد.در واکنش به این خبر دولت افغانستان خاطرنشان کرد، اعلام جنگ طالبان علیه مردم بی گناه تازگی ندارد و ابتکار عمل در میدان جنگ به دست نیروهای دولتی افغانستان است.

در تحولی دیگر، در پی سفر اخیر وزیر خارجه آمریکا به کابل و درخواست وی برای تداوم کار دولت وحدت ملی افغانستان به مدت پنج سال، بسیاری از افغان‌ها این اظهارات جان کری را مداخله در امور داخلی کشورشان تلقی کرده و به آن واکنش نشان دادند.

«فتحی زیدان» مسئول امنیتی جنبش فتح فلسطین در لبنان ترور شد

سرویس خارجی: منابع امنیتی لبنان از ترور یکی از مسئولان جنبش فتح فلسطین با استفاده از یک خودروی بمب‌گذاری شده خبر دادند.

فتحی زیدان، از اعضای ارشد و مسئول امنیتی جنبش فتح صبح دیروز در انفجار یک خودروی بمب‌گذاری شده که گفته می‌شود مستقیما برای ترور وی اختصاص داده شده بود جان خود را از دست داد. برخی منابع اعلام کردند بمب مذکور به زیر خودروی زیدان چسبانده شده بود.این انفجار در نزدیکی اردوگاه فلسطینی «عین الحلوه» در نزدیکی شهر «صیدا» رخ داد که خسارت‌هایی نیز به وجود آورد .نیروهای امنیتی لبنان بلافاصله در محل حاضر شده و از مردم خواستند از نزدیک شدن به محل انفجار خودداری کنند.

احتمال می‌رود که این ترور به دلیل تسویه حساب‌های شخصی میان گروه‌های فلسطینی در لبنان باشد که هریک تلاش می‌کنند بر اردوگاه‌های فلسطینی سیطره یابند.به تازگی جریان‌های سلفی در اردوگاه‌های فسلطینی‌ها در لبنان تلاش‌هایی را برای سیطره بر اوضاع در این مناطق آغاز کرده‌اند که با مخالفت جنبش فتح به عنوان بزرگترین جریان نظامی - سیاسی فلسطین روبه رو شده است. اداره اردوگاه‌های فلسطینی در کشورهای عربی توسط خود فلسطینی‌ها انجام می‌شود و نیروهای نظامی یا امنیتی این کشورها از جمله لبنان و سوریه حق ورود به اردوگاه‌ها را ندارند و به همین دلیل اداره این اردوگاه‌ها برای فلسطینی‌ها حائز اهمیت است.

خبر دیگر اینکه سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرد که جنگ غزه آوارگی ۷۵ هزار نفر را در پی داشته است. در این گزارش آمده است: اغلب خانواده های آوارگان جنگ غزه که حدود ۶۲ درصد هستند در منازل استیجاری ساکن هستند و حدود ۵۰ درصد نیز بیم از دست دادن محل اقامتشان را دارند. در ادامه گزارش گفته شده است که وضعیت زنان و دختران آواره نگران کننده است چرا که این افراد در شرایطی زندگی می کنند که امنیت و سلامت آنها در خطر است و کرامت آنها حفظ نمی شود. بیش از ۱۶ هزار خانواده در شرایط دشواری در نوارغزه زندگی می کنند و نیازمند حمایت بین‌المللی هستند.

در این حال دیدبان حقوق بشر با انتقاد از افزایش بازداشت کودکان فلسطینی توسط صهیونیست‌ها، اعلام کرد به حقوق کودکان فلسطینی در زندان‌های صهیونیستی تعدی می‌شود. دیدبان حقوق بشر که مقر آن در نیویورک قرار دارد با انتشار گزارشی، نظامیان صهیونیست را به بدرفتاری با کودکان فلسطینی در زندان‌های صهیونیستی متهم کرد. در این گزارش آمده که تعداد کودکان اسیر فلسطینی در زندان‌های اسرائیلی از زمان شکل گیری انتفاضه قدس افزایش یافته است. از طرفی یک مرکز فلسطینی در گزارشی اعلام کرد از آغاز سال ۲۰۱۶، مقامات اشغالگر اسرائیلی ۵۲۳ خانه و ساختمان غیرنظامی فلسطینی ها را در کرانه باختری تخریب کرده‌اند.

در تحولی دیگر منابع رسانه ای از ورود گسترده خودروهای نظامی رژیم صهیونیستی به منطقه «خان یونس» در نوار غزه خبر دادند. به دنبال ورود خودروهای نظامی رژیم صهیونیستی به نوار غزه جوانان فلسطینی با نیروهای امنیتی این رژیم درگیر شدند. از سوی دیگر، بلدوزرهای رژیم صهیونیستی همچنان به تخریب منازل شهروندان فلسطینی به ویژه منازل خانواده های عوامل عملیات های استشهادی ادامه می دهند. در این حال خبرگزاری فلسطینی معا گزارش داد، دیدارهای محرمانه میان رهبران فتح و حماس با هدف دستیابی به ساختاری مشترک و سازماندهی شده برای انتفاضه تحت کنترل که طبق دستورات رهبری فلسطینی واحد عمل کند، سلسله گام‌هایی را تعیین کرده که باید علیه رژیم اشغالگر دست به آنها زد. این خبرگزاری اعلام کرد، دو طرف به تفاهم‌هایی دست یافته اند که جنبش جهاد اسلامی نیز این طرح را که گامی مشترک برای رویارویی با اشغالگری اسرائیل است، پذیرفته است.

خبر دیگر اینکه مردم ایرلند در اعلام همبستگی با ملت فلسطین، اقدام به جمع آوری تمامی کالاهای اسرائیلی از یکی از مهم‌ترین مراکز خرید کشورشان کردند. این اقدام در راستای کمپین تحریم کالاهای اسرائیلی و در اعلام همبستگی با ملت فلسطین صورت گرفت.

سازمان ملل: مصر حقوق بشر را نقض می کند

سرویس خارجی:بازرسان حقوق بشر سازمان ملل از مصر به خاطر نقض حقوق بشر، تعطیل کردن سازمان‌های محلی مردم نهاد و جلوگیری از سفر کارمندان این سازمان ها برای بررسی مسایل حقوق بشری انتقاد کردند. بازرسان حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه ای اعلام کردند، مصر در ایجاد فضایی امن و قانونی برای جامعه مدنی این کشور قصور می کند.

خبر دیگر اینکه،یک مقام صهیونیست اعلام کرد که اسرائیل در حال بررسی اعطای جزایر تیران و صنافیر به عربستان از منظر حقوقی است و در صورت نیاز با مصر گفتگو خواهد کرد.

*** لیبی**

وزیر خارجه روسیه از اظهارات باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا درباره تهاجم نظامی به لیبی انتقاد کرد و آن را حمایت از اقدامات غیرقانونی خواند.سرگئی لاوروف در جمع خبرنگاران تصریح کرد، اوباما عملیات نظامی آمریکا در لیبی را اشتباه خواند اما منظور وی این نبود که این عملیات نباید انجام می گرفت، بلکه به اعتقاد وی پس از بمباران لیبی می بایست عملیات زمینی شروع می شد.

به گفته وی، آمریکا و متحدان غربی این کشور در سال ۲۰۱۱ در حالی که شورای امنیت فقط اجازه برقراری محدوده پرواز ممنوع در لیبی را داده بود، با زیر پا گذاشتن معیارهای بین المللی و نقض تصمیمات شورای امنیت به لیبی حمله کردند که براثر آن شمار زیادی از مردم این کشور به خاک و خون کشیده شدند. خبر دیگر اینکه، وزیر خارجه ایتالیا در سفری به لیبی رفت و از سوی معاون نخست وزیر دولت وحدت ملی لیبی مورد استقبال قرار گرفت.

آمریکا، کره شمالی را تهدید به تحریم‌های بیشتر کرد

سرویس خارجی: وزیر خارجه آمریکا در هشداری شدیدالحن اعلام کرد،کره شمالی در صورت استمرار تحرکات خطرناک و تهدیدآمیز، با تحریم‌ها و فشارهای بیشتری از سوی جامعه بین‌الملل مواجه خواهد شد. جان کری در پایان اجلاس وزرای «گروه ۷» در شهر هیروشیمای ژاپن تاکید کرد، اگر پیونگ یانگ بخواهد به فعالیت های هسته ای خطرناک خود ادامه دهد، تدابیر دشوار دیگری برای آن کشور در نظر گرفته خواهد شد. کری افزود، ما می دانیم شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه تحریمی را علیه این کشور تصویب کرده است اما آماده ایم در صورت لزوم تحریم های سخت‌تر از آن را برضد کره شمالی اعمال کنیم.سخنان کری پس از آن مطرح شد که نهاد ریاست جمهوری کره جنوبی اعلام کرد، احتمال دارد پیونگ یانگ به پنجمین آزمایش اتمی خود در این هفته دست بزنند. به نظر می رسد که وزیر خارجه آمریکا با نظرداشت همین احتمال چنین هشداری به کره شمالی داده و بار دیگر این کشور را با ابزار تحریم مورد تهدید قرار داده است.

کری گفت: ما چندین مورد تحریم شدید را علیه این کشور متوقف کرده‌ایم و منتظر اقدامات کره شمالی در ماه آینده هستیم.

وزرای جریان صدر عراق در حمایت از طرح تشکیل دولت تکنوکرات استعفا دادند

سرویس خارجی:وزرای جریان صدر عراق در راستای حمایت از طرح حیدر العبادی نخست‌وزیر این کشور درباره تشکیل دولت تکنوکرات، استعفا دادند. وزرای جریان صدر عراق با تاکید بر اینکه دولت کنونی عراق یک «دولت جناحی» است، استعفای خود را در راستای حمایت از طرح نخست وزیر عراق برای تشکیل دولت تکنوکرات(فن‌سالار) اعلام و استعفانامه خود را تقدیم نخست وزیر کردند.از سوی دیگر، هیات سیاسی جریان «الاحرار» عراق وابسته به جریان صدر عراق اعلام کرد مسئولیت استعفای وزرای عراق بر عهده حیدر العبادی نخست وزیر این کشور خواهد بود.

در همین حال،تلاش‌های حیدر العبادی در جلب موافقت پارلمان با لیستی از وزیران تکنوکرات که به پارلمان داده بود با شکست روبه‌رو شد و به جای آن طبق توافق دو طرف به عنوان شرط تایید ترکیب کابینه جدید نخست وزیر با اسامی نامزدهای فراکسیون‌های پارلمانی روبه‌رو شد، در حالی که جریان صدر اعلام کرد که در دولت حیدر العبادی مشارکت نخواهد کرد.

در همین رابطه،سعد الحدیثی، سخنگوی دفتر رسانه‌ای حیدر العبادی، نخست وزیر عراق گفت: حیدر العبادی اسامی نامزدهای بیشتر فراکسیون‌های سیاسی را دریافت کرده و به اجرای یک روند "مقایسه و تصمیم‌گیری" برای انتخاب لیست جدید از بین اسامی که قبلا به پارلمان ارائه کرده و اسامی جدیدی که فراکسیون‌ها تقدیم کرده‌اند،خواهد پرداخت.به گفته منابع، فراکسیون کردها و لیست الوطنیه به رهبری ایاد علاوی هنوز اسامی نامزدهای خود را ارائه نکرده‌اند.در این حال،جلسه رای‌گیری پارلمانی بر سر تشکیل طرح نخست وزیر عراق برای تشکیل کابینه تکنوکرات به پنجشنبه هفته جاری موکول شد.

در همین حال،رؤسای سه‌گانه و فراکسیون‌های سیاسی عراق با هدف حل بحران سیاسی سند اصلاحات ملی را که شامل ۱۲ بند است، امضا کردند. این سند شامل مواردی از جمله اجرای اصلاحات فراگیر در تمامی پرونده‌های ملی، حفظ استقلال در تصمیم‌گیری‌ها و تشکیل شورای سیاسی مشورتی با حضور رهبران جناح‌های سیاسی است.رؤسای سه گانه و فراکسیون‌های سیاسی عراق در نشست خود در کاخ "السلام" سند اصلاح ملی را امضا کردند که در متن آن آمده است: این سند با روند واضحی برای خارج کردن کشور از بحران فراگیر و پایان دادن به بن بست سیاسی کنونی از طریق همکاری میان گروه‌های ملی مختلف براساس روند سیاسی و اصول آن امضا شده است.در این سند همچنین آمده است: اصل و اساس این سند بر پایه تمایل مردمی به ایجاد تغییرات چشمگیر در عملکرد قوه مجریه، مقننه و قضائیه با پایبندی کامل به مشروعیت قانون اساسی و فراهم کردن فضای مناسب برای تقویت این اصل است.

برخی بندهای سند اصلاحات ملی عراق شامل این موارد است:۱- اجرای اصلاحات فراگیر در تمامی پرونده‌های ملی شامل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی هماهنگ با شرایط کشور.۲- حفظ استقلال در تصمیمات ملی برای حفظ هیبت کشور در داخل و خارج.۳-مشارکت گروه‌های ملی در روند اصلاحات فراگیر از طریق مشارکت واقعی در اصلاحات براساس اصل شراکت ملی.۴-فراکسیون‌های سیاسی نامزدهای خود را برای کابینه جدید به نخست وزیر ارائه کرده و نخست وزیر حق انتخاب دارد. براساس شراکت ملی باید کسانی که شروط لازم را از جمله لیاقت دارا هستند، انتخاب شوند. ۵-پایبندی به بازگشت آوارگان به مناطق خود در سریع‌ترین زمان ممکن. همچنین دولت متعهد می‌شود که با حمایت گروه‌های سیاسی تمامی امکانات کشور و حمایت خارجی را برای بازسازی مناطق آزاد شده به کار گیرد.

در چنین شرایطی،رئیس ائتلاف الوطنیه عراق اعلام کرد آمریکایی‌ها نامه‌هایی را برای وی درباره تغییرات در کابینه ارسال کرده و از وی خواسته‌اند در تغییرات وزارتی کنونی شرکت کند.ایاد علاوی، رئیس ائتلاف الوطنیه عراق در سخنانی در برنامه «پیش‌بینی نشده» که شبکه سومریه نیوز عراق آن را پخش می‌کند، گفت: دفتر رئیس‌جمهوری عراق با من تماس گرفت و از من خواست در نشست رؤسای سه گانه با فراکسیون‌های سیاسی شرکت کنم اما من مخالفت خود را با حضور در این نشست که جریان صدر، ائتلاف کردی و حتی نوری مالکی، رئیس ائتلاف دولت قانون در آن حضور نیافتند، اعلام کردم.

وی افزود: نشست رؤسای سه‌گانه یک روش و برنامه کاری یا دست کم دیدگاه واضحی ندارد. من به کسانی که تماس گرفته بودند گفتم که نمی‌خواهم وقتتان را بگیرم و باری بر دوش شما باشم.ایاد علاوی همچنین فاش کرد، آمریکایی‌ها نامه‌هایی را برایش درباره تغییرات در کابینه ارسال کرده و از او خواسته‌اند در تغییرات وزارتی کنونی شرکت کند اما وی به آن‌ها گفته که برای آنها کار نمی‌کند پس حق ندارند چنین درخواستی از او بکنند.

خبر دیگر اینکه،وزیر دفاع آمریکا تاکید کرد، اختلافات و کشمکش‌ها در داخل دولت عراق کمپین نظامی آمریکا را علیه داعش در این کشور باز نمی‌دارد. اشتون کارتر، وزیر دفاع آمریکا گفت: انتظار دارم واشنگتن هفته آتی از دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بخواهد هنگامی که داعش شکست خورد، در انجام اقدامی وسیع‌تر برای بازسازی عراق کمک کنند.

این در حالی است که،وزیر دفاع فرانسه در دیدار با نخست وزیر عراق با اشاره به شکست‌های داعش در غرب عراق و شمال شرق سوریه و پالمیرا بر لزوم بهره‌وری از این وضعیت تاکید کرد.ژان ایو لودریان، وزیر دفاع فرانسه در دیدار با حیدر العبادی، نخست وزیر عراق بر لزوم استقرار فعالیت‌ها و تلاش‌ها در هدف قرار دادن منابع این گروه تروریستی و از میان برداشتن فرماندهان آن و مقابله با برنامه‌های آن برای عملیات در کشورهای اروپایی تاکید کرد.در خبری دیگر،کاخ سفید اعلام کرد معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در تماس تلفنی جداگانه با حیدر العبادی و مسعود بارزانی، بر لزوم یک عراق «فدرال، یکپارچه و دموکراتیک» تاکید کرده است.

اوستیای جنوبی برای پیوستن به روسیه همه پرسی برگزار می کند

سرویس خارجی: دولت منطقه خودمختار اوستیای جنوبی در گرجستان قصد دارد در مورد ملحق شدن به روسیه همه‌پرسی برگزار کند.

لئونید تیبیلف، رهبر این جمهوری خودمختار که پیشتر استقلال خود را از گرجستان اعلام کرده بود، گفت: این همه پرسی در آینده نه چندان دور برگزار خواهد شد و ما می خواهیم ماه اوت آن را برگزار کنیم.به گفته تیبیلف، موضوع این همه پرسی اصلاح قانون اساسی اوستیای جنوبی خواهد بود.

وی افزود: من صد در صد مطمئنم که مردم به این سؤال پاسخ مثبت خواهند داد. تیبیلف یادآور شد که در سال ۱۹۹۲ همه پرسی مشابهی در مورد الحاق اوستیای جنوبی به روسیه برگزار شده بود و در آن زمان مردم از این تصمیم حمایت کردند ولی این تصمیم اجرایی نشد. همه پرسی مشابه دیگری نیز در سال ۲۰۰۶ برگزار شد.

گفتنی است در سال ۲۰۰۸ دولت مرکزی گرجستان به رهبری میخائیل ساکاشویلی تلاش کرد کنترل اوستیا را دوباره به دست گیرد اما این اقدام به نزاع مسلحانه منجر شد که دخالت روسیه را به همراه داشت. پس از چند روز درگیری‌های نظامی، دو طرف توافقنامه آتش‌بس امضا کردند. بعد از آن، روسیه استقلال اوستیای جنوبی از گرجستان را به رسمیت شناخت. ونزوئلا، نیکاراگوئه و جزایر نائورو و وانوآتو هم استقلال اوستیای جنوبی را به رسمیت شناختند اما هیچ کشور دیگر عضو سازمان ملل متحد تا کنون استقلال اوستیای جنوبی را از گرجستان به رسمیت نشناخته است.

در این حال دولت گرجستان به احتمال برگزاری همه پرسی در اوستیای جنوبی برای الحاق این منطقه به روسیه واکنش نشان داد و اعلام کرد که جامعه جهانی نتیجه این همه‌پرسی را به رسمیت نخواهد شناخت. آنطور که دولت گرجستان اعلام کرده، روس‌ها بنا دارند با برگزاری همه‌پرسی در اوستیای جنوبی، در صورت مشخص شدن تمایل اکثریت مردم، این منطقه را به خاک خود ملحق کنند. لازم به ذکر است روسیه دو سال پیش هم در شبه‌جزیره کریمه همه‌پرسی برگزار کرد و با ریخته شدن ۹۶ درصد آراء به نفع روس‌ها، کریمه به روسیه ملحق شد.

تظاهرات معترضان به فساد مالی در دستگاه سیاسی آمریکا مقابل کاخ سفید

سرویس خارجی: صدها تن از معترضان از یک گروه ائتلافی به نام «بهار دموکراسی» مقابل کاخ سفید دست به تحصن اعتراضی علیه فساد مالی در سیاست زدند.

خبرگزاری دویچه وله اعلام کرد، بیش از ۴۰۰ تن از اعضای این گروه ائتلافی توسط پلیس واشنگتن به اتهام تجمع غیرقانونی، برهم زدن نظم عمومی و ایجاد ناآرامی دستگیر شدند. این تظاهرات صلح‌آمیز بخشی از اعتراضاتی است که در واشنگتن در هفته اخیر از سوی این گروه ائتلافی برگزار شد. معترضان شعارهایی نظیر «هر فرد، یک رای» و «پول را از سیاست خارج کنید» سر می‌دادند. جنبش بهار دموکراسی ریشه در جنبش اشغال وال استریت دارد و از کمپین‌های نامزدهایی چون «برنی سندرز» و «دونالد ترامپ» که علیه کمپین پول در سیاست سخن می‌گویند، حمایت می‌کند. گفتنی است، نابرابری‌های مالی به یکی از مسائل سیاسی پیش از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا بدل شده است.

در خبری دیگر، نامزد پیشتاز و جنجالی جمهوریخواه انتخابات آمریکا در اظهاراتی نظام انتخاباتی و شیوه انتخابات درون حزبی ریاست جمهوری این کشور را فاسد، منزجرکننده و کثیف خواند. به گزارش پایگاه هیل، دونالد ترامپ در یک تجمع انتخاباتی در نیویورک گفت: رسانه‌ها خیلی غیرقابل اعتماد و متقلب هستند، من در تعجبم چون میلیون‌ها رای جلوترم اما رسانه‌ها حتی به این اشاره هم نمی‌کنند و فقط درباره آرای وکلا (delegates) حرف می‌زنند. او افزود، مشکل آن است که سیستم فاسد و پر از تقلب است، این سیستمی کثیف و منزجرکننده‌است.

از سویی، «لورا بوش»، همسر جورج دبلیو بوش رئیس جمهوری سابق آمریکا، با انتقاد از «دونالد ترامپ» گفت: «هیلاری کلینتون» را به ترامپ ترجیح می دهد.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۲۶۱

چهارشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۵ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات /سال نودم - شماره ۲۶۴۱۴

آموزه


مولانا

احوال این عالم چون در نگری
همه بندگی حق می‌کنند
از فاسق و صالح و عاصی
و مطیع و دیو تا ملک.

قلم‌انداز

کریم فیضی

اقتصاد ایرانی ایران اقتصادی

داریم ماشین می‌شویم

«انسان ها در حال تبدیل شدن به ماشین اقتصادی اند»،
«ایرانی ها در حال تبدیل شدن به ماشین اقتصادی اند».

این دو گزاره به لحاظ منطقی کاملا صحیح است با این تفاوت که دومی کلی است و نیازمند استقراست اما گزاره دوم جزئی تر است و نیاز آن به استقراء کمتر از گزاره اول است و از سوی دیگر امکان این استقراء برای ما محسوس و مشهود و قابل تجربه و آزمایش است. در اینجا درباره گزاره اول صحبت نمی کنیم، اما گزاره اول محل بحث ماست.

برای اثبات و قبول گزاره دوم یعنی اینکه «ایرانی ها در حال تبدیل شدن به ماشین اقتصادی هستند» کافی است هرجا که هستید با کسی سر سخن - هر سخنی - را بازکنید. سخن را از هر کجا شروع کنید، خواهید دید در کوتاه ترین زمان ممکن، به زمین خواهد کشید و ملک و املاک و اجاره و ســـود و بانک و وام و پول و درآمد و پارو کردن پول و نظایر این، مثل : سکه ، دلار، سفته، ضامن و اشباه و نظایر این کلمات که کاملا اقتصادی اســـت و مصرف غیر اقتصادی یا ندارد یا به تازگی از دست داده است.

کافی اســـت با یک همکار سر سخن را باز کنید! سخن و کلام از هرکجا که شروع شده باشد بلافاصله مثل ماهی لیز خواهد خورد و خواهد افتاد به حوض اقتصاد که پر است از قطرات آب مشخص و معین و شناخته شده امور مالی و اقتصادی: درآمد، حقوق ماهیانه، اضافه کار، بیمه، مالیات، بازنشستگی، تغییر شغل، شغل دوم، ســـاعت کار، بن، بیمه، معوقات، پس انداز و هر چیزی که به این قضایا برمی گردد.

اگر در یک جمع خانوادگی قرار گرفته باشید که محارم و نزدیکان شما در آن مستقرند، سخن به فرض هم که از مرگ و میر و خاطرات دوران کودکی و سوانح و تصادف و حتی زلزله هم که شروع شده باشد، خیلی زود خواهد رسید به درآمد همسایه بغلی، ماشین همسایه روبرویی، خانه جدید پسر همسایه که بعد از رفتن از این منطقه خریده و سند زده، ویلای دختر همسایه و داماد فلان و بعد هم مسایل ارث و میراث که فلانی ها تقسیم کردند، به هرکس چه رســـید، کم بود یا زیاد، فلانی ها هم می خواهند تقسیم کنند منتظرند مادرشان هم بمیرد و فلانی های دیگر هم که سندشان مشکل دارد و بقیه چیزهایی که جنبه خانوادگی دارد و برمی گردد به اینکه: ما خانه مان کوچک است، ما وام برداشته ایم، ما هم که کلی قسط می دهیم با بهره بالا، ما هزینه مان زیاد شده است و ما در فلان ملک با فلانی اینقدر شریکیم و فلان قدر هم خریده بودیم که باختیم و اشتباه کردیم فروختیم و از آن موقع تا حالا کلی رویش آمده و الآن اینقدر شده است و فعلا منتظریم تا گرانتر شود و بقیه گزاره هایی که تقریبا در همه مهمانی های خانوادگی دهان به دهان می چرخد.

اگر احیانا در یک مهمانی با موضوعیت عروسی یا تولد یا حتی مـــرگ - حتی مرگ های دلخراش از نوع تصادف و جوانمرگی و مرگ های دسته جمعی و چند نفره - حضور داشته باشید، باز خواهید دید که مباحث از هرکجا که شروع شده باشد، آرام آرام و به تدریج می لرزد و می لغزد و از نور و مساحت مسجد کم کم می رسد به جایی که مسجد در آن واقع است، لوکیشن مسجد، نوع ساخت و معماری مسجد، مصالح و قدمت مسجد و اینکه تازه ساز است یا کهنه ساز، قیمت زمین در این منطقه، درآمد مسجد از انواع مجالس ختم - که هر روز چند نوبت در حال برگزاری است - و آرام آرام اوج می گیرد...

ادامه دارد



مادر دانا کند فرزند دانا تربیت

مادر روزها

حسین بشارت: هر که بر هرجا رسد از اهتمام مادر اســـت. رفته بودم به «ندوشن» زادگاه دکتر محمد علی اسلامی تا وی را که از دیر باز آشنای خانوادگی مان بود و امروز نام آشـــنای همه اهالی فرهنگ و ادب است در دیدار دوستانه ی با همشهری‌هایش همراهی کرده باشم. وقتی در ملازمت وی و در میان شوق و ذوق فراوان مردم گوهر شـــناس آن دیار تا به خانه پـــدری اش در محله «سرسودک» از کوچه‌های تو در توی ندوشن می گذشتیم و فوج فوج خاطراتی از گذشته‌های دور، در ذهن می گذراندم ناگهان خود را در برابر ساختمان نوسازی دیدم که بجای آن خانه کهنسالی که خانواده دکتر اسلامی در آن زندگی می‌کردند بنا شـــده بود و عنوان «خانه فرهنگ خاور» بر خود داشت.ظاهراً دکتر اسلامی خواسته بود با ساختن این ساختمان که در بردارنده کتابخانه و سالن آمفی تئاتر و موزه اشیاء و آثار تاریخی محل بود و اهدای آن به فرهنگ ندوشن از هم ولایتی‌های خود که بارها در حق آنها به نیکی یاد کرده است قدر شناسی کند. اما آن چه مرا بیشتر مجذوب خود ساخت نامی بود که برای آنجا برگزیده بود. «خاور» نام مادر دکتر اسلامی بود که در میان خانواده ما همواره به «حاجی بی بی خاور» معروف بود و اکنون به پاس همه نیکویی‌هایی که آن مادر در این خانه و محله ی آباء و اجدادی درحق این یگانه پسرش روا داشته بود می‌دیدم آن فرزند دانشمند و قدر شناس نیز آنجا را فرهنگ خانه ندوشن ساخته و به نام مادر نامگذاری کرده است چقدر مشعوف شدم و بر این همت و درایت آفرین‌ها گفتم. خاور که یادآور شرق وطلوع وظهور آفتاب است.دراینجا نام مادری بود که مظهر بروز وظهور فرزند روشنی بخشی چون اسلامی ندوشن شده بود کسی که چون آفتابی عالمتاب از کرانه کویر طلوع کرد و تا به اقصای آسمان فرهنگ وادب این سرزمین به درخشش درآمد.او که امروز یکی از سرآمدان ادب فارسی است. «روزها» ی زندگی سراسر حکمت خود را از چنین مطلع روشنی آغازکرده بود.

آنگاه که به ســـالن اجتماعات خانه فرهنگ خاور جهت گردهمایی مردم و دیدار و سخنرانی دکتر اسلامی وارد شدیم از من نیز خواسته شد تا بواسطه آشنایی دیرین خانوادگی در آن مجلس سخنی بگویم و وقتی دیدم جوانان آن جا از این سرو سایه فکن فرهنگ و ادب سرزمین ایران با تجلیل فراوان یاد می‌کنند و او را الگوی زندگی ومعیار دانش اندوزی و فرهنگ پروری چندین نسل از جوانان تحصیل کرده ندوشن می‌شمارند و حتی بواسطه آن که نام دیارشان را در سراسر عالم به نیکی و فرزانگی گردانیده است او را می‌ســـتایند. به ناگاه با خود فکر کردم که اگر بی بی خاور زنده بود و در این مجلس این قدر و منزلت فرزندش را در میان مردمان ولایتشان می‌دید چه شعفی به او دست می‌داد.جایش خالی بود که ببیند که در همان خانه و کاشانه‌ای که روزگاری با چشمی اشک بار اما با درایت و توکل، فرزندش را برای تحصیل بدرقه کرده بود چه بزمی در نکوداشت پسر بی همتایش، بر پا ساخته بودند. لذا نابجا ندیدم که در آن میان قدری از این مادر کم‌نظیر و نقشش در زندگی دکتر اسلامی با عطف نظر به کتاب درخشان «روزها» بگویم.آنچه در آن مجلس گفتم شرح مختصرش در این جا می‌آورم:

دکتر اسلامی در جلد نخست روزها می گوید: «من چون آخرین فرزند خانواده بودم و تنها پسر خانواده، این خطر و بیم بود که به بیماری «عزیز دردانگی» دچار شوم که معروف بود می گفتند «پسر یکدانه یا چل است یا دیوانه» اما من این خطر از بیخ گوشم گذشت.وضع از این جهت باریکی بیشتر می‌یافت که من نه تنها پسر یگانه پدر و مادر خود، بلکه تنها پسر خانواده ی مادریم بودم،زیرا دائیم فرزند نداشت و خاله ام همه بچه‌هایش در کودکی مرده بودند و او نیز تنها مانده بود.بنابراین من بچه همه آنها حساب می‌شدم اما خانواده پدریم که عبارت بودند از دو عمه، گرچه خود آنان فرزندان متعدد داشتند، به علت احترام بسیاری که برای پدرم قائل بودند و او در واقع رئیس خانواده به حســـاب می‌رفت، آنها نیز مرا بیش از حد نوازش می‌کردند، خطر از سرم نگذشـــت مگر به سبب تربیت قوی مادرم که با استحکام شخصیتی که داشت، مرا به حال خود نمی گذاشت هرگاه بر خلاف روش معقولی رفتار می‌کردم،سیلی می‌زد و جذبه‌ای در او بود که یک گردش چشمش کافی بود که تا ساعت‌ها خود را از چشم او پنهان دارم» (اسلامی ندوشن، روزها، جلد اول، یزدان،۱۳۷۲ ، ص ۴۳)

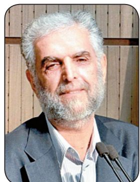
در آنجا گفتم این که می گویند در پشـــت سر هر مرد موفق یک زن موفق است مرا بیش از هرکس یاد بی بی خاور می‌اندازد. امروز وقتی به گذشـــته‌های دور باز می‌گردم از صلابت و درایت مادری که چنین فرزند برومند و صاحب نامی در دامن خود پرورانده خاطرات فراوانی به یاد می‌آورم که به روزگار ی که هنوز قدر و منزلت درس خواندن چندان شناخته نبود و کمتر کسی در میان روستاها و شهرهای کوچک حاضر بود سرنوشت یگانه فرزند خود را با سرنوشت نامعلومی که شناخت صحیحی از آن نداشت یعنی مسافرت و غربت و علوم جدید و... پیوند بزند این زن نادره‌ای بود در میان هم ولایتی‌ها و هم عصران خود که این چنین دل به تقدیر سپرد و فرزندش را برای سالها به غربت فرستاد تا علم بیاموزد.

ندوشن در منطقه‌ای حائل استان یزد، اصفهان و فارس قرار گرفته است. به قدری از این سه مرکزاستان فاصله دارد که برای خود از حیث فرهنگی و اجتماعی نوعی تشخص فرهنگی خلق کرده است. در دوران آل مظفرکه ندوشن از رونق و گشایش فراوانی برخوردار بوده و امیر مبارزالدین حاکم معروف شیراز روزگاری از سوی ایلخانان مغول به عنوان راهدار میبد- ندوشن منصوب شده بود برخی از عمارات و ابنیه مذهبی ازجمله منارجنبان ومسجدجامع این ناحیه که ازارزش تاریخی زیادی برخوردار است تجدیدبنا کرد این بناها اکنون بیش از هشـــتصد سال از عمر آنها می گذرد و برخی بناهای قدیمی‌تر،کتیبه‌ها وسنگواره‌های تاریخی نیز عمری بلندتری دارند

ادامه در صفحه ۷

۵-۴

آیینه



مقاله‌ای از دکتر ملاصالحی

از آتن تا حکمت اسلامی

۲

سفر

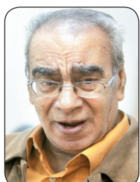


زبان فارسی و مسلمانان پکن

همدلی با ایران

۳

فرهنگ

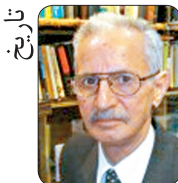


مقدمه‌ای بر مؤسسات آموزش عالی

از دارالفنون تا دانشگاه

۶

تاریخ



مقاله ای از دکتر حسن ابریشمی

رستنی‌های تاریخ طبری

۲

داستان



از داستان جاودانه جادو

بازگشت به زندگی

۵

تهران



سفرنامه ارنست اورسل

خبر درگذشت ناپلئون سه سال‌بعد

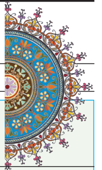
۵-۴

کودکی



نوشتن از کودکی

این داستان: تلویزیون ما



سفر

محمد دهقانی

زبان فارسی و مسلمانان پکن/ ۳

همدلی با ایران



در پایان دیدارمان از روستا با لحن تعجب‌آمیز از آنتونی پرسیدم: «چه‌طور می‌شـــود این جوانان سلفی‌مذهب با چنین شور و حرارتی به ایران شیعه دل ببندند؟» پاسخش به گمانم قانع‌کننده بود: آنها از وضع موجود در چین ناراضی‌اند. طرفدار ایدئولوژی‌اند و مائو را ســـتایش می‌کنند چون مرد ایدئولوژی بود و براساس آن عمل می‌کرد. مخالف آمریکا و آمریکایی شدن چین هستند. می‌بینند که رشد اقتصادی چین و جریان اصلاحات پس از مائو به نفع آنها نبوده است. می‌خواهند به همان شعارهای زمان مائو بازگردند. چون نمی‌توانند علناً با حکومت چین مخالفت کنند، ایران را می‌ستایند که جرئت کرده است مقابل آمریکا بایستد. با ستایش ایران در واقع حکومت چین را سرزنش می‌کنند که چرا در مقابل آمریکا کوتاه آمده است.

این احساس همدلی با ایران را نه تنها در میان روستانشینان مسلمان، بلکه در محله‌های فقیرنشین مرکز و جنوب پکن هم دیدم. البته محرک این همدلی دیگر نه فرهنگ و ادبیات ایران، که بیش از هر چیز مخالفت ایران است با آمریکا. برای عموم چینی‌ها ایران در سه کلمه خلاصه می‌شـــد: نفت و فوتبال و دشمنی با آمریکا. و این برای من بسیار برخورنده بود. با خود می‌اندیشیدم نه نفت متاعی ماندگار است و نه فوتبال و نه دشـــمنی با آمریکا. و وای بر من ایرانی اگر معرف کشورم در سرزمین پهناور و باشکوهی مانند چین همین چیزهای ناپایدار باشـــد؛ و باز انگار صدای سخن سعدی را از حدود هشـــت قرن پیش می‌شنیدم که می‌گفت: «آن‌چه نپاید دلبستگی را نشاید!»

در این میان آن‌چه غریب افتاده است همان فرهنگ کهن ایرانی و زبان و ادبیات فارســـی است. سرزمین وسیع چین گنجینه‌ای است از نسخه‌های خطی فارسی که بسیاری از آنها از چشم ما ایرانیان پنهان مانده است. نمونه‌ای کوچک از این گنجینهٔ عظیم را در جونگ‌یانگ مینزو داشوئه (دانشگاه مرکزی اقوام چین) دیدم. این نیز از برکت دوســـتی با آنتونی گارنو بود که توانستم به مخزن نسخه‌های خطی و چاپ سنگی آن دانشگاه راه یابم. مسئول مخزن مرد میانسال و خوش‌مشربی بود که به سابقهٔ دوستی با آنتونی، بی‌هیچ تشریفات اداری و کاغذبازی‌های عجیب و غریبی که در چین بســـیار معمول است، حاضر شد درِ گنجینهٔ نسخه‌های خطی اسلامی را، اعم از فارسی و عربی و تُرکی، به روی ما بگشاید. این نسخه‌ها در وضعیت بسیار بدی نگهداری می‌شدند. بعضی از آنها تقریباً پوســـیده بودند و با این که با احتیاط تمام بازشان می‌کردیم تکه‌هایی از آنها فرو می‌ریخت.

نسخه‌های ترکی و عربی به لحاظ قدمت و اهمیت چندان قابل توجه نبودند. اما برخی نسخه‌های فارسی، چه خطی و چه چاپ سنگی، بسیار ارزشمند می‌نمودند. کتاب‌های عربی غالباً شامل صرف و نحو یا احکام دینی (رساله‌های عملیه) بودند. کتاب‌های ترکی هم بیشتر در حوزهٔ تاریخ و جغرافیا و علوم جدید مثل فیزیک و شیمی بودند. اما کتاب‌های فارسی عبارت بودند از نســـخه‌هایی از گلستان، تاریخ بلعمی، مرصادالعباد، لمحات و بعضی متون صوفیه که در چین و به دست صوفیان چینی نوشته شده بودند.

آنتونی خرده کاغذی را که از یک نســـخهٔ پوسیده جدا شـــده و کلمه‌ای روی آن بود با احتیاط برداشت و لای کتاب گذاشت و به شوخی گفت: «شاید روزی همین یک کلمه جهان را نجات دهد.»

نجات جهان را نمی‌دانم، اما اگر چیزی بتواند در جهان پرتلاطم امروز مایهٔ بقای ایران باشـــد همانا فرهنگ و ادبیات یگانه‌ای است که ما ایرانیان وارث آنیم. پاره‌های مهمی از این فرهنگ به شکل نسخه‌های خطی فارسی در سرزمین پهناور چین پراکنده شـــده و چنان که اشاره شد در معرض نابودی است. اگر ما ایرانیان در راه گردآوری و نگهداری این پاره‌های فرهنگـــی که در حقیقت پاره‌هـــای دل و جان ملت ایرانند کوششـــی به خرج ندهیم، بعید است که دیگران به این کار همت گمارند.

گوشه‌ای دیگر از فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در رفتار و گفتار ترک‌های سین کیانگ جلوه‌گر بود که در پکن می‌زیستند. خوشبختانه عده‌ای از آنها در حوالی دانشگاه به سر می‌بردند و یکی از تفریحات من این بود که به بهانهٔ خرید نان یا گوشت به محلهٔ آنها بروم و به زحمت و با زبانی مخلوط از چینی و فارسی و ترکی و عربی چند کلمه‌ای با آنها ردوبدل کنم. سین کیانگی‌ها مسلمان بودند و قیافهٔ آنها با قیافهٔ چینی‌ها تفاوت آشکاری داشت. هم قیافه و هم آداب و رفتارشان بسیار شبیه



ایرانی‌ها بود. در میان انواع نان‌هایی که در پکن وجود داشت، بی‌تردید از همه خوشمزه‌تر نانی بود که سین کیانگی‌ها می‌پختند و خود آن را «نان» می‌نامیدند. ماســـت را هم معمولاً از آنها می‌خریدیم، چون ماست‌های چینی شیرین بود، یعنی به آن شکر می‌زدند که به مذاق ما ایرانی‌ها اصلاً خوش نمی‌آمد. از دیگر غذاهای پرطرفداری که به نام ایرانی‌اش در چین معروف بود و باز سین کیانگی‌ها بهترین نوعش را می‌پختند «کباب» بود. کبابی که در رستوران‌های اسلامی پکن و غالبا به دست سین کیانگی‌ها تهیه می‌شـــد، به اقرار همهٔ ایرانی‌هایی که نخستین بار آن را می‌چشیدند، بی‌نظیر بود.

شبی در یک مهمانی خصوصی که روشنفکرانی از اقوام و ملیت‌های گوناگون، از آمریکا و اروپا گرفته تا ژاپن، در آن حضور داشتند سه مسلمان سین کیانگی را هم دیدم: اصغر و همسر زیبایش دلبر، و برادر کوچک‌تر اصغر که برخلاف قاعده نامش اکبر بود. چنان که شنیدم، اصغر و دلبر از خوانندگان و رقصندگان مشهور چینی بودند و اکبر از کارشناسان خبرهٔ شراب بود یعنی با چشیدن شراب میزان مرغوبیت آن را تعیین می‌کرد. وقتی دیدم گوشت خوک حرام نیست!؟» با لحنی جدی گفت: «برای ما اُیغورها خوردن گوشت خوک تابو است و هیچ کس نباید آن را نقض کند، اما مصرف الکل چندان قباحتی ندارد.» بعداً فهمیدم که پافشاری اُیغورهای مسلمان بر پرهیز از گوشت خوک بیش از آن‌که منشأ مذهبی داشته باشد جنبهٔ قومی دارد و گویی یکی از راه‌های ابراز هویت قومی است.

از دلبر که با موهایِ مشکی و پوست سبزه و اجزای ظریف چهره‌اش قیافه‌ای کاملاً ایرانی داشت، پرسیدم که هیچ می‌داند اسمش فارسی است. نمی‌دانست! از معنای آن هم بی‌خبر بود. به یاد سعدی افتادم و زیباروی سین کیانگی دیگری که، به گفتهٔ خودش، در کاشغر دیده و از او شنیده بود که «غالب اشعار» سعدی «در این زمین (یعنی کاشغر که امروز در غرب استان سین کیانگ واقع شده) به زبان پارسی است». اما «دلبر»ی که من آن شب دیدم، حتی نمی‌دانست که اسمش فارسی است، و این از نتایج تلاش بی‌وقفه‌ای است که دولت چین به کار می‌برد تا اقوام و اقلیت‌های این سرزمین را از ریشه‌های فرهنگی خود جدا و همه را در یک فرهنگِ رسمی فرمایشی ادغام کند.

از داستان جاودانه جادو، نوشته: فریده گلبو

بازگشت به زندگی



سهراب سالار با صدایی کم و بیش لرزان اما با لحن عاصی و قاطع به پدرش گفت:

ـ پدر، نمی‌توانم. قادر نیستم. مرا معاف کنید. بگذارید در تنهایی بر سرنوشت غمبار خودم آن قدر بگریم تا تباه شوم. من طاقت حضور در مجلس سوگواری او را ندارم. اصلا نمی‌توانم تصور کنم پریچهر من مرده است تا چه رسد به این که صاحب عزای چنین محفل پرکابوس و هلاک‌کننده‌ای باشم. اگر اجرای این رسوم به شما و یا به دیگران آرامش می‌بخشد، مرا زجر می‌دهد. رنج و اندوهم را افزون می‌کند.

ـ پســـرم، من که پیش از تو، در روزگار گذشته طعم چنین مصیبتی را چشیده‌ام، لشگر این غم بی‌رحمانه برزندگی‌ام تاخته و خنجرش جگرم را دریده است و هنوز داغ آن بر دل دارم، من که در همین حادثه وحشت‌بار کمتر از تو دردناکی ضربه را احساس نکرده‌ام، بهتر از هرکس حال تو را می‌فهمم. موج اندوه و محنت جان‌گزایی که عمری است، قریب سی‌سال، روح مرا پنهانی و در کنج عزلتم در هم می‌پیچد، حالا یک بار دیگر با وقوع این جنایت، سراسر وجودم را به آتش کشیده است. زیرا اهمال و غفلت خودم را نیز که بی‌فکر و ناپخته موجب شدم تا پریچهر از خانه بیرون برود نمی‌توانم برخود ببخشم. اما تو هم انصاف بده که من و تو هنوز زنده‌ایم و آدم زنده تکالیفی برگردن دارد. من ارباب سالار چه طور می‌توانم از پس این واقعه در خانه‌ام را ببندم، ماتم تو جگرخونی خود را بهانه کار سازم و هیچ‌کس را برای تسلیت بخشیدن به خود راه ندهم؟ مردم چه قضاوت می‌کنند؟ آیا مورد ریشخند و استهزاء خودی و غریبه قرار نمی‌گیرم؟

سهراب سالار در حالی که برای صدمین بار به گریه افتاده و صورتش از اشک خیس شده بود گفت:

ـ پدر، اجازه بدهید من به تهران برگردم. چند روزی در تنهایی به حال خود باشم. شاید بتوانم خودم را پیدا کنم. معنای آواری را که برسرم خراب شده بفهمم. نوع درد و سوزش و سختی‌اش را تشخیص دهم. در حال حاضر گیج‌تر از آنم که بتوانم به تسلیت این و آن گوش بسپرم. حتی بچه را هم نمی‌توانم با خود ببرم. مدتی همین جا پهلوی شما بماند، تا ببینم چه تکلیفی می‌توانم برای زندگی از هم پاشیده‌ام معین کنم.

لختی سکوت کرد و بعد در ادامه با خود ژکید:

ـ اگر پای این بچه در میان نبود، چه راحت به آن عزیز می‌پیوستم.

او راه زندگی تا مرگ را با یک گام پیمود و من از این پس، عرصهٔ حیات و سراسر زندگی خویش را در پهنهٔ این گورستان دورافتاده خلاصه می‌بینم و بس.

ارباب سالار جملات آخرینی را که سهراب زیر لب گفت شنید.

قدری ترسیده و سراسیمه از در اصرار درآمد:

ـ بچه جان، آن‌ها که این رسوم را پایه‌گذاری کرده‌اند، لابد هدفشان از روز نخست، جدا کردن فکر مصیبت‌دیده از مصیبت و جلب حواسش به نقطه‌ای دیگر بوده است. تو چرا نمی‌خواهی از تجربه آن‌ها به نفع خودت سود بجویی؟ تجربه‌های ارزشمندی که طی قرن‌ها به تدریج کامل و کامل‌تر شده، شکل ثابتی گرفته و تسلط خود را بر زندگی و روحیه نوع بشر به اثبات رسانده است.

سهراب سالار کلام ارباب را قطع کرد:

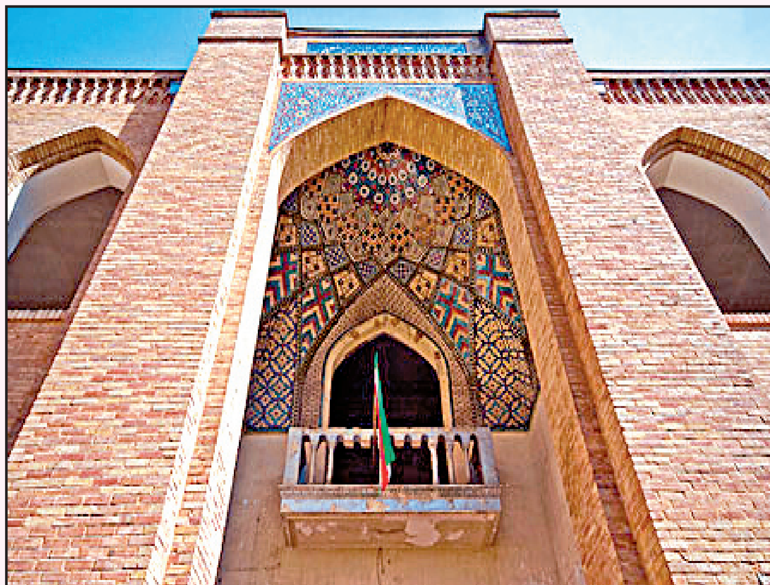
ـ نمی‌توانم پدر. نمی‌توانم. می‌فهمید؟ قادر نیستم در مجلسی که نامش، مجلس عزای پریچهر است، ســـاعت‌ها و روزها بنشینم. جملات پوک و بی‌محتوای یک مشت آدم بی‌درد و هیاهوی ملال‌آورشان را گوش کنم و از خود متانت نشان بدهم. شما به من امر کردید که آرامگاه ابدی زنم درون مزار مادرم باشـــد که قریب سی سال از مرگش می‌گذرد. من هم مثل جادوزده‌ها انعطاف و اطاعت نشان دادم و با وجود آن که به دلیل دوری راه تا تهران، قلباً به این کار راضی نبودم، از خواست شما پیروی کردم و از فرمانتان سرنپیچیدم. اما حالا در توانم نیست که این جا بمانم و مطابق رسم رفتار کنم. اجازه بدهید حداقل دو روزی به تهران بروم، شاید توانستم دوباره برگردم و میان مردمی که می‌دانم با حضور خود به این زودی‌ها مجال خلوت شدن را به خانه شما نمی‌بخشند بنشینم تا آن‌ها چهره ماتم‌زده‌ام را سیر و پر تماشا کنند.

سهراب سالار به هق‌هق افتاده بود و از گریستن به آهنگ زنان نزد پدرش ابا و امتناعی نداشت. از لحظه‌ای که پس از چهل و هشت ساعت جستجوی بی‌وقفه و دیوانه‌وار، جسد بی‌جان و آسیب دیده پریچهر را در پزشکی قانونی دیده بود، حالش بیش از هر چیز شبیه به بی‌قراری دانه‌های اسفندی بود که بر آتش نهاده باشند و یا به گداز زندگی شعله‌ای که مدام در خود بپیچد، بسوزد و بسوزاند تا هر چیز را درون خویش بدل به خاکستری سرد کند. حالت چهره و نگاهش به سانِ جن‌زدگانی شده بود که نه پروای نام و ننگ دارند و نه ترس از ملامت و بند. هم در این دنیا بود و هم نبود. بی‌آن که بداند چه کند و ثقل لحظه‌ها را چگونه از سر بگذراند. گاه بی‌اراده می‌گریست. گاه مات و بی‌حرکت به نقطه‌ای خیره می‌ماند و گاه حرکاتی ناموزون و نامعهود و نامتعادل از خود بروز می‌داد.

ادامه دارد

مقدمه‌ای بر مؤسسات آموزش عالی/۲

از دارالفنون تا دانشگاه



فرهنگ

شهرام تقی‌زاده انصاری

حسین علاء وزیر وزارت فواید عامه و تجارت و فلاحت، شورای عالی کشاورزی را تأسیس کرد و قرار شد مدرسه فلاحت در سال ۱۳۱۱ دوباره کار خود را شروع کند. این مدرسه بعداً به مدرسه عالی فلاحت تبدیل شد و به نگارستان انتقال پیدا کرد.

تعدادی از رؤسای آن عبارت بودند از: مهندس زاهدی (مقدم الملک)، مرتضی قلی سپانلو، نصرالله جلیل الملک و احسن الدوله. این شورا، تأسیس مدرسه عالی فلاحت را توصیه کرد، ولی آموزشگاه علمی کشاورزی به دلیل نبودن کادر آموزشی عملی نشد و به جای آن، دبستان برزگران در کرج در قصر قدیمی سلیمانیه به ریاست‌هانش شریک آلمانی تأسیس شد. روسای آن، علی شیرازی و ابوالقاسم دولر سیتنی (۱۳۰۰ – ۱۲۹۸) بودند.

شاگردان این مدرسه گواهی نامه ابتدایی کشاورزی اخذ می‌کردند. بعد به توصیه سرلشگر خدایار خان رئیس وقت دبستان برزگران، مدرسه فوق به دهکده چهاردانگه منتقل شد و سپس منحل گشت. چند ماه بعد به دستور دولت، مدرسه عالی فلاحت و صنایع روستایی گشایش یافت و ریاست آن را میرپنج و بعد محمد فاتح عهده دار شدند. بعد مدرسه عالی فلاحت به سرپرستی احمد حسین عدل افتتاح گردید و سرپرستی بعد از او به دکتر تقی گل سرخی واگذار شد.

در سال ۱۳۱۱ دبیرستان کشاورزی تأسیس شد که دانش آموزان با ۹ کلاس وارد آن می‌شدند و دیپلم می گرفتند. در سال ۱۳۱۴ به علت پیوستن دانشکده دامپزشکی به دانشکده کشاورزی، آزمایشگاه‌های میکروب شناسی، فیزیولوژیکی و تشریح آن تأسیس شد و سرانجام در سال ۱۳۳۱، مدرک مهندسی لیسانس کشاورزی به دانشجویان اعطاء می گشت.

۳ـ مدرسه علوم سیاسی– در زمان ناصرالدین شاه به خاطر ارتباط میان ایران با خارج، باید عده‌ای برای انجام کارهای اداری تربیت می‌شدند. به این دلیل میرزا رضاخان گرانمایه پسر میرزا حسین سرابی و میرزا عبدالله پسر میرزا محمد خان صدیق الملک و میرزا زین العابدین کاشانی وارد رشته حقوق بین‌الملل و علوم سیاسی شدند. بعضی از فرزندان رجال مانند میرزا نصر الله خان نائینی مشیرالدوله وزیر خارجه (علی، حسن و حسین) نیز برای تحصیل به خارج رفتند.

در سال ۱۳۱۷ هـ ق، میرزا حسن خان مشیرالدوله که در خارج تحصیل علوم سیاسی کرده بود، با مشاورت پدرش، نصرالله خان مشیرالدوله وزیر خارجه و خواهش او مدرسه سیاسی را در سال ۱۳۱۷ هـق بنیان نهاد. این مدرسه جزو وزارت خارجه بود و اکثر شاگردانش از فارغ التحصیلان دارالفنون بودند.

ریاست مدرسه در دست میرزا حسن خان مشیرالدوله بود و معاونش هم محقق الدوله نام داشت. در سال ۱۳۲۵ هـق، محمد علی فروغ به ریاست آن انتخاب شد. عده‌ای از معلمین آن عبارت بودند از: اردشیر جی (تاریخ)، دکتر مِرل (زبان فرانسه)، میرزا حسن خان (حقوق بین الملل)، میرزامحمد تدین، محمدعلی فروغی ذکاء الملک (ادبیات)، ابوالحسن فروغی (تاریخ)، مهندس عبدالرزاق بغایری (جغرافی)، انتظام الملک، شمس العلما(قریب)، فاضل خلخالی، ادیب السلطنه (سمیعی)، میرزای آشتیانی، میرزا حسن خان مشیر الملک، حبیب الله خان را مأمور تدریس فقه کرد. این مدرسه ابتدا یک کلاس داشت و بعد به تعداد کلاس‌ها افزوده شد. شرایط ورود به مدرسه، سن ۱۱ تا ۱۵ سال، مواد امتحانی ورودی (صرف و نحو، حساب، خط، انشاء، املاء)، مواد درسی تاریخ، فقه و حقوق بود. این مدرسه دو دوره تحصیلی و پنج کلاس داشت. دوره اول، سه کلاس و دوره دوم دو کلاس. مدرسه از سال ۱۳۲۱ فارغ التحصیل می‌داد. از سال ۱۳۳۰ ق تصدیق نامه دوره دوم به امضای وزیر خارجه می‌رسید و به عنوان تحصیلات عالی محسوب می‌شد.

۴ ـ مدرسه صنایع مستظرفه– این مدرسه به همت کمال الملک (میرزا محمد خان غفاری) و با کمک حکیمی (حکیم الممالک) در سال ۱۳۲۹ق افتتاح شد. کمال الملک از شاگردان علی اکبر مزین الدوله نظنزی بود. او یک سال بعد از مرگ ناصرالدین شاه به اروپا سفر کرد و سه سال در آنجا بود. مظفرالدین شاه در سفر دومش به پاریس، وی را در موزه لوور دید و از او خواست تا به ایران برگردد. کمال الملک بعد از بازگشت به ایران به مشروطه خواهان پیوست و در زمان احمد شاه به یاری حکیم الممالک وزیر معارف، مدرسه نقاشی را با کمک علیقلی خان سردار اسعد بختیاری در اراضی باغ نگارستان دایر کرد. کمال الملک قبل از آنکه دولت برای کارمندان این مدرسه حقوقی تأمین کند، خودش شخصاً مبلغی به آنها می‌داد. بعدها میان او و وزارت اختلاف افتاد و او مجبور شد در ۱۳۰۸/۲/۲۲ استعفا دهد. اسماعیل آشتیانی معاون کمال الملک بعداً اداره امور را بر عهده گرفت ولی به خاطر عدم توجه دولت، مدرسه بسته شد.

۵– مدرسه عالی حقوق– مسیو پرنی مستشار وزارت عدلیه در سال ۱۳۳۹ هـق از طرف ایران جزو هیأتی به جامعه ملل رفت و با خود چند معلم به ایران آورد. میرزا جواد عامری هم که در فرانسه بود به ایران آمد و این مدرسه به ریاست مسیو پرنی معاونت جواد عامری افتتاح گردید.

در زمان ریاست سید محمد تدین (۱۳۰۵)، مدرسه عالی حقوق و مدرسه علوم سیاسی ضمیمه وزارت معارف گردید و هر دو با هم ادغام شدند و به مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی تغیر نام دادند. در سال ۱۳۰۶ دهخدا به ریاست آن انتخاب شد و دو رشته علوم قضایی و اداری را به آن اضافه کرد. دوره لیسانس در این مدرسه سه سال طول می‌کشید.

۶ ـ مدرسه طب دولتی– در ماه محرم سال ۱۳۳۷ هجری قمری (آبان ۱۲۹۷ ش) رشته طب از دارلفنون جدا شد و به صورت مدرسه مستقلی در آمد و مرحوم دکتر لقمان الدوله ادهم به ریاست آن انتخاب گردید. اساتید آن عبارت بودند از: لقمان الدوله (امراض داخلی و پاتولوژی)، حسین خان معتمد (جراحی)، لسان الحکماء (چشم پزشکی)، صحت الدوله (طب سنتی)، یونس خان(میکروب شناسی و قابلگی). قسمت نظام در سال ۱۳۰۱ ش به عمارت امیریه متعلق به کامران میرزا نایب السلطنه که بعد از میرزا تقی خان فراهانی، لقب امیرکبیر به او داده شد، منتقل گردید و از دارالفنون جدا شد و رفته رفته، مدرسه‌ای که اساس تحصیلات جدید در ایران به منزله دانشگاه و مرکز تعلیم علوم و فنون جدید مورد نیاز ایران بود به صورت دبیرستانی درآمد.

۷ـ دارالمعلمین عالی– در سال ۱۲۹۷ ش در زمان وزارت مرحوم میرزا احمد خان بدر «نصیرالدوله»، دارالمعلمین مرکزی در عمارت شرکت فرهنگ (خیابان زمرد) برای تربیت معلمان ذکور تأسیس شد که ابتدا دارای دو کلاس بود. یکی کلاس‌های ابتدایی و دیگری کلاس‌های عالی. در کلاس‌های ابتدایی، شاگردان برای تدریس در مدارس ابتدایی تربیت می‌شدند. دارالمعلمین عالی بعداً به دانشسرای مقدماتی تبدیل شد و در کلاس‌های عالی، معلمین جهت تدریس در دبیرستان‌ها تربیت می‌شدند.

دانشسرایعالی نیز بعداً به دانشسرای عالی تغییر نام داد. کلاس‌های عالی دارای دو رشته بودند، ادبی و علوم طبیعی. رشته ادبی دارای دروس روانشناسی، علوم تربیتی، آموزش و پرورش، منطق و فلسفه و علوم طبیعی شامل رشته‌های فیزیک، شیمی، زیست شناسی و ریاضی بود. بعداً زبان‌های انگلیسی، فرانسه، روسی، آلمانی، و باستان شناسی هم به آنها اضافه شد. ریاست دارالمعلمین مرکزی با مرحوم ابوالحسن فروغی و نظامت آن با اسماعیل مرآت بود.

فروغی سعی کرد آنجا را مرکز تربیت معلم نماید. به این دلیل دانشمندان برگزیده زمان را در آنجا گرد آورد. او توانست از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۷ ش، این مؤسسه را به نحو احسن اداره نماید.



فارغ التحصیلان ایرانی در خارج هم بعد از برگشت به ایران در دانشسرایعالی شروع به تدریس کردند.

معلمان برجسته دارالمعلمین عالی عبارت بودند از: ابوالحسن فروغی، عباس اقبال آشتیانی، دکتر ابوالقاسم بهرامی، حبیب الله ذولفنون، غلامحسین رهنما، حسن فرزان، عبدالله انتظام، عباسقلی قریب، محمد وحید، فاضل تونی، عبدالعظیم قریب، مرتضی نجم آبادی، سرتیپ عبدالرزاق بغایری، شیخ محمد حسین، بیجاره گنابادی، اسماعیل مرآت، حبیب الله ذوالفنون، دکتر عیسی صدیق، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر صادق رضا زاده شفق، بدیع الزمان فروزانفر و دکتر منار فرانسوی.

دارالمعلمین که بعداً به دانشسرایعالی تبدیل شد، رشته خاصی به نام خانه داری را نیز برای بانوان افتتاح کرد. شاگردان علاوه بر دروس عمومی و دروس اختصاصی، دروس آموزش و پرورش مانند روان شناسی، اصول آموزش و پرورش و منطق را هم فرا می گرفتند.

استادان برجسته دانشسرایعالی عبارت بودند از: دکتر عبدالرسولی، سید محمد مشکوه، وحید الملک شیبانی، ملک الشعرای بهار، احمد بهمنیار، کاظم عصار، علی اکبر دهخدا، علینقی وزیری، سعید نفیسی، ابراهیم پور داود، پرویز خانلری، محمدمعین....

شاگردان دانشسرایعالی از ۱۳۱۰ به بعد با سه‌سال تحصیل لیسانس می گرفتند. دانشسرایعالی در سال ۱۳۱۳ با دانشگاه تهران ادغام شد، ولی دوباره در سال ۱۳۳۴ مجزا گشت. در سال ۱۳۴۲ نیز دوباره منحل شد و به جای آن «سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی» تأسیس گشت.

۸ ـ تأسیس دارالمعلمات– وزارت معارف در سال ۱۲۸۳ش تصمیم گرفت ده نفر را به مدیریت ریچارد خان مؤدب الملک به مدرسه (فرانکو پرسان) در فرانسه بفرستد. با برگشتن این گروه به تهران و مدیریت اسعد الملوک هرمزی، دارالمعلمات در سال ۱۲۹۷ در وزارت احمد خان (سفیر الدوله) در خیابان شاه (جمهوری فعلی، کوچه نوبهار) تأسیس شد و شروع به کار کرد. شاگردان این مدرسه در مریضخانه بانوان، بچه داری هم می‌آموختند. شاگردان با کارنامه چهارم ابتدایی وارد این مدرسه شده و بعد از ۴ سال فارغ التحصیل می‌شدند. این مدرسه، دبستانی را نیز به خود ضمیمه کرد تا شاگردان در آن عملاً به تدریس بپردازند. سرانجام دارالمعلمات در سال ۱۳۱۵ به دانشسرایعالی دختران تغییر نام داد.

۹ ـ مدرسه عالی تجارت–این مدرسه عالی در سال ۱۳۰۵ ش توسط مرحوم داور تأسیس و از ادارات فواید عامه شد، رئیس آن محمود افشار بود. این مدرسه بعداً به خاطر وجود مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی به آن، ضمیمه گشت و سپس به دانشگاه تهران اضافه شد و نامش به «دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی» تغییر کرد.

مقاله‌ای از دکتر ملاصالحی / ۲

از آتن تا حکمت اسلامی

انتصاب آیت الله سید محمد خامنه‌ای به ریاست بنیاد ایران شناسی برای بسیاری از باستان شناسان ومیراثیان کشورکه با اندیشه‌ها ونظرات وتوجه ایشان به دانش باستان شناسی بطورکلی ودانش باستان شناسی درایران ومسئولیت خطیری که باستان شناسان ایرانی بطور اخص درمعرفی وصیانت از مواریث مدنی ومعنوی کشور برشانه گرفته اند؛ آشنایی نزدیک تروشناخت عمیق تردارند دلگرم کننده وامید بخش بود.مدیرمسئول وسردبیرمجله باستان پژوهی آقای شهرام زارع نیزطی یادداشتی کوتاه امّا مفید ومصوّردریکی ازصفحات آغازین مجله، خبرآنرا به اطلاع میراثیان وباستان شناسان میهن رساندند.

درمیان خاطرات فراوان بجای مانده ازسال‌های همکاری با بنیاد چند خاطره از سلسله ی آن نشست‌ها وهمکاری‌ها برایم برجستگی بیشترداشته و آموزنده نیزبوده است.خاطره نخست آنکه دریازدهمین و دوازدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرای شیرازی که اول وچهاردهم خردادماه ۱۳۸۷درشیراز برگزارمی شد بنده نیز مشارکت داشتم.

موضوع سخن بنده پیرامون معماری تخت جمشید ومناسبت آن با معماری حکمت متعالی صدرای شیرازی بود.درآن ساعات جلسه دوست فاضل وگرانمایه آقای دکترسلیمان حشمت مدیریت می کردند.درپایان سخنرانی یادداشتی به بنده دادند که ریاست محترم بنیاد درآن تاکید فرموده بودند به دلیل اهمیت موضوع به ایشان فرصت داده شود تا دقایقی بیشتربه سخنرانی ادامه دهند.

پس از اختتام سخنرانی‌ها به اتفاق شرکت کنندگان در همایش درمعیّت ریاست محترم بنیاد به مقصد تخت جمشید برای بازدید با اتوبوس حرکت کردیم.وقتی وارد فضای ویرانه‌های بجای مانده از مجموعه عظیم معماری تخت جمشید شدیم دقت و نحوه نگاه استادان فلسفه خاصه ریاست محترم بنیاد که هم درکسوت یک روحانی وعالم شیعه درآنجا حضورداشتند هم آن که بعنوان اصحاب فکر و فلسفه از مجموعه تخت جمشید باز دید میکردند برای بنده حائز اهمیت بسیاربود.با دقت ومراقبت به ایشان نگاه می‌کردم وبا آشنایی که ازافکاروآثارایشان داشتم وتوجه جدی که به دانش باستان شناسی و دستآوردهای باستان‌شناسان بویژه باستان‌شناسان کشورداشتند می‌توانستم گمان بزنم وحس کنم درآن لحظه‌ها دربازدید ازویرانه‌ها وآثارمعماری بجای مانده ازتاریخ وتمدنی مهم وتاثیرگزاربرتاریخ جهانی درذهنشان چه می گذرد و چه چیزی را مرورمی کنند: بازخوانی و مرور ایرانی که بعنوان یک ملت صاحب کتاب وآئین یکتاپرستی به میدان آمده بود و خورشید تاریخ نبوی اش از مرزهای شرقی طلوع کرده بود وافتتاح شده بود. ایرانی که با حکمت متعالی مغان گام درآوردگاه تاریخ به مقیاس جهانی نهاده بود ومرزهای تاریخ بسته قومی وقبیله‌ای وعشیره‌ای را درنوردیده بود.

ایرانی که دیوارچین نساخته بود لیکن همه اقوام وملل رابه اتحادیه جهانی خویش فراخوانده بود.ایرانی که با پیام‌های اخلاقی ومتعالی نبوی زرتشت گام درمیدان وآوردگاه تاریخ نهاده بودومذموم وسنگین ترین گناه، دروغ یعنی خیانت به انسان درآموزه‌های نبوی اش آمده بود.

درکناراستاد گرانمایه و فاضل فکروفلسفه آقای دکترمجتهدی ایستاده بودم که با لحنی آرام به بنده فرمودند چقدرتاریخ ناپایداراست! واقعاً چنین است هرآنچه صدف است وپوسته شکستنی وناپایداروتاریخی رفتنیست وهرآنچه هسته است وگوهر،فراترازتاریخ وفراسوی زمان تاریخی ایستاده است. نظام‌ها وقدرت‌های سیاسی یکی از پی هم می‌آیند ومی روند وچونان صدف می‌شکنند لیکن درهسته تاریخ وحضورتاریخی انسان درجهان گوهری نامریی ونهان هم است وهم هست که متضمّن پیوستگی ووحدت پیکرواراستمرارتاریخ وحضورتاریخی انسان درجهان است. همه تاریخ آدمی وتاریخمندی انسان جلوه‌ای وتصویری واستعاره‌ای ازآن گوهرپایداروبنیادین است.حال هرنامی که می‌خواهید براین گوهربگذارید: «لوکوس جاودانه» «وجود» الوهیت یگانه «نیروانا»، «برهما»، «اسم الله» وقس علی هذا.

دربازدید از ویرانه‌های تخت جمشید تامّل ودقت استادان فلسفه برایم هم جالب وهم تحسین برانگیزبود.با آنها آسان ترمی شد از فضای معنوی معماری تخت جمشید سخن گفت.فضایی که به هرکسی رخصت وفرصت وامکان حضورزیرسقف معماری متعالی وشکوه اجلالی خود را نمی‌دهد.

معماری تخت جمشید تنها مجموعه‌ای ازستون‌های سنگی خوش فرم وهندسی تراشیده شده که وزین وسنگین ومتین واستواربسوی سقف‌های بلند سربرکشیده‌اند وتالارهای بزرگ را برشانه خود گرفته و مسقف می‌کنند؛ نیست. معماری تخت جمشید برشانه کیهانی از ارزش‌ها وباورها وآموزه‌ها وهندسه وحکمت وخرد متعالی بنیادپذیرفته است.ترکیب پیکروارعناصرواجزاء معماری تخت جمشید که همه اقوام وملل امپراطوری درآن سهم ومشارکت خاص خود راداشته‌اند برغم تنوع ورنگارنگی شان آن چنان مدیریت ومهندسی شده وهنرمندانه وحدت پیکرواریذیرفته‌اند که طوماریک روح وذایقه واحد را که همان روح وذایقه هنری وزیباشناختی متعالی وجلالی فرهنگ ومدنیت ومعنویت ایرانی درعصر وعهد نبوی وبغایت سرنوشت سازهخامنشی درتاریخ ملت ومهین ماا‌ست دربرابرما می گسترند.گوهراین روح معتالی وحکمت وخرد ایرانیان باستان هرچند بارها سردرحجاب فروبرده وچهره درنقاب کشیده است لیکن هیچگاه



ازمیان نرفته ویک هزاره ونیم سپستردر دولت اسلام وقرآن قوّت واقتدارخویش را بیش پیش برصحنه می‌آورد وبه منصّه ظهور می‌نهد.

معماری تخت جمشید یک بنای شاهی و کاخی وشاهانه به معنای متعارف به مانند بسیاری از کاخ‌های دیگرکه برای هرزگی‌های شاهانه بنیاد می‌پذیرند نبود.یک کاخ– معبد نیز به معنای رایج ومتعارف نیزنبود. بیش وپیش ازهمه خانه نمایندگان اقوام وملل امپراطوری هخامنشی بود که هرساله زیرسقف بلند آن هم برای انجام مراسم نوروزی هم طرح نظرات خود بارمی‌یافتند.شاه هخامنشی می‌بایست هم به صفات ستوده و نیک «دلاوری وجنگاوری»، «دادگری ورادمردی»، «راستگویی ودرستکرداری»، «هوشمندی وخردورزی» «فرزانگی و فرهمندی»، «دینداری ودولتداری»، «سلامت تن وصحت جان وروان ورفتار» آراسته باشدهم به پیراستگی ازصفات بد درمیان مردمان شهره باشد. رهبری که افلاطون درتمنّای آن برای آتنیان بود.

خاطره مهم دیگرومیراث بجای مانده در حافظه‌ام ازنشست‌های بنیاد درپژوهشکده حکمت مرتبط می‌شود با مآثر ومواریث فرهنگی میهن ما

وستمی که برمیراثیان درآن زمان می‌رفت وجفایی که به مواریث مدنی ومعنوی کشورمی‌شد. دریکی ازشب‌هایی که نشست سالانه خانه حکمت با ابتکار وحضورریاست محترم بنیاد ومشارکت استادان بنام واصحاب فلسفه کشور درپژوهشکده برگزارمی شد دوست وهمکارمحترم آقای دکترصّراف نیزازخانواده باستان شناسان کشوردرآن نشست حضورداشتند. بنده وایشان فرصت را مفید، موّثرومغتنم شمرده از تصمیمات نابخردانه وخسارت باررئیس وقت‌سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور که اینک به اتهام خیانت وسوء استفاده ازکرسی رفیع مدیریت سازمان زندانی اعمال خویش است و دربند قوّه قضائیه حاضران درنشست را مطلّع و آگاه کرده و درباره پیامدها وتبعات منفی و آسیب‌های خطرناک چنین رفتارها و تصمیمگیری‌های ناموجه ونابخردانه که هم به اقتدار وانسجام ووحدت ملی واعتبارمدنی ومعنوی ملت ومیهن ما آسیب می‌رساندهم مواریث مدنی‌معنوی‌کشوررادرمعرض‌مخاطرات‌وویرانی‌های جدی قرارمی دهد توضیحات ضروری ومکفی ارائه شد.حضاردرجلسه با اظهارتاسّف وتاّثرازجفایی که برمیراث ومیراثیان رفته بود به اجماع ابرازتمایل کردند نامه‌ای به مقام رهبری نوشته شود.تدوین فحوای نامه به این قلم سپرده شد. نامه درروزهایی که پیش رو بود آماده شد وبه دوست وهمکارعزیزآقای شهرام زارع مدیرمسئول و سردبیرمجله باستان پژوهی که بیش از همه سرمایه جوانی خویش را به پای دانش باستان شناسی وصیانت از مواریث فرهنگی کشور ریخته وهزینه کرده‌اند پیشنهاد شد بنده را دراخذ امضاء ازاساتید فلسفه و تاریخ و جامعه باستان شناسی کشور همراهی کنند. ایشان نیز به مانند همیشه با همت وگشاده رو وگشاده دست چنین کردند.نامه مجهّزبه امضای اصحاب فکروفلسفه و قلم ودانش ودانایی کشور به دست مبارک ریاست محترم بنیاد رسید وایشان نیزبزرگواری و عنایت فرمودند و شخصاً نامه را تقدیم مقام رهبری کردند.

پژوهشکده باستان شناسی پس ازتحمّل خسارات جبران ناپذیر و سخت وسنگین ومفقود شدن بسیاری از اسناد بی بدیل سازمان که محصول خرمنی ازپژوهش‌های میدانی بیش ازنیم قرن هیات‌های باستان شناسی ایرانی وانیرانی بود وازکف دادن ساختمان مسعودیه سرانجام از شیراز به تهران باز گردانده شد.

باستان شناسان میهن ما حمایت‌های مشفقانه و آگاهانه ریاست محترم بنیاد را درتوسعه دانش و دستاوردهای باستان شناسی کشورپاس وگرامی داشته وارج می نهند. بازدید ایشان با شماری ازپژوهشگران بنیاد ایرانشناسی نه تنها بعنوان ریاست بنیاد بلکه بیش از همه درکسوت روحانیت و اصحاب حکمت و فلسفه از محوطه‌ای که چندین متر زیرگام‌های شهروندان تهرانی باستان‌شناسان جوان کشوردرمنطقه وبافت تاریخی جنوب پایتخت – شهرتهران درچهار راه مولوی کاویده وکشف کرده بودند و رشته تاریخ تهرانشهر را تاهفت هزاره وچه بسا از این نیزبیش به هزاره‌های پیش از تاریخی پیوند می‌دهد برای جامعه باستان شناسی ومیراثیان کشوربسیاردلپذیرودلگرم کننده وامیدبخش بود.

تهران–یک پایتخت شهر معمولی درمیان بسیاری ازپایتخت–شهرهای معاصرروزگار ما به مانند کویت سیتی ودبی ومنامه وریاض وپیازنیست. درکمترازدوسده پایتختی اش دوسلسله وجامعه یکی سنتی عصرقاجاری ودیگری تجربه سلسله وجامعه متجدّد گرای عصری پهلوی را ازسرگذرانده واینک سه دهه ونیم است که تجربه زلزله انقلابی عظیم را درقلب خاورمیانه نبوی وباستانی وحادثه خیزو سخت تاثیر گذاربرتاریخ وفرهنگ جهانی درسه هزاره‌ازسرمی گذراند.بافت‌های تاریخی تهران سوای زیبایی، تناسب، هماهنگی وخوش فرم وشکیل وچشم نوازبودن معماری ومواد ومصالح بومی ومرغوبی که درساختن آنها معماران ومهندسان ایرانی هوشمندانه ازآن‌ها استفاده کرده‌اند طوماری ازرویدادهای تاریخی جامعه معاصرملت ومیهن ما را دربرابر بیننده می گسترند. هربنایی ازاین منظرکتابی سه بعدی وحجمی وکالبدی شده‌تاریخیست.کاش مدیریت‌هاومسئولان‌شهرداری پایتخت– شهر تهران هم اهمیت تاریخی وفرهنگی ومدنی ومعنوی این بافت‌ها را درمی یافتند ودرمرمت وصیانت واحیایشان کمرهمت می‌بستند وازآسیب رساندن وتخریبشان دربازارمکاره سود وسودا پرهیزمیکردند هم از کاوش‌ها وکشفیاتی که باستان شناسان‌باهمت‌وجوان‌وخوشفکرمیهن مازیرگام‌های شهروندان تهرانی درچهارراه مولوی درقلب منطقه‌ای که مهمترین بافت‌های تاریخی شهرتهران درآن قرارگرفته است حمایت می‌کردند ودربنیاد نهادن و ساختن موزه برای آثاربدست آمده درمنطقه و ایجاد «محوطه – موزه» روی لایه‌های حفاری شده سرمایه می‌ریختند. ازمدیریت محترم پژوهشکده میراث فرهنگی انتظارمی رود ازمنظری باستان شناسانه تروبا توجهی جدی‌تر وفهمی عمیق‌تر وهمتی والاتر و گشاده دستی وگشاده رویی بیشتربا هیاتی که سرمایه عمرش را هزینه کاوش وکشفی این چنین مهم کرده همکاری کند ویاریشان دهد. اگرتپه باستانی چشمه علی درشهرری،امروزکاویده‌وجراحی‌وکشف‌می شد تردید نداشته باشند بمانند گذشته بدون تمهیدات حفاظتی پس از کاوش رهایش نمی‌کردند وامروز ما یک «محوطه– موزه» مهم و عظیمی را از کاوش‌ها وکشفیات تپه چشمه علی پیش روداشتیم.

تصورمی کنم این گفته‌ها ونکته‌ها وروایت‌ها برای یک فکر فهیم وعقل منصف مکفی وبسنده‌است که به پذیرد بازدید ریاست محترم بنیاد ایرانشناسی هم درکسوت یک روحانی هم درکسوت اصحاب فکروفلسفه میهن ما ازمحوطه‌ای باستان شناختی که عقربه پیشینه تاریخی وفرهنگی پایتخت شهر تهران را تا هزاره‌های پیش ازتاریخی به عقب کشیده است تا چه میزان حائز اهمیت است ودلگرم کننده وامید بخش می‌تواند باشد.

ومن الله التوفیق

حکمت اله ملاصالحی

داستان

نوشتن از کودکی

این داستان: تلویزیون ما

آرش تبریزی

سالها بعد وقتی مادر مرا بعد از مدتهای طولانی دوری و تحمل رنج غربت می‌دید و دردمند و شکوه‌آلود از من می‌خواست تا هر روز به تلویزیون بیایم تا او مرا ببیند، هرگز نتوانستم به او بگویم که با گفتن این حرف و این آرزوی صادقانه و این گفتار روشن، چه آتشی، در دل من شعله‌ور می‌کند. هرگز نتوانستم به مادرم و به هیچ کس دیگری بگویم که از شنیدن کلمه تلویزیون چه اتفاقی در وجود من می‌افتد و چه خاطرات تلخ و آزاردهنده‌ای در برابر چشمم مجسم می‌شود.

شاید هیچ یک از اعضای خانواده ما چیزی از آنچه را که در آن روزها میان ما و پدیده تلویزیون گذشت به خاطر نداشته باشند. اما آن تلویزیون قرمزرنگ سیاه و سفید و برفکی و سنگین و همیشه خراب در درون من حاضر است. اشتباه نکرده‌ام اگر بگویم آن تلویزیون بی‌دسته هنوز در درون من روشن است و هنوز خوب نشان نمی‌دهد و هنوز برفکی است و هنوز باید به تعمیرگاه برود و برگردد دوباره برگردد و هیچ کس این کار را انجام نمی‌دهد جز من که پسر خانواده هستم و بدتر از آن تلویزیون دوست دارم و می‌خواهم کارتن تماشا کنم و من در حالی که خودم ۳۰ کیلو وزن ندارم آن را برمی‌دارم، می‌گیرم بغلم و از راه‌هایی که هزاران بار رفته‌ام و آمده‌ام و حتی در تاریکی شب نیز چاله‌چوله‌هایش را ـ مثل کف دست می‌شناسم ـ می‌برم به تعمیرگاه تلویزیون: در تابستان و زمستان. در بهار و پاییز. شب و روز. جمعه و شنبه. تعطیل و غیرتعطیل. روزی نیست که تلویزیون کت و کلفت و چشم گول‌زن ما خوب کار کند. همیشه خدا ایرادی در کارش هست. هرکس که به ظاهرش نگاه می‌کند و مانیتور بزرگ و مدورش را می‌بیند که در قابی کاملاً قرمز و چشمگیر و خوشرنگ جا گرفته است، فکر می‌کند دستگاهی است که لنگه‌اش در ایران پیدا نمی‌شود و از آن تلویزیون‌هایی است که سفارشی می‌سازند برای ملکه انگلیس و سلطان عربستان و قابوس‌بن وشمگیر شاه عمان و یک عدد هم برای شاه ایران و حالا شاه رفته و تلویزیونش افتاده است دست ما.

بی‌اغراق، هر بار کسی آن را در کوچه و خیابان و حتی در تعمیرگاه دست من می‌دید، می‌پرسید: فروشی است؟ منتظر نمی‌ماندند که بگویم: آره یا نه، زود می‌گفتند: تلویزیون خیلی خوبیه. پدر آمرزیده‌ها هیچ از خودشان نمی‌پرسیدند که: اگر تلویزیون خوبی است و آنقدرها که آنها فکر می‌کنند مقامش متعالی است، دست من چه کار می‌کند؟ چرا همه‌اش در بغل من است که مثل حمال مفت هر روز در این کوچه‌ها و خیابانها، حتی در روزهای برفی و بارانی و سرد و بوران، می‌برم و می‌آورم و چرا همه‌اش در تعمیرگاه است و یک هفته یک هفته و ۱۰ روز ۱۰ روز کنار تلویزیون‌های بد در نوبت تعمیر و اصلاح باقی می‌ماند؟

تلویزیونی که نمی‌دانم کدام شیر پاک خورده‌ای با چه قیمتی آن را به پدرم قالب کرده بود، از بس که سنگین بود، برای من مایهٔ عذاب الیم بود. نمی‌دانم چقدر وزن داشت. فقط می‌دانم که اگر جعبه‌ای را با سنگ پر می‌کردند، برداشتنش آنقدر به کمر فشار نمی‌آورد تا من مجبور باشم بعد از برداشتنش هر ۵ دقیقه یک بار دنبال یک جای خوب برای گذاشتنش باشم تا کمری راست کنم و کمی بعد دوباره برش دارم تا به تعمیرگاه برسانم یا به منزل برسانم و بزنم به برق و سیم آنتن را به پشتش بچسبانم و باز بروم بالای پشت بام و مرتب آنتن را به این سو و آن سو بچرخانم تا پروین یا راحله بگویند: خوب است، خوب است دست نزن همانجور نگهش دار یا داد بزنند: خراب شد!

برای من کلمهٔ «تلویزیون» و «خراب» معادل هم هستند و در کنار هم قرار می‌گیرند، چون تلویزیون چاق و چله‌ای که در کودکی و نوجوانی من همچون گاوی مریض در خانه ما اتراق کرده بود و در ساحل بیچارگی شخص من لنگر انداخته بود، از سلامت بهره‌ای نداشت. خرابتر از آن بود که در سال و حتی در ماه چندین بار گذرش به دباغخانه نیفتد. هیچ وقت نفهمیدم و ندانستم مشکل از کجاست فقط یادم هست که به قول مادرم: تا مثل علف پول نخورد، نمایشش نمی‌آید!

حق دارم که از آن دستگاه نکبت نیز به عنوان یکی دیگر از نشانه‌ها و سمبل‌های بدبختی و تیره‌روزی خودم یاد کنم. حق دارم مرارتها و زحمت‌ها و مشقت‌هایی را که از کانال تلویزیون کشیده‌ام، برجسته کنم و همچون طوقی گردن آزار بر گردن کودکی بیندازم. از تلویزیونی حرف می‌زنم که هیچ وقت مایهٔ دلخوشی ما نشد و هیچ وقت در خانواده ما نقش مثبتی ایفا نکرد ولی همواره مایهٔ اعصاب خوردی و افسوس و اندوه و خودخوری بود.



گویا می‌دانست چه زمانی باید قفل شود و نشان ندهد. عجیب است که هر وقت جار می‌افتاد که امشب یا فردا فیلم خوبی پخش می‌شود یا فلان فیلم سینمایی جمعه پخش خواهد شد، دستگاه محیرالعقول و فوق باهوش ما مرض پیدا می‌کرد و لنگ می‌شد.

لنگی در مشتش بود. کافی بود تقی به توقی بخورد. همین که باد چپکی می‌وزید، حال تلویزیون ما ناخوش می‌شد و می‌رفت به کما! حکایتی داشت جعبهٔ سرخی که قرار بود تلویزیون باشد و هر روز ما را به سفری در اعماق یک قصه و یک داستان ببرد. ماهی نگذشت بر ما که خرجی روی دست‌مان نگذارد. نشد مدید مدتی که مرا به این تعمیرگاه و آن تعمیرگاه و چانه زدن بر سر زمان تعمیر و قیمت تعمیر نکشاند. بیشتر چانه‌های من بر سر زمان تعمیر بود، تا پول آن. پدرم درخصوص تلویزیون و تعمیر آن به طرز بی‌سابقه‌ای دست و دل بازی می‌کرد. اگر در شرایط معمولی بخاطر ۵ تومان ناقابل تلخی می‌کرد و اخم می‌کرد و دعوا می‌تراشید، وقتی بحث تلویزیون می‌شد، بی‌هیچ درنگی از هزار تومان هم مضایقه نداشت و خیلی راحت می‌داد و اگر تعمیر ۱۰ بار در سال هم تکرار می‌شد و ۱۰ برابر این پول هم لازم بود، راحت دست در جیب می‌کرد و اصلاً عین خیالش نبود. این موضوع را هم باید به حساب شگفتی‌های آن جعبهٔ جادو بگذارم. از تلویزیون همواره به عنوان جعبهٔ جادو یاد شده است. اگر دیگران در جادویی بودن این جعبه شک و تردید داشته باشند، من در جادویی بودن جعبه‌ای که داشتیم، هیچ شکی ندارم. چه جادویی از این بالاتر که یخ سختگیری و خست پدری چون اسد را شکسته بود و هرچقدر که می‌خواست هزینه و خرج می‌تراشید، آن هم برای چنان مردی که آهش همیشه از بی‌پولی و نداری بلند بود و با راننده و بقال و چگال و قصاب و میوه‌فروش بر سر ۱ تومان و ۲ تومان جدال همیشگی داشت؟

گذر از تهران؛ سفرنامه ارنست اورسل ـ ۵

خبر درگذشت ناپلئون، سه سال بعد

ترجمه: علی‌اصغر سعیدی

در کنار استخر بزرگی که دریاچه نامیده می‌شود، قایق‌های کوچک چرخ‌داری بسته شده‌اند که اختصاص به گردش و تفریح شاه و همسرانش روی آب دارند. در برابر این استخر، معروف‌ترین قصر ارگ ـ شمس‌العماره، یعنی خورشید قصرها ـ بنا شده است. نظیر تالار تخت‌خانه اینجا نیز اتاق بزرگ چهارگوشی است که به حیاط چهارگوشی در سطح بسیار پایین‌تر باز می‌شود.

پله‌های مرمری راهرو با مفرغ قدیمی ایران در نهایت زیبایی تزیین شده است. دیوار ته تالار پوشیده از تابلوهای کوچکی در اندازه‌های مساوی است و هر کدام منظره خاصی را نشان می‌دهد. حاشیه دور این تابلوها به اشکال زیبا با آیینه و منشور تزیین شده است. دو دیوار جنبی نیز آیینه‌کاری است و دو گوبلن زیبا ـ تاجگذاری فون و پیروزی ونوس ـ هر دو هدیه لویی فیلیپ به محمدشاه روی آن دیوارها آویزان است. ایرانی‌ها با بی‌پروایی تمام هر دوی این پرده‌ها را «کار غیرقابل تقلید بافندگان هنرمند خوی» می‌دانند.

پوشش سقف تالار نیز تماماً بلورکاری است و در زوایای بین سقف و دیوارها با بریده آیینه‌ها به طرز بسیار زیبایی اشکال جالبی خلق کرده‌اند. اگرچه شکوه بیش از حد این قصر تا اندازه‌ای وحشی به نظر می‌رسد ولی واقعاً خیره‌کننده است و به حق عالی‌ترین نمونه هنر تزیینی مدرن ایران را فقط در این تالار می‌شود تماشا کرد.

دو اتاق کوچک به این تالار وسیع راه دارد. روکش دیوار اتاق‌ها نیز از مرمر یزد است.

تصاویر گل و شاخ و برگ را روی آن کنده و با رنگ‌های سبز و طلایی این نقوش برجسته را مشخص‌تر و چشمگیرتر کرده‌اند. دیوارهای اتاق‌ها نیز پر از تابلوهای کوچکی از مناظر و تصاویر زنان اروپایی و ایرانی است و دور همه آنها با آیینه‌کاری قاب گرفته شده است. در این اتاق‌ها همچنین عکس‌های تمام قد امپراتور اتریش، تزار [روس] و شاه دیده می‌شود. البته تصویر امپراتور اتریش کار با ارزشی است.

بعد از تماشای ستایش‌انگیز شمس‌العماره که چندین بار با تکرار کلمات «خیلی خوب!» احساس شخصی خود را درباره شکوه و زیبایی کم نظیر آن ابراز نمودیم، از راهرویی که بالای سر در آن پیروزی رستم را بر دیو سفید در اندازه بزرگ نقاشی کرده‌اند، ارگ را ترک گفتیم، ولی باز هم قسمت‌هایی از کاخ مانده بود که ما آنها را ندیدیم، مثلاً اندرون که گمان نمی‌کنم تا به حال پای هیچ اروپایی به داخل آن باز شده باشد.

مدرسه شاه در همان سال جلوس ناصرالدین شاه به تخت سلطنت احداث گردید، ایرانی‌ها با آب و تاب تمام به آنجا دارالفنون می‌گویند. پنجره کلاس‌ها به باغ زیبایی باز می‌شود. مدرسه دارای یک اتاق مخصوص برای مبانی علم فیزیک و یک کتابخانه با تعداد نسبتاً زیادی کتاب‌های اروپایی است. تالار نمایش آن منحصراً برای اجرای کنسرت اختصاص دارد. در چند ماه اول تأسیس دارالفنون علاقه‌مندان اروپایی و ایرانی چند نمایشنامه فرانسوی و حتی ایرانی را در این سالن روی صحنه آوردند ولی متأسفانه این بدعت جدید و زیر پا گذاشتن آداب و سنن قدیمی به روحانیان سخت گران آمد و بر اثر اقدامات آنان اجرای نمایش موقوف و آینده این هنر با خطر جدی مواجه گردید.

درس‌های مقدماتی دارالفنون عبارت است از آموزش زبان‌های فارسی، ترکی و عربی و در کلاس‌های بالاتر هندسه و جبر، استخراج معادن، جغرافی، پزشکی اروپایی و ایرانی، فنون اردوکشی و نحوه نشانه‌گیری با توپ. هر شاگردی موظف است از زبان‌های خارجه، یعنی انگلیسی، فرانسه، آلمانی یا روسی یکی را یاد بگیرد، ولی درس نقاشی اختیاری است، با وجود این ایرانی‌ها به یاد گرفتن این رشته تمایل زیادی نشان می‌دهند.

میان آنهایی که در این کلاس‌ها تدریس می‌کنند، بعضی‌ها واقعاً ممتاز و در رشته خود شاخص‌اند: یکی از استادان، ده سال در پاریس زندگی کرده است و تقریباً یک فرانسوی کامل العیار به شمار می‌رود و در نقاشی آبرنگ مهارت تامی دارد.

منظور نویسنده میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نطنزی، استاد کمال‌الملک است که در سال ۱۲۷۵ هـ.ق از طرف ناصرالدین شاه برای تکمیل تحصیلات به فرانسه فرستاده شد و بعد از مراجعت، استاد نقاشی و زبان فرانسه دارالفنون بودم. او در میان تمامی آثار خود تابلوی رنگ و روغنی «ملک مقرب سن میشل در حال پیروزی بر ابلیس» را و همچنین تابلوی «حضرت مریم روی کرسی» را که آن را در رم از روی تابلوهای معروفی کشیده است، بیشتر می‌پسندد.

هر شاگردی صرف‌نظر از دینی که دارد ـ البته به استثنای یهودی‌ها در این مدرسه پذیرفته می‌شوند و از بدو ورود چون از طرف شاه ماهانه‌یی به آنان تعلق می‌گیرد بلافاصله مانند کارمندان دولت لباس متحدالشکل مخصوصی می‌پوشند. رئیس دارالفنون از اینکه تأسیسات مختلف آنجا را به خارجیان نشان بدهد قلباً لذت می‌برد و اداره چنین مؤسسه‌ای را برای خود افتخار بزرگی می‌داند.

دو روزنامه تهران به نام‌های ایران و اطلاع در دفتر همین مدرسه نوشته می‌شود و در چاپخانه (باسمه‌خانه) سلطنتی به چاپ می‌رسد.

اشتراک شدن به روزنامه ایران ـ روزنامه رسمی دولت ـ برای کلیه کارمندان اجباری است. شاه که در نوشتن به سبک کاملاً کلاسیک فارسی؛ یعنی به زبان دری داعیه‌ای دارد، گاهی همکاری با این روزنامه را حق مسلم خود می‌داند. شرح دو سفر مشارالیه به اروپا ـ قبل از اینکه به صورت مدون چاپ شود، اول بار به طور پاورقی در این روزنامه منتشر شده است. مقالاتی که به قلم اعلیحضرت نوشته شده، به سهولت قابل تشخیص است، چون در این مقالات به جای کلمات عربی، بیش‌تر از معادل لغات فارسی آنها استفاده شده است. البته چنین تعصبی کار نوشتن را مشکل می‌کند زیرا در زبان فعلی فارسی از هر ده لغت چهار لغت ریشه عربی دارد.

روزنامه ایران از لحاظ داشتن اخبار خارجی غنی است؛ ضمناً از طریق این روزنامه مردم تهران در جریان انتصابات جدید، سفرهای شاهانه، و ضرب شستی که شاه در شکار از خود نشان داده است، قرار می‌گیرند. اما نقش عمده این روزنامه عبارت است از اینکه احترام موهوم و خرافه مانند را درباره کلیه سلاطین ـ که به زعم مندرجات آن همگی بی‌عیب و نقص و حتی فناناپذیرند ـ در ذهن خوانندگان القا کند. خبر درگذشت ناپلئون سوم سه سال بعد به اطلاع مردم رسید و پایان غم‌انگیز زندگی امپراتور روسیه نیز ـ که بعد از ناصرالدین شاه مقتدرترین سلطان سراسر جهان بود ـ برای مشترکین این روزنامه رسمی به صورت راز اسرارآمیزی مدت‌ها سرپوشیده ماند.

آن عده از اروپایی‌ها و ایرانیانی که زبان انگلیسی می‌دانند، می‌توانند مشترک فارن پیپرز شده و هر روز اوراق جداگانه‌ای را که مدیر آژانس تلگراف هند ـ اروپایی اخبار مخابره شده از لندن را در آنها چاپ می‌کند، دریافت کنند و در جریان اخبار دنیا قرار گیرند، از این طریق هر کسی در ایران می‌تواند از حوادث سیاسی و اخبار مهم دنیا بیست و چهار ساعت بعد از انتشار اولین شماره روزنامه تایمز اطلاع حاصل کند. روزنامه اطلاع بیشتر جنبه علمی دارد. سردبیر آن صنیع‌الدوله عضو رسمی انجمن جغرافیایی کشور فرانسه از این که به چند زبان تسلط کامل دارد و دانشمند کمی‌نظیری به شمار می‌آید، سخت به خود می‌بالد. از حق نباید گذشت دانش این شخص حتی اگر در مقیاس اروپایی هم ارزیابی شود، ارزنده و قابل احترام است. این محقق برجسته علاقه دارد در روزنامه خود بحث‌های مفصل و مشروح علمی را ـ که در آنها کلمات فنی لاتین، آلمانی و فرانسه داخل پرانتز و معادل فارسی آنها در مقابل هر کلمه چاپ می‌شود ـ منتشر کند.

مقاله‌ای از دکتر ملاصالحی/ ۲

از آتن تا حکمت اسلامی

انتصاب آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای به ریاست بنیاد ایران شناسی برای بسیاری از باستان شناسان ومیراثیان کشورکه با اندیشه‌ها ونظرات وتوجه ایشان به دانش باستان شناسی بطورکلی ودانش باستان شناسی درایران ومسئولیت خطیری که باستان شناسان ایرانی بطور اخص درمعرفی وصیانت از مواریث مدنی ومعنوی کشور برشانه گرفته اند؛ آشنایی نزدیک تروشناخت عمیق تردارند دلگرم کننده وامید بخش بود.مدیرمسئول وسردبیرمجله باستان پژوهی آقای شهرام زارع نیزطی یادداشتی کوتاه امّا مفید ومصوّردریکی ازصفحات آغازین مجله، خبرآنرا به اطلاع میراثیان وباستان شناسان میهن رساندند.

درمیان خاطرات فراوان بجای مانده ازسال‌های همکاری با بنیاد چند خاطره از سلسله ی آن نشست‌ها وهمکاری‌ها برایم برجستگی بیشترداشته و آموزنده نیزبوده است.خاطره نخست آنکه دریازدهمین و دوازدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرای شیرازی که اول وچهاردهم خردادماه ۱۳۸۷درشیراز برگزارمی شد بنده نیز مشارکت داشتم.

موضوع سخن بنده پیرامون معماری تخت جمشید ومناسبت آن با معماری حکمت متعالی صدرای شیرازی بود.درآن ساعات جلسه دوست فاضل وگرانمایه آقای دکترسلیمان حشمت مدیریت می کردند.درپایان سخنرانی یادداشتی به بنده دادند که ریاست محترم بنیاد درآن تاکید فرموده بودند به دلیل اهمیت موضوع به ایشان فرصت داده شود تا دقایقی بیشتربه سخنرانی ادامه دهند.

پس از اختتام سخنرانی‌ها به اتفاق شرکت کنندگان در همایش درمعیّت ریاست محترم بنیاد به مقصد تخت جمشید برای بازدید با اتوبوس حرکت کردیم.وقتی وارد فضای ویرانه‌های بجای مانده از مجموعه عظیم معماری تخت جمشید شدیم دقت و نحوه نگاه استادان فلسفه خاصه ریاست محترم بنیاد که هم درکسوت یک روحانی وعالم شیعه درآنجا حضورداشتند هم آن که بعنوان اصحاب فکر و فلسفه از مجموعه تخت جمشید باز دید میکردند برای بنده حائز اهمیت بسیاربود.با دقت ومراقبت به ایشان نگاه می‌کردم وبا آشنایی که ازافکاروآثارایشان داشتم وتوجه جدی که به دانش باستان شناسی و دستاوردهای باستان‌شناسان بویژه باستان‌شناسان کشورداشتند می‌توانستم گمان بزنم وحس کنم درآن لحظه‌ها دربازدید ازویرانه‌ها وآثارمعماری بجای مانده ازتاریخ وتمدنی مهم وتاثیرگزاربرتاریخ جهانی درذهنشان چه می گذرد و چه چیزی را مرورمی کنند: بازخوانی و مرور ایرانی که بعنوان یک ملت صاحب کتاب وآئین یکتاپرستی به میدان آمده بود و خورشید تاریخ نبوی اش از مرزهای شرقی طلوع کرده بود وافتتاح شده بود. ایرانی که با حکمت متعالی مغان گام درآوردگاه تاریخ به مقیاس جهانی نهاده بود ومرزهای تاریخ بسته قومی وقبیله‌ای وعشیره‌ای را درنوردیده بود.

ایرانی که دیوارچین نساخته بود لیکن همه اقوام وملل رابه اتحادیه جهانی خویش فراخوانده بود.ایرانی که با پیام‌های اخلاقی ومتعالی نبوی زرتشت گام درمیدان وآوردگاه تاریخ نهاده بود ومذموم وسنگین ترین گناه، دروغ یعنی خیانت به انسان درآموزه‌های نبوی اش آمده بود.

درکناراستاد گرانمایه و فاضل فکروفلسفه آقای دکترمجتهدی ایستاده بودم که با لحنی آرام به بنده فرمودند چقدرتاریخ ناپایداراست! واقعاً چنین است هرآنچه صدف است وپوسته شکستنی وناپایداروتاریخی رفتنیست وهرآنچه هسته است وگوهر،فراترازتاریخ وفراسوی زمان تاریخی ایستاده است. نظام‌ها وقدرت‌های سیاسی یکی از پی هم می‌آیند ومی روند وچونان صدف می‌شکنند لیکن درهسته تاریخ وحضورتاریخی انسان درجهان گوهری نامریی ونهان هم است وهم هست که متضمّن پیوستگی ووحدت پیکرواراستمرارتاریخ وحضورتاریخی انسان درجهان است. همه تاریخ آدمی وتاریخمندی انسان جلوه‌ای وتصویری واستعاره‌ای ازآن گوهرپایداروبنیادین است.حال هرنامی که می‌خواهید براین گوهربگذارید: «لوکوس جاودانه» «وجود» الوهیت یگانه «نیروانا»، «برهما»، «اسم الله» وقس علی هذا.

دربازدید از ویرانه‌های تخت جمشید تامّل ودقت استادان فلسفه برایم هم جالب وهم تحسین برانگیزبود.با آنها آسان ترمی شد از فضای معنوی معماری تخت جمشید سخن گفت.فضایی که به هرکسی رخصت وفرصت وامکان حضورزیرسقف معماری متعالی وشکوه اجلالی خود را نمی‌دهد.

معماری تخت جمشید تنها مجموعه‌ای ازستون‌های سنگی خوش فرم وهندسی تراشیده شده که وزین وسنگین ومتین واستواربسوی سقف‌های بلند سربرکشیده‌اند وتالارهای بزرگ را برشانه خود گرفته و مسقف می‌کنند؛ نیست. معماری تخت جمشید برشانه کیهانی از ارزش‌ها وباورها وآموزه‌ها وهندسه وحکمت وخرد متعالی بنیادپذیرفته است.ترکیب پیکروارعناصرواجزاء معماری تخت جمشید که همه اقوام وملل امپراطوری درآن سهم ومشارکت خاص خود راداشته‌اند برغم تنوع ورنگارنگی شان آن چنان مدیریت ومهندسی شده وهنرمندانه وحدت پیکرواپذیرفته‌اند که طوماریک روح وذایقه واحد را که همان روح وذایقه هنری وزیباشناختی متعالی وجلالی فرهنگ ومدنیت ومعنویت ایرانی درعصر وعهد نبوی وبغایت سرنوشت سازهخامنشی درتاریخ ملت ومهین مااست دربرابرما می گسترند.گوهراین روح معتالی وحکمت وخرد ایرانیان باستان هرچند بارها سردرحجاب فروبرده وچهره درنقاب کشیده است لیکن هیچگاه



ازمیان نرفته ویک هزاره ونیم سپستردر دولت اسلام وقرآن قوّت واقتدارخویش را بیش پیش برصحنه می‌آورد وبه منصّه ظهور می‌نهد.

معماری تخت جمشید یک بنای شاهی و کاخی وشاهانه به معنای متعارف به مانند بسیاری از کاخ‌های دیگرکه برای هرزگی‌های شاهانه بنیاد می‌پذیرند نبود.یک کاخ– معبد نیز به معنای رایج ومتعارف نیزنبود. بیش وپیش ازهمه خانه نمایندگان اقوام وملل امپراطوری هخامنشی بود که هرساله زیرسقف بلند آن هم برای انجام مراسم نوروزی هم طرح نظرات خود بارمی‌یافتند.شاه هخامنشی می‌بایست هم به صفات ستوده و نیک «دلاوری وجنگاوری»، «دادگری ورادمردی»، «راستگویی ودرستکرداری»، «هوشمندی وخردورزی» «فرزانگی و فرهمندی»، «دینداری ودولتداری»، «سلامت تن وصحت جان وروان ورفتار» آراسته باشدهم به پیراستگی ازصفات بد درمیان مردمان شهره باشد. رهبری که افلاطون درتمنّای آن برای آتنیان بود.

خاطره مهم دیگرومیراث بجای مانده در حافظه‌ام ازنشست‌های بنیاد درپژوهشکده حکمت مرتبط می‌شود با مآثر ومواریث فرهنگی میهن ما وستمی که برمیراثیان درآن زمان می‌رفت وجفایی که به مواریث مدنی ومعنوی کشورمی‌شد. دریکی ازشب‌هایی که نشست سالانه خانه حکمت با ابتکار وحضورریاست محترم بنیاد ومشارکت استادان بنام واصحاب فلسفه کشور درپژوهشکده برگزارمی شد دوست وهمکارمحترم آقای دکترصّراف نیزازخانواده باستان شناسان کشوردرآن نشست حضورداشتند. بنده وایشان فرصت را مفید، موّثرومغتنم شمرده از تصمیمات نابخردانه وخسارت باررئیس وقت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور که اینک به اتهام خیانت وسوء استفاده ازکرسی رفیع مدیریت سازمان زندانی اعمال خویش است و دربند قوّه قضائیه حاضران درنشست را مطلّع و آگاه کرده و درباره پیامدها وتبعات منفی و آسیب‌های خطرناک چنین رفتارها و تصمیمگیری‌های ناموجه ونابخردانه که هم به اقتدار وانسجام ووحدت ملی واعتبارمدنی ومعنوی ملت ومیهن ما آسیب می‌رساندهم مواریث مدنی‌معنوی‌کشوررادرمعرض‌مخاطرات‌وویرانی‌های جدی قرارمی دهد توضیحات ضروری ومکفی ارائه شد.حضاردرجلسه با اظهارتاّسف وتاّثرازجفایی که برمیراث ومیراثیان رفته بود به اجماع ابرازتمایل کردند نامه‌ای به مقام رهبری نوشته شود.تدوین فحوای نامه به این قلم سپرده شد. نامه درروزهایی که پیش رو بود آماده شد وبه دوست وهمکارعزیزآقای شهرام زارع مدیرمسئول و سردبیرمجله باستان پژوهی که بیش از همه سرمایه جوانی خویش را به پای دانش باستان شناسی وصیانت از مواریث فرهنگی کشور ریخته وهزینه کرده‌اند پیشنهاد شد بنده را دراخذ امضاء ازاساتید فلسفه و تاریخ و جامعه باستان شناسی کشور همراهی کنند. ایشان نیز به مانند همیشه با همت وگشاده رو وگشاده دست چنین کردند.نامه مجهّزبه امضای اصحاب فکروفلسفه و قلم ودانش ودانایی کشور به دست مبارک ریاست محترم بنیاد رسید وایشان نیزبزرگواری و عنایت فرمودند و شخصاً نامه را تقدیم مقام رهبری کردند.

پژوهشکده باستان شناسی پس ازتحمّل خسارات جبران ناپذیر و سخت وسنگین ومفقود شدن بسیاری از اسناد بی بدیل سازمان که محصول خرمنی ازپژوهش‌های میدانی بیش ازنیم قرن هیات‌های باستان شناسی ایرانی وانیرانی بود وازکف دادن ساختمان مسعودیه سرانجام از شیراز به تهران باز گردانده شد.

باستان شناسان میهن ما حمایت‌های مشفقانه و آگاهانه ریاست محترم بنیاد را درتوسعه دانش و دستاوردهای باستان شناسی کشور پاس وگرامی داشته وارج می‌نهند. بازدید ایشان با شماری ازپژوهشگران بنیاد ایرانشناسی نه تنها بعنوان ریاست بنیاد بلکه بیش از همه درکسوت روحانیت و اصحاب حکمت و فلسفه از محوطه‌ای که چندین متر زیرگام‌های شهروندان تهرانی باستان‌شناسان جوان کشوردر منطقه وبافت تاریخی جنوب پایتخت –شهرتهران درچهار راه مولوی کاویده وکشف کرده بودند و رشته تاریخ تهرانشهر را تاهفت هزاره وچه بسا از این نیزبیش به هزاره‌های پیش از تاریخی پیوند می‌دهد برای جامعه باستان شناسی ومیراثیان کشوربسیاردلپذیرودلگرم کننده وامیدبخش بود.

تهران–یک پایتخت شهر معمولی درمیان بسیاری ازپایتخت–شهرهای معاصرروزگار ما به مانند کویت سیتی ودبی ومنامه وریاض وپیازنیست. درکمترازدوسده پایتختی اش دوسلسله وجامعه یکی سنتی عصرقاجاری ودیگری تجربه سلسله وجامعه متجدّد گرای عصری پهلوی را ازسرگذرانده واینک سه دهه ونیم است که تجربه زلزله انقلابی عظیم را درقلب خاورمیانه نبوی وباستانی وحادثه خیزو سخت تاثیرگذاربرتاریخ وفرهنگ جهانی درسه‌هزاره‌ازسرمی گذراند.بافت‌های تاریخی تهران‌سوای‌زیبایی،تناسب، هماهنگی وخوش فرم وشکیل وچشم نوازبودن معماری ومواد ومصالح بومی ومرغوبی که درساختن آن‌ها معماران ومهندسان ایرانی هوشمندانه ازآن‌ها استفاده کرده‌اند طوماری ازرویدادهای تاریخی جامعه معاصرملت ومیهن ما را دربرابر بیننده می گسترند. هربنایی ازاین منظرکتابی سه‌بعدی وحجمی وکالبدی شده‌تاریخیست.کاش‌مدیریت‌هاومسئولان‌شهرداری پایتخت– شهر تهران هم اهمیت تاریخی وفرهنگی ومدنی ومعنوی این بافت‌ها را درمی یافتند ودرمرمت وصیانت واحیایشان کمرهمت می‌بستند وازآسیب رساندن وتخریبشان دربازارمکاره سود وسودا پرهیزمیکردند هم از کاوش‌ها وکشفیاتی که باستان شناسان‌باهمت‌وجوان‌وخوشفکرمیهن‌مازیرگام‌های شهروندان تهرانی درچهارراه مولوی درقلب منطقه‌ای که مهمترین بافت‌های تاریخی شهرتهران درآن قرارگرفته است حمایت می‌کردند ودربنیاد نهادن و ساختن موزه برای آثاربدست آمده درمنطقه و ایجاد «محوطه – موزه» روی لایه‌های حفاری شده سرمایه می‌ریختند. ازمدیریت محترم پژوهشکده میراث فرهنگی انتظارمی رود ازمنظری باستان شناسانه تروبا توجهی جدی‌تر وفهمی عمیق‌تر وهمتی والاتر و گشاده دستی وگشاده رویی بیشتربا هیاتی که سرمایه عمرش را هزینه کاوش وکشفی این چنین مهم کرده همکاری کند ویاریشان دهد. اگرتپه باستانی چشمه علی درشهرری،امروزکاویده‌وجراحی‌وکشف‌می‌شد تردید نداشته باشند بمانند گذشته بدون تمهیدات حفاظتی پس از کاوش رهایش نمی‌کردند وامروز ما یک «محوطه– موزه» مهم و عظیمی را از کاوش‌ها وکشفیات تپه چشمه علی پیش روداشتیم.

تصورمی کنم این گفته‌ها ونکته‌ها وروایت‌ها برای یک فکر فهیم وعقل منصف مکفی وبسنده‌است که به پذیرد بازدید ریاست محترم بنیاد ایرانشناسی هم درکسوت یک روحانی هم درکسوت اصحاب فکروفلسفه میهن ما ازمحوطه‌ای باستان شناختی که عقربه پیشینه تاریخی وفرهنگی پایتخت شهرتهران را تا هزاره‌های پیش ازتاریخی به عقب کشیده است تا چه میزان حائز اهمیت است ودلگرم کننده وامید بخش می‌تواند باشد.

ومن الله التوفیق

حکمت اله ملاصالحی

گذر از تهران؛ سفرنامه ارنست اورسل ـ ۵

خبر درگذشت ناپلئون، سه سال بعد

ترجمه: علی‌اصغر سعیدی

در کنار استخر بزرگی که دریاچه نامیده می‌شود، قایق‌های کوچک چرخ‌داری بسته شده‌اند که اختصاص به گردش و تفریح شاه و همسرانش روی آب دارند. در برابر این استخر، معروف‌ترین قصر ارگ ـ شمس‌العماره، یعنی خورشید قصرها ـ بنا شده است. نظیر تالار تخت‌خانه اینجا نیز اتاق بزرگ چهارگوشی است که به حیاط چهارگوشی در سطح بسیار پایین‌تر باز می‌شود.

پله‌های مرمری راهرو با مفرغ قدیمی ایران در نهایت زیبایی تزیین شده است. دیوار ته تالار پوشیده از تابلوهای کوچکی در اندازه‌های مساوی است و هر کدام منظره خاصی را نشان می‌دهد. حاشیه دور این تابلوها به اشکال زیبا با آینه و منشور تزیین شده است. دو دیوار جنبی نیز آینه‌کاری است و دو گوبلن زیبا ـ تاجگذاری فون و پیروزی ونوس ـ هر دو هدیه لویی فیلیپ به محمدشاه روی آن دیوارها آویزان است. ایرانی‌ها با بی‌پروایی تمام هر دوی این پرده‌ها را «کار غیرقابل تقلید بافندگان هنرمند خوی» می‌دانند.

پوشش سقف تالار نیز تماماً بلورکاری است و در زوایای بین سقف و دیوارها با بریده آینه‌ها به طرز بسیار زیبایی اشکال جالبی خلق کرده‌اند. اگرچه شکوه بیش از حد این قصر تا اندازه‌ای وحشی به نظر می‌رسد ولی واقعاً خیره‌کننده است و به حق عالی‌ترین نمونه هنر تزیینی مدرن ایران را فقط در این تالار می‌شود تماشا کرد.

دو اتاق کوچک به این تالار وسیع راه دارد. روکش دیوار اتاق‌ها نیز از مرمر یزد است.

تصاویر گل و شاخ و برگ را روی آن کنده و با رنگ‌های سبز و طلایی این نقوش برجسته را مشخص‌تر و چشمگیرتر کرده‌اند. دیوارهای اتاق‌ها نیز پر از تابلوهای کوچکی از مناظر و تصاویر زنان اروپایی و ایرانی است و دور همه آنها با آینه‌کاری قاب گرفته شده است. در این اتاق‌ها همچنین عکس‌های تمام قد امپراتور اتریش، تزار [روس] و شاه دیده می‌شود. البته تصویر امپراتور اتریش کار با ارزشی است.

بعد از تماشای ستایش‌انگیز شمس‌العماره که چندین بار با تکرار کلمات «خیلی خوب!» احساس شخصی خود را درباره شکوه و زیبایی کم نظیر آن ابراز نمودیم، از راهرویی که بالای سر در آن پیروزی رستم را بر دیو سفید در اندازه بزرگ نقاشی کرده‌اند، ارگ را ترک گفتیم، ولی باز هم قسمت‌هایی از کاخ مانده بود که ما آنها را ندیدیم، مثلاً اندرون که گمان نمی‌کنم تا به حال پای هیچ اروپایی به داخل آن باز شده باشد.

مدرسه شاه در همان سال جلوس ناصرالدین شاه به تخت سلطنت احداث گردید، ایرانی‌ها با آب و تاب تمام به آنجا دارالفنون می‌گویند. پنجره کلاس‌ها به باغ زیبایی باز می‌شود. مدرسه دارای یک اتاق مخصوص برای مبانی علم فیزیک و یک کتابخانه با تعداد نسبتاً زیادی کتاب‌های اروپایی است. تالار نمایش آن منحصراً برای اجرای کنسرت اختصاص دارد. در چند ماه اول تأسیس دارالفنون علاقه‌مندان اروپایی و ایرانی چند نمایشنامه فرانسوی و حتی ایرانی را در این سالن روی صحنه آوردند ولی متأسفانه این بدعت جدید و زیر پا گذاشتن آداب و سنن قدیمی به روحانیان سخت گران آمد و بر اثر اقدامات آنان اجرای نمایش موقوف و آینده این هنر با خطر جدی مواجه گردید.

درس‌های مقدماتی دارالفنون عبارت است از آموزش زبان‌های فارسی، ترکی و عربی و در کلاس‌های بالاتر هندسه و جبر، استخراج معادن، جغرافی، پزشکی اروپایی و ایرانی، فنون اردوکشی و نحوه نشانه‌گیری با توپ. هر شاگردی موظف است از زبان‌های خارجه، یعنی انگلیسی، فرانسه، آلمانی یا روسی یکی را یاد بگیرد، ولی درس نقاشی اختیاری است، با وجود این ایرانی‌ها به یاد گرفتن این رشته تمایل زیادی نشان می‌دهند.

میان آنهایی که در این کلاس‌ها تدریس می‌کنند، بعضی‌ها واقعاً ممتاز و در رشته خود شاخص‌اند: یکی از استادان، ده سال در پاریس زندگی کرده است و تقریباً یک فرانسوی کامل العیار به شمار می‌رود و در نقاشی آبرنگ مهارت تامی دارد.

منظور نویسنده میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نطنزی، استاد کمال‌الملک است که در سال ۱۲۷۵ هـ.ق از طرف ناصرالدین شاه برای تکمیل تحصیلات به فرانسه فرستاده شد و بعد از مراجعت، استاد نقاشی و زبان فرانسه دارالفنون بودم. او در میان تمامی آثار خود تابلوی رنگ و روغنی «ملک مقرب سن میشل در حال پیروزی بر ابلیس» را و همچنین تابلوی «حضرت مریم روی کرسی» را که آن را در رم از روی تابلوهای معروفی کشیده است، بیشتر می‌پسندد.

هر شاگردی صرف‌نظر از دینی که دارد ـ البته به استثنای یهودی‌ها در این مدرسه پذیرفته می‌شوند و از بدو ورود چون از طرف شاه ماهانه‌یی به آنان تعلق می‌گیرد بلافاصله مانند کارمندان دولت لباس متحدالشکل مخصوصی می‌پوشند. رئیس دارالفنون از اینکه تأسیسات مختلف آنجا را به خارجیان نشان بدهد قلباً لذت می‌برد و اداره چنین مؤسسه‌ای را برای خود افتخار بزرگی می‌داند.

دو روزنامه تهران به نام‌های ایران و اطلاع در دفتر همین مدرسه نوشته می‌شود و در چاپخانه (باسمه‌خانه) سلطنتی به چاپ می‌رسد.

اشتراک شدن به روزنامه ایران ـ روزنامه رسمی دولت ـ برای کلیه کارمندان اجباری است. شاه که در نوشتن به سبک کاملاً کلاسیک فارسی؛ یعنی به زبان دری داعیه‌ای دارد، گاهی همکاری با این روزنامه را حق مسلم خود می‌داند. شرح دو سفر مشارالیه به اروپا ـ قبل از اینکه به صورت مدون چاپ شود، اول بار به طور پاورقی در این روزنامه منتشر شده است. مقالاتی که به قلم اعلیحضرت نوشته شده، به سهولت قابل تشخیص است، چون در این مقالات به جای کلمات عربی، بیش‌تر از معادل لغات فارسی آنها استفاده شده است. البته چنین تعصبی کار نوشتن را مشکل می‌کند زیرا در زبان فعلی فارسی از هر ده لغت چهار لغت ریشه عربی دارد.

روزنامه ایران از لحاظ داشتن اخبار خارجی غنی است؛ ضمناً از طریق این روزنامه مردم تهران در جریان انتصابات جدید، سفرهای شاهانه، و ضرب شستی که شاه در شکار از خود نشان داده است، قرار می‌گیرند. اما نقش عمده این روزنامه عبارت است از اینکه احترام موهوم و خرافه مانند را درباره کلیه سلاطین ـ که به زعم مندرجات آن همگی بی‌عیب و نقص و حتی فناناپذیرند ـ در ذهن خوانندگان القا کند. خبر درگذشت ناپلئون سوم سه سال بعد به اطلاع مردم رسید و پایان غم‌انگیز زندگی امپراتور روسیه نیز ـ که بعد از ناصرالدین شاه مقتدرترین سلطان سراسر جهان بود ـ برای مشترکین این روزنامه رسمی به صورت راز اسرارآمیزی مدت‌ها سرپوشیده ماند.

آن عده از اروپایی‌ها و ایرانیانی که زبان انگلیسی می‌دانند، می‌توانند مشترک فارن پیپرز شده و هر روز اوراق جداگانه‌ای را که مدیر آژانس تلگراف هند ـ اروپایی اخبار مخابره شده از لندن را در آنها چاپ می‌کند، دریافت کنند و در جریان اخبار دنیا قرار گیرند، از این طریق هر کسی در ایران می‌تواند از حوادث سیاسی و اخبار مهم دنیا بیست و چهار ساعت بعد از انتشار اولین شماره روزنامه تایمز اطلاع حاصل کند. روزنامه اطلاع بیشتر جنبه علمی دارد. سردبیر آن صنیع‌الدوله عضو رسمی انجمن جغرافیایی کشور فرانسه از این که به چند زبان تسلط کامل دارد و دانشمند کمی‌نظیری به شمار می‌آید، سخت به خود می‌بالد. از حق نباید گذشت دانش این شخص حتی اگر در مقیاس اروپایی هم ارزیابی شود، ارزنده و قابل احترام است. این محقق برجسته علاقه دارد در روزنامه خود بحث‌های مفصل و مشروح علمی را ـ که در آنها کلمات فنی لاتین، آلمانی و فرانسه داخل پرانتز و معادل فارسی آنها در مقابل هر کلمه چاپ می‌شود ـ منتشر کند.

داستان



نوشتن از کودکی

این داستان: تلویزیون ما

آرش تبریزی

سالها بعد وقتی مادر مرا بعد از مدتهای طولانی دوری و تحمل رنج غربت می‌دید و دردمند و شکوه‌آلود از من می‌خواست تا هر روز به تلویزیون بیایم تا او مرا ببیند، هرگز نتوانستم به او بگویم که با گفتن این حرف و این آرزوی صادقانه و این گفتار روشن، چه آتشی، در دل من شعله‌ور می‌کند. هرگز نتوانستم به مادرم و به هیچ کس دیگری بگویم که از شنیدن کلمه تلویزیون چه اتفاقی در وجود من می‌افتد و چه خاطرات تلخ و آزاردهنده‌ای در برابر چشمم مجسم می‌شود.

شاید هیچ یک از اعضای خانواده ما چیزی از آنچه را که در آن روزها میان ما و پدیده تلویزیون گذشت به خاطر نداشته باشند. اما آن تلویزیون قرمزرنگ سیاه و سفید و برفکی و سنگین و همیشه خراب در درون من حاضر است. اشتباه نکرده‌ام اگر بگویم آن تلویزیون بی‌دسته هنوز در درون من روشن است و هنوز خوب نشان نمی‌دهد و هنوز برفکی است و هنوز باید به تعمیرگاه برود و برگردد دوباره برگردد و هیچ کس این کار را انجام نمی‌دهد جز من که پسر خانواده هستم و بدتر از آن تلویزیون دوست دارم و می‌خواهم کارتن تماشا کنم و من در حالی که خودم ۳۰ کیلو وزن ندارم آن را برمی‌دارم، می گیرم بغلم و از راه‌هایی که هزاران بار رفته‌ام و آمده‌ام و حتی در تاریکی شب نیز چاله‌چوله‌هایش را ـ مثل کف دست می‌شناسم ـ می‌برم به تعمیرگاه تلویزیون: در تابستان و زمستان. در بهار و پاییز. شب و روز. جمعه و شنبه. تعطیل و غیرتعطیل. روزی نیست که تلویزیون کت و کلفت و چشم گول‌زن ما خوب کار کند. همیشه خدا ایرادی در کارش هست. هرکس که به ظاهرش نگاه می‌کند و مانیتور بزرگ و مدورش را می‌بیند که در قابی کاملاً قرمز و چشمگیر و خوشرنگ جا گرفته است، فکر می‌کند دستگاهی است که لنگه‌اش در ایران پیدا نمی‌شود و از آن تلویزیون‌هایی است که سفارشی می‌سازند برای ملکه انگلیس و سلطان عربستان و قابوس‌بن وشمگیر شاه عمان و یک عدد هم برای شاه ایران و حالا شاه رفته و تلویزیونش افتاده است دست ما.

بی‌اغراق، هر بار کسی آن را در کوچه و خیابان و حتی در تعمیرگاه دست من می‌دید، می‌پرسید: فروشی است؟ منتظر نمی‌ماندند که بگویم: آره یا نه، زود می گفتند: تلویزیون خیلی خوبیه. پدر آمرزیده‌ها هیچ از خودشان نمی‌پرسیدند که: اگر تلویزیون خوبی است و آنقدرها که آنها فکر می کنند مقامش متعالی است، دست من چه کار می‌کند؟ چرا همه‌اش در بغل من است که مثل حمال مفت هر روز در این کوچه‌ها و خیابانها، حتی در روزهای برفی و بارانی و سرد و بوران، می‌برم و می‌آورم و چرا همه‌اش در تعمیرگاه است و یک هفته یک هفته و ۱۰ روز ۱۰ روز کنار تلویزیون‌های بد در نوبت تعمیر و اصلاح باقی می‌ماند؟

تلویزیونی که نمی‌دانم کدام شیر پاک خورده‌ای با چه قیمتی آن را به پدرم قالب کرده بود، از بس که سنگین بود، برای من مایهٔ عذاب الیم بود. نمی‌دانم چقدر وزن داشت. فقط می‌دانم که اگر جعبه‌ای را با سنگ پر می‌کردند، برداشتنش آنقدر به کمر فشار نمی‌آورد تا من مجبور باشم بعد از برداشتنش هر ۵ دقیقه یک بار دنبال یک جای خوب برای گذاشتنش باشم تا کمری راست کنم و کمی بعد دوباره برش دارم تا به تعمیرگاه برسانم یا به منزل برسانم و بزنم به برق و سیم آنتن را به پشتش بچسبانم و باز بروم بالای پشت بام و مرتب آنتن را به این سو و آن سو بچرخانم تا پروین یا راحله بگویند: خوب است، خوب است دست نزن همانجور نگهش دار یا داد بزنند: خراب شد!

برای من کلمهٔ «تلویزیون» و «خراب» معادل هم هستند و در کنار هم قرار می‌گیرند، چون تلویزیون چاق و چله‌ای که در کودکی و نوجوانی من همچون گاوی مریض در خانه ما اتراق کرده بود و در ساحل بیچارگی شخص من لنگر انداخته بود، از سلامت بهره‌ای نداشت. خرابتر از آن بود که در سال و حتی در ماه چندین بار گذرش به دباغخانه نیفتد. هیچ وقت نفهمیدم و ندانستم مشکل از کجاست فقط یادم هست که به قول مادرم: تا مثل علف پول نخورد، نمایشش نمی‌آید!

حق دارم که از آن دستگاه نکبت نیز به عنوان یکی دیگر از نشانه‌ها و سمبل‌های بدبختی و تیره‌روزی خودم یاد کنم. حق دارم مرارتها و زحمت‌ها و مشقت‌هایی را که از کانال تلویزیون کشیده‌ام، برجسته کنم و همچون طوقی گردن آزار بر گردن کودکی بیندازم. از تلویزیونی حرف می‌زنم که هیچ وقت مایهٔ دلخوشی ما نشد و هیچ وقت در خانواده ما نقش مثبتی ایفا نکرد ولی همواره مایهٔ اعصاب خوردی و افسوس و اندوه و خودخوری بود.



گویا می‌دانست چه زمانی باید قفل شود و نشان ندهد. عجیب است که هر وقت جار می‌افتاد که امشب یا فردا فیلم خوبی پخش می‌شود یا فلان فیلم سینمایی جمعه پخش خواهد شد، دستگاه محیرالعقول و فوق باهوش ما مرض پیدا می‌کرد و لنگ می‌شد.

لنگی در مشتش بود. کافی بود تقی به توقی بخورد. همین که باد چپکی می‌وزید، حال تلویزیون ما ناخوش می‌شد و می‌رفت به کما! حکایتی داشت جعبهٔ سرخی که قرار بود تلویزیون باشد و هر روز ما را به سفری در اعماق یک قصه و یک داستان ببرد. ماهی نگذشت بر ما که خرجی روی دست‌مان نگذارد. نشد مدید مدتی که مرا به این تعمیرگاه و آن تعمیرگاه و چانه زدن بر سر زمان تعمیر و قیمت تعمیر نکشاند. بیشتر چانه‌های من بر سر زمان تعمیر بود، تا پول آن. پدرم درخصوص تلویزیون و تعمیر آن به طرز بی‌سابقه‌ای دست و دل بازی می‌کرد. اگر در شرایط معمولی بخاطر ۵ تومان ناقابل تلخی می‌کرد و اخم می‌کرد و دعوا می‌تراشید، وقتی بحث تلویزیون می‌شد، بی‌هیچ درنگی از هزار تومان هم مضایقه نداشت و خیلی راحت می‌داد و اگر تعمیر ۱۰ بار در سال هم تکرار می‌شد و ۱۰ برابر این پول هم لازم بود، راحت دست در جیب می‌کرد و اصلاً عین خیالش نبود. این موضوع را هم باید به حساب شگفتی‌های آن جعبهٔ جادو بگذارم. از تلویزیون همواره به عنوان جعبهٔ جادو یاد شده است. اگر دیگران در جادویی بودن این جعبه شک و تردید داشته باشند، من در جادویی بودن جعبه‌ای که داشتیم، هیچ شکی ندارم. چه جادویی از این بالاتر که یخ سختگیری و خست پدری چون اسد را شکسته بود و هرچقدر که می‌خواست هزینه و خرج می‌تراشید، آن هم برای چنان مردی که آهش همیشه از بی‌پولی و نداری بلند بود و با راننده و بقال و چگال و قصاب و میوه‌فروش بر سر ۱ تومان و ۲ تومان جدال همیشگی داشت؟

تاریخ

مقاله ای از دکتر حسن ابریشمی/ ۳

رستنی‌های تاریخ طبری



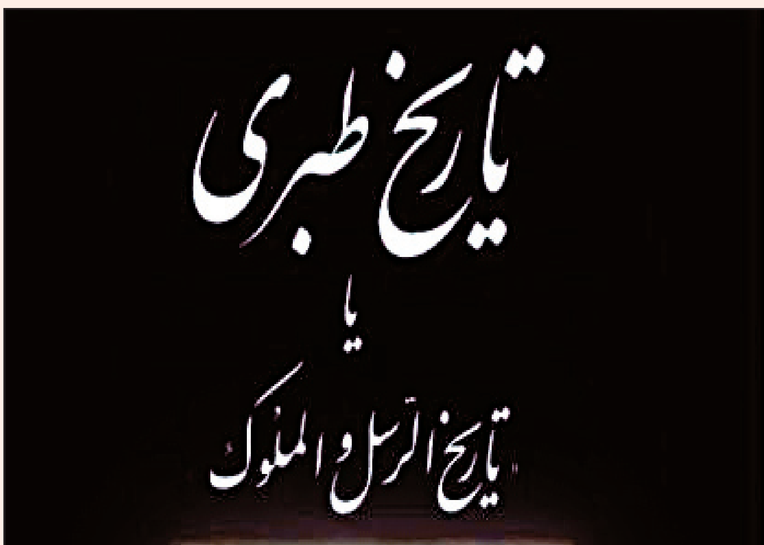
همان سان که گذشت، بلعمی «درخـــت مُورد» را از ارمغان‌های بهشتی فرستادهٔ خداوند بـــرای حضرت آدم برشمرده اســـت. بلعمی، در شرح «نبوت موسی علیه‌السلام» روایت دیگری نقل کرده است، و در آن بـــه تفاوت نظرهای گذشتگان دربارهٔ جنس چوب «عصای موسی» اشاره می‌کند. این روایت در تاریخ بلعمی و تاریخنامهٔ طبری با اختلافاتی اندک آمده است.[۳۲] که در اینجا شرح تاریخ بلعمی با اختصار نقل می‌شود:

... چون از شب لختی بشد، موسی علیه‌السلام از دور بر کنارهٔ کوه آتشـــی دید بر سر درختی... موسی عصا بر گرفت و برفت، چون به نزدیک رسید، آتشی دید بر سرِ درختی، نه بر زمین؛ ایدون گوئید که آن درخت «عوَسج» بود. و عوسج خاربنی بود بزرگ،[۳۳] همچند[به اندازهٔ] باخک[در تاریخنامهٔ طبری «ناحک»؛ این هر دو کلمه بی‌معنی است، و باید تصحیف «نمتک»: نوعی زالزالک یا دولانه باشد]؛[۳۴] و به خبر ایدون آمدست که از همه درختان بر زمین نخست درخت عوسج رُست؛ و نخستین چیزی که از بهشت آمد بر زمین، و امروز او را همی بینند، «حجر الاسود» است، و به «خانهٔ کوه» نهاده است. و گروهی گفتند که «عصای موسی» از این «درخت عوسج» بود، و گروهی گفتند از «درخت مورد» بود.

طبری از ابداعات و ابتکارات شـــهریاران پیشـــدادی را نقل کرده که با آنچه فردوسی در شاهنامه آورده است کم و بیش تفاوت‌هایی دارد. طبری از قول ابن ســـائب کلبی درباره او شهنگ (هوشنگ) دومین شهریار ایران، پس از کیومرث، می‌گوید: «اولین کسی بود که درخت برید، و بنا کرد...»؛[۳۵] همو، دربارهٔ طهمورث نوشته است: «اول کس بود که از پشم و موی پوشش و فرش گرفت» و اسب و ســـگ را اهلی کرد.[۳۶] طبری گفته‌های دانشوران پارسی دربارهٔ جمشید را نقل کرده است: «... صنعت شمشیر و سلاح را ابداع کرد و صنعت ابریشم و دیگر رستنی‌ها را یاد داد... بگفت تا ابریشم و پنبه و کتان دیگر رستنی‌ها را بریسند و ببافند»؛[۳۷] و دربارهٔ فریدون نقل می‌کند که «نخستین کسی بود که فیل اهلی کرد.» و تریاق (پادزهر) داشت.[۳۸]

فلفل هندوستان و زنجبیل طبرستان و...

ابوعلـــی محمدبلعمی، در شـــرح احوال «منوچهر» شـــهریار ایرانی از سلسلهٔ پیشدادی، براســـاس مندرجات تاریخ طبری، به جنگ‌های بین وی با «افراسیاب» فرمانروای ترکان تورانی و سرانجام به محاصره درآمدن منوچهر در طبرستان پرداخته که منجر به صلح و بستن پیمان بین آنان شده است. اما بلعمی نکات بیشتری از چگونگی مقاومت ده‌سالهٔ منوچهر در مقابل افراسیاب و سپاه عظیم ترکستان، طی دورهٔ محاصرهٔ شهر «آمل» مرکز (قصبه) طبرســـتان، نقل کرده که در تاریخ طبریٍ نیامده، و قطعاً مبتنی بر مآخذ قدیم‌تر، احتمالاً از عصر ساسانیان، بوده و خود بدان اشاره کرده است. از جملهٔ این نکات به شـــرایط اقلیمی و طبیعی «طبرستان» با بیشه‌ها و درختستان‌های انبوه، که «سپاه غریب آنجا حرب نتوانند کردن» و محاصرهٔ منوچهر «به شهری که نامش آمل است» یاد کرده و تصریح می‌کند: «به اخبار دیگر ایدون خواندم، بیرون از این کتاب[تاریخ الرسل و الملوک: تاریخ طبری]، به کتاب فضایل شهرها، اندر فضیلت شهر



آمل، که آن قصبه[مرکز حکومتی] طبرستان است»، و در پی آن به نعمت‌های انبوه و امکانات فراوان شهر آمل از جمیع جهات «از خوردنی از طعام و میوه و شراب، و از دیگ ابزار[: ادویه]، دانه‌ها، شکر و فانید[: شکر ســـرخ، نبات]، و بخور و...» اشاره کرده و افزوده است: «... و اندر شهر چیزهایی بود از جامه‌ها و گلیم‌های الوان که اندر هیچ شهر نبود، و اسپرغم‌ها[رســـتنی‌ها و میوه‌های خوشبوی] و ریاحین چون ترنج[:اُترج] و دیگر چیزها که همی افراسیاب را هدیه فرستاد...» بلعمی سپس امکانات و نعمات فراوان و محصولات و فراورده‌های طبیعی و تولیدی در عرصهٔ شهر تسخیرناپذیر «آمل» را برمی‌شمارد، چیزهایی که موجبات مقاومت طولانی منوچهر در مقابل افراسیاب و سپاه ترکان تورانی فراهم آورده است. او در ادامه به نکات جالب‌تری اشاره کرده است؛ از آن جمله به فقدان وجود فلفل در شهر آمل سخن می‌گوید که از هند می‌آورده‌اند، و در ضمن از ضـــرورت مصرف فلفل در اقلیم مرطوب مازندران طی ادوار کهن سخن می‌گوید، و از تدبیر دانشمندان عصر منوچهر که «زنجیل» را، در دوران ده‌ســـالهٔ محاصره شهر آمل توسط افراسیاب، جایگزین «فلفل» کرده‌اند یاد کرده است. گیاه «زنجبیل» یا به قول بلعمی «تَرَه»، از رستنی‌ها و مزروعات بومی شده سرزمین طبرستان به حساب می‌آمده که به عنوان دیگ‌افزار به جای فلفل هندی در عصر منوچهر مورد اســـتفاده قرار گرفته، و تا روزگار بلعمی (قرن چهارم) استمرار داشته است. همان‌سان که گذشت، اینِ مطالب در تاریخ طبری نیامده، و بلعمی نیز تلویحاً یادآوری می‌شود که این نکات را در کتاب دیگری خوانده است:

... وایـــدون خواندم اندر کتاب[شـــاید «خداینامک»] که منوچهر را به ده سال اندر[محاصره] از بیرون شهر[آمل] هیچ چیز نبایست، مگر «پلپل» که ایشان در دیگ‌ها کردندی؛ و از آن نشکیفتندی [:نابردبار بودند]، که فلفل رطوبت را ببرد. و آن شهر بر لب دریاست و هواش با رطوبت است و این «فلفل» از زمین «هندوستان» برند آنجا[آمل] و به همهٔ جهان. پس منوچهر حکما را گِرد کرد و گفت: «این کار پلپل را چه حیلت کنید که بدین هوای شهر اندر ازو چاره نیست؟». حکما، منوچهر را، گفتند ایدر یکی «تره» است که «زنجبیل» خوانند، بفرمای تا آن را در دیگ‌ها کنند به جای «فلفل». منوچهر شاد شد، و آن «تره» را به جای «فلفل» کار بستند و تا امروز[قـــرن چهارم هجری، روزگار بلعمی] آن «تره» همچنان اســـت[تاریخنامهٔ طبری «آنجا هســـت»]. و منوچهر را از بیرون آن شهر[به هیچ چیز]، نیاز نبود... اکنون بدین کتاب[تاریخ طبری] اندر محمدبن جریر، ایدون گوید که صلحشان بر آن شرط بود که حدی بنهند میان زمین ترک[توران] و آنِ عجم[ایران]، هر چه از سوی ترکستان است مَلِکَ ترک را بود، و هر چه این سوی عجم است منِوچهر را بود...[۳۹]

زعفران

زعفران ارزشـــمندترین محصول زراعی، و محبوب‌ترین ادویهٔ جهانی، با جاذبه‌های سه‌گانهٔ طبیعی: رنـــگ زیبا، رایحه و طعمی دلپذیر، و نیز خواص و خصوصیات کم‌نظیر، از رستنی‌های بومی دامنه‌های زاگرس در نواحی همدان و کرمانشاه،[۴۰] با پیشینهٔ تاریخی بسیار طولانی جایگاه والایی در فرهنگ و فلاحت، طب و داروشناسی و تغذیه ایرانی دارد.[۴۱] بدان سان که در شمار مواد مصرفی روزانه در بار هخامنشیان ثبت شده و با اهمیت بوده است.[۴۲] جاذبه‌های جادویی و جاودانهٔ این رستنی گران‌قدر و قیمت موجب شـــده بود که توجه و علاقهٔ اعراب دوران باستان را برانگیزد، بعد از اسلام نیز با شدت بیشتری استمرار پیدا کند. در تاریخ طبری و نیز تاریخنامه طبری از مصارف مختلف زعفران دوران جاهلی اعراب و پس از آن تا قرن چهارم، به مناسبت‌هایی سخن رفته است.

گل بسیار زیبای زعفران، با سه کاسبرگ و گلبرگ بنفش رنگ مایل به آبی، و ســـه پرچم زردرنگ کوتاه و کلاله (استیگمات) سه شاخه با رنگ قرمز تند، به‌وسیله سوخ یا پیاز گیاه کشت و تکثیر می‌شود. تنها همان کلالهٔ سه شاخه به عنوان «زعفران» مصارف مختلف غذایی، دارویی، و نیز غیرخوراکی دارد. ایرانیان از دیرباز تا به امروز از خواص و خصوصیات گوناگون زعفران استفاده کرده و به دیگر اقوام و ملل انتقال داده‌اند. طبری که خود اهل ناحیهٔ زعفران خیز طبرستان بوده، ضمن شرح وقایع، به برخی مصارف زعفران اشاره کرده است، که نمونه‌هایی از آن در مباحث پسین آمده است.

زعفران و خلوق به عنوان عطر و بخور

عطر و بخورســـازی در دربار هخامنشیان برعهده چهارده نفر متخصص خبره بوده و در عصر ساسانیان از زعفران به عنوانَ عطر و بخور استفاده می‌شده است.[۴۳] عرب‌ها نیز که در قلمرو فرهنگی و سیاسی ساسانیان بودند، به پیروی از سنت‌های ایرانی از زعفران به عنوان عطر استفاده می‌کردند، به این ترتیب که محلول زعفران و مواد معطر دیگر چون «گلاب» را درون تشت‌های سفالین کم‌عمق با سطح زیاد می‌ریختند و به هنگام جشن و عروسی و مجالس بزم تشت را درون چادر می‌گذاشتند و با تبخیر تدریجی مایع زعفران و مواد معطر، که به آن «خَلوق» می‌گفتند،[۴۴] رایحه خوش زعفران در فضای خیمه می‌پیچد و نشاط و سرور جمع حاضران را مضاعف می‌کرد، چنانکه برابر روایت طبری، خلوق در جشن‌های عروسی بزرگان عرب، در ادوار باستان، مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

پی‌نویس‌ها:

۳۲. تاریخ بلعمـــی، ص ۳۸۰؛ تاریخنامهٔ طبری، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳۳. ابومنصور علی هروی در قرن چهارم می‌گوید: «عوســـج خاربن است» (الابنیه، ص ۲۳۴)، و به نوشتهٔ ابوعلی‌سینا: عوسج (دیوخار)، دیسقوریدوس می‌گوید: عوســـج درختی با شاخه‌های راست و خاردار است و ثمری چون توت دارد کـــه آن را می‌خورند» (قانون در طـــب، ج ۲، ص ۲۶۷). ابوریحان بیرونی در معرفی «عوسج» می‌گوید «... بر درخت او خارهای بسیار بود... درخت او بـــه درخت عناب خرد ماند، و میوهٔ او خرد باشد و در میان او دانه باشد چون دانهٔ[درون میوهٔ] انجیر و برگ او چرب و نرم باشد و دراز بود... و گفته‌اند عوسج نوعی است از درخت خار... و او عنب الثعلب است... [به سیستان] میوهٔ او را انگورک توره گویند، چون میوهٔ او رســـیده شود روباه او را بخورد... به سجزی دیوخار گویند، عوام پارســـیان سپید خار گویند» (صیدنه، ص ۴۹۸، شمارهٔ ۵۵۵)؛ انصاری شیرازی در اختیارات بدیعی (تألیف ۷۷۰) نوشته است: عوسج نوعی از علیق است و نوعی از عوسَج مغیلان (نسخهٔ خطی نگارنده، ذیل «عوسج»). صاحب تحفه حکیم مؤمن می‌گوید «عوسج قریب به درخت انار و پرخار... ثمرش به قدر نخودی مایل به طول و ســـرخ...» (ص ۶۱۵)، عقیلی خراسانی مطالبی مشابه نقل کرده است (مخزن الادویه، ۶۲۸).

۳۴. اســـدی طوسی نوشته است: نَمتُک... گویند زعرور باشد، به تازی (لغت فرس، به کوشش مرحوم عباس اقبال، ص ۲۹۶). مرحوم دهخدا به استناد دیگر نسخ لغت فرس و نیز تحفه الاحباب، صحاح الفرس، و فرهنگ جهانگیری و برهان قاطع و دیگر فرهنگ‌ها در تعریف «نمتک» از جمله نوشته است: «آلوج نیز گویند»، «زعرور بود یعنی کوژ»، «آلوچه»، «میوه‌ای است کوچک و ســـرخ که از درخت گیل روید»، «در خراسان علف شیران خوانند» و «آلوی وحشی»، «آلوچهٔ کوهی»، «آلوی جنگلی»، «گیل سرخ»، «آلوبالو»، «مثلث العجم»، «علف شیران» «تفاح البری»، «علف خرس» «دولانه» (لغت‌نامه، ذیل «نَمتُک».) اکنون در برخی از نواحی خراســـان و افغانستان و تاجیکستان واژگان گویشی «علف خرس» و «دولانه» برای نوعی زالزالک مصطلح است (ابریشمی، پستهٔ ایران، ص ۸۴، ۶۵۱).

۳۵. تاریخ طبری، ص ۱۱۱.

۳۶. همان، ص ۱۱۵.

۳۷. همان، ص ۱۱۸.

۳۸. همان، ص ۱۵۴.

۳۹. تاریخ بلعمـــی، ص ۲۴۶–۲۴۷؛ تاریخنامهٔ طبری، ج ۱، ص ۲۵۳، ۲۵۴، با تفاوت‌هایی اندک.

۴۰. ابریشمی، زعفران از دیرباز، ص ۱۲۳، ۱۲۹ ذیل عناوین «همدان» و «کرمانشاه»

۴۱. همو، همان کتاب، ص ۲۳۹، ۳۳۶، ۴۳۹، ۴۷۱، ۵۶۱، ذیل عناوین: مصارف خوراکی، غیرخوراکی، طب و داروشناسی، باورهای عامه، زراعت و...

۴۲. همو، همان کتاب، ص ۲۴۳، زعفران مصرفی روزانهٔ دربار هخامنشی ۲مین (هرمین ۴۹۸ گرم) بوده و شاه هر روز ۱۵۰۰۰ نفر را غذا می‌داده است.

۴۳. همو، همان کتاب، ص ۲۰۴–۲۷۶.

۴۴. در منابـــع لغت و نیز متـــون کهن طب و داروشناسی عربی و فارســـی بیش از پنجاه نام برای زعفران آورر‌ده‌اند. (ابریشمی، همان کتاب، ص ۱۸–۳۵)، از آن جمله در اختیارات بدیعی و نیز تحفهٔ حکیم مؤمن برای کلمهٔ عربی «خَلوُق» معنی «زعفران» آمده، و مرحوم دهخدا «خلوق») را قسمی بوی خوش معنی کرده که قسمت اعظم آن زعفران است (ابریشمی، همان کتاب، ص ۲۲) ذیل «خَلُوق». اسدی طوسی (وفات ۴۶۵) گفته است:«بزرگان همه راه با کوس و بوق/ فشانان به طشت آب مشک و خلوق» (گرشاسب‌نامه، ص ۴۳۱)



تاریخ

بقیه از صفحه اول

مادر دانا کند فرزند دانا تربیت

خاوری که مادر روزها بود



از جمله وجود نسخه‌های خطی قرآن و منبر و محراب نفیس نهصدساله‌ای که اکنون در موزه متروپولیتن آمریکا نگهداری می‌شود. لهجه مردمان ندوشن با هیچ یک از این استانهای همجوارش یگانگی ندارد وهنوز تعدادی کلمات کهن فارســـی دری در آن دیده می‌شود. تل ها مثل های حکیمانه قدیمی در آنجا بسیار رائج اســـت و آثاربرخی از آداب و رسوم ایرانیان باستان نیز در این ناحیه می توان سراغ گرفت. روی هم رفتـــه مهجوریت جغرافیایی اش نوعی دست نخوردگی فرهنگی واجتماعی برایش فراهم ساخته است. کشاورزی در آنجا همچون سایر نقاط کم آب مرکزی ایران چندان پر رونق نیست اما چون از مراتع و بیابان‌های سبز و پر علوفه‌ای برخور دار است.دامداری در آن جا همواره درآمد زا بوده است و فراورده‌های لبنی آنجا بخصوص ماست و پنیر ندوشن از شهرت بسیاری برخوردار گردیده است.

در گذشته عمده گله داران و یا مالکین زمین‌های کشاورزی را طبقه‌ای از اعیان و یا ارباب‌ها تشکیل می‌دادند و عده بیشـــتری از مردم هم که تمکنی برخوردار نبودند معمولاً چوپانی و یا رعیتی اشتغال داشتند در ندوشن مالکین را «خان» هم می گفتند که بنظر می‌رسد ناشی از سکونت یک سلسله از خوانین یزد از جمله خوانین احمدی که از بستگان و اعقاب خان‌های یزدی بودند و سهمی از موقوفات باغ دولت آباد داشتند، باشد.

خانواده دکتر اســـلامی ندوشن نیز در زمره مالکین محسوب می‌شدند هر چند اجداد پدری و مادری وی هر دو در زی روحانیت بودند.جد پدری وی مرحوم حاجی آخوند ملقب به «شیخ‌الاسلام» که احتمالاً نام خانوادگی «اسلامی» نیز بر گرفته از این عنوان است هرگز به کسوت و اشتغال روحانی بصورت دائمی در نیامده بود و بیشتر به دهقانی و احیاناً رمه داری می‌پرداخته است.نیای مادری وی نیز که عنوان «امام جمعه» داشته است معاش خود را از برزگـــری و خرده مالکی می گذرانده و یکی از فرزندان او نیز که دایی دکتر اسلامی محسوب می‌شدطبیب معروفی بود ملقب به «لقمان‌السلطنه» که در تهران مسئول امور مشیر الممالک مستوفی و وزیر یزد در تهران شناخته می‌شد.

بـــرای مالکین صیانت از حـــق مالکیت و بهره برداری از آنها اهمیت زیادی داشت و هرگونه سهل انگاری و بی توجهی می‌توانست بتدریج آنها را به طبقه نادارها و رعایا منتقل کند و فقر و مسکنت دامنه داری را برایشان بوجود آورد و لذا فرزندان پسر خانواده باید برای حفظ و اداره ثروت خانوادگی به خوبی تربیت می‌شدند و اگر همچون دکتر اسلامی یگانه فرزند پسر بودند که اهمیت موضوع دو چندان می‌شد. بویژه آنکه پدر خانواده به سبب بیماری در همان دوران کودکی این «یگانه پسر» از دنیا می‌رود و او باید چراغ خانه را با حضور پررنگ خود روشن نگه داشته و از همان کودکی راه و رسم زندگی را به نیکی بیاموزد و خود را آماده اداره زندگی خاندان خود کند.بدان معنی که به قدر کافی خود را هوشیار و جربزه دار نشـــان دهد که املاک خانوادگی را صیانت و مدیریت کند و بلکه بر آن بیفزاید و از دست اندازی دیگران به اموال خود جلوگیری کند و جذبه‌ای داشته باشد که دیگران آبرومندی و حرمت خانوادگی را خدشه دار نکنند.

حال در نظر بگیرید در چنین شرایط و اوضاع و احوال، یک مادر که باید چنین انتظاراتی از پسر خود در سر داشته باشد و او را در همان جا به گونه‌ای تربیت کند که حافظ مال و موقعیت خانوادگی اش باشـــد بر خلاف روش معهود و معمول مردمان آن روزگار که چندان هنوز قدر تحصیل دانش را نمی‌شناختند و برای فرزندانشان تجربه اندوزی در حفظ دارایی‌های اجدادی را از درس خواندن در دیار غربت که هنوز چندان روشن نبود که به چه کار می‌آید!واجب‌تر می‌شمرند با پیشنهاد و اصرار شوهر خواهر دکتر اسلامی مرحوم حاجی وکیلی، مادر وی که در عین وابستگی به سنت‌های خانوادگی و نگرانی‌های فراوانش، از قدرت «توکل آهنین» برخور دار بود.با فرستادن نوجوان کم سن و سال خود به شهر موافقت می‌کند و به همه آن آرزوها و سنت‌های محلی در بیش از ۸۰ سال پیش در یک قریه مهجور که کمتر کسی با فضای تعلیمات جدید آشنایی دارد پشت پا می‌زند و فرزندش را بعنوان پیش قراول دانش آموزی علوم جدید در آن دیار راهی شهر یزد می‌کند.در حالیکه در آن خانه هیچ یک از امکانات ارتباطی امروزی هم وجود نداشت و باید حداقل ۹ ماه را در بی خبری از او سپری کند تا با پایان گرفتن سال تحصیلی به خانواده باز گردد.

دکتر اسلامی به زیبایی این لحظه تاریخ ساز زندگی اش را در «روزها» تصویر کرده اســـت:«در این لحظه مادرم قرآنی پیش آورد، روی زمین گذارد و گفت دورش بگردم.من هفت بار، دور قرآن گشتم و بعد به تعلیم مادر، رو به قبله زانو زدم و آن را بوسیدم.آنگاه بود که مادرم غرق اشک جلو آمد و گفت: «مادر، حالا بیا تا من دور تو بگردم» و شروع کرد به گردیدن.با همه خودداریها، آنچه اجتناب ناپذیر بود شد، و همه ما به گریه افتادیم. من دست به کمر مادر انداختم و زانویش را بوسیدم و خیلی سریع در میان اشـــک‌ها خداحافظی کردم.گفت: «مادر، برو، تو را به خدا سپردم»این «تو را به خدا سپردم» بی اندازه محکم و اطمینان‌آمیز بود.مانند آنکه کسی سنگی را به کوهی بسپارد». (اسلامی ندوشن،همان،ص ۲۸۸)

اسلامی ندوشن در جاهای دیگری از روزها نیز به فراخور موضـــوع به دقت نظر مادرش در زندگی اشـــاره‌هایی دارد که حکایت از صلابت و اســـتواری این زن مدیر و مقاوم می‌کند. او تا پایان یافتن تحصیلات فرزندش در یزد و تهران و پاریس که سالیانی به طول انجامید در ندوشن ماند و خود به تنهایی املاک مزروعی‌شان را اداره کرد و هزینه‌های تحصیل فرزندش را تأمین نمود و غم غربت و فراق جدایی تنها پسرش را هرگز به روی او نیاورد و تا زمانیکه فرزند به استقلال کامل دست یافت از هرگونه حمایت و همراهی اش در رسیدن به اهداف زندگی مضایقه نکرد و آنگاه که دیگر محمد علی جوانش را در قامت نویسنده توانا و اســـتاد ممتاز دانشگاه تهران در صدر دانشوران این کشـــور دید. دل از همه املاک و مستغلات خود شست و به نزد فرزندش رفت تا در کنار او همچنان معین و غمخوارش بماند. گذشتن از خود و از تعین‌ها و تعلقات زمانه، شجاعت و درایت شیر زنانه ایی که عطوفت و مهر مادرانه را مقهور خود ساخته و توکل آهنین به خداوند باعث شد که جوانان تحصیل کـــرده فراوانی در آن روز در خانه فرهنگ حاجی بی بی خاور بر گرد فرزندش حلقه بزنند و راه و نام پرآوازه او را موجب مباهات و ســـعادتمندی خود بشناسند.در آن روز با خود فکر می‌کردم که نقش بی بی خاور در گشـــایش این راه که به فرهنگ پـــروری و دانش محوری جوانان این منطقه انجامیده و ندوشن را بواسطه دانش آموختگان فراوانش به یکی از مناطق استعداد پرور و قطب‌های فرهنگی یزد بدل ساخته است چقدر بوده است؟ بی‌شک بذر تدبیر وتوکل او بود که امروز به بار نشســـته بود. یادش زنده و نامش همواره بر خانه فرهنگ ندوشن پاینده باد.

در پایان که قدری از نقش این مادر فداکار در زندگی فرزند نام آورش به شرح مختصر آوردم نابجا نمی‌بینم که یادی هم از مادر مهربان و از خود گذشته خود نیز داشته باشم که در بیان دکتر اسلامی به روزگار تحصیل او در یزد که دچار سوختگی پا شده بود و از خانواده خود هم دور بود مادرم به پرستاری او مشغول شد و چون فرزندان خود او را تیمار می‌داشت. در «روزها» چنین آمده است: « او نگهداری مرا مانند فرزند خود بر عهده گرفت. یکی از آن نمونه زن‌های نجیب و فداکار بود که هرگز سیمای شـــیرینش را به هنگامی که روی من خم می‌شـــد و از من مراقبت می‌کرد از یاد نمی‌برم.افسوس که جوانمرگ شد و من که از یزد دور افتادم هرگز نتوانستم چنانکه باید از لطف او قدر شناســـی کنم ؛ از آن لطف‌هایی که بی پاسخ می‌مانند و به همین سبب زیبایی روح بشر در آنها بهتر منعکس می گردد... او با حجب و شکیبایی و لطفی که خاص زن‌های شهرستانی آن زمان بود و دیگر نظیرش باز نخواهد گشت ازمن پرستاری می‌کرد.» (اسلامی ندوشن،همان، ص ۱۱۵)

خواستم در اینجا با ذکر این جملات ازکتاب مستطاب روزها، مراتب سپاس خود نیز از این ذکر خیر و حسن نظر نویسنده روزها نسبت به مادرم نیز در نگذشته باشم. روان درگذشتگان شاد وعمر صاحب روزها دراز باد.

زبانزد/ زهرا فراهانی



من آنم که من دانم

* ملاحت برای اوّل پس فصاحت
* ملاّ شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل!
* ملامت دوستان بِهْ که شماتت دشمنان
* ملاّ ملاّ، از سرِ نو بسم‌الله
* ملاّ نصرالدینَ از الاغش افتاد پایین، گفت: همین جا خواستم پیاده بشوم!
* ملاّ نصرالدین است خرِ سواریش را حساب نمی‌کند.
* مُلاّ نصرالدین است، سرِ شاخه نشسته بیخش را ارّه می‌کند
* ملاّ نصرالدین است، صد دینار می‌گیرد سنگ اخته می‌کند و یک عباسی می‌دهد حمّام می‌رود!
* مُلانصرالدین کار نداشت جوال‌دوز به خودش می‌زد و فریاد می‌کشید.
* ملاّ و حکیم و صوفی و دانشمند/ این جمله شدی و لیک آدم نشدی
* مُلاّیی به عبا و دستار نیست
* ملخ زد کِشت دهقان را که می‌ترسید از ژاله
* ملک خدَا تنگ نیست، پای غریب لنگ نیست
* ملک ویران گشته را اندیشهٔ تاراج نیست
* من آقا، تو آقا، خر راکی ببره به صحرا؟
* من آن گدای سمج مبرم کنایه نفهم
گرم برانی از این در درآیم از در دیگر
* من آن لحظه بیاسایم که یک لحظه نیاسایم.
* من آنم که آقا محمد خان قلعه شوشـــی را گرفت.
* من آنم که رستم بود پهلوان!
* من آنم که ضحاک را کاوه کشت.
* من آنم که من دانم.
* مناره بلند در دامنه الوند پست نماید.
* مناره را مردم می‌ســـازند فیسش را لک‌لک می‌کند!
* من از آســـمان می گویم، تو از ریسمان جوابم می‌دهی؟
* من از آسیاب آمده‌ام، کلاه تو آردی است؟
* من از آسیا می‌آیم تو گردآلودی؟
* من از آسیا می‌آیم، تو می گویی پستا نیست؟
* من از بغداد می‌آیم، تو تازی می گویی؟
* من از بهر حسین در اضطرابم
تو از عباس می گویی جوابم!
* من از روییدن خار سر دیوار دانستم
که ناکس کس نمی گردد از این بالانشینی‌ها
* من این جا یک تن و یک شهر دشمن.
* من برای تو، تو برای کی؟
* منبر و دار را از یک درخت می‌سازند
* من به تو روا داشته‌ام خر و خربار، تو به من روا نمی‌داری گوشه جوال؟
* من به چشـــم یار از آن خوارم که ارزان یافته است.
* من به فرمان دلم، کی دل به فرمان من است.
* من بیر کیشی، تو بیر کیشی.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۳۵۵ (برابر با ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۹۶، ۱۳ آوریل ۱۹۷۶) نقل شده است.

طرح احداث اتوبان تهران ـ لشگرک تهیه شد

طرح احداث اتوبان تهران به لشـــگرک تهیه، و در اختیار سازمان برنامه و بودجه گذاشته شد.

براســـاس این طرح یک اتوبان به طول بیش از ۲۰ کیلومتر، از دوراهی اراج به لشگرک کشیده می‌شود.

این اتوبان در عین حال قطعـــه اول اتوبان تهران ـ چالوس از طریق لشگرک نیز خواهد بود.

ســـاختمان اتوبان تهران ـ لشگرک در سال جاری شروع می‌شـــود و احتمالاً از سال آینده قطعات دیگر اتوبان تهران ـ چالوس نیز از طریق شمشـــک شروع خواهد شد.

طرحی که در این زمینه تهیه شده تهران را از طریق شمشک و گاجره به گچسر و از گچسر به چالوس مرتبط می‌کند.

بیوک و کادیلاک در ایران ساخته می‌شود

بانک مرکزی ایران فهرســـت اقلامی از تعرفه‌های مقررات صادرات و واردات سال جاری را که احتیاج به کسب موافقت قبلی دارد، برای اطلاع کارخانجات سازنده، واردکننده لوازم یدکی به بانک‌های کشور اعلام کرد.

در فهرست بانک مرکزی ایران، در مورد اتومبیل‌های سواری که در ایران ساخته می‌شود به نام «بیوک» نیز برای اولین بار برده شده است. با این ترتیب باید در انتظار بود که اتومبیل بیوک نیز به زودی در ایران ساخته شود.

اتومبیل‌های سواری دیگری که در حال حاضر در داخل ساخته می‌شود شامل پیکان ـ لندرور ـ شورلت جیپ و سیتروئن می‌باشد و اتومبیل‌هایی که مقدمات ساخت آنها فراهم شده شامل آونجر (هیلمن) ـ کادیلاک و رنو می‌باشد.

تیم ملی فوتبال جوانان ایران انتخاب شد

تیم ملی فوتبال جوانان، دیروز پس از آخرین تمرین خود در امجدیه برای حضـــور در هجدهمین دوره مسابقات قهرمانی فوتبال جوانان آسیا که از ۳شنبه هفته آینده در بانکوک پایتخت تایلند برگزار می‌شود برگزیده شد.

حشمت مهاجرانی مربی تیم ملی فوتبال جوانان، با انتخاب ۱۷ بازیکن ثابت، دو بازیکن را به عنوان آزمایش مجدد تا روز پنجشنبه «فردا» در اردوگاه خواهد داشت.

حمید ملک احمدی ـ اسماعیل معمم «دروازه‌بانان».

اصغر صدری، پیروانی، محمد جانفدا، حبیب خبیری و باغدیک عابدیان «دفاع»

طاهر موســـوی، بهتاش فریبا، ابراهیم قاسمپور، مسلم خانی و محمد زادمهر «هافبک».

حمید مجد تیموری، محمد خادم پیر، حسین فرکی، مجید بشکار و حمید علیدوستی «فوروارد»

تأسیس بانک رفاه کارمندان پیشنهاد شد

مجموع کمک‌های غیرنقدی دولت به کارمندان، که برای هر کارمند ۲۰۰ ریال است، سالیانه از ۷۵۰ میلیون تومان تجاوز نمی‌کند. این مبلغ برای اغلب کارمندان آنقدر ناچیز است که دریافت و عدم دریافت آن تأثیری چندان در زندگیشان ندارد. یک نماینده مجلس ـ دکتر محمد ستاری ـ با توجه به این نکات پیشنهاد کرد همین مبلغ را سرمایه اولیه بانکی به نام «بانک رفاه کارمندان دولت» کنند و این سرمایه به نسبت مبلغی که به هر کارمند می‌رسد در زمره سهام او درآید و این کار همه ساله تکرار شود تا هم بانکی با سرمایه‌ای عظیم به منظور پرداخت وام‌های رفاهی به کارمندان تأسیس شود و هم کارمند در زمره ســـهامداران بانک درآمده و از سرمایه اولیه آن استفاده کند.

از ۱۲ر۴۲ به پائین سرباز عادی می‌شوند

مشمولان دیپلمه سراسر کشـــور که در شهریور گذشته فارغ‌التحصیل شده‌اند، و نیز مشمولان دیپلمه فارغ‌التحصیل سنوات قبل از غیبت داشته‌اند، لیک جزو این مشمولان در اســـفندماه گذشته ثبت نام شدند در صورتی که معدل کل دیپلمشان کمتر از ۱۲ر۴۲ باشد، سرباز عادی می‌شوند.

یک مقام وظیفه عمومی ضمن تایید این مطلب به خبرنگار اطلاعات گفت: امسال مشمولان دیپلمه در دو نوبت به خدمت اعزام خواهند شد. اولین گروه دارندگان معدل ده تا ۱۲ر۴۲ هستند که روز بیستم اردیبهشت به خدمت می‌روند گروه‌های بعد در روزهای ۲۱ـ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ماه و بقیه مشمولان در مردادماه سال جاری به خدمت اعزام خواهند شد.

قاب امروز



در ورودی مسجد حاجتگاه ابیانه با قدمت چندصد ساله ـ عکس از داوود عزیزی

سرایه

آتش به جانم افکند، شوق لقای دلدار
از دست رفت صبرم، ای ناقه! پای بردار
ای ساربان! خدا را! پیوسته متصل ساز
ایوار را به شبگیر، شـــبگیر را به ایوار
در کیش عشقبازان، راحت روا نباشد
ای دیده اشک می‌ریز، ای سینه باش افگار
ما عاشقان مستیم، ســـر را ز پا ندانیم
این نکته‌ها بگیرید، بر مردمان هشیار
در راه عشق اگر سر، بر جای پا نهادیم
بر ما مگیر نکته، ما را ز دســـت مگذار
در فال ما نیاید جز عاشـــقی و مستی
در کار ما بهائی کرد اســـتخاره صد بار

شیخ بهایی

امروز در تاریخ

استقراض برای تامین هزینه تاجگذاری!

۲۵ فروردین ۱۲۹۳ خورشـــیدی در تهران اعلام شد که دولت در صدد اســـتقراض یکصد هزار لیره از بانک انگلستان با بهره متعارف است تا در تاریخ معین (سی ام تیرماه) که سلطان احمد شاه به سن قانونی خواهد رسید، مراسم تاجگذاری رسمی وی را برگزار کند!!.

سلطان احمد شـــاه تا سال ۱۳۰۴ سلطنت کرد و پس از حذف قاجارها از سلطنت، در پاریس درگذشت.

تاسیس شرکت نفت انگلستان و ایران

۱۴ اپریل سال ۱۹۰۹ و ده ماه و ۱۸ روز پس از رسیدن نخستین چاه در مسجد ســـلیمان به نفت، شرکت نفت انگلستان و ایران برپایه امتیازنامه «دارسی» تاسیس و در لندن به ثبت داده شد. این چاه ۲۶ ماه می ۱۹۰۸ در عمق ۴۰۰ متری به نفت رسیده بود و متعاقب آن دو چاه دیگر.

وضع مالیات بر خودرو در ایران

برقراری مالیات بر وسائط نقلیه در ایران به اقتباس از آمریکا و اروپا که ۱۲ فروردین ۱۳۰۹ به تصویب رسیده بود ۲۵ فروردین برای اجرا به ادارات مربوط ابلاغ شـــد. طبق این ضوابط، مالیات سالانه یک اتومبیل ۱۲۰ تومان بود که در آن زمان پولی چشـــمگیر بود. به علاوه، هنگام شماره گذاری و دریافت کارت مشخصات اتومبیل باید مبلغی (به نام اجرت کارمندان) پرداخت می شـــد. این مقررات در بیشتر کشورها به همین صورت ادامه دارد.

اعدام قاتل احمد دهقان

۲۵ فروردین ۱۳۳۰ حســـن جعفری کارمند شرکت نفت انگلستان که به جرم قتل احمد دهقان به مرگ محکوم شده بود اعدام شد. وی ششم خرداد سال ۱۳۲۹ در دفتر تماشاخانه تهران در خیابان لاله زار احمد دهقان نماینده مجلس، ناشر مجله تهران مصور و صاحب تماشاخانه تهران را کشته بود. انگیزه قتل به درستی اعلام نشد!.

ناآرامی در اصفهان در فروردین ۱۳۳۰

۲۵ فروردین ۱۳۳۰ به سبب بروز ناآرامی در اصفهان و مخالفت اصفهانی ها با ادامه نخســـت وزیری حسین علاء، در این شـــهر حکومت نظامی اعلام شد. با وجود این، ناآرامی های اصفهان تا روی کار آمدن دکتر مصدق ادامه یافت. در اصفهان هواداری از دکتر مصدق بیش از شهرهای دیگر کشور بود.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۴۱۱۳

غلامحسین باغبان

اثری از علامه دهخدا
از القاب حضرت علی (ع)
ن
سخن غیرمنظوم
نیتروژن
دل آزار کهنه
سپاه
پول فلزی
توان تصمیم گیری
روابط دیپلماتیک
ا
عامل سلامتی و اعتماد به نفس
فلز پرمصرف
درخت مناطق خشک
یکی یکی
خانه بزرگ
پارچه براق
ا
نقش هنرپیشه
بله انگلیسی
سلسله فراعنه
واحد نظامی
مقابل حضور
خطاب بی‌ادبانه
غ
علاج
آشیانه
از حروف یونانی
کمان
از حالات ماده
سردار اشکانی
الفبای موسیقی
استخوان بالای گلو
گرداگرد
نامی پسرانه
ثروت
پ
هنر هفتم
به مقصد رسیده

حـل ۴۱۱۲

سـودوکـو ۱۶۰۰

۶					۵		۴	
	۴	۱	۶	۳				
۲		۵			۱			
		۳	۵	۱				
		۹				۵		
				۹	۷	۸		
			۷			۱		۹
				۸	۶	۴	۵	
	۵		۴					۶

۸	۳	۲	۹	۷	۱	۴	۶	۵
۴	۶	۵	۸	۳	۲	۹	۷	۱
۹	۷	۱	۴	۶	۵	۸	۳	۲
۲	۸	۳	۱	۵	۹	۷	۴	۶
۷	۹	۴	۲	۸	۶	۱	۵	۳
۱	۵	۶	۳	۴	۷	۲	۸	۹
۶	۲	۸	۷	۱	۳	۵	۹	۴
۳	۴	۹	۵	۲	۸	۶	۱	۷
۵	۱	۷	۶	۹	۴	۳	۲	۸

حـل ۱۵۹۹